

جهاد با نفس

شیخ حر عاملی قدس سره

مترجم : علی افراسیابی

-فهرست-

★ مقدمه

(★ ابواب جهاد النفس و ما یناسبه)

(★ بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است.)

- 1★ باب وجوبه

- 1★ باب وجوب با نفس

- 2★ باب الفروض علی الجوارح وجوب القيام بها

- 2★ باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن واجبات

- 3★ باب جمله مما ینبغی القيام به من الحقوق الواجبه و المندوبه

- 3★ باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است

- 4★ باب استحباب ملازمه الصفات الحمیده و استغمالها و ذکر نبذه منها

- 4★ باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها

- 5★ باب استحباب التفکر فیما یوجب الاعتبار والعمل

- 5★ باب استحباب تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است

- 6★ باب استحباب التخلق بکمکارم الاخلاق و ذکر جمله منها

- 6★ باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو

- 7★ باب وجوب الیقین بالله فی الرزق و العمر و النفع و الضر

- 7★ باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر

- 8★ باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل

- 8★ باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن با جهل و نادانی

- 9★ باب وجوب غلبه العقل علی الشهوة و تخريم العکس

- 9★ باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

- 10 ⭐ باب وجوب الاعتصام بالله
- 10 ⭐ باب وجوب چنگ زدن به ريسمان الهی
- 11 ⭐ باب وجوب التوكل على الله و التفويض اليه
- 11 ⭐ باب وجوب توكل بر خدا و سپردن امور به سوى او
- 12 ⭐ باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله
- 12 ⭐ باب عدم جواز اميد و آرزو داشتن به غير خدا
- 13 ⭐ باب وجوب الجمع بين الخوف و الرجاء والعمل لما يزجو و يخاف
- 13 ⭐ باب وجوب جمع بين خوف و رجا وعمل کردن برای آنچه که به آن اميد يا بيم از آن دارد
- 14 ⭐ باب وجوب الخوف من الله
- 14 ⭐ باب وجوب ترس از خدا
- 15 ⭐ باب استحباب كثرة البكا من خشية الله
- 15 ⭐ باب استحباب زياد گريستن از خوف خدا
- 16 ⭐ باب وجوب حسن الظن بالله و تحريم سوء الظن به
- 16 ⭐ باب وجوب حسن ظن به خداوند و ترقيم بدگمانی نسبت به خدا
- 17 ⭐ باب استحباب دم النفس و تاديبها و مقتها
- 17 ⭐ باب استحباب نكوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس
- 18 ⭐ باب وجوب طاعة الله
- 18 ⭐ باب وجوب فرمانبرداري از خداوند
- 19 ⭐ باب وجوب الصبر على طاعة الله و الصبر عن معصية
- 19 ⭐ باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصيت خداوند
- 20 ⭐ باب وجوب تقوى الله
- 20 ⭐ باب وجوب رعايت تقواى الهی
- 21 ⭐ باب وجوب الورع
- 21 ⭐ باب وجوب پارسايی
- 22 ⭐ باب وجوب العفة
- 22 ⭐ باب وجوب پاکدامنی
- 23 ⭐ باب وجوب اجتناب المحارم
- 23 ⭐ باب وجوب خودداري از حرامها
- 24 ⭐ باب وجوب اداء الفرائض

- 24 ★ باب وجوب ادای واجبات
- 25 ★ باب استحباب الصبر فی جميع الامور
- 25 ★ باب استحباب صبر در تمامی کارها
- 26 ★ باب استحباب الحلم
- 26 ★ باب استحباب بردباری
- 27 ★ باب استحباب الرفق فی الامور
- 27 ★ باب استحباب مدارا نمودن در کارها
- 28 ★ باب استحباب التواضع
- 28 ★ باب استحباب فروتنی نمودن
- 29 ★ باب استحباب التواضع عند تجدد النعمه
- 29 ★ باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل می شود
- 30 ★ باب تاکد استحباب التواضع للعالم و المتعلم
- 30 ★ باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز
- 31 ★ باب استحباب التواضع فی الماکل و المشرب و نخوهما
- 31 ★ باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها
- 32 ★ باب وجوب ایثار رضا الله علی هوی النفس و تحریم العکس
- 32 ★ باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحریم پیروی از هوای

نفس

- 33 ★ باب وجوب تدبر العاقبه قبل العمل
- 33 ★ باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل
- 34 ★ باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس
- 34 ★ باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد
- 35 ★ باب انه یجب علی المومن ان یحب للمومنین ما یحب لنفسه و یکره لهم ما

یکره لها

- 35 ★ باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد
- 36 ★ باب استحباب اشتغال الانسان بعیب نفسه عن عیب الناس
- 36 ★ باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران پردازد به عیب خود مشغول باشد
- 37 ★ باب وجوب العدل

- 37 ★ باب وجوب عدالت
- 38 ★ باب انه لايجوز لمن وصف عدلا ان يخالفه الى غيره
- 38 ★ باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل کند
- 39 ★ باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر
- 39 ★ باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند
- 40 ★ باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنوب
- 40 ★ باب وجوب دوری نمودن از لغزشها و گناهان
- 41 ★ باب وجوب اجتناب المعاصي
- 41 ★ باب وجوب خودداری نمودن از گناهان
- 42 ★ باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه
- 42 ★ باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهای حرام
- 43 ★ باب وجوب اجتناب المحقرات من الذنوب
- 43 ★ باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند
- 44 ★ باب تحريم كفران نعمه الله
- 44 ★ باب تحريم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند
- 45 ★ باب وجوب اجتناب الكبائر
- 45 ★ باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره
- 46 ★ باب تعيين الكبائر التي يجب اجتنابها
- 46 ★ باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است
- 47 ★ باب صحة التوبه من الكبائر
- 47 ★ باب صحیح بودن توبه از گناهان کبیره
- 48 ★ باب تحريم الاصرار على الذنب و وجوب المبادرة بالتوبه و الاستغفار
- 48 ★ باب تحريم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار
- 49 ★ باب جمله مما ينبغي تزكك من الخصال المحرمه و المكروهه
- 49 ★ باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترك شوند
- 50 ★ باب تحريم طلب الرئاسة مع عدم الوثوق بالعدل
- 50 ★ باب تحريم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی
- 51 ★ باب استحباب لزوم المنزل غالبا مع التیان بحقوق الاخوان لمن يشق عليه اجتناب مفاسد العشره

- 51★ باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالباً در خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند
- 52★ باب تحریم اختال دنیا بالدين
- 52★ باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین
- 53★ باب وجوب تسکین الغضب عن فعل الحرام و ما یسکن به
- 53★ باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند
- 54★ باب وجوب ذکر الله عند الغضب
- 54★ باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم
- 55★ باب تحریم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغبطه
- 55★ باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطه
- 56★ باب جمله مما عفی عنه
- 56★ باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند
- 57★ باب تحریم التعصب علی غیر الحق
- 57★ باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق
- 58★ باب تحریم التکبر
- 58★ باب تحریم خود بزرگ بینی
- 59★ باب تحریم التجبر و التیه و الاختیال
- 59★ باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی
- 60★ باب حد التکبر و التجبر المحرمین
- 60★ باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام
- 61★ باب تحریم حب دنیا المحرمه و وجوب بعضها
- 61★ باب تحریم دوستی دنیا و وجوب دشمن داشتن دنیا
- 62★ باب استحباب الزهد فی دنیا و حد الزهد
- 62★ باب استحباب زاهدانه زندگی کردن در دنیا و حد زهد
- 63★ باب استحباب ترك ما زاد عن قدر الضروره من دنیا
- 63★ باب استحباب ترك نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه ضرورت است
- 65★ باب کراهه حب المال و الشرف
- 65★ باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی
- 66★ باب کراهه الضجر و الکسل

- 66★ باب کراهت بی قراری نمودن و سستی کردن
- 67★ باب کراهه الطمع
- 67★ باب کراهت طمع ورزیدن
- 68★ باب کراهه الخرق
- 68★ باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری)
- 69★ باب تحریم اساءه الخلق
- 69★ باب تحریم بد اخلاقی
- 70★ باب تحریم السفه و کون الانسان ممن یتقی شره
- 70★ باب تحریم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می

شود

- 71★ باب تحریم الفحش و وجوب حفظ الانسان
- 71★ باب تحریم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان
- 72★ باب تحریم البداء و عدم المبالاه بالقول
- 72★ باب تحریم هرزه گویی و بدون مبالات سخن گفتن
- 73★ باب تحریم القذف حتی للمشرك مع عدم الاطلاع
- 73★ باب تحریم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرك
- 74★ باب تحریم البغی
- 74★ باب تحریم تعدی و تجاوز
- 75★ باب کراهه الافتخار
- 75★ باب کراهت به خود بالیدن و مباهات کردن
- 76★ باب تحریم قسوه القلب
- 76★ باب تحریم قساوت قلب
- 77★ باب تحریم الظلم
- 77★ باب تحریم ظلم
- 78★ باب وجوب رد المظالم الی اهلها و اشتراط ذلك فی التوبه منها فان عجز
- 78★ باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و
- 78★ اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند
- 79★ باب اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الی الحق

- 79 - ★ باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند
- 80 - ★ باب تحریم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه عذره
- 80 - ★ باب تحریم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او
- 81 - ★ باب تحریم اتباع الهوی الذی یخالف الشرع
- 81 - ★ باب تحریم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است
- 82 - ★ باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب
- ★ باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه مستحق کیفر است
- 83 - ★ باب وجوب الندم علی الذنوب
- 83 - ★ باب وجوب پشیمانی بر گناهان
- 84 - ★ باب وجوب ستر الذنوب و تحریم التظاهر بها
- 84 - ★ باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحریم آشکارا گناه کردن
- 86 - ★ باب وجوب التوبه من جمیع الذنوب و العزم علی ترك العود ابدا
- 86 - ★ باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد
- 87 - ★ باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها
- 87 - ★ باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن
- 88 - ★ باب استحباب صوم الاربعاء و الخميس و الجمعة للتوبه و استحباب الغسل و الصلاه لها
- 88 - ★ باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه
- 89 - ★ باب جواز تجديد التوبه و صحتها مع الاتيان بشرائطها و ان تكرر نقضها
- 89 - ★ باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر چه شکستن آن توبه تکرار گردد
- 90 - ★ باب استحباب تذكر الذنب و الاستغفار منه كلما ذكره
- 90 - ★ باب استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به یاد آورد
- 91 - ★ باب استحباب انتهاز فرص الخير و المبادرة به عند الامكان
- 91 - ★ باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود

92 - باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل يوم و ليله من غير ذنب و وجوبه مع الذنب

92 - باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد

93 - باب صحه التوبه فی آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعاینه و کذا الاسلام

93 - باب صحیح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که جان به گلو رسیده باشد پیش از اینکه مرگ را به چشم ببیند و همچنین است اسلام آوردن

94 - باب استحباب الاستغفار فی السحر

94 - باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر

95 - باب انه يجب علی الانسان ان يتلافی فی يومه ما فرط فی امسه و لایوخر ذلك الی غده

95 - باب اینکه بر انسان واجب است که در روز آنچه را که در روز گذشته درباره آن کوتاهی کرده است تلافی کند و این کار را به فردا موکول نکند

96 - باب وجوب محاسبه النفس کل يوم و ملاحظتها و حمد الله علی الحسنات و تدارك السيئات

96 - باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکی ها و جبران نمودن بدیها

97 - باب وجوب زیاده التحفظ عند زیاده العمر خصوصا ابنا، الاربعین فصاعدا

97 - باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصا کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند

98 - باب وجوب عمل الحسنه بعد السینه

98 - باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه

ترجمه :

99 - باب صحه التوبه من المرتد

99 - باب صحیح بودن توبه شخص مرتد

100 - باب وجوب الاستغال بصالح الاعمال عنالاهل و المال

100 - باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال پردازد

101 - باب وجوب الحذر من عرض العمل علی الله و رسوله و الائمه علیه السلام

- 101 ✨ باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه
علیه السلام

مقدمه

به نام خدا

کتاب (جهاد النفس (مجموعه گرانسنگ حدیثی) وسائل الشیعه (در نزد عالمان اخلاق از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و آن پاك نهادان همواره تشنه کامان اخلاق اسلامی و سالکان طریق را به خواندن و عمل کردن به این کتاب شریف سفارش می نموده اند، این امر ما را بر آن داشت تا به ترجمه این کتاب که به حق) زنده کننده دلها (و) شناساننده راه نیکبختی (است همت گماریم.

ویژگیهای این اثر

- 1- از آنجا که این ترجمه برای استفاده عموم است از ذکر سلسله سند احادیث که مورد اعتنا و توجه خواص است ، خودداری گردیده است.
 - 2- احادیث با دقت فراوان اعراب گذاری و به صورت مسلسل شماره گذاری شده است.
 - 3- احادیث در يك طرف و در طرف مقابل دقیقاً ترجمه هر يك آورده شده به گونه ای که به ندرت ترجمه کلمه ای از حدیثی در صفحه بعد جای گرفته است.
 - 4- هیچ يك از احادیث کتاب حذف یا تقطیع نگردیده است و تنها در يك مورد از ذکر حدیثی که در همان باب از يك معصوم دوبار تکرار گردیده است خودداری شده است.
 - 5- آیاتی که در ضمن احادیث آورده شده با قلمی متمایز مشخص گردیده و نشانی هر آیه در زیر صفحه ذکر شده است.
- به امید آنکه این ترجمه مایه روشنی چشم دوستداران اهل بیت علیه السلام و شناخت بیشتر راه و تصحیح اعمال گردد، پدر و مادر مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

غرض نقشی است که کز ما جای ماند

که هستی را نمی بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت

کند در حق درویشان دعایی

قم ، بهار ۱۳۸۰

علی افراسیابی

(ابواب جهاد النفس و ما یناسبه)

(بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است .)

- 1باب وجوبه

- 1 باب وجوب با نفس

حدیث:

- 1 عن ابی عبد الله علیه السلام : ان النبی صلی الله علیه و آله : بعث سربہ فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاکبر. فقیل یا رسول الله : ما الجهاد الاکبر؟ قال : جهاد النفس .

ترجمه:

- 1 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عده ای را به جنگ فرستاد، چون از جنگ بازگشتند فرمود: آفرین به گروهی که پیکار کوچکتر را سپری کردند و پیکار بزرگتر بر عهده آنان به جای مانده است ، گفته شد: ای فرستاده خدا پیکار بزرگتر چیست ؟ فرمود پیکار با نفس.

حدیث:

- 2 قال ابو عبدالله علیه السلام : احمل نفسك لنفسك فان لم تفعل لم يحمك غيرك .

ترجمه:

- 2 امام صادق علیه السلام فرمود: نفست را به خاطر خودت به زحمت و مشقت بیانداز زیرا اگر چنین نکنی دیگری خودش را برای تو به زحمت نمی افکند.

حدیث:

- 3 قال ابو عبدالله علیه السلام لرجل : انك قد جعلت طبيب نفسك و بين لك الداء و عرفت آیه الصحه و دلت على الداء فانظر كيف قيامك على نفسك .

ترجمه:

- 3 امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: تو طبیب خود هستی و بیماری برای تو روشن و آشکار گردیده است و نشانه تندرستی و سلامت را دانسته ای و بر داروی دردت نیز راهنمایی شده ای ، پس بنگر که چگونه به کار نفس خویش می پردازی.

حدیث:

- 4 قال ابو عبدالله علیه السلام لرجل : اجعل قلبك قرينا برا و ولدا و اصلا و اجعل علمك و الداء تتبعه و اجعل نفسك عدوا تجاهده و اجعل مالك عاریه تردها .

ترجمه:

- 4 امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: قلبت را (برای خودت) به مثابه همدمی مهربان و به منزله فرزندی که با تو دوستی خالصانه دارد قرار ده و دانشت را همچون پدری که از او پیروی می کنی و نفست را همانند دشمنی که با او به پیکار برخاسته ای و مال و دارایی ات را امانت و عاریتی بدان که آن را (باید به صاحبش) برگردانی.

حدیث:

- 5 قال و من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : الشدید من غلب نفسه .

ترجمه:

- 5 از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: توانمند کسی است که بر نفس خویش چیره شده باشد.

حدیث:

- 6 قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام: من لم یکن له واعظ من قلبه و زاجر من نفسه و لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه.

ترجمه:

- 6 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که اندرز دهنده ای از درون قلب خود و باز دارنده ای از درون جان خود نداشته باشد و همدمی ارشادگر با او نباشد دشمنش (که همان هوای نفس و شیطان است) برگردن او چیره می گردد.

حدیث:

- 7 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی قال: یا علی افضل الجهاد من اصبح لایهم بظلم احد.

ترجمه:

- 7 از امام صادق علیه السلام و از پدرانش - که بر همگی درود باد - روایت است که فرمود: در سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی آمده است که فرمود: ای علی! برترین جهاد آن است که کسی صبح کند در حالی که تصمیم ستم نمودن به احدی را نداشته باشد.

حدیث:

- 8 عن الصادق علیه السلام قال: من ملک نفسه اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهی و اذا غضب و اذا رضی حرم الله جسده علی النار.

ترجمه:

- 8 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: کسی که در هنگام فریفته شدن به چیزی و هنگام ترس و زمانی که میل به چیزی پیدا می کند و یا خشمگین و یا خوشنود می گردد مالک نفس خویش باشد (خو را نگاه دارد) خداوند بدن او را بر آتش حرام می گرداند.

حدیث:

- 9 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سریه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاکبر قیل یا رسول الله و ما الجهاد الاکبر؟ فقال جهاد النفس . و قال صلی الله علیه و آله: ان افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنبیه.

ترجمه:

- 9 در روایت دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نقل روایتی شبیه به روایت اول این باب آمده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین جهاد، جهاد کسی است

که با نفس درون خویش مجاهده می کند.

حدیث:

- 10 و عنه علیه السلام انه قال : المجاهد من جاهد نفسه.

ترجمه:

- 10 و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود : مجاهد کسی است که با نفس خویش مجاهده و مبارزه کند.

- 2 باب الفروض على الجوارح وجوب القيام بها

- 2 باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن

واجبات

حدیث:

- 11 عن ابی عبدالله علیه السلام (فی حدیث طویل) قال : ان الله فرض الايمان على جوارح ابن آدم و قسمه عليها و فرقها فيها فليس من جوارحه جرحه الا و قد وكلت من الايمان بغير ما وكلت به اختها - الى ان قال - فاما ما فرض على القلب من الايمان فالأقرار و المعرفة و العقد و الرضا و التسليم بان لا اله الا الله وحده لا شريك له الهها و احدا لم يتخذ صاحبه و لا ولدا و ان محمدا عبده و رسوله صلى الله عليه و آله الاقرار بما جاء من عند الله من نبى او كتاب فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو قول الله عزوجل (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان) و قال الا بذكر الله مطمئن القلوب و قال الذين قالوا امنا بافواههم و لم تومن قلوبهم و قال و ان بتدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض الله على اللسان القول و التعبير عن القلب بما عقد عليه و اقربه قال الله تبارك و تعالى اسمه . و قولوا للناس حسنا و قال قولوا آمنا بالذى انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم واحد و نحن له مسلمون فهذا ما فرض الله على اللسان و هو عمله و فرض على السمع ان يتنزه عن الاستماع الى ما حرم الله و ان يعرض عما لا يحل له مما نهى الله عزوجل عنه و الاصغاء الى ما اسخط الله عزوجل فى ذلك و قد نزل عليكم فى الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفر بها و يستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا فى حديث غيره ثم استثنى موضع النسيان فقال و اما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين و قال فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هذا هم الله و اولئك هم اولوا الالباب و قال تعالى قد افلح المومنون الذين هم فى صلاتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و الذين هم للزكاه فاعلون و قال و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه و قال و اذا مروا باللغو مروا كراما فهذا ما فرض الله على السمع من الايمان ان لا يصغى الى ما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان و فرض على البصر ان لا ينظر الى ما حرم الله عليه و ان يعرض عما نهى الله عنه مما

لايحل له و هو عمله و هو من الايمان فقال تبارك و تعالى : (قل للمومنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم) ان ينظروا الى عوارتهم و ان ينظر المرء الى فرج اخيه و يحفظ فرجه ان ينشر اليه و قال : (قل للمومنات يغضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن) من ان تنظر احدا هن الى فرج اختها و تحفظ فرجها من ان ينظر اليها و قال : كل شئ ء فى القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الا هذه الآيه فانها من النظر ثم نظم ما فرض على القلب و البصر و اللسان فى آيه اخرى فقال : (و ما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم و لا ابصاركم و لاجلودكم) يعنى بالجلود الفروج و الافخاذ و قال : (و لا تقف ما ليس لك به علم ان السمع و البصر و الفؤاد كل اولئك كان عنه مسؤولا) فهذا ما فرض الله على العينين من غض البصر و هو عملهما و هو من الايمان و فرض على اليدين ان لا يبطش بهما الى ما حرم الله و ان يبطش بهما الى ما امر الله عزوجل و فرض عليهما من الصدقه و صله الرحم و الجهاد فى السبيل الله و الطهور للصلوات فقال تعالى : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا بروسكم و ارجلكم الى الكعبين) و قال : (فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد و اما فداء حتى تضع الحرب اوزارها) فهذا ما فرض الله على اليدين لان الضرب من علاجهما و فرض على الرجلين ان لايمشى بهما اليه شئ ء من معاصى الله و فرض عليهما المشى الى ما يرضى الله عزوجل فقال : (و لا تمش فى الارض مرحا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا) و قال : (و اقصد فى مشيك و اعضض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير) و قال فيما شهدت به الايدى و الارجل على انفسها و على اربابها من تضييعها لما امر الله به و فرضه عليها: (اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون) فهذا ايضا مما فرض الله على اليدين و على الرجلين و هو عملها و هو من الايمان و فرض على الوجه الجسود له بالليل و النهار فى مواقيت الصلاه فقال : (يا ايها الذين آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلوا الخير لعلكم تفلحون) فهذه فريضه جامعته على الوجه و اليدين و الرجلين و قال فى موضع آخر: (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) الى ان قال : فمن لقي الله حافظا لجوارحه موفيا كل جاره من جوارحه ما فرض الله عليها لقي الله عزوجل مستكملا لايمانه و هو من اهل الجنه و من خان فى شئ ء منها او تعدى مما امر الله عزوجل فيها لقي الله ناقص الايمان - الى ان قال : - و بتمام الايمان دخل المومنون الجنه و بالنقصان دخل المفرطون النار.

ترجمه:

- 11 از امام صادق عليه السلام در حديثى طولانى روايت است كه فرمود: خداوند ايمان را بر تمامى اعضاى فرزند آدم واجب ساخت و آن را بر اعضاى او تقسيم و در تمامى آنها پخش نمود. پس هيچ عضوى از اعضاى وى نيست جز اينكه ايمانى بر عهده او نهاده شده كه آن ايمان غير از ايمانى است كه بر عهده عضو ديگر قرار داده شده است . - سخن امام عليه السلام ادامه دارد تا آنجا كه مى فرمايد: اما آن ايمانى كه بر قلب واجب گشته ، اقرا نمودن و

معرفت یافتن و پیمان بستن و خوشنودی و تسلیم در برابر اینکه هیچ معبودی جز الله نیست او یگانه است و شریکی ندارد معبودی یکتا که صاحب و فرزندی ندارد و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست ، و اقرار نمودن به هر پیامبری با کتابی از جانب خداوند آمده است و این همان اقرار و معرفتی است که خداوند بر قلب واجب ساخته است و عمل قلب همین است و گفتار خداوند عزوجل که کافران را کاذب می شمرد) مگر کسی که به زور و اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است ⁽¹⁾ (ناظر به همین معنا است.

و فرمود: هان آگاه باشید که دلها با یاد خدا آرام می گیرد ⁽²⁾ (و فرمود): ای پیامبر! اندوهناک مباش از آنانی که دهانشان اظهار ایمان می کند ولی دلهاشان ایمان نیاورده است ⁽³⁾ (و فرمود): اگر آنچه را که در درونتان است آشکار یا پنهان کنید می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند ⁽⁴⁾ (پس این همان اعتراف و معرفتی به منزله سر ایمان است ، و خداوند بر زبان ، گفتن و اقرار نمودن به ایمانی را که قلب نیکی را بر آن پیمان بسته است را واجب نمود، خداوند تبارک و تعالی گوید): و به مردمان نیکی را بگویند ⁽⁵⁾ (و فرمود): بگویند ایمان آوردیم به آنکه بر ما و شما فرستاده شد و معبود ما و شما یکی است و ما مطیع فرمانبر او هستیم ⁽⁶⁾ (پس این گفتن و اقرار نمودن همان چیزی است که خداوند بر زبان واجب ساخته است و عمل زبان همین است . و خداوند بر گوش واجب ساخت که از گوش فرا دادن به چیزی که خداوند آن را حرام نموده است دوری کند و از شنیدن آنچه که شنیدنش بر او حلال نیست و مورد نهی خداوند عزوجل است خودداری نماید و به آنچه که شنیدنش خدای را خشمگین می کند گوش مسپارد خدای عزوجل در این باره فرموده است): و به تحقیق در کتاب بر شما چنین فرستاد که هرگاه شنیدید که به آیات خدا کفر ورزیده می شود و آیات الهی به استهزا گرفته می شود پس با آن کافران منشینید تا اینکه به سخن دیگری پردازند ⁽⁷⁾ (سپس موردی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنا نموده و فرمود): و اگر شیطان فراموشت ساخت ، پس از یاد آمدنت با چنین گروه ستمکاری منشین ⁽⁸⁾ (و فرمود): پس بشارت ده بندگان مرا آنانی که به سخن گوش فرا می دهند و از سخن نیکوتر پیروی می کنند، اینان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت فرموده و اینان همان خردمندانند ⁽⁹⁾ (و فرمود): به حقیقت که مومنان رستگاران همانها که در نمازشان فروتن و همواره از گفتار و کردار بیهوده گریزانند و زکات مال خویش را می پردازند ⁽¹⁰⁾ (و فرمود): آنان هرگاه بیهوده ای را بشنوند از آن دوری می گزینند ⁽¹¹⁾ (و فرمود): و هرگاه بر بیهوده ای گذر کنند از کنار آن کریمانه می گذرند ⁽¹²⁾ (پس این همان ایمانی است که خداوند بر گوش واجب ساخته است که به آنچه که بر او حلال نیست گوش ندهد و عمل گوش همین است و این از ایمان است.

و بر چشم واجب ساخت که به آنچه که خداوند بر او حرام نموده نظر نکند و از دیدن آنچه که

دیدنش مورد نهی الهی است خودداری کند و عمل چشم این است و این از ایمان است. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای پیامبر! به مومنین بگو که دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورت‌هایشان را حفظ کنند⁽¹³⁾ (یعنی دیدگان خود را از دیدن عورت‌های دیگران حفظ کند و به عورت برادر خود نظر نکند و عورت خود را نیز از دید دیگران محفوظ دارد. و فرمود) : به زنان مومن بگو دیدگان خود را از دیدن حرام بریندند و عورت‌هایشان را حفظ کنند⁽¹⁴⁾ (یعنی دیدگان خود را نگه دارند از اینکه یکی به عورت دیگری نظر کند و عورت خود را از تیررس دید دیگران دور نگه دارد).

راوی گوید: حضرت فرمود: هر جایی که در قرآن کریم سخن از حفظ نمودن عورت آمده است مراد حفظ نمودن عورت از زنا است مگر این آیه که مراد حفظ نمودن از نظر است ، سپس آنچه را که خداوند بر قلب و دیده و زبان واجب نموده در آیه دیگری به رشته کشیده است و فرموده (: نمی توانید نهان دارید شهادتی را که گوشه‌ایان و دیدگانتان و پوسته‌ایان بر علیه شما می دهند⁽¹⁵⁾ (مراد از جلود (پوستها) در این آیه ، عورتها و رانهاست . و فرمود) : از آنچه که به آن علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از هر يك از گوش و دیده و دل پرسیده می شود⁽¹⁶⁾) این آن چیزی است که خداوند بر چشمان واجب ساخته که این فرو بستن چشم از حرام ، عمل چشم است و این از ایمان است . و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آدمی با دو دست خود به سوی حرام روی نیاورد و به وسیله آن دو در به جای آوردن دستور الهی بکوشد که خداوند بر آن دو اموری را واجب ساخته است از قبیل پرداخت صدقه و ارتباط با خویشاوندان و جهاد در راه خدا و تهیه و استعمال طهور برای نمازها، پس فرمود) : ای ایمان آورندگان هرگاه برای نماز بپا خاستید رویها و دست‌هایتان را تا مرفقه‌ها بشوید و مسح بر سر بکشید و پای‌هایتان را تا بر آمدگی روی پا مسح کنید⁽¹⁷⁾ (و فرمود) : پس هرگاه در میدان کار زار با کافران روبرو شدید گردن‌هایشان را بزنید تا آنگاه که زمین گیرشان سازید آنگاه بندهای اسیرانشان را محکم ببندید پس در برابر آزادی آنان یا منتی بر آنان می نهید و یا فدیة از ایشان می ستانید تا زمانی که جنگ بارهای خود را بر زمین نهد⁽¹⁸⁾ (این آن چیزی است که خداوند بر دو دست واجب نموده زیرا زدن کار دست‌هاست . و خداوند بر دو پا واجب ساخت که به وسیله آن دو به سوی هیچ يك از معاصی نشتابی و واجب کرد که به سوی آنچه که مورد رضایت الهی است گام برداری پس فرمود) : بر روی زمین خرامان و با تکبر گام برنذار زیرا تو هرگز نمی توانی زمین را بشکافی و در بلندی به کوه‌ها نخواستی رسید⁽¹⁹⁾ (و فرمود) : و در راه رفتنت میانه رو باش و آوازت را فروکش که ناخوش ترین آوازه‌ها آواز خران است⁽²⁰⁾) و درباره شهادت دادن دست‌ها و پاها بر علیه خود و صاحب خود که چگونه دستور الهی و واجبات او را ضایع کرده اند فرمود) : امروز بر دهان‌هایشان مهر می نهیم و دستان آنها با ما سخن گویند و پای‌هایشان به آنچه که کسب کرده اند گواهی دهند⁽²¹⁾ (پس آنچه که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر دست‌ها و پاها واجب ساخته و عمل دست و پا همین است و آن از ایمان

است . و خداوند بر چهره واجب ساخت که در شب و روز در هنگامه نماز برای او به خاک افتد (پس فرمود): ای ایمان آورندگان رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار خیر انجام دهید باشد که به رستگاری برسید⁽²²⁾)

اینها که گفته شد واجبات چهره و دستان و پاهاست و خداوند در جای دیگری فرموده است (که): سجده گاهها از آن خداست پس با او کسی دیگری را نخوانید⁽²³⁾)
راوی می گوید: حضرت در ادامه فرمود: پس کسی که خداوند را در حالتی ملاقات کند که اعضای خود را حفظ نموده و به واجبات الهی در مورد هر عضوی از اعضایش وفا کرده خداوند عزوجل را با ایمان کامل ملاقات کرده است و او اهل بهشت است اما کسی که در مورد واجبی از واجبات خیانت کرده یا از دستور الهی سرباز زده خداوند را با ایمان ناقص دیدار خواهد کرد. و بدانید که مومنان ، با ایمان کامل به بهشت داخل می شوند و کسانی که در انجام واجبات کوتاهی نموده اند با ایمان ناقص به دوزخ وارد می گردند.

حدیث:

- 12 عن الحسن بن هارون قال قال لی ابو عبدالله علیه السلام : ان السمع و البصر و الفواد کل اولئك کان عنه مسولا قال یسال السمع عما سمع و البصر عما نظر الیه و الفواد عما عقد علیه.

ترجمه:

- 12 حسن به هارون گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: اینک خداوند فرموده است:) همانا از گوش و چشم و دل سوال می شود⁽²⁴⁾ (یعنی از گوش درباره آنچه که شنیده است و از چشم درباره آنچه که دیده است و از دل در مورد ایمانی که بر آن پیمان بسته است پرسیده می شود.

حدیث:

- 13 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : الایمان لایکون الا بعمل و العمل منه و لایثبت الایمان الا بعمل.

ترجمه:

- 13 امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان نمی باشد مگر همراه با عمل و عمل نیز برخاسته از ایمان است و ایمان فقط با عمل ثابت می شود.

حدیث:

- 14 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : من اقر بدین الله فهو مسلم و من عمل بما امر الله به فهو مومن.

ترجمه:

- 14 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به دین خداوند اقرار و اعتراف کند مسلمان است و کسی که به آنچه که خداوند به آن امر نموده است عمل کند مومن است .

حدیث:

- 15 ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث انه قال له : ان حیثمه اخبرنا انه سالک عن الایمان فقلت : الایمان بالله و التصدیق بکتاب الله و ان لا یعصى الله فقال : صدق حیثمه.

ترجمه:

- 15 ابی بصیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : حیثمه به ما خبر داد که از شما درباره ایمان پرسیده است و شما پاسخ داده اید که : ایمان عبارت است از: اعتقاد به خدا و تصدیق نمودن به کتاب خدا و نافرمانی نکردن خدا، حضرت فرمود: آری حیثمه درست گفته است.

حدیث:

- 16 عن جمیل بن دراج قال : سالت ابا عبد الله علیه السلام عن الایمان فقال : شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله . قال : قلت : ایس هذا عمل قال : بلی قلت : فالعمل من الایمان قال : لا یثبت له الایمان الا بالعمل و العمل منه.

ترجمه:

- 16 جمیل بن دراج گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ایمان پرسیدم حضرت فرمود: ایمان عبارت است از گواهی داده به اینکه هیچ معبودی جز خدا نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست . جمیل گوید: عرض کردم : آیا این گواهی دادن ، عمل شمرده می شود؟ حضرت فرمود: آری ، دوباره عرض کردم : پس عمل از ایمان است ؟ حضرت فرمود: ایمان جز به وسیله عمل برای شخص ثابت نمی گردد و عمل نیز برخاسته از ایمان است .

حدیث:

- 17 محمد بن علی بن الحسین باسناده الی وصیه امیرالمؤمنین علیه السلام لولده محمد به الحنفیه انه قال : یا بنی لاتقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما تعلم فان الله قد فرض علی جوارحک کلها فرائض یحتج بها علیک یوم القیامه و یسألك عنها و ذکرها و وعظها و حذرها و ادبها و لم تبرکها سدی فقال الله عزوجل : (و لا تقف ما لیس لك به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا) و قال عزوجل : اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافوا حکم ما لیس لکم به علم و تحسبونه هینا و هو عندالله عظیم) ثم استعبدھا بطاعته فقال عزوجل : (یا ایها الذین آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون) فهذه فريضه جامعه واجبه علی الجوارح و قال : (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) یعنی بالمساجد الوجه و الیدین و الركبتین و الالبها مین و قال عزوجل : (و ما کنتم تستترون ان یشهد علیکم سمعکم و لا ابصارکم و لاجلودکم) یعنی بالجلود الفروج ثم حض کل جارحه من جوارحک بفرض و نص علیها ففرض علی السمع ان لا یصغی الی المعاصی فقال عزوجل : (و قد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلهم) و قال عزوجل : (و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض

عنهم حتى يخوضوا فى حديث غيره) ثم استثنى عزوجل موضع النسيان فقال : و اما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين (و قال عزوجل) : فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب (و قال عزوجل : (و اذا مروا باللغو مروا كراما) و قال عزوجل على السمع و هو عمله و فرض على البصر ان لا ينظر به الى ما حرم الله عليه فقال عزوجل) : قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم (فحرم ان ينظر احد الى فرج غيره و فرض على اللسان الاقرار و التعبير عن القلب ما عقد عليه فقال عزوجل : (و قولوا آمنا باذى انزل الينا) الآية و قال عزوجل : (و قولوا للناس حسنا) و فرض على القلب و هو امير الجوارح الذى به يعقل و يفهم و يصدر عن امره و رايه فقال عزوجل : (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان) الآية و قال عزوجل حين اخبر عن قوم اعطوا الايمان بافواههم و لم تومن قلوبهم فقال : (الذين قالوا آمنا بافواههم و لم تومن قلوبهم) و قال عزوجل : (الا بذكر الله تطمئن القلوب) و قال عزوجل : (و ان تبدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء) و يعذب من يشاء و فرض على اليدين ان لاتمدهما الى ما حرم الله عزوجل عليك و ان تستعملها بطاعته فقال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا بروسكم و ارجلكم الى الكعبين) و قال عزوجل : (فاذا لقيتهم الذين كفروا فضرب الرقاب) و فرض على ارجلين ان تفقلهما فى طاعته و ان لا تمشى بهما مشيه عاص فقال عزوجل) : و لا تمش فى الارض مرحا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا كل ذلك كان سيئه عند ربك مكروها) و قال عزوجل : (اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون) فاخبر الله عنها انها تشهد على صاحبها يوم القيامة فهذا ما فرض الله على جوارحك فاتق الله يا بنى و استعملها بطاعته و رضوانه و اياك ان يراك الله تعالى ذكره عند معصيته او بفقدك عنه طاعته فتكون من الخاسرين و عليك بقراءة القرآن و العمل بما فيه و لزوم فرائضه و شرائعه خلاله و حرامه و امره و نهيه و التهجد به و تلاوته فى ليلك و نهارك فانه عهد من الله تبارك و تعالى الى خلقه فهو واجب على كل مسلم ان ينظر كل يوم فى عهده و لو خمسين آيه و العم ان درجات الجنة على عدد آيات القرآن فاذا كان يوم القيامة يقال لقارى القرآن اقرا و ارق فلا يكون فى الجنة بعد النبيين و الصديقين ارفع درجه منه . (و اوصيه طويله احدنا منها موضع الحاجه)

ترجمه:

- 17 در وصيت اميرالمؤمنين عليه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه آمده است حضرت فرمود: اى پسر دلبندم ! چیزی را كه نمى دانى مگو بلکه هر چیزی را هم كه مى دانى بر زبان مياور زیرا خداوند بر تمامى اعضاى تو امورى را واجب ساخته كه بوسيله آنها در روز قيامت بر عليه تو حجت و دليلى مى آورد و از تو درباره آنها مى پرسد و آنها را پند و نصيحت نموده و بيم داده و ادب آموخته و رها و نگذارده پس فرموده است) : از آنچه كه به علم و آگاهى نداری پیروی مکن زیرا از گوش و چشم و دل سوال می شود (25) (و فرمود) : هنگامی

که آن را با زبانهای خود فرا می گرفتید و آنچه را که به آن علم و آگاهی نداشتید یا دهانها تن می گفتید و این را سهل می شمردید در حالی که در نزد خدا بسی بزرگ است (26) (سپس اعضاء و جوارح را به عبادت و فرمانبرداری خود فرا خوانده و فرموده) : ای ایمان آورندگان رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را بپرستید و عمل خیر انجام دهید امید است که به رستگاری برسید (27) (این پرستش خداوند و انجام خیر فریضه ای است که بر تمامی اعضا واجب گشته است . و فرمود) : سجده گاهها از آن خداست پس همراه با خدا، هیچ کس دیگری را نخوانید (28) (مراد از سجده گاهها، صورت و دو دست و زانوها و دو انگشت بزرگ پا است و فرمود) : و نمی توانید شهادتی را که گوشهاتان و دیدگانتان و پوستهایتان بر علیه شما می دهند را پنهان سازید (29) (مراد از پوستها (در این آیه عورتها است . سپس خداوند بر هر عضوی از اعضای تو واجبی را اختصاص داده و بر آن تصریح نموده است پس بر گوش واجب ساخت که به معاصی گوش فرا ندهد پس فرمود) : و محققا خداوند در کتاب بر شما چنین فرستاد که هر گاه بشنوید که به آیات الهی کفر ورزیده می شود و آیات خدا به مسخره گرفته می شود در اینگونه مجلسی با کافران منشینید تا در سخن دیگری وارد شوند اگر چنین نکنید همانند آنان می باشید (30) (و فرمود) : هرگاه دیدی کسانی در مورد آیات ما (به انکار و استهزا) غرق در گفتگو شده اند از آنان دوری کن تا درباره سخنی دیگر به گفتگو بنشینند (31) سپس خداوند عزوجل جایی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنا نموده و فرموده است) : و اگر شیطان فراموش ساخت پس بعد از یادآوری با چنین گروه ستمکاری منشین (32) (و فرمود) : پس بشارت دهد بندگان مرا، همان بندگان که سخن را می شنوند و از نیکوترین سخن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرد و آنان خردمنداند (33) (و فرمود) : مومنان هر گاه به امری بیهوده برخورد کنند کریمانه از کنار آن می گذرند (34) (و فرمود) : و هرگاه سخنی بیهوده بشنوند از آن دوری می گزینند (35) .

پس این همان چیزی است که خداوند بر گوش واجب ساخته و عمل گوش همین است و خداوند بر چشم نیز واجب نموده که به چیزی که بر او حرام ساخته نظر نیفکند پس فرمود : (به مومنان بگو دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورتهايشان را حفظ کنند (36) (پس حرام نمود که کسی به عورت دیگری نگاه کند. و بر زبان واجب نمود که به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود) : و بگوئید ایمان آوردیم به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود) : و بگوئید ایمان آوردیم به آنچه که بر ما فرو فرستاده شد (37) (و فرمود) : و به مردم نیکویی را بگوئید (38) (و بر قلب که امیر اعضا است و عضوی است که به وسیله آن تعقل و فهم صورت می گیرد و از امر و رای او نتیجه گیری حاصل می گردد نیز واجب ساخت و فرمود) : کافران دروغگویند مگر کسی که به اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است (39) (و در آنجا که خبر از گروهی می دهد که ایمان زبانی

دارند نه قلبی فرمود): آنانکه گفتند ایمان آوردیم در حالی که دلهایشان ایمان نیاورده بود (40) (و فرمود): آگاه باشید که دلها با یاد خدا آرام می گیرد (41) (و فرمود): اگر آنچه را که در درون دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند به سبب آن از شما حساب می کشد پس هر که را بخواهد می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند (42) (و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آن دو را به سوی آنچه که خداوند بر تو حرام نموده دراز نکنی و دو دست را در راه اطاعت خدا به کارگیری پس فرمود): ای ایمان آورندگان هر گاه برای نماز بر می خیزید رویهایتان و دستهایتان را تا آرنج ها بشوید و به سرهاتان مسح بکشید و پایهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید (43) (و فرمود): هرگاه در میدان کارزار با کافران روبرو شدید گردنهایتان را بزنید (44) و خداوند بر پاها واجب ساخت که آن دو را در راه طاعتش به حرکت درآوری و به وسیله آن دو همچون گام زدن شخص عصیانکار گام بر نداری پس فرمود): با تکبر و خرامان بر روی زمین گام بر ندار زیرا هرگز زمین را نمی توانی بشکافی و در بلندی به کوهها نخواهی رسید همه اینها زشتش در نزد پروردگارت ناپسند است (45) (و فرمود): امروز بر دهانهای شما مهر می نهیم و دستانتان را با ما سخن می گویند و پایهای شما به آنچه که کسب کرده اند گواهی خواهند داد (46) (پس خداوند خبر داده است که پایها در روز قیامت بر علیه صاحب خود گواهی خواهند داد. پس اینها که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر اعضای تو واجب ساخته است پس از خدا بترس ای فرزندم و اعضای خود را در راه اطاعت و خوشنودی او به کارگیر و بر حذر باش از اینکه خدای تعالی تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا تو را در طاعت خویش نیابد پس در نتیجه از زیانکاران باشی و بر تو باد که به خواندن قرآن پردازی و به آنچه در قرآن است عمل کنی و واجبات و قوانین و حلال و حرام و امر و نهی آن را لازم شمیری و با قرآن به شب زنده داری پردازی و در شب و روزت آن را تلاوت کنی زیرا قرآن عهد و پیمانی است از جانب خدای تبارک و تعالی با بندگان پس بر هر مسلمانی واجب است که در هر روز نظر به این پیمان الهی بیفکند اگر چه به پنجاه آیه آن و بدان که درجات بهشت به عدد آیات قرآن است پس زمانی که روز قیامت شود به قاری قرآن گفته خواهد شد که بخوان و بالا رو پس در بهشت بعد از پیامبران و صدیقان کسی درجه اش بالاتر از درجه قاری قرآن نیست . (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: این وصیتنامه طولانی است که ما موضع حاجت از آن را انتخاب نمودیم).

حدیث:

18- عن علی بن الحسین علیه السلام : قال لیس لك ان تتکلم بما شئت لان الله يقول : (و لا تقف ما لیس لك به علم) و لیس لك ان تسمع ما شئت لان الله عزوجل يقول : (ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلاً)

ترجمه:

18- از امام سجاد علیه السلام روایت است که فرمود: بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی

بگویی زیرا خداوند می فرماید) :از آنچه که به آن علم نداری پیروی مکن (47) و بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی بشنوی زیرا خدای عزوجل می فرماید) :همانا گوش و چشم و دل همه مورد پرسش واقع خواهند شد(48))

- 3باب جمله مما ينبغي القيام به من الحقوق الواجبه و المندوبه

- 3باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است

حدیث:

- 19عن سيد العابدين على بن الحسين بن على بن ابى طالب عليه السلام قال : حق الله الاكبر عليك ان تعبدته و لاتشرك به شيئا فاذا فعلت ذلك باخلاص جعل لك على نفسه ان يكفيك امر الدنيا و الاخره و حق نفسك عليك ان تستعملها بطاعه الله عزوجل و حق اللسان اكرامه عن الخنا و تعويده الخير و ترك الفضول التى لافائده لها و الر بالناس و حسن القول فيهم و حق السمع تنزيهه عن سماع الغبه و سماع ما لايجل سماعه و حق البصر ان تغضه عما لايجل لك و تعتبر بالنظر به و حق يدك ان لا تبسطهما الى ما لا يجل لك و حق رجلك ان لاتمشى بهما الى ما لايجل لك فبهما تقف على الصراط فانظر ان لا تزل بك فتردى فى النار و حق بطنك ان لا تجعله و عاء للحرام و با تزيد على الشيع و حق فرجك عليك ان تحصنه من الزنا و تحفظه من ان ينظر اليه و حق الصلاه ان تعلم انها و فاده الى الله عزوجل و انت فيها قائم بين يدي الله فاذا علمت ذلك قمت مقام العبد الذليل الحقير الراغب الراهب الراجى الخائف المستكين المتضرع المعظم لمن كان بين يديه بالسكون و الوقار و تقبل عليها بقلبك و تقيمها بحدوده ها و حقوقها و حق الحج ان تعلم انه وفاده الى ربك و فرار اليه من ذنوبك و فيه قبول توبتك و قضاء الفرض الذى اوجبه الله عليك و حق الصوم ان تعلم انه حجاب ضربه الله عزوجل على لسانك و سمعك و بصرك و بطنك و فرجك يسترك به من النار فان تركت الصوم خرقت ستر الله عليك و حق الصدقه ان تعلم انها ذخرك عند ربك و ديعتك التى لاتحتاج الى الاشهاد عليها و كنت بما تستودعه سرا اوثق منك بما تستودعه علانيه و تعلم انها تدفع عنك البلايا و الاسقام فى الدنيا و تدفع عنك النار فى الاخره و حق الهدى ان تريد به الله عزوجل و لا تريد خلقه و لا تريد به الا التعرض لرحمته و نجاه روحك يوم تلقاه و حق السلطان ان تعلم انك جعلت له فتنه و انه مبتلى فيك بما جعل الله له عليك من السلطان و ان عليك ان لاتتعرض لسخطه فتلقى بيدك الى التهلكه و تكون شريكا له فيما ياتى اليك من سوء و حق سائسك بالعلم التعظيم له و التوقير لمجلسه و حسن الاستماع اليه و الاقبال عليه و ان لا ترفع عليه صوتك و لا تجيب احدا يساله عن شىء حتى يكون هو الذى يجيب و لاتحدث فى مجلسه احدا و لا تغتاب عنده احدا و ان تدفع عنه اذا ذكر عندك بسوء و ان تستر عيوبه و تظهر مناقبه و لا تجالس له عدوا و لاتعادى له ولما فاذا فعلت ذلك شهد لك ملائكة الله بانك قصدته و تعلمت علمه لله جل اسمه لا للناس و اما حق سائسك بالملك فان تطيعه و لا تعصيه الا فيما يسخط

الله عزوجل فانه لا طاعه لمخلوق فى معصيه الخالق و اما حق رعيته بالسلطان فان تعلم انهم صاروا رعيته لضعفهم و قوتك فيجب ان تعدل فيهم و تكون لهم كالوالد الرحيم و تغفر لهم جهلهم و لاتعاجلهم بالعقوبه و تشكر الله عزوجل على ما آتاك من القوه عليهم و اما حق رعيته بالعلم فان تعلم ان الله عزوجل انما جعلك قيما عليهم فيما آتاك من العلم و فتح لك من خزائنه فان احسنت فى تعليم الناس و لم تخرق بهم لم تضجر عليهم زادك الله من فضله و ان انت منعت الناس علمك او خرقت بهم عند طلبهم العلم منك كان حقا على الله عزوجل ان يسلبك العلم و بهاءه و يسقط من القلوب محلك و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلنا لك سكنا و انسا فتعلم ان ذلك نعمه من الله عزوجل عليك فتكرمها و ترفق بها و ان كان حقك عليها اوجب فان لها عليك ان ترحمها لانها اسيرك و تطعمها و تكسوها و اذا جهلت عفوت عنها و اما حق مملوكك فان تعلم انه خلق ربك و ابن ابيك و امك و لحمك و دمك لم تملكه لانه صنعته دون الله و لاخلقت شيئا من جوارحه و لا اخرجت له رزقا و لكن الله عزوجل كفاك ذلك ثم سخره لك و ائتمنك عليه و استودعك اياه ليحفظ لك ما تاتيه من خير اليه فاحسن اليه كما احسن الله اليك و ان كرهته استبذلت به ولم تعذب خلق الله عزوجل و لاقوه الا بالله و اما حق امك ان تعلم انها حملتك حيث لا يحمل احد احدا و اعطتك من ثمره قلبها ما لا يعطى احد احدا و وقتك بجميع جوارحها و لم تبال ان تجوع و تطعمك و تعطش و تسقيك و تعرى و تكسوك و تضحى و تظلك و تهجر النوم لاجلك و وفتك الحر و البرد لتكون لها و انك لاتطبق شكرها الا بعون الله و توفيقه و اما حق ابيك فان تعلم انه اصلك فانه لولاه لم تكن فمهما رايت من نفسك ما يعجبك فاعلم ان اباك اصل النعمه عليك فيه فاحمد الله و اشكره على قدر ذلك و لاقوه الا بالله و اما حق ولدك فان تعلم انه منك و مضاف اليك فى عاجل الدنيا بخيره و شره و انك مسئول عما وليته من حسن الاذب و الدلاله على ربه عزوجل و المعونه على طاعته فاعمل فى امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه معاقب على الاساءه اليه و اما حق اخيك فان تعلم انه يدك و عزك و قوتك فلا تتخذة سلاحا على معصيه الله و ال عده للظلم لخلق الله و لا تدع نصرته على عدوه و النصيحه له فان اطاع الله و الا فليكن الله اكرم عليك منه و لاقوه الا بالله و اما حق مولاك المنعم عليك فان تعلم انه انفق فيك ماله و اخرجك من ذل الرق و وحشته الى عزالحرية و انسها فاطلقك من اسر الملكه و فك عنك قيد العبوديه و اخرجك من السجن و ملكك نفسك و فرغك لعباده ربك و تعلم انه اولى الخلق بك فى حياتك و موتك و ان نصرته عليك واجبه بنفسك و ما احتاج اليه منك و لا قوه الا بالله و اما حق مولاك الذى انعمت عليه فان تعلم ان الله عزوجل جعل عتقك له وسيله اليه و حجابا لك من النار و ان ثوابك فى العاجل ميراثه اذا لم يكن له رحم مكافاه لما انفقت من مالك و فى الاجل الجنه و اما حق ذى المعروف عليك فان تشكره و تذكر معروفه و تكسبه المقاله الحسنه و تخلص له الدعاء فيما بينك و بين الله عزوجل فاذا فعلت ذلك كنت قد شكرته سرا و علانيه ثم ان قدرت على مكافاته يوما كافاته و اما حق المودن ان تعلم انه مذكر لك ربك عزوجل و داع لك الى

خطك و عونك على قضاء فرض الله عزوجل عليك فاشكره على ذلك شكر المحسن اليك و اما حق امامك فى صلاتك فان تعلم انه تقلد السفاره فيما بينك و بين ربك عزوجل و تكلم عنك و لم تتكلم عنه و دعا لك و لم تدع له و كفاك هول المقام بين يدى الله عزوجل فان كان نقص كان به دونك و ان كان تماما كنت شريكه و لم يكن له عليك فضل فوقى نفسك بنفسه و صلاتك بصلاته فتشكر له على قدر ذلك و اما حق جليسك فان تلين له جانبك و تنصفه فى مجاراه اللفظ و لاتقوم من مجلسك الا باذنه و من يجلس اليك يجوز له القيام عنك بغير اذنك و تنسى زلاته و تحفظ خيراتاه و لا تسمعه الا خيرا و اما حق جارك فحفظه غائبا و اكرامه شاهدا و نصرته اذا كان مظلوما و لاتتبع له عوره فان علمت عليه سوءاً سترته عليه و ان علمت انه يقبل نصيحتك نصحته فيما بينك و بينه و لا تسلمه عند شديده و تقيل عثرته و تغفر ذنبه و تعاشره معاشره كريمه و لا قوه الا بالله و اما حق الصاحب فان تصحبه بالتفضيل و الانصاف و تكرمه كما يكرمك و لا تدعه يسبق الى مكرمه فان سبق كافاته و توده كما يودك و تزجره عما يهم به من معصيه الله و كن عليه رحمه و لاتكن عليه عذابا و لا قوه الا بالله و اما حق الشريك فان غاب كافيته و ان حضر رعيته و لاتحكم دون حكمه و لاتعمل برايك دون مناظرته و تحفظ عليه ماله و لاتخنه فيما عز اوهان من امره فان يدالله تبارك و تعالى على الشريكين ما لم يتخاونا و لا قوه الا بالله و اما حق مالك فان لا تاخذه الا من حله و لاتنفقه الا فى وجهه و لاتوثر على نفسك من لا يحمذك فاعمل به بطاعه ربك و لا تبخل به فتبوء بالحسره و الندامه مع التبعه و لاقوه الا بالله و اما حق غريمك الذى يطالبك فان كنت موسرا اعطيته و ان كنت معسرا ارضيته بحسن القول و رددته عن نفسك ردا لطيفا و حق الخليط ان لاتغره و لاتغشه و لا تخدعه و تتقى الله فى امره و اما حق الخصم المدعى عليك فان كان ما يدعيه عليك حقا كنت شاهده على نفسك و لم تظلمه و اوفيته حقه و ان كان ما يدعى باطلا رفقت به ولم تات فى امره غير الرفق و لم تسخط ربك فى امره و لاقوه الا بالله و حق خصمك الذى تدعى عليه ان كنت محقا فى دعواك اجملت مقاولته و لم تجحد حقه و ان كنت مبطلا فى دعواك اتقيت الله عزوجل و تبت اليه و تركت ادعوى و حق المستشير ان من يعلم و حق المشير عليك ان لاتتهمه فيما لا يوافقك من رايه و ان وافقك حمدت الله عزوجل و حق المستنصح ان تودى اليه النصيحه و ليكن مذهبك الرحمه له و الرفق و حق الناصح ان تلين له جناحك و تصغى اليه بسمعك فان اتى بالصواب حمدك الله عزوجل و ان لم يوافق رحمته و لم تتهمه و علمت انه اخطا و لم تواخذه بذلك الا ان يكون مستحقا للتهمه فلا تعبأ بشىء من امره على حال و لاقوه الا بالله و حق الكبير توقيره لسنه و اجلاله اتقدمه فى الاسلام قبلك و ترك مقابلته عند الخصام و لاتسبقه الى طريق و لاتقدمه و لاتستجمله و ان جهل عليك احتملته و اكرمته لحق الاسلام و حرمة و حق الصغير رحمته (من نوى) تعليمه و العفو عنه و الستر عليه و الرفق به و المعونه له و حق السائل اعطاؤه على قدر حاجته و حق المسئول ان اعطى فاقبل منه بالشكر و المعرفه بفضله و ان منع فاقبل عذره و حق من سرك لله تعالى ان تحمد الله عزوجل

اولا ثم تشكره و حق من اساء اليك ان تعفو عنه و ان علمت ان العفو يضر انتصرت قال الله تعالى : (و لمن انتصر بعد ظلمه فاؤلئك ما عليهم من سبيل) و حق اهل ملتك اضرار السلامه و الرحمه لهم و الرفق بمسيئهم و تالفهم و استصلاحهم و شكر محسنهم و كف الاذى عن مسيئهم و تحب لهم ما تحب لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك و ان تكون شيوخهم بمنزله ابيك و شبابهم بمنزله اخوتك و عجائزهم بمنزل امك و الصغار منهم بمنزله اولادك و حق الذمه ان تقبل منهم ما قبل الله عزوجل منهم و لاتظلمهم ما وفوا الله عزوجل بعهدہ.
ترجمه:

- 19 از امام سجاد عليه السلام روايت است که فرمود: حق خدای بزرگ بر تو این است که تنها او را پرستش کنی و چیزی را شريك او به شمار نیاوری پس هرگاه از روی اخلاص و صفای باطن چنین کنی خدای سبحان بر خود لازم می داند که امر دنیا و آخرت را کفایت کند. و حق نفست بر تو این است که آن را در راه فرمانبرداری از خدای عزوجل به کار واداری . و حق زبان این است که او را بزرگتر و شریف تر از آن بدانی که ناسزا گوید و او را به خیر و ترك سخنان زائد و بی فائد و نیکی به مردم و گفتار نيك درباره مردم عادت دهی و حق گوش آن است که او را از شنیدن غیبت و هر آنچه شنیدنش جایز نیست ، پاك سازی . و حق چشم آن است که آن را از دیدن هر آنچه دیدنش بر تو حرام است بر بندی و از راه نظر با دیدگانت عبرت گیری . و حق دستانت این است که آنها را به سوی چیزی که بر تو حلال نیست نگشایی . و حق پایهایت آن است که به وسیله آنها به سوی چیزی که بر تو روا نیست گام بر نداری پس تو با این دو پا بر) صراط (می ایستی پس بنگر تا نلغزی و در آتش فرو نیفتی . و حق شکم بر تو این است که آن را ظرف و جایگاه حرام قرار ندهی و اضافه بر سیری نخوری . و حق عورت تو بر تو این است که آن را از زنا نگه داری و از اینکه کسی به آن نظر افکند آن را حفظ کنی و حق نماز این است که بدانی نماز ورود بر خدای عزوجل است و تو در نماز در پیشگاه او ایستاده ای پس اگر این را (از صمیم جان) دریابی ایستادنت در برار او ایستادن بنده ای خوار و کوچک و آرزومند و ترسان و امیدوار و بیمناك و بی چیز و زار خواهد بود و (در این حال) خداوندی را که در برابرش با آرامش و وقار ایستاده ای بزرگ می شمری و با (تمامی) قلبت به نماز روی می آوری و حقوق و حدود آن را به پای می داری . و حق حج این است که بدانی حج واردشدگان بر پروردگار و گریختن از گناهانت به سوی خدایت است و در حج توبه ات پذیرفته است.

و با به جای آوردن حج یکی از واجباتی را که خداوند بر تو واجب ساخته است ادا نموده ای . و حق روزه آن است که بدانی روزه حجابی است که خداوند عزوجل بر زبان و گوش و چشم و شکم و فرج تو نهاده است که با این حجاب تو را از گزند آتش دوزخ می پوشاند پس اگر روزه را ترك کنی گویی پوششی را که خدا بر تو گذارده است پاره کرده ای . و حق صدقه این است که بدانی که صدقه ذخیره توسست که در نزد پروردگارت می نهی و ودیعه و امانتی است که به

او سپرده ای . امانتی که نیازی به شاهد طلبیدن برای آن نداری و در ودیعه گذاردن آن در پنهانی اعتماد و اطمینان بیشتری داری تا اینکه آن را آشکارا به ودیعت گذاری و باید بدانی که صدقه بلاها و دردها را در دنیا و آتش دوزخ را در آخرت از تو دفع می کند. و حق قربانی آن است که در قربانی نمودن آن تنها رضای خدای عزوجل را قصد کنی نه مردمان را و از آن جز در مسیر رحمت الهی قرار گرفتن و رهایی روح را در روز ملاقات پروردگار قصد نکنی . و حق سلطان این است که بدانی که تو مایه آزمایش و امتحان او قرار داده شده ای و او نیز به خاطر سلطنتی که بر تو یافته گرفتار توسست و نباید در معرض خشم او قرارگیری و با دست خود به هلاکت بيفتی و در نتیجه با او در بدی رساندن به خودت شريك شوی . و حق آن کس که در علم تو را راهبری نموده این است که او را بزرگ شماری و جایگاه نشستنش را نيك سامان دهی و خوب به سخنانش گوش فرا دهی و رو به او داشته باشی و صدايت را بلندتر از صدای او نکنی و به کسی که از او پرسش می کنی پاسخ نگویی تا خود او پاسخش را دهد، در مجلس درس او با کسی سخن نگویی و در نزد او غیبت هیچ کس را نکنی ، اگر در نزد تو از بدی اش گویند از او دفاع کنی و عیبهایش را بپوشانی و فضیلت هایش را آشکار سازی و با دشمن او نشست و برخاست نداشته باشی و با دوستدار او دشمنی نکنی پس اگر چنین کنی فرشتگان الهی به نفع تو گواهی دهند که تو خواهان دانشی و علم را به خاطر خدا آموخته ای نه به خاطر مردم . و اما حق کسی که مالك توسست این است که دستورهایش را اطاعت کنی و نافرمانیش نکنی مگر در مواردی که باعث خشم خدای عزوجل است زیرا فرمانبرداری از مخلوق در نافرمانی خالق سزاوار نیست . و اما حق زیردستان تو این است که بدانی آنها به خاطر ناتوانی خود و توانایی تو رعیت تو گشته اند پس واجب است که در بین آنان به عدل رفتار کنی و برای آنان چون پدری مهربان باشی و نادانی آنان را ببخشایی و در کیفر نمودن آنان شتاب نکنی و خدای عزوجل را بر قدرت و تسلطی که بر ایشان به تو داده است سپاسگزار باشی . و اما حق آنانکه سرپرستی علمی ایشان را به عهده داری این است که بداین خدای عزوجل تو را در آموختن دانشی که به تو عطا فرموده متولی و سرپرست آنان قرار داده و از خزانه علم دری بر تو گشوده پس اگر در تعلیم و آموزش آنان نيك بکوشی و برای آنان دروغ نبافی و از (قدر ناشناسی) آنان ملول و دلتنگ نگردی خداوند از فضل خود بر تو زیادتى (از علم و ایمان) را عطا می فرماید و اما اگر دانشت را از مردمان دریغ داشتی یا آنگاه که خواهان دانش تو هستند با دروغ بافی آنان را متحیر و سرگردان سازی بر خدای عزوجل سزاوار است که دانش و درخشندگی آن را از تو بگیرد و جایگاهت را در دلها بی اعتبار سازد. و اما حق همسرت این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آسایش و آرامش تو قرار داده و او نعمتی از جانب خدای عزوجل برای توسست پس او را گرمی بداری و با او مدارا کنی اگر چه حقی که تو بر او داری بسی لازم تر است پس بر توسست که با او به مهربانی رفتار کنی زیرا او اسیر توسست و باید او را اطعام نموده و جامه بپوشانی و هرگاه

نادانی نمود مورد بخشش قرارش دهی . و اما حق مملوك تو این است که بدانی او نیز آفریده پروردگار توست و فرزند پدر و مادر تو (یعنی فرزند حضرت آدم و حوا است) و گوشت و خون تو است تو مالکش نیستی به این دلیل که تو او را آفریده باشی نه خدا، و تو هیچ يك از اعضای او را نیافریده ای و روزی او را از دل طبیعت تو بیرون نیاورده ای ولی خداوند عزوجل کار او را به تو واگذاشت سپس او را مسخر تو گرداند و تو را بر او امین قرار داد و او را به امانت نزد تو نهاد تا او آنچه از مال و دارایی که تو به او می دهی برایت نگهداری کند، پس تو نیز به او نیکی کن چنانچه خداوند به تو نیکی نموده است و اگر در نظر تو ناپسند است به جای او مملوك دیگری بگیر و مخلوق خدای عزوجل را عذاب مده و هیچ نیرویی نیست مگر به یاری خدا. و اما حق مادرت این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرد که با آن وضعیت کسی دیگری را حمل نمی کند و به تو از میوه قلب خود چیزی را که هیچ کس به کسی دیگر نمی بخشد عطا کرد و با تمامی اعضای خود تو را نگهداری نمود و باکی نداشت از اینکه تو گرسنه شوی و غذایت دهد و تشنه نشوی و سیرآبت کند و عریان باشی و تو را بیوشاند و آفتاب بر تو بتابد و او سایه بر تو افکند، و به خاطر تو از خواب کناره گرفت . و تو را از گرما و سرما نگاهداشت تا برای او باشی و تو توانایی سپاسگزاری از او را نداری مگر به کمک و توفیق الهی . و اما حق پدرت این است که بدانی او اصل و ریشه توست زیرا اگر او نبود تو نیز نبودی پس هرگاه در خود چیزی دیدی که مایه خود پسندی تو شد بدان که پدرت در آن صفت اصل و ریشه توست پس خدای را سپاس گو و شکرش را به جای آور که هیچ نیرو و جنبشی نیست مگر به اراده الهی . و اما حق فرزندت این است که بدانی او از توست و در این دنیا خیر و شرش منسوب به توست و تو در برابر ادب نیکوی او و راهنمایی او به سوی خدای عزوجل و یاری او بر اطاعت پروردگار مسول هستی ، پس در مورد او همانند کسی که می داند بر احسان به فرزند ثواب خواهد برد و بر بدی نمودن به او کیفر خواهد دید عمل کن . و اما حق برادرت این است که بدانی او به منزله دست تو و مایه عزت و قدرت توست بنابراین از او به عنوان اسلحه و وسیله ای برای معصیت خداوند و همچنین (پشتیبان و) ساز و برگ برای ستم به خلق خدا استفاده مکن ، در مقابل دشمنش او را تنها مگذار و از نصیحت نمودن و خیر خواهی او کوتاهی مکن ، و اینها در صورتی است که او مطیع خداوند باشد و گرنه باید خداوند در نزد تو ارحمندتر از او باشد و هیچ جنبش و قدرتی نیست مگر به کمک خداوند، و اما حق آقایی که تو را آزاد کرده این است که بدانی او مالش را در راه تو خرج کرده و تو را از ذلت و وحشت بندگی به عزت و آرامش آزادی رسانده است و از اسیری ملکیت تو را رها نموده و بند بندگی را از تو گشوده و تو را از زندان بیرون آورده و تو را مالك خودت نموده و به تو برای عبادت پروردگار فراغت بخشیده و باید بدانی که او در زندگی و مرگت سزاوارترین و نزدیکترین مردمان به توست و یاری رساندن به او بر تو واجب است حال چه خودت به یاریش بشتابی و چه آنچه را که از تو احتیاج دارد در اختیارش قرار دهی و هیچ قدرتی نیست مگر به کمک

خداوند. و اما حق بنده ای که تو بر او انعام نموده و آزادش ساخته ای این است که بدانی خداوند عزوجل آزادی او را به دست تو وسیله ای به سوی خودش قرار داده و آن را برای تو مایه حجاب گشتن از آتش دوزخ نموده و ثواب این کار تو در دنیا این است که اگر او خویشاوند نداشته باشد ارث او به خاطر انفاقی که بر او نموده ای به تو می رسد و در آخرت نیز بهشت نصیب خواهد شد. و اما حق کسی که به تو احسان و نیکی نموده این است که او را سپاس گویی و نیکی اش را یاد کنی و گفتار نیکو را در مورد او به گوش دیگران برسانی و بین خود و خدای عزوجل و جلیل برای او خالصانه دعا کنی اگر چنین کنی از او در نهان و آشکار قدردانی کرده ای.

سپس اگر روزی توان عوض دادن و جبران خوبی اش را یافتی چنین کن . و اما حق اذان گو این است که بدانی او پروردگار عزیز و جلیل را به یاد تو می آورد و تو را به سوی بهره ات دعوت می کند و تو را بر انجام فریضه ای که خدای عزوجل بر تو واجب ساخته یاری می کند پس بر این کار از او همانند کسی که به تو نیکی روا داشته قدردانی کن . و اما حق کسی که پیشنماز توسل این است که بدانی او سفیر بودن بین تو و پروردگارت را به عهده گرفته و سخنگوی توسل و تو از جانب او سخن نمی گویی و دعاگوی توسل و تو دعایش نمی کنی و تو را از هول و هراس ایستادن در پیشگاه پروردگارت کفایت کرده است ، اگر نقصی باشد به گردن اوست نه تو و اگر نمازش کامل و تمام باشد تو نیز با او شریک هستی و بر تو برتری ندارد با سپر خود تو را نگاه داشته و با نماز خود نمازت را حافظ گشته پس باید به اندازه خوبی و خدمتی که به تو دارد قدردان و سپاسگوی وی باشی . و اما حق همنشینت این است که با نرمی پذیرای او باشی و در گفتگو با وی انصاف را رعایت کنی و جز با اجازه او از جایت بر نخیزی و او می تواند بدون اجازه تو برخیزد، لغزشهایش را به فراموشی سپار و خویهایش را حفظ کن و جز خوبی را به گوش او مرسان . و اما حق همسایه ات این است که در نبود او حفظش کنی و در هنگام حضور اکرامش نمایی و زمانی که مورد ستم قرار می گیرد به یاری اش بشتابی ، عیب او را پیگیری مکن و اگر دانستی که بدی ای دارد بدی اش را بپوشان و اگر دانستی که نصیحت را می پذیرد بین خود و او نصیحتش کن و هنگام سختی او را و مگذار و از لغزشش درگذر و گنااهش را ببخش و با او به بزرگواری معاشرت کن و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق همدم و همصحبت این است که با او به مهربانی و انصاف مصاحبت کنی و چنانکه گرامی ات می دارد گرامی اش داری و او را و مگذار که در کرم نمودن بر تو پیشی گیرد و اگر پیشی گرفت پاداشش را ده و دوستش بدار چنانکه دوستت می دارد و اگر همت به ارتکاب معصیت خدا گماشت بازش دار و برای او مایه رحمت باش نه عذاب و هیچ نیرو و قدرتی نیست جز به کمک خدا. و اما حق شریک این است که اگر غایب شد کارش را تو انجام ده و اگر حاضر باشد رعایت حالش را کن و بدون نظر او تصمیم مگیر (یا در مقابل حکم او، حکم مده) و بدون مشورت او به رای خود عمل مکن و مالش را نگهداری کن و در کار

او چه با ارزش باشد و چه بی ارزش خیانت روا مدار زیرا دست خداوند تبارك و تعالی تا زمانی که دو شريك به یکدیگر خیانت نکرده اند بر سر آنان است و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق مال و دارایی ات این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در جای صحیح خرج نکنی و به کسی که از تو قدردانی نمی کند در صورتی که خود نیاز به مالت داری ندهی و او را بر خویشتن مقدم نداری پس به وسیله دارایی ات به طاعت پروردگارت بپرداز و درباره مالت بخل نوز که اگر چنین کنی با حسرت و پشیمانی قرین شوی بعلاوه اینکه عقوبت آن بر گردن تو می ماند و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی الهی . و اما حق بستانکار تو این است که اگر داری به او پرداخت کنی و اگر در سختی هستی او را با سخن خوش راضی کنی و با لطافت و نرمی از پیش خود برگردانی . و حق شريك در حقوق ملك آن است اکه او را فریب ندهی و خلاف آنچه در دل داری اب او ظاهر نسازی و به او خیانت روا نداری و در مورد او از خدا بترسی . و اما حق طرفی که بر علیه تو ادعایی نموده است این است که اگر ادعای او حق است تو خود نیز باید به نفع او و بر علیه خود شاهد او باشی و به او ستم نکنی و حق او را به طور کامل به او بدهی و اگر ادعای او باطل است با او مدارا کنی و در مورد او جز مدارا کار دیگری نکنی و پروردگارت را به خشم نیاوری و هیچ نیرویی جز به نیروی الهی نیست . و حق طرفی که ادعایی بر او داری این است که اگر در ادعایت حق با تو باشد در گفتگو با وی آرامش را رعایت کن و حق او را انکار مکن و اگر در ادعایت بر حق نیستی ، از خدای عزوجل بترس و به سوی او توبه کن و دعوا را ترك كن . و حق کسی که با تو مشورت می کند این است که اگر دانستی که او رای نیکویی دارد او را به صواب رهنمون باش و اگر نظر او را نيك ندانستی او را به سوی آنچه که می دانی ارشاد کن . و حق کسی که در مشورت تو را راهنمایی می کند این است که او را در نظری که موافق نظر تو نیست متهم نسازی و اگر هم رای تو بود خدای عزوجل را سپاس گویی . و حق کسی که از تو طلب نصیحت کند این است که اندرزش دهی و باید روش تو مهربانی و مدارای با او باشد. و حق نصیحت کننده تو این است که در برابر او متواضع و نرم باشی و به سخنش گوش فرا دهی اگر سخن صوابی با تو گفت ، خدای عزوجل را سپاس گوی و اگر سخنش موافق صواب نبود با او مهربان باش و او را متهم نساز و او را بر خطایش مواخذه نکن مگر اینکه مستحق تهمت باشد به هر حال به سخنش اعتنا مکن و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی خدا. و حق آنکه بزرگتر است این است که او را به خاطر سنش احترام کنی و او را به خاطر اینکه بر تو در مسلمانی پیشی داشته بزرگ شمري و در هنگام مرافعه و مجادله ، مقابله نمودن با او را ترك نمایی و در راه ، در راه رفتن بر او پیشی نگیری و جلو نیفتی و با او نادانی نکنی و اگر با تو نادانی کرد تحملش کنی و او را به خاطر حق مسلمانی و حرمتش اکرام نمایی . و حق خردسال این است که آن کس که می خواهد آموزشش دهد با او مهر ورزد و از خطایش در گذرد و چشم پوشی کند و با او مدارا کند و یاری اش سازد، و حق سائل این است که به قدر

نیازش به او عطا کنی و حق کسی که از او چیزی درخواست نموده ای این است که اگر عطا کرد از او با سپاس و قدردانی بپذیر و اگر خودداری کرد عذرش را پذیرا باش . و حق کسی که به خاطر خدای تعالی تو را شادمان نموده این است که اولاً خدای عزوجل را سپاس گویی و سپس از او تشکر کنی . و حق کسی که به تو بدی نموده این است که از او درگذری و اگر دانستی که عفو نمودن او ضرر دارد از او انتقام بگیر خدای تعالی فرموده) : و کسی که انتقام گیرد بعد از ستمی که بر او شده مسئولیتی ندارد .⁽⁴⁹⁾ (و حق همکیشان تو به طور عموم این است که نسبت به آنان حسن نیت و مهربانی داشته باشی و با خطا کارشان مدارا کنی و او را با مهربانی به خویش متمایل سازی و به راه اصلاح در آوری و از نیکو کارشان قدردانی کنی و گنه کارشان را آزار ندهی و آنچه را که برای خود دوست داری برای آنان دوست بداری و آنچه را که برای خود ناپسند می شمری برای آنان نیز ناپسند بشمری و پیرمردانشان به منزله پدر تو و جوانانشان به منزله برادرت و پیرزنانشان به منزله مادرت و کودکانشان به منزله فرزندان باشند. و حق اهل ذمه این است که آنچه را که خدای عزوجل از آنان پذیرفته تو نیز از آنان بپذیری و تا زمانی که به عهد و پیمان خود وفا دارند به خاطر خدای عزوجل به آنان ستم روا مداری .

- 4باب استحباب ملازمه الصفات الحمیده و استغمالها و ذکر نبذه منها

- 4باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها

حدیث:

- 20عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله خص رسوله صلى الله عليه و آله بمكارم الاخلاق فامتحنوا انفسكم فان كانت فيكم فاحمدوا الله و ارغبوا اليه فيه الزيادة منها فذكرها عشرة : اليقين و القناعة و الصبر و الشكر و الحلم و حسن الخلق و السخاء و الغيرة و الشجاعة و المروءة.

ترجمه:

- 20امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بزرگواری های اخلاقی را به رسول خود اختصاص داد پس خو را بیازمایید اگر آن مکارم در وجود شما باشد خدای را سپاس گوید و در طلب زیادی آنها به سوی خدا زاری کنید. پس عدد آنها را ده عدد ذکر کرده است : یقین و قناعت و صبر و شکر و بردباری و خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مردانگی .

حدیث:

- 21عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعلی علیه السلام يا علی اوصيك في نفسك بخصال فاحفظها ثم قال : اللهم اعنه . اما الاولى فالصدق لا يخرجن من فيك كذبه ابدا و الثانيه الورع لاتجترثن علی خیانه ابدا و الثالثه الخوف من الله كانك تراه و الرابعه كثره البكاء من خشيه الله عزوجل يبنى لك بكل دمه بيت في الجنة و الخامسه بذل مالك و دمك دون دينك و السادسه الاخذ بسنتي في صلاتي و صيامي و

صدقنی اما الصلاه فالخمسون ركعه و اما الصوم فثلاثه ايام فى كل شهر خميس فى اوله و اربعاء فى وسطه و خميس فى آخره و اما الصدقه فجهدك حتى يقال اسرفت و لم تسرف و عليك بصلاه و الليل و عليك بصلاه الليل و عليك بصلاه الزوال و عليك بقراءه القرآن على كل خال و عليك برفع يديك فى الصلاه و تقليبيهما عليك بالسواك عند كل صلاه عليك بمحاسن الاخلاق فاركبها عليك بمساوى الاخلاق فاجتنبها فان لم تفعل فلا تلومن الا نفسك.

ترجمه:

21- امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله به على عليه السلام فرمود: ای علی ! تو را درباره خودت به داشتن چند خصلت سفارش می کنم اینها را حفظ کن ، سپس فرمود: خداوندا او را یاری کن . اما خصلت اول راستگویی است مبدا هرگز دروغی از دهان تو بیرون آید، دوم پارسایی است مبدا هرگز بر خیانت نمودن دلیر گردی ، سوم ترس از خداست گوئیا تو او را می بینی ، چهارم زیاد گریستن از خوف خدای عزوجل که به خاطر هر قطره اشکی خانه ای در بهشت برایت ساخته می شود، پنجم مال و جانت را در مقابل دینت عطا کنی ، ششم در نماز و روزه و صدقه به سنت من رفتار کنی اما نماز پنجاه رکعت در هر شبانه روز و اما روزه سه روز در ماه ، پنجشنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماه و پنجشنبه آخر هر ماه ، و اما صدقه تا می توانی در پرداخت آن بکوش تا جایی که گفته شود زیاده روی می کنی و تو زیاده روی مکن . بر تو باد به نماز شب ، نماز شب و بر تو باد به نماز ظهر اول وقت و بر تو باد به قرائت قرآن در هر حال و بر تو باد به بالا بردن دستانت در نماز و برگرداندن دو کف به طریقه دعا و بر تو باد به مسواک زدن در هنگام هر نماز و بر تو باد به کسب اخلاق نیک و بر تو باد به دوری از اخلاق ناپسند، اگر این اموری را که بر تو شمردم به جای نیاوری پس جز خودت کسی دیگر را سرزنش مکن.

حدیث:

22- عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام فى وصيه النبى صلى الله عليه و آله لعلی عليه السلام انه قال : يا على ثلاث من مكارم الاخلاق فى الدنيا و الآخرة ان تعفو عمن ظلمك و تصل من قطعك و تحلم عمن جهل عليك.

ترجمه:

22- امام صادق عليه السلام از پدرانش عليه السلام روایت کند که در وصیت پیامبر صلى الله عليه و آله به على عليه السلام چنین آمده است : ای علی ! سه خصلت است که در دنیا و آخرت از بزرگواری های اخلاقی شمرده می شود: اینکه از کسی که به تو ستم نموده در گذری و با کسی که از تو بریده پیوند برقرار کنی و در برابر کسی که با تو نادانی نموده بردباری به خرج دهی .

حدیث:

- 23 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المكارم عشر فان استطعت ان تكون فيك فلتكن فانها تكون في الرجل و لاتكون في ولده و تكون في ولده و لاتكون في ابيه و تكون في العبد و لاتكون في الحر صدق الناس و صدق اللسان و اداء الامانه و صله الرحم و اقراء الضيف و اطعام السائل و المكافاه على الصنائع و التذمم للجار و التذمم للصاحب و راسهن الحياء.

ترجمه:

- 23 امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگواری های اخلاقی ده چیز است ، پس اگر توانایی آن داری که این اخلاق در تو باشد پس اقدام کن زیرا این مکارم گاه باشد که در مرد هست ولی در فرزندش نیست و گاه در فرزند هست و در پدرش نیست و گاه در بنده هست و در آزاد نیست و آنها عبارتند از: راستی با مردمان و راستگویی زبان و امانتداری و پیوند با خویشان و مهمان دوستی و نیکویی نمودن با او و طعام دادن به سائل و پاداش دادن به خاطر انجام کارها و خودداری از سرزنش همسایه و همنشین ، و سر همه این بزرگواری ها حیا است .

حدیث:

- 24 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لانسبن الاسلام نسبه لم ينسبه احد قبلى و لاینسبه احد بعدى الا بمثل ذكل ان الاسلام هو التسليم و التسليم هو اليقين و اليقين هو التصديق و التصديق هو الاقرار و الاقرار هو العمل و العمل هو الاداء ان المومن لم ياخذ دينه عن رايه و لكن اتاه من ربه فاخذه.

ترجمه:

- 24 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جوهره و اصل اسلام را چنان ترسیم و بیان می کنم و که کسی پیش از من چنین بیان ننموده و پس از من نیز جز به همین گونه ای که می گویم کسی (بهتر از) آن را بیان نخواهد کرد: همانا اسلام همان تصدیق نمودن است و تصدیق ، اقرار و اعتراف آوردن (به عبودیت و حقانیت رسول) است و اقرار همان عمل و کردار است و عمل همان به جای آوردن (و به ظهور رسانیدن) است . به راستی که مومن دین خود را از رای و اندیشه خود بر نمی گیرد بلکه به آنچه که از پروردگارش به او رسیده است تمسك جوید .

حدیث:

- 25 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الاسلام : عريان فلباسه الحياء و زينته الوفاء و مروءته العمل الصالح و عماده الورع و لكل شىء اساس و اساس الاسلام حينا اهل البيت.

ترجمه:

- 25 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: اسلام برهنه است و لباس و پوشش آن حیاست و زیور آن وفا و مردانگی آن کار شایسته نمودن و پایه و ستون آن پارسایی است و هر چیز بنیاد و ریشه ای دارد و ریشه اسلام دوستی ما اهل بیت

است.

حدیث:

- 26 عن ابی جعفر الثانی علیه السلام عن ابیه عن جدّه قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الله خلق الاسلام فجعل له عرصه و جعل له نورا و جعل له حصنا و جعل له ناصرا فاما عرصته فالقرآن و اما نوره فالجكمه و اما حصنه فالمعروف و اما انصاره فانا و اهل بيتی و شيعتنا.

ترجمه:

- 26 امام جواد علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از جدش روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله : همانا خداوند اسلام را آفرید و برای آن میدان و روشنایی و قلعه استوار و یاری کنندگانی قرار داد اما میدان آن قرآن و روشنایی آن حکمت و قلعه آن احسان است و یاری کنندگان اسلام ، من و اهل بیتم و شیعیان ما می باشیم.

حدیث:

- 27 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انکم لاتکونون صالحین حتی تعرفوا و لاتعرفون حتی تصدقوا و لاتصدقون حتی تسلموا ابوابا اربعه لایصلح اولها الا بآخرها.

ترجمه:

- 27 امام صادق علیه السلام فرمود: شما نیکوکار نمی باشید مگر اینکه شناخت پیدا کنید و شناخت پیدا نمی کنید مگر اینکه تصدیق کنید و تصدیق نمی کنید مگر اینکه تسلیم شوید و اینها چهار باب است (صلاح ، عرفان ، تصدیق و تسلیم) که اولین آنها به سامان نمی آید مگر به سبب آخرین آنها.

حدیث:

- 28 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ینبغی للمومن ان یکون فیه ثمان خصال : و قورا عند الهزاهز، صورا عند البلاء، شکورا عند الرخاء، قانعا بما رزقه الله ، لا یظلم الاعذا، و لایتحامل للاصدقاء، بدنه منه فی تغب و الناس منه فی راحه ، ان العلم خلیل المومن و الحلم و زیره و العقل امیر جنوده و الرفق اخوه و البر والده.

ترجمه:

- 28 امام صادق علیه السلام فرمود: بر مومن سزاوار است که دارای هشت خصلت باشد، در هنگام فتنه ها با وقار و بردبار باشد، هنگام نزول بلا شکوایا باشد، در هنگام فراخی و ناز و نعمت شکرگزار باشد، به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد، به دشمنان ستم نکند و به دوستان جفا نکند، بدنش از او در سختی و مردم از او در آرامش باشند، همانا دانش دوست مومن و بردباری وزیر اوست و عقل فرمانده لشکریان او و مدارا برادر او و نیکی پدر اوست .

حدیث:

- 29 قال امیرالمؤمنین علیه السلام الاسلام له ارکان اربعه ، التوکل علی الله و تفویض الامر الی الله و الرضا بقضاء الله و التسليم لامر الله عزوجل.

ترجمه:

- 29 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اسلام دارای چهار رکن است : توکل بر خدا و واگذاری کار به خداوند و راضی بودن به قضای الهی و تسلیم بودن در مقابل امر خدای عزوجل.

حدیث:

- 30 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن الایمان فقال : ان الله عزوجل جعل الایمان علی اربع دعائم : علی الصبر و الیقین و العدل و الجهاد فالصبر من ذلك علی اربع شعب : علی الشوق و الاشفاق و الزهد و الترقیب - الی ان قال - و الیقین علی اربع شعب : تبصره الفطنه و تاویل الحکمه و معرفه العبره و سنه الاولین و العدل علی اربع شعب : علی غامض الفهم و غمر العلم و زهره الحکم و روضه الحلم - الی ان قال : - و الجهاد علی اربع شعب : علی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و الصدق فی المواطن و شنان الفاسقین.

ترجمه:

- 30 امام باقر علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ایمان سوال شد و حضرت پاسخ دادند: همانا خداوند عزوجل ایمان را بر چهار پایه نهاد: بر صبر و یقین و عدل و جهاد. اما صبر خود بر چهار شاخه است : بر شوق (به بهشت) و ترس (از جهنم) و بی رغبتی به دنیا و انتظار کشیدن (مرگ) - تا آنجا که فرمود: - و یقین نیز بر چهار شاخه است : بر بینا شن در زیرکی و بازگردانیدن (امور به سوی) حکمت و شناختن عبرت و روش پیشینیان . و عدل نیز بر چهار شاخه است : بر فهم دشوار و فرو رفتن در علم و حکم نیکو و (وارد شدن در) سبزه زار بردباری (50) - تا آنجا که فرمود: - و جهاد نیز بر چهار شاخه است : بر امر به معروف و نهی از منکر و صداقت و راستی در مواضع و دشمنی با ناپکاران .

حدیث:

- 31 عن علی به الحسین علیه السلام قال : المومن من ینصت لیسلم و ینطق لیغنم لایحدث امانته الاصدقاء و لایکتم شهادته من البعداء و لایعمل شیئا من الخیر زیاء و لا یترکه حیاء. ان زکی خاف ما یقولون و یتستغفر الله لما لا یعلمون ، لایغره قول من جهله و یخاف احضاء ما عمله.

ترجمه:

- 31 امام سجاد علیه السلام فرمود: مومن سکوت می کند تا سالم و سلامت بماند و سخن نگوید تا (از گفتگو با دیگران) غنیمت گیرد و شهادتش را از افراد دور (و آشنا) کتمان نمی کند و هیچ کار خیری را ریاکارانه انجام نمی دهد و هیچ کار خوبی را به خاطر حیا ترک نمی کند،

اگر ستوده شود از آنچه که درباره اش می گویند بیمناک است و از خداوند به خاطر آنچه که درباره اش نمی دانند طلب مغفرت می کند، گفتار کسی که نسبت به او جاهل است او را نمی فریبد و از اینکه یکایک عملش حفظ و نگاهداری می شود بیمناک است.

حدیث:

- 32 عن هشام به الحكم عن ابي الحسن موسى به جعفر عليه السلام فی حدیث طویل قال یا هشام کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول:

ما عبدالله بشیء افضل من العقل و ما تم عقل امری حتی تكون فیہ خصال شتی : الکفر و الشر منه مامونان و الرشده و الخیر منه مامولان و فضل ماله مبذول و فضل قوله مکفوف ، نصیبه من الدنیا القوت ، لا یشبع من العلم دهره ، الذل احب الیه مع الله من العز مع غیره و یستقل کثیر المعروف من نفسه و یری الناس کلهم خیرا منه و انه شرهم فی نفسه و هم تمام الامر.

ترجمه:

- 32 هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: ای هشام ! امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: خداوند به هیچ چیز برتر از عقل پرستش نشده است و عقل کسی تمام و کامل نمی شود مگر اینکه در وی چند خصلت باشد، از کفر و بدی او ایمنی حاصل باشد و امید پایداری در راه راست و خیر از او می رود و زیادی مالش بذل و بخشش می شود و زیادی گفتارش باز داشته می شود، بهره اش از دنیا همان طعامی است که می خورد، در تمام عمرش از علم سیر نمی شود، ذلتی که در راه خدا باشد از عزتی که در راه غیر خدا باشد نزد او دوست داشتنی تر است و فروتنی در نزد او از بلندپایگی محبوبتر است ، احسان کمی را که دیگران انجام می دهند زیاد می شمرد و احسان زیاد خودش را کم به حساب می آورد و همه مردم را از خود بهتر می بیند و خودش را در نفس خود بدترین مردم می داند و اینها تمام آن خصال است .

حدیث:

- 33 و عن عده من اصحابنا رفعه الی ابي عبدالله علیه السلام قال : المومن له قوه فی دین و حزم فی لین و ایمان فی یقین و حرص فی فقه و نشاط فی هدی و بر فی استقامه و علم فی حلم و کیس فی رفق و سخاء فی حق و قصد فی غنی و تحمل فی فاقه و عفو فی قدره و طاعه لله فی نصیحه و انتهاء فی شهوه و ورع فی رغبه و حرص فی جهاد و صلاه فی شغل و صبر فی شده و فی الهزاهز و قور و فی المکاره صبور و فی الرخاء شکور و لایغتتاب و لایتکبر و لایقطع الرحم و لیس بواهن و لافظ و لا غلیظ و لا یسبقه بصره و لایفضحه بطنه و لایغلبه فرجه و لا یحسد الناس ، یعیر و لا یعیر و لا یسرف ، ینصر المظلوم و یرحم المسکین ، نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحه ، لا یرغب فی عز الدنیا و لایجزع من ذلها ، للناس هم قد اقبلوا علیه و له هم قد شغله ، لایری فی حلمه نقص و لا فی رابه و هن و لا فی دینه ضیاع ،

یرشد من استشاره و یساعد من ساعده و یکیع عن الخناء الجهل.

ترجمه:

- 33 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: مومن دارای توانایی در دینداری و ثبات در نرمی و ایمان در یقین و حرص در دریافت دانش و نشاط در هدایت و نیکی در پایداری و دانش در بردباری و زیرکی در مدارا و سخاوت در مسیر حق و میانه روی در هنگام ثروتمندی و تحمل در زمان نداری و عفو در وقت قدرت و فرمانبرداری خدا در پند و اندرز دادن و باز ایستادن از شهوترانی و پارسایی در هنگام خواهش نفس و حرص در جهاد و نماز در وقت گرفتاری و صبر در سختی است و در فتنه ها با وقار و در دشواری ها صبور و در فراخی شکرگزار است و غیبت و درشتخوری و خشن نیست و چشمش بر او پیشی نمی گیرد (یعنی اینگونه نیست که ابتدا نگاه کند و سپس از نگاه خود پشیمان شود بلکه از آغاز نگاه نمی کند) و شکمش او را رسوا نمی کند و عورتش بر او چیره نمی شود و بر مردم حسد نمی ورزد، سرزنش می شود و سرزنش نمی کند و اهل اسراف نیست، ستمدیده را یاری می کند و بر بیچاره رحم می آورد، نفس او از او در سختی است و مردم از او در راحتی اند، میل به عزت و ارجمندی دنیا ندارد و از ذلت دنیا بی تابی نمی کند، مردم می کوشند که روی آورند و کوشش او در این است که به کار خود (و تهذیب نفس خود) مشغول باشد، در بردباری اش کمبودی نیست و در رای و نظرش سستی راه ندارد و در دینش زیان و خسارت نباشد، کسی را که از او مشورت خواهد راهنمایی می کند و کسی را که از او درخواست کمک کند کمک می کند و از فحش و نادانی ترسان است.

حدیث:

- 34 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث انه سال رسول الله صلی الله علیه و آله عن صفه المومن . فقال : عشرون خصله فی المومن فان لم تکن فیه لم یکمل ایمانه . ان من اخلاق المومنین یا علی الحاضرون الصلاه و المسارعون الی الزکاه و المطعمون للمسکین ، الماسحون لراس الیتیم ، المطهرون الطمارهم ، المتزرون علی اوساطهم ، الذین ان حدثوا لم یکذبوا و ان وعدوا لم یخلفوا و ان اوتمنوا لم یخونوا و ان تکلما صدقوا ، رهبان اللیل ، اسد بالنهار ، صائمون النهار قائمون اللیل ، لایوذون جارا و لا یتاذی بهم جار ، الذین مشیهم علی الارض هون و خطاهم الی بیوت الارامل و علی اثر الجنائز. جعلنا الله و ایاکم من المتقین.

ترجمه:

- 34 در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد اوصاف مومن سوال کرد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بیست خصلت در مومن هست که اگر این خصلتها در او نباشد ایمانش کامل نیست . ای علی ! از اخلاق مومنین این است : به نماز (جماعت) حاضر می شوند و به پرداخت زکات شتاب کننده اند و مسکین را طعام دهند، دست بر سر یتیم کشند، جامه های کهنه خویش را پاکیزه می

کنند دروغ نمی گویند و اگر وعده دهند به وعده عمل می کنند و اگر در کاری آنان را امین شمرند خیانت نمی کنند و اگر سخن گویند راست خواهند گفت ، پارسایان شب و شیران روزاند، روز را به روزه و شب را به قیام می گذرانند، همسایه را آزار نمی دهند و همسایه ای از آنان رنجیده خاطر نمی شود، به آرامی بر روی زمین قدم بر می دارند و برای کمک به زنان بی سرپرست و برای تشییع جنازه ها قدم پیش می گذارند. خداوند ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد.

حدیث:

- 35 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان شیعه علی علیه السلام کانوا خمض البطون ، ذبل الشفاء، اهل رافه و علم و حلم ، يعرفون بارهبانیه فاعینوا علی ما انتم علیه بالورع و الاجتهاد.

ترجمه:

- 35 امام صادق علیه السلام : همانا شیعیان علی علیه السلام شکمهایشان تهی و لبهایشان خشکیده بود، اهل مهربانی و علم و بردباری بودند، به پارسایی شناخته می شدند پس با پرهیزکاری و تلاش ما را بر شیعه بودنشان یاری کنید.

حدیث:

- 36 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن حلیم لایجهل ، و ان جهل علیه یحلم ، و لایظلم و ان ظلم غفر و لایبخل و ان بخل علیه صبر.

ترجمه:

- 36 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن بردباری است که بردباری اش از روی نادانی نیست و اگر با او از روی نادانی و حماقت رفتار شود او بردباری به خرج می دهد و به کسی ستم نمی کند و اگر به او ستمی شد می بخشاید و بخل نمی ورزد و اگر به او بخل ورزیده شد صبر پیشه می کند.

حدیث:

- 37 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن من طاب مکسبه و حسنت خلیفته و صحت سریره و انفق الفضل من ماله و امسك الفضل من کلامه و کفی الناس شره و انصف الناس من نفسه.

ترجمه:

- 37 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن کسی است که محل کسب روزی اش پاکیزه و خلق و خوی او نیکوست و درونش بی عیب و نقص است و زیادی دارایی اش را اتفاق می کند و جلو زیاد سخن گفتن خو را می گیرد و شرش را از مردم باز می دارد و در مورد خودش با مردم به انصاف و عدالت رفتار می کند.

حدیث:

- 38 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ، شیعتنا المتبازلون فی ولایتنا، المتحابون فی مودتنا، المتزاورون فی احیاء امرنا، الذین اذا غضبوا لم یظلموا و ان رضوا لم یسرفوا، برکه علی من جاوروا سلم لمن خالطوا.

ترجمه:

- 38 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که در سایه ولایت ما به یکدیگر بذل و بخشش می کنند، یکدیگر را در راه دوستی ما دوست می دارند، در زنده نمودن امر ما با یکدیگر دید و بازدید می کنند، آنان زمانی که به خشم آیند ستم نمی کنند و اگر خشنود باشند زیاده روی نمی کنند، آنان مایه برکت برای همسایگانیشان و مایه صلح و سلامت معاشران خود هستند.

حدیث:

- 39 عن فاطمه بنت الحسین بن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاث خصال من کن فیہ استکمل خصال الایمان : اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم یخرجه الغضب من الحق و اذا قدر لم یتعاط ما لیس له.

ترجمه:

- 39 از فاطمه دختر حسین بن علی علیه السلام روایت است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت است که کسی که این سه خصلت در او باشد خصلتهای ایمان را به طور کامل داراست : هنگامی که خشنود است خوشنودی اش او را در باطل داخل نمی کند و هنگامی که خشمگین است خشمش او را از راه حق بیرون نمی برد و هنگامی که قدرت و توانایی دارد آنچه را که از آن نیست به ناحق نمی گیرد.

حدیث:

- 40 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان لاهل الدین علامات یعرفون بها: صدق الحدیث و اداء الامانه و وفاء العهد و صله الارحام و رحمه الضعفاء و قله المواقعه للنساء - او قال و قله المواته للنساء - و بذل المعروف و حسن الجوار و سعه الخلق و اتباع العلم و ما یقرب الی الله - الی ان قال - ان المومن نفسه منه فی شغل و الناس منه فی راحه ، اذا جن علیه اللیل افترش وجهه و سجد لله بمکارم بذنه یناجی الذی خلقه فی فکاک رقبتہ ، الا فهکذا فکونوا.

ترجمه:

- 40 امام صادق علیه السلام فرمودن امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا اهل دین نشانه هایی دارند که به آن نشانه ها شناخته می شوند: راستی در گفتار و امانتداری و وفای به پیمان و پیوند با خویشان و مهربانی با ناتوانان و کمی معاشرت و مخالطت با زنان (با اینکه فرمود: کمی جماع با زنان) و بذل احسانو حسن همسایگی و وسعت خلق و پیروی از علم و آنچه که به خدا نزدیک می کند تا اینکه فرمود: همانا مومن نفسش از دست او گرفتار

است و مردم از او در راحتی اند، هنگامی که شب بر او می رسد صورتش را بر زمین می گذارد و برای خدا با گرمی ترین اعضای بدن خود به خاک می افتد و با پروردگاری که او را آفریده مناجات می کند که او را از آتش برهاند، آگاه باشید که چنین باشید.

حدیث:

- 41 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل النبی صلی الله علیه و آله عن خيار العباد فقال : الذين اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شكروا و اذا بتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.

ترجمه:

- 41 امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوال شد که بهترین بندگان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که هرگاه نیکی کنند شاد می شوند و هنگامی که بدی کنند مغفرت می کنند و هنگامی که به آنان عطا شود قدردانی می کنند و زمانی که به بلایی دچار شوند صبر پیشه کنند و هنگامی که خشمگین شوند ببخشایند .

حدیث:

- 42 قال النبی صلی الله علیه و آله : ان خيارکم اولو النهی قيل يا رسول الله : من اولو النهی ؟ قال : هم اولو الاخلاق الحسنه و الاحلام الرزينه و صله الارحام و البرره بالامهات و الاءاء و المتعاهدون للجيران و الیثامی و يطعمون الطعام و یغشون السلام فی العالم و یصلون و الناس نیام غافلون.

ترجمه:

- 42 پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما خردمندانند. گفته شد: ای رسول خدا چه کسانی خردمندانند؟ فرمود: آنان صاحبان اخلاق نیکو و عقلهای گرانمایه و اهل پیوند با خویشاوندان و نیکی به مادران و پدران و رسیدگی کننده به همسایگان و یتیمان اند و (به مسکینان) طعام می خورانند و به صورت آشکار به همگان سلام می کنند و نماز می گذراند در حالی که مردم در خواب و غافلند.

حدیث:

- 43 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : ان المعرفة بکمال دین المسلم ترکة الکلام فیما یعنیہ و قله مرأه و حلمه و صبره و حسن خلقه .

ترجمه:

- 43 امام صادق علیه السلام می فرماید امام سجاد علیه السلام می فرمود: همانا شناختن اینکه دین مسلمان به کمال رسیده است به چند امر است : ترك سخن نمودنش در امور بیهوده و بی مربوط و کم جدال نمودنش و بردباری اش و شکیبایی اش و خوش خلقی اش.

حدیث:

44- عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من اخلاق المومن الانفاق علی قدر الاقتار و التوسع علی قدر التوسع و انصاف الناس و ابتداوه اياهم بالسلام علیهم.

ترجمه:

44- امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام فرمود: از اخلاق مومن انفاق نمودن به اندازه نیازمندی و توسعه دادن (به زندگی نیازمندان) به اندازه فراخی (زندگی خود) و رفتار عادلانه با مردم و آغاز نمودن به سلام بر مردم.

حدیث:

45- عن ابی جعفر علیه السلام قال : انما المومن من الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی اثم و لا باطل و ان سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و الذی اذا قدر لم تخرجه قدرته الی التعدی الی ما لیس له بحق.

ترجمه:

45- امام باقر علیه السلام فرمود: مومن کسی است که در هنگام خشنودی، خوشنودی اش او را در گناه و باطل داخل نکند و اگر به خشم آمد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و در زمانی که قدرت دارد قدرتش او را به تجاوز نمودن به سوی چیزی که حقی در آن ندارد نکشاند.

حدیث:

46- قال ابو عبدالله علیه السلام : یا مهزم شیعتنا من لایعدو صوته سمعه و لا شحناوه یدیه و لا یمتدح بنا معلنا و لایجالس لنا عائبا و لا یخاصم لنا قالیا و ان لقی مومنا اکرمه و ان لقی جاهلا هجره - الی ان قال - شیعتنا من لا یهر هریر الکلب و لا یطمع طمع الغراب و لا یسال عدونا و ان مات جوعا.

ترجمه:

46- امام صادق علیه السلام فرمود: این مهزم! شیعه ما کسی است که صدایش از گوش خودش تجاوز نکند و کینه و دشمنی اش از دستانش تعدی نکند) کینه اش را عملا ابراز و اعمال نکند) و (در زمان تقیه) ما را آشکارا مدح و ثنا نگوید، و در مجالست و همنشینی با ما زبان به عیبجویی نگشاید و یا بی مهری و کینه با ما به مخاصمه و جدال بر نخیزد و اگر با مومنی دیدار کرد او را اکرام کند و اگر با نادانی برخورد نمود از او دوری کند، - تا آنجا که فرمود: - شیعه ما کسی است که همچون بانگی که سگ از سوز سرما بر می آورد بانگ بزند و حرص و طمعی همچون حرص و طمع کلاغان نداشته باشد و از دشمن ما درخواست و گدایی نکند اگر چه از گرسنگی بمیرد.

حدیث:

- 47 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله الا اخبرکم باشبهکم بی ؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : احسنکم خلقا و الینکم کنفا و ابرکم بقربته و اشدکم حبلا خوانه فی دینه و اصبرکم علی الحق و اکظمکم للغیظ و احسنکم عفوا و اشدکم من نفسه انصافا فی الرضا و الغضب.

ترجمه:

- 47 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما در مورد کسی که شبیه ترین شما به من است خبر دهم ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! پیامبر فرمود: کسی که اخلاقش نیکوتر و نرمخوتر و نیکی کننده تر به خویشاوندانش باشد و دوستی اش نسبت به برادران دینی از همه بیشتر باشد و صبورترین شما بر حق و فرو خورنده ترین شما خشمش را و نیکوترین شما از نظر عفو و بخشایش باشد و از همه شما در هنگام خوشنودی و خشم انصاف را بیشتر رعایت کند.

حدیث:

- 48 عن ابی عبدالله علیه السلام قال المومن حسن المعونه ، خفیف المئونه ، جید التدبیر لمعیشته و لا یلسع من جحر مرتین.

ترجمه:

- 48 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن یاری اش نیکو و روزی اش سبک و کم است ، تدبیرش برای زندگی نیکوست و از يك سوراخ دو مرتبه گزیده نمی شود .

حدیث:

- 49 عن الدلهات مولی الرضا علیه السلام قال : سمعت الرضا علیه السلام یقول : لا یكون المومن مومنا حتی یكون فیہ ثلاث خصال - الحدیث و ذکر فیہ - کتمان سره و مداراه الناس و الصبر فی الباساء و الضراء.

ترجمه:

- 49 دلهاث غلام امام رضا علیه السلام روایت کند که از حضرت شنیدم که می فرموده : مومن مومن نیست مگر اینکه در او سه خصلت باشد - سپس حدیث ما قبل را آورده است و در آن اضافه نموده است : رازش را می پوشاند و با مردمان مدارا می کند و در سختی ها و مشکلات صبر پیشه می سازد.

حدیث:

- 50 فی حدیث مرفوع الی النبی صلی الله علیه و آله قال : جاء جبرئیل فقال : یا رسول الله ان الله ارسلنی الیک بهدیه لم یعطها احدا قبلك قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما هی ؟ قال : الصبر و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الرضا و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الزهد و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الاخلاص و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الیقین و احسن منه قلت : و ما هو یا جبرئیل ؟ قال : ان مدرجه ذلك التوکل علی الله عزوجل فقلت : و

ما التوكل على الله ؟ قال : العلم بان المخلوق لا يضر و لا ينفع و لا يعطى و لا يمنع و استعمال الياس من الخلق فاذا كان العبد كذلك لا يعمل لاحد سوى الله و لم يرج و لم يخف سوى الله و لم يطمع فى احد سوى الله فهذا هو التوكل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الصبر؟ قال : تصبر فى الضراء كما تصبر فى العافيه فلا يشكو حاله عند المخلوق بما يصيبه من البلاء قلت : فما تفسير القناعه ؟ قال : يقنع بما يصيب من الدنيا يقنع بالقليل و يشكر اليسير قلت فما تفسير الرضا؟ قال الراضى لايسخط على سيده اصاب من الدنيا (ام لا يصيب) منها و لايرضى لنفسه باليسير من العمل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الزهد؟ قال : يحب من يحب خالقه و يبغض من يبغض خالقه و يتخرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتخرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتخرج من الكلام كما يتخرج من الميته التى قد اشتد ننتها و يتخرج عن حطام الدنيا و زينتها كما يتجنب النار ان يغشاها و ان يقصر امله و كان بين عينيه اجله قلت ، يا جبرئيل فما تفسير الاخلاص ؟ قال : المخلص الذى الایسال الناس شيئا حتى يجد و اذا وجد رضى و اذا بقى عنده شىء اعطاه فى الله ، فان لم يسال المخلوق فقد اقر لله بالعبوديه و اذا وجد فرضى فهو عن الله راض و الله تبارك و تعالى عنه راض و اذا اعطى الله عزوجل فهو على حد الثقه بربه قلت : فما تفسير اليقين ؟ قال : المومن يعمل لله كانه يراه فان لم يكن يرى الله فان الله يراه و ان يعلم يقينا ان ما اصابه لم يكن ليخطئه و ما اخطاه لم يكن ليصيبه و هذا كله اغصان التوكل و مدرجه الزهد.

ترجمه:

- 50 در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که : جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا با هدیه ای نزد تو فرستاده که این چنین هدیه ای به هیچ کس پیش از تو نداده است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن هدیه چیست ؟ عرض کرد: صبر و نیکوتر از صبر، فرمود: نیکوتر از صبر چیست ؟ عرض کرد: رضا و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از رضا چیست ؟ عرض کرد: زهد و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از زهد چیست ؟ عرض کرد: اخلاص و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از اخلاص چیست ؟ عرض کرد :یقین و نیکوتر از یقین . پیامبر می فرماید گفتم : ای جبرئیل ! نیکوتر از یقین چیست ؟ گفت : راه رفتن به آن توکل نمودن بر خدای عزوجل است گفتم : توکل بر خدا چیست ؟ گفت : آگاهی به اینکه ضرر و نفع و عطا و منع هیچ يك به دست مخلوق نیست و نومیدی از مخلوق را در عمل رعایت کند پس هرگاه بنده ای چنین باشد برای هیچ کس غیر از خدا کار نمی کند و امید و بیم ندارد جز از خدا و به هیچ کس جز خدا چشم نمی دوزد پس این معنای توکل است . گفتم : ای جبرئیل ! تفسیر صبر چیست ؟ گفت : در سختی شکیبایی کند چنانکه در شادی و در تنگدستی شکیبایی کند چنانکه در ثروتمندی و در بلا شکیبایی کند چنانکه در وقت عافیت و تندرستی پس از بلایی که به او رسیده به نزد

مخلوق شکوه و شکایت نبرد. گفتم : تفسیر قناعت چیست ؟ گفت : به آنچه از دنیا نصیب او گردیده قانع باشد به کم قانع باشد و شکر آن را به جای آورد. گفتم : تفسیر رضا چیست ؟ گفت : شخص رضایتمند بر مولای خود خشم نمی گیرد چه به دنیا رسیده باشد چه نرسیده باشد و بر نفس خود به عمل کم خوشنود نیست.

گفتم : ای جبرئیل تفسیر زهد چیست ؟ گفت : اینکه دوست بدارد آن کس را که آفریننده اش را دوست دارد و دشمن بدارد آن کس را که آفریننده اش را دشمن می دارد و از حلال دنیا بر خود تنگ بگیرد و به حرام آن توجهی نکند زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش موجب عقابت است و به همه مسلمانان مهربانی کند چنانکه نسبت به خود مهربان است و آنچنانکه از مرداری که بوی گندش زیاد شده است پرهیز می کند از سخن گفتن بپرهیزد و همچنانکه از آتشی که او را فرا گیرد دوری می کند از چیزهای پوچ و فانی دنیا و زینت دنیا پرهیز کند و آرزویش را کوتاه کند و اجلش را پیش رو داشته باشد. گفتم : ای جبرئیل ! تفسیر اخلاص چیست ؟ گفت : مخلص کسی است که هیچ چیز را از مردم درخواست نکند تا خود بیاید و آنگاه که یافت خوشنود باشد و اگر چیزی در نزد او باقی ماند آن را در راه خدا عطا کند پس اگر از مخلوق درخواست نکند به عبودیت خداوند اقرار کرده است . و اگر خواسته خود را یافت و خوشنود بود چنین کسی از خدا خوشنود است و خداوند تبارک و تعالی نیز از او خوشنود است و هنگامی که به خاطر خدای عزوجل عطا می کند چنین کسی در حد اعتماد به پروردگار خویش است.

گفتم : تفسیر یقین چیست ؟ گفت : مومن برای خدا به گونه ای عمل کند گویا او را می بیند که اگر او خدا را نمی بیند خداوند او را می بیند و از روی یقین و باور بداند که آنچه به او رسیده است ممکن نبود که به او برسد و به خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده است نمی شد که به او برسد. همه اینها که گفته شد شاخه های توکل و راه رفتن به سوی زهد است.

- 5 باب استحباب التفكير فيما يوجب الاعتبار والعمل

- 5 باب استحباب تفكر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت وعمل است

حدیث:

- 51 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : نبه بالفكر قلبك و جاف عن الليل جنبك و اتق الله ربك.

ترجمه:

- 51 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: با تفکر نمودن قلب خود را آگاه کن و شبانگاه پهلوی خود را از بستر خواب دور گردان و تقوای خداوند که پروردگار توست را پیشه ساز.

حدیث:

- 52 عن الحسن الصيقل قال : سألت ابا عبدالله عليه السلام عما يروى الناس) تفكر ساعه خير من قيام ليله (قلت : كيف يتفكر؟ قال : يمر بالخربه او بالدار فيقول : اين ساكنوك ؟ اين بانوك ؟ ما لك لاتتكلمين ؟

ترجمه:

- 52 حسن صيقل گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آنچه که مردم روایت می کنند که (:ساعتی تفکر از قیام يك شب بهتر است) پرسیدم که چگونه باید تفکر کند؟ فرمود: به ویرانه یا خانه گذر کند و بگوید: کجایند ساکنان تو؟ کجایند سازندگان تو؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی ؟

حدیث:

- 53 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : افضل العباده ادمان التفكر في الله و في قدرته.

ترجمه:

- 53 امام صادق علیه السلام فرمود، برترین عبادت مداومت نمودن بر تفکر درباره خداوند و قدرت اوست .

حدیث:

- 54 عن معمّر بن خلاد قال : سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول : ليس العباده كثره الصلاه و الصوم انما العباده التفكير في امر الله عزوجل.

ترجمه:

- 54 معمّر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: عبادت نماز و روزه زیاد نیست بلکه عبادت تفکر نمودن در کار خدای عزوجل است.

حدیث:

- 55 قال ابو عبدالله عليه السلام : التفكير يدعو الى البر و العمل به.

ترجمه:

- 55 امام صادق علیه السلام فرمود: تفکر آدمی را به سوی نیکی و عمل به آن فرا می خواند .

حدیث:

- 56 كتب هارون الرشيد الى ابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام : عطني و اوجز. قال : فكتب اليه : ما من شئ ء تراه عينك الا و فيه موعظه.

ترجمه:

- 56 هارون الرشید به امام موسی بن جعفر علیه السلام نوشت که : مرا موعظه کن و کوتاه سخن گو. - راوی گوید: - حضرت برای او نوشت : هیچ چیز نیست که چشم تو آن را ببیند جز اینکه در آن موعظه ای نهفته است .

حدیث:

- 57 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان اكثر عباده ابی ذر رحمه الله التفكير و الاعتبار.

ترجمه:

- 57 امام صادق علیه السلام فرمود: بیشترین عبادت ابوذر - که خدایش رحمت کند - تفکر نمودن و عبرت گرفتن بود.

حدیث:

- 58 من کتاب ابی عبدالله السیاری صاحب موسی و الرضا علیه السلام قال : سمعته يقول : ليس العباده كثره الصيام و الصلاه و انما العباده الفكر فى الله تعالى.

ترجمه:

- 58 از کتاب ابی عبدالله سیاری که مصاحب دو امام موسی کاظم و امام رضا علیه السلام بود روایت است که گوید: از امام معصوم شنیدم که فرمود: عبادت ، زیاد روزه گرفتن و خواندن نماز فراوان نیست بلکه عبادت تفکر نمودن درباره خدای تعالی است .

حدیث:

- 59 عن الحسين الصيقل قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : تفكر ساعه خير من قيام ليله فقال : نعم قال رسول الله صلى الله عليه و آله تفكر ساعه خير من قيام ليله قلت : كيف يتفكر؟ قال : يمر بالدار و الخربه فيقول اين بانوك اين ساكنوك مالك لاتتكلمين.

ترجمه:

- 59 حسين بن صقيل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا ساعتی تفکر، از برخاستن و عبادت يك شب با ارزش تر است ؟ حضرت فرمود: آری رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود که : ساعتی تفکر نمودن از يك شب قیام نمودن برتر است عرض کردم : چگونه باید تفکر کرد؟ فرمود: باید به خانه و ویرانه گذر کند و بگوید : سازندگان تو و ساکنان تو کجایند؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی ؟

- 6 باب استحباب التخلق بمكارم الاخلاق و ذكر جمله منها

- 6 باب استحباب يافتن اخلاق نيكو و ذكر تعدادی از اخلاق نيكو

حدیث:

- 60 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لنحب من كان عاقلا فهما فقيها حلوما مداريا صبورا صدوقا و فيا ان الله عزوجل خص الانبياء بمكارم الاخلاق فمن كانت فيه فليحمد الله على ذلك و من لم تكن فيه فليتضرع الى الله عزوجل و ليساله اياها قال قلت جعلت فداك و ما هن ؟ قال : هن الورع و القناعه و الصبر و الشكر و الحلم و الحياء و السخاء و الشجاعه و الغيره و البر و صدق الحديث و اداء الامانه.

ترجمه:

- 60 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما کسی را دوست می داریم که خردمند، فهمیده ، دارای فهم عمیق در دین ، بردبار، مداراکننده ، صبور، راستگو و وافادار

باشد، خداوند عزوجل اخلاق نیکو را به پیامبران اختصاص داده پس کسی که دارای اخلاق پسندیده است خداوند را بر داشتن آن اخلاق سپاس گوید و کسی که چنین اخلاقی در وجودش نیست باید به درگاه خدای عزوجل تضرع و زاری کند و اخلاق نیکو را از خداوند درخواست کند.

-راوی گوید: - عرض کردم : فدایت شوم آن اخلاق نیک چیست ؟ حضرت فرمود: پارسایی ، قناعت ، صبر و شکر، بردباری ، حیا سخاوت ، شجاعت ، غیرت ، نیکو کاری ، راستگویی ، امانتداری.

حدیث:

- 61قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الا اخبركم بخير رجالكم ؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال : ان خير رجالكم التقى النقى السمح الكفين الطرفين البر بوالديه و لايجلى عياله الى غيره.

ترجمه:

- 61رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آیا به شما خبر دهم که بهترین مردان شما چه کسانی هستند؟ گفتیم : آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بهترین مردان شما کسانی هستند که پرهیزکار، پاکیزه ، دارای دستانی بخشنده و با سخاوت ، از طرف پدر و مادر پاکیزه نژاد باشد، نیکی کننده به پدر و مادرش باشد و خانواده اش را مجبور نکند که به دیگری پناه برد.

حدیث:

- 62عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ان الله عزوجل ارتضى لكم الاسلام دينا فاحسنوا صحبته بالسخاء و حسن الخلق.

ترجمه:

- 62از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: همانا خداوند عزوجل اسلام را به عنوان دین برای شما پسندید پس این دین را با سخاوت و خوش خلقی همراهی و یاری نیکو کنید .

حدیث:

- 63عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال اميرالمؤمنين عليه السلام : الايمان اربعة ارکان الرضا بقضاء الله و التوكل على الله و تفويض الامر الى الله و التسليم لامر الله.

ترجمه:

- 63از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود :امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: ایمان چهار رکن دارد: خوشنودی به قضای الهی و توکل بر خدا و سپردن امر زندگی به خداوند و تسلیم در برابر امر خدا.

حدیث:

- 64 عن رجل من بنی هاشم قال اربع من كن فيه كمل اسلامه و ان كان من قرنه الى قدمه خطايا لم ينقضه الصدق و الحياء و حسن الخلق و الشكر.

ترجمه:

- 64 از مردی از بنی هاشم چنین روایت است که فرمود: چهار چیز است که اگر در کسی باشد اسلامش کامل است و اگر چه از سر تا قدمش گناه باشد از قدر و منزلتش کاسته نمی شود: راستی و حیا و خوش خلقی و شکر.

حدیث:

- 65 عن حماد بن عثمان قال جاء رجل الى الصادق عليه السلام فقال : يا ابن رسول الله اخبرني عن مكارم الاخلاق فقال : العفو عمن ظلمك و صله من قطعك و اعطاء من حرمك و قول الحق و لو على نفسك.

ترجمه:

- 65 حماد بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! اخلاق نیک را به من خبر ده ، حضرت فرمود: چشم پوشی و گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته و پیوند با کسی که از تو بریده و عطا کردن به کسی که تو را محروم داشته و حق گویی اگر چه بر علیه خودت باشد.

حدیث:

- 66 عن جراح المدائنی قال : قال لی ابو عبدالله عليه السلام : الا احثك بمكارم الاخلاق ؟ الصفح عن الناس و مواساه الرجل اخاه فی ماله و ذکر الله كثيرا.

ترجمه:

- 66 جراح مدائنی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود : آیا جوانمردی ها و خوبی های اخلاقی را برایم بگویم ؟ چشم پوشی و در گذشتن از خطای مردمان و یاری دادن به برادر دینی از نظر مالی و یاد کردن زیاد از خداوند.

حدیث:

- 67 عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام انه قال : عليكم بمكارم الاخلاق فان الله عزوجل يحبها و اياكم و مدام الافعال فان الله عزوجل يبغضها و عليكم بتلاوه القرآن الى ان قال و عليكم بحسن الخلق فانه يبلغ بصاحبه درجه الصائم القائم و عليكم بحسن الجوار فان الله جل جلاله امر بذلك و عليكم بالسواك فانه مطهره و سنه حسنه و عليكم بفرائض الله فادوها و عليكم بمحارم الله فاجتنبوها.

ترجمه:

- 67 امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به بزرگواری های اخلاقی زیرا خداوند عزوجل اخلاق پسندیده را دوست دارد و از اخلاق نکوهیده پرهیزد زیرا خداوند عزوجل آنها را دشمن می دارد و بر شما باد به تلاوت قرآن ، - تا آنجا که فرمود بر شما باد به خوش خلقی

زیرا خوش خلقی صاحب خود را به درجه روزه داری که شبها را به عبادت قیام می کند می رساند و بر شما باد به نیکی با همسایگان زیرا خداوند به این امر نموده است و بر شما باد به مسواک زدن زیرا مسواک زدن پاکیزه کننده دهان و سنتی نیکو است و بر شما باد به انجام واجبات الهی و بر شما باد به اجتناب نمودن از حرامهای خداوند .

حدیث:

- 68 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل وجوها خلقهم من خلقه و ارضه لقضاء حوائج اخوانهم يرون الحمد مجدا و الله سبحانه يحب مكارم الاخلاق و كان فيما خاطب الله نبيه صلى الله عليه و آله (انك لعلی خلق عظیم) قال : السخاء و حسن الخلق.

ترجمه:

- 68 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا برای خداوند بندگان برجسته و شایسته ای وجود دارد که خداوند آنها را همین آفرینش و زمین خود آفریده است و آنان را برای برطرف کردن نیازهای برادران دینی آفریده ، آنان حمد و سپاس را مایه مجد و بزرگی می دانند و خداوند سبحان بزرگواری های اخلاقی را دوست می دارد و در خطاب نمودن به پیامبرش فرموده است) : همانا تو بر اخلاقی بزرگ هستی ⁽⁵¹⁾ (که این اخلاق بزرگ همان سخاوت و خوش خلقی است .

- 7 باب وجوب اليقين بالله في الرزق و العمر و النفع و الضرر

- 7 باب وجوب يقين داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر

حدیث:

- 69 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : لا يجد عبد طعم الايمان حتى يعلم ان ما اصابه لم يكن ليخطئه و ان ما اخطاه لم يكن ليصيبه و ان الضار النافع هو الله عزوجل.

ترجمه:

- 69 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود : امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بداند که آنچه به او رسیده نمی توانست به او نرسد و خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده نمی شد که به او برسد و بداند که زیان رساننده و سوددهنده فقط خدای عزوجل است .

حدیث:

- 70 عن صفوان الجمال قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (و اما الجدار فكان لغلامين يتيمين في المدينة و كان تحته كنز لهما) فقال : اما انه ما كان ذهباً و لافضه و انما كان اربع كلمات لا اله الا الله انا من ايقن بالموت لم يضحك سנה و من ايقن بالحساب لم يفرح قلبه و من ايقن بالقدر لم يخش الا الله.

ترجمه:

- 70 صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی در داستان حضرت خضر علیه السلام پرسیدم که می فرماید: و اما آن دیوار (که تعمیر نمودم) متعلق به دو کودک یتیم در شهر بود و در زیر آن دیوار گنجی برای آنان نهفته بود (حضرت فرمود: به راستی که آن گنج طلا و نقره نبود بلکه آن گنج چهار کلمه حکمت بود: هیچ معبودی جز من نیست، کسی که مرگ را باور داشته باشد در عمر خود نمی خندد، و کسی که حساب را باور داشته باشد دلش شادمان نخواهد بود، و کسی که قضا و قدر الهی را باور کند جز از خدا از هیچ چیز نمی ترسد.

حدیث:

- 71 عن ابی عبدالله علیه السلام ان امیرالمؤمنین علیه السلام جلس الی حائط مائل یقضی بین الناس فقال بعضهم لا تقعد تحت هذا الحائط فانه معور فقال امیرالمؤمنین علیه السلام: حرس امرا اجله فلما قام سقط الحائط و كان امیرالمؤمنین علیه السلام مما یفعل هذا و اشباهه و هذا یقین.

ترجمه:

- 71 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در زیر دیوار گنجی نشسته بود و در بین مردمان حکم می فرمود، پس برخی از مردم گفتند: در زیر این دیوار منشین که به خاطر رخنه ای که دارد ترسناک است، حضرت فرمود: مرد را اجلس حفظ و نگاهبانی می کند پس از آنجا برخاست و دیوار فرو ریخت. امیرالمؤمنین علیه السلام این کار و کارهایی شبیه به انی را انجام می داد و این یقین و باور است.

حدیث:

- 72 عن ابی عبدالله علیه السلام قال: لیس شیء الا و له حد قلت: جعلت فداك فما حد التوکل؟ قال: یقین. قلت: فما حد یقین؟ قال: ان لا تخاف مع الله شیئا.

ترجمه:

- 72 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه برای آن حدی است - روای گوید: - عرض کردم فدایت شوم حد توکل چیست؟ فرمود: یقین. عرض کردم: حد یقین چیست؟ فرمود: حد یقین آن است که با وجود خداوند از هیچ چیز نترسی.

حدیث:

- 73 عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من صحه یقین المرء المسلم ان لا یرضی الناس بسخط الله و لایلومهم علی ما لم یوته الله فان الرزق لایسوقه حرص حریص و لایرده کراهیه کاره و لو ان احدکم فر من رزقه کما یفر من الموت لادرکه رزقه کما یدرکه الموت - ثم قال: - ان الله بعدله و قسطه جعل الروح و الراحة فی الیقین و الرضا جعل الهم و الحزن فی الشک و السخط.

ترجمه:

- 73 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: نشانه سالم بودن یقین شخص مسلمان این است که مردم را با به خشم آوردن خداوند خوشنود نسازد و آنان را بر آنچه که خداوند به آنان عطا نکرده است سرزنش نکند زیرا رزق و روزی را نه حرص حریص به سوی او می کشاند و نه ناخوش داشتن شخص از او باز می دارد و (بدانید که) اگر کسی از شما از روزی خود بگریزد چنانکه از مرگ می گریزد روزی اش او را در می یابد چنانکه مرگ او را در می یابد - سپس فرمود: - همانا خداوند به عدل و انصاف خود آرامش و راحتی را در یقین و رضا (به داده الهی) قرار داد و اندوه و حزن را در شك و ناخشنودی (از قضای الهی) قرار داد.

حدیث:

- 74 عن هشام بن سالم قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العمل القليل الدائم على اليقين افضل عند الله من العمل الكثير على غير يقين.

ترجمه:

- 74 هشام بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: عمل اندک و بادوام که بر پایه یقین باشد در نزد خداوند از عمل زیاد که بدون یقین باشد برتر است .

حدیث:

- 75 عن سعيد بن قيس الهمداني قال نظرت يوما في الحرب الى رجل عليه ثوبان فحركت فرسى فاذا هو امير المؤمنين عليه السلام فقلت يا امير المؤمنين : في مثل هذا الموضع فقال نعم يا سعيد بن قيس انه ليس من عبد الا و له من الله عزوجل حافظ و واقيه معه ملكان يحفظانه من ان يسقط من راس جبل او يقع في بئر فاذا نزل القضاء خليا بينه و بين كل شئ .

ترجمه:

- 75 سعيد بن قيس همدانی گوید: روزی در هنگام جنگ چشمم به مردی افتاد که دو جامه بر داشت (و در هیئت جنگجویان زره بر تن نداشت) اسبم را به سوی او راندم ناگاه دیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام است عرض کردم: ای امیرمومنان! آیا در مثل چنین مکانی؟! (اینگونه حاضر می شوید) حضرت فرمود: آری ای سعید بن قیس! هیچ بنده ای نیست جز اینکه برای او از جانب خدای عزوجل نگاهبان و نگهداری هست، همراه با او دو فرشته است که او را از فرو افتادن از کوه یا افتادن در چاه نگهداری می کنند پس زمانی که قضای الهی فرود می آید آن دو فرشته از بین او و هر چیز به کنار می روند .

حدیث:

- 76 عن علي بن اسباط قال : سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول : كان في الكنز الذي قال الله : (و كان تحته كنز لهما) كان فيه بسم الله الرحمن الرحيم ، عجت لمن ايقن بالموت كيف يفرح ؟ و عجت لمن ايقن بالقدر كيف يحزن ؟

ترجمه:

- 76 علی بن اسباط گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: در آن گنجی که خداوند در داستان حضرت خضر و موسی علیه السلام در قرآن از زبان حضرت خضر بیان نمود (که) در زیر آن دیوار گنجی بود متعلق به دو کودک یتیم (چنین آمده است: به نام خداوند مهرورز مهربان، در شگفتم از کسی که مرگ را باور کرده است چگونه شادمانی می کند و در شگفتم از کسی که به قضا و قدر الهی یقین دارد چگونه غمگین می شود).

حدیث:

- 77 قيل للرضا عليه السلام انك تتكلم بهذا الكلام و السيف يقطر دما فقال: ان لله و ادیا من ذهب حماه باضعیف خلقه النمل فلو رامه البخاتی لم تصل الیه.

ترجمه:

- 77 به امام رضا علیه السلام گفته شد: شما این سخن را می گوید⁽⁵²⁾ در حالی که از آن شمشیر خون می چکد (یعنی مردم در طلب روزی سخت می کوشند) حضرت فرمود: برای خداوند وادبی از طلاست که با ضعیف ترین آفریدگانش که مورچه است از آن نگاهبانی می کند که اگر شخص صاحب بخت و اقبال هم آن را طلب کند به آن نخواهد رسید.

حدیث:

- 78 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال: كفی بالاجل حارسا.

ترجمه:

- 78 امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: اجل به عنوان نگاهبان برای آدمی بس است.

- 8 باب وجوب طاعة العقل و مخالفه الجهل

- 8 باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن باجهل و نادانی

حدیث:

- 79 عن ابی جعفر علیه السلام قال: لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له: اقبل فاقبل ثم قال له: ادبر فادبر ثم قال: و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الی منك و لا اکملتك الا فیمن احب اما انی ایاك امر و ایاك انهی و ایاك اعاقب و ایاك اثیب.

ترجمه:

- 79 امام باقر علیه السلام فرمود: چون خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن گوید، سپس به او فرمود: پیش آی، پس عقل پیش آمد. سپس فرمود: برگرد، پس او پشت نموده و برگشت، سپس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را نیافریدم که در نزد من از تو محبوبتر باشد و تو را به صورت کامل قرار نمی دهم مگر در وجود کسی که دوستش دارم. آگاه باش که من تو را امر و نهی می کنم و تو را کیفر و پاداش می دهم.

حدیث:

- 80 عن علی علیه السلام قال : هبط جبرئیل علیه السلام علی آدم علیه السلام فقال : یا آدم انی امرت ان اخیرک واحده من ثلاث فاخترها و دع اثنتين فقال له آدم : یا جبرئیل و ما الثلاث فقال : العقل و الحياء و الدين فقال آدم : انی قد اخترت العقل فقال جبرئیل للحیاء و الدين : انصرفا و دعاه فقالا: یا جبرئیل انا امرنا ان نكون مع العقل حيث كان قال : فشانكما و عرج.

ترجمه:

- 80 از علی علیه السلام روایت است که فرمود: جبرئیل علیه السلام بر حضرت آدم علیه السلام فرود آمد و عرض کرد: ای آدم! از جانب خدای به من دستور داده شده که تو را بین یکی از سه چیز مخیر گردانم آن را اختیار کن و آن دو دیگر را واگذار. پس آدم علیه السلام به او گفت : ای جبرئیل! آن سه چیست ؟ جبرئیل علیه السلام گفت : عقل ، حیا ، دین . آدم علیه السلام فرمود: من عقل را انتخاب می کنم . پس جبرئیل علیه السلام به حیا و دین گفت : برگردید و او را واگذارید، آن دو گفتند: ای جبرئیل ! به ما دستور داده شده که همواره هر جا که عقل هست همراه او باشیم . جبرئیل گفت : خودتان می دانید و عروج کرد و به آسمان رفت .

حدیث:

- 81 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما العقل ؟ قال : ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان قال : قلت : فالذی كان فی معاویه ؟ قال : تلك النكراء تلك الشیطنه و هی شبيهه بالعقل و لیست بالعقل.

ترجمه:

- 81 راوی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم : عقل چیست ؟ فرمود: آنچه که به سبب آن پروردگار مهربان عبادت می شود و به وسیله آن بهشت به دست می آید. عرض کردم : پس آنچه که در معاویه وجود داشت چه بود؟ فرمود: آن زیرکی و شیطنت بود که به عقل شبیه است و عقل نیست .

حدیث:

- 82 عن الحسن بن الجهم قال سمعت الرضا علیه السلام یقول : صدیق کل امری عقله و عدوه جهله.

ترجمه:

- 82 حسن بن جهم گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: دوست هر کسی عقل اوست و دشمن هر کس نادانی اوست .

حدیث:

- 83 قال ابو عبدالله علیه السلام : من كان عاقلا كان له دين و من كان له دين دخل الجنة.

ترجمه:

- 83 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که عاقل باشد دین دارد و کسی که دین دارد وارد بهشت خواهد شد .

حدیث:

- 84 قال ابو الحسن موسى به جعفر عليه السلام : يا هشام ان الله بشر اهل العقل و الفهم في كتابه فقال فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب - الى ان قال - يا هشام ان لقمان قال لابنه تواضع للحق تكن اعقل الناس وان الكيس لدى الحق يسير يا بني ان الدنيا بحر عميق قد غرق فيها عالم كثير فلتكن سفينتك فيها تقوى الله و حشوها الايمان و شراعها التوكل و قيمها العقل و دليلها العلم و سكانها الصبر يا هشام ان لكل شىء دليلا و دليل العقل التفكير و دليل التفكير الصمت و لكل شىء مطية و مطية العقل التواضع و كفى بك جهلا ان تركب ما نهيب عنه الى ان قال يا هشام ان لله على الناس حجتين حجة ظاهره و حجة باطنه فاما الظاهره فالرسل و الانبياء و الائمة و اما الباطنه فالعقول الى ان قال يا هشام كيف يزكو عند الله عملك و انت قد شغلت قلبك عن امر ربك و اطعت هواك على غلبه عقلك يا هشام ان العاقل رضى بالدون من الدنيا مع الحكمة و لم يرض بالدون من الحكمة مع الدنيا فلذلك ربحت تجارتهم ان العقلاء تركوا فضول الدنيا فكيف الذنوب و ترك الدنيا من الفضل و ترك الذنوب من الغرض يا هشام ان العاقل نظر الى الدنيا و الى اهلها فعلم انها لاتنال الا بالمشقة و نظر الى الآخرة فعلم انها لاتنال الا بالمشقة فطلب بالمشقة ابقاهما.

ترجمه:

- 84 امام موسى بن جعفر عليه السلام فرمود: این هشام ! خداوند در کتابش عاقلان و فهمیدگان را بشارت داد و فرمود: پس بشارت ده بندگان مرا، آنان که سخن را می شنوند و از نیکوترین آن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و آنان خردمنداند⁽⁵³⁾ (ای هشام ! لقمان به پسرش گفت : در مقابل حق تواضع و فروتنی کن تا عاقل ترین مردمان باشی و همانا کسی که در برابر حق زیرک باشد کم است . ای پسر ! دنیا دریایی عمیق است که عالمی بسیار در آن غرق گشته اند پس باید در یان دریای ژرف کشتی تو تقوای الهی و دورن آن کشتی ایمان و بادبان آن توکل و متصدی و متولی آن عقل و راهنمای آن دانش و سکان آن شکیبایی می باشد. ای هشام ! هر چیزی راهنمایی دارد و راهنمای عقل تفکر است و راهنمای تفکر سکوت است و هر چیزی مرکبی دارد و مرکب عقل تواضع و فروتنی است و برای نادانیت همین بس که بر چیزی سوار شوی که از سوار شدن بر آن نهی شده ای - تا آنجا که فرمود: ای هشام ! خداوند بر مردمان دو حجت دارد یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی اما حجت ظاهری همان رسولان و پیامبران هستند و اما حجت باطنی عقلهای مردمان است - تا آنجا که فرمود: - ای هشام ! چگونه عمل تو در نزد پروردگارت باز داشته ای و پیرو هوایت که بر عقلت چیره گشته است گردیده ای . ای هشام

!همانا خردمند به اندك از دنيا همراه با حكمت باشد خوشنود می گردد و به اندك از حكمت كه همراه با دنيا باشد خوشنود نمی گردد پس به همین خاطر تجارت آنان سودمند است . همانا خردمندان زیادی های دنيا را ترك گفته اند تا چه رسد به گناهان و ترك دنيا ناشی از فضل و برتری است و ترك گناهان واجب است.

ای هشام ! همانا شخص خردمند به دنيا و اهلش می نگرد پس در می یابد كه جز با تحمل سختی به دنيا نمی توان رسید و به آخرت می نگرد باز می بیند كه جز با تحمل سختی به آن نمی توان رسید پس از بین این دو آن را كه باقی تر و ماندگارتر است با مشقت طلب می كند .

حدیث:

- 85قال امیرالمؤمنین علیه السلام : العقل غطاء ستير و الفضل جمال ظاهر فاستر خلل خلقك بفضلك و قاتل هواك بعقلك تسلم لك الموده و تظهر لك المحبه.

ترجمه:

- 85امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: عقل پوششی پوشاننده است و شایستگی زیبایی ای آشکار است پس رخنه هاس طبیعی خودت را با شایستگی ات بپوشان و به كمك عقل خویش با هوان نفست مبارزه كن تا دوستی سالم و خالصانه برایت حاصل و محبت نیز برایت آشكار گردد.

حدیث:

- 86عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العقل دليل المومن.

ترجمه:

- 86امام صادق علیه السلام فرمود: عقل راهنمای مومن است .

حدیث:

- 87عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يا على لا فقر اشد من الجهل و لامال اعود من العقل.

ترجمه:

- 87امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : ای علی ! هیچ فقری بدتر از نادانی نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست .

حدیث:

- 88عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل فقال له : ادبر فادبر فقال : و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الى منك بك اخذ و بك اعطی و عليك اثيب.

ترجمه:

- 88امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی كه خداوند عقل را آفرید از او خواست كه سخن

بگوید سپس به او فرمود: پیش آی ، پس او پیش آمد پس فرمود: برگرد و او پشت نموده و برگشت ، پس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را که در نزد من دوست داشتنی تر از تو باشد نیافریدم ، به سبب تو می گیرم و به سبب تو عطا می کنم و بر اساس تو ثواب و پاداش می دهم .

حدیث:

- 89 عن ابی عبدالله علیه السلام : قال خمس من لم یکن فیه لم یکن فیه کثیر مستمتع قلت : و ما هی ؟ قال : العقل و الادب و الدین و الجود و حسن الخلق.

ترجمه:

- 89 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پنج چیز هست که هر کس این پنج چیز در او نیست لذت برخورداری زیادی در وجودش نخواهد بود.
- راوی می گوید: - عرض کردم: آنها چه هستند؟ حضرت فرمود: عقل و ادب و دین و بخشش و خوش خلقی .

- 9 باب وجوب غلبه العقل علی الشهوه و تخريم العکس

- 9 باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

حدیث:

- 90 عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله فی حدیث المناهی قال : من عرضت له فاحشه او شهوه فاجتنبها مخافه الله عزوجل حرم الله علیه النار و آمنه من الفزع الاکبر و انجز له ما و عده فی کتابه فی قوله تعالى (و لمن خاف مقام ربه جنتان) الا و من عرضت له دنیا و آخره فاختار الدنيا علی الاخره لقی الله عزوجل یوم القیامه و لیست له حسنه یتقی بها النار و من اختار الاخره و ترک الدنيا رضی الله عنه و غفر له مساوی عمله.

ترجمه:

- 90 از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیه السلام و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث مناهی روایت کنند که فرمود: هر کس که گناهی یا امر شهوانی بر او عرضه شود و او از ترس خدای عزوجل از ارتکاب آن خودداری کند خداوند آتش دوزخ را بر او حرام می گرداند و از بی تابی بزرگ روز قیامت او را ایمن می کند و در مورد او به آنچه که در کتابش وعده داده است وفا خواهد کرد خداوند در کتابش فرمود: و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت باشد ⁽⁵⁴⁾ (آگاه باشید کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند در روز قیامت خدای عزوجل را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به سبب آن از آتش محفوظ بماند ندارد و کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را واگذارد خداوند از او خشنود خواهد شد و بدیهای کردارش را بر او ببخشد .

حدیث:

- 91 عن عبدالله بن سنان قال : سالت ابا عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام فقلت : الملائكة افضل ام بنو آدم ؟ فقال : قال اميرالمؤمنين على به ابى طالب عليه السلام : ان الله ركب فى الملائكة عقلا بلا شهوة و ركب فى البهائم شهوة بلا عقل و ركب فى بنى آدم كليهما فمن غلب عقله شهوته فهو خير من الملائكة و من غلب شهوته عقله فهو شر من البهائم.

ترجمه:

- 91 عبدالله بن سنان گوید: از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدم : آیا فرشتگان برترند یا فرزندان آدم ؟ حضرت فرمود: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام فرمود: خداوند در وجود فرشتگان عقل بدون شهوت و در وجود حیوانات شهوت بدون عقل و در وجود انسان هر دو را ترکیب نمود پس کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود از فرشتگان برتر است و کسی که شهوتش بر عقلش غالب آید از حیوانات بدتر خواهد بود .

حدیث:

- 92 عن جعفر بن محمد الصادق عن ابیه عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : طوبى لمن ترك شهوة حاضرة لموعده لم يره.

ترجمه:

- 92 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و او از پدرانش : روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خوشا به حال کسی که خواهش نفسانی حاضر را به خاطر وعده گاه قیامت که آن را ندیده است ترك کند.

حدیث:

- 93 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : كم من شهوة ساعه اورثت حزنا طويلا.

ترجمه:

- 93 امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: چه بسیار خواهش نفسانی لحظه ای که اندوه طولانی و درازی را در پی دارد .

حدیث:

- 94 و قال عليه السلام : كم من اكله منعت اكلات.

ترجمه:

- 94 و نیز فرمود: چه بسیار يك بار خوردن که آدمی را از خوردن ها باز می دارد .

حدیث:

- 95 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال الله تعالى : انما اقبل الصلاة لمن تواضع لعظمتى و يكف نفسه عن الشهوات من اجلى و يقطع نهارة بذكري و لايتعظم على خلقى و يطعم الجائع و يكسو العارى و يرحم المصاب و يووى الغريب فذلك يشرق نوره مثل الشمس اجعل له

فی الظلمات نورا و فی الجهاله حلما اكلوه بعزتی و استحفظه ملائكتی يدعونی فالبیه و یسالنی فاعطیه فمثل ذلك عندی كمثل جنات عدن لا یسمو ثمرها و لا تتغیر عن حالها.
ترجمه:

95- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی فرموده است : من نماز را از کسی می پذیرم که در برابر عظمت من فروتنی کند و به خاطر من نفس خود را از شهوات باز دارد و روز خود را به یاد من سپری کند و بر خلق من خودنمایی و بزرگی نکند و گرسنه را طعام دهد و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت زده ترحم آورد و غریب را جای دهد چنین کسی نورش همانند نور خورشید می تابد و من در تاریکی ها نور و در وقت نادانی حلم و بردباری برایش قرار می دهم ، به عزتم او را نگهداری می نمایم و به وسیله فرشتگانم او را حفظ می کنم ، چنین بندگانی مرا می خوانند و من اجابت می کنم و از من درخواست می کنند و من عطا می کنم مثل آنان در نزد مانند مثل بهشت جاودان است که میوه هایش علو و ارتفاع ندارد (اشاره است به تواضع و فروتنی آنان) و دگرگونی در حالت آن راه ندارد.

- 10 باب وجوب الاعتصام بالله

- 10 باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی

حدیث:

96- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما عبد اقبل قبل ما یحب الله عزوجل اقبل الله قبل ما یحب و من اعتصم بالله عصمه الله و من اقبل الله قبله و عصمه لم یبال لو سقطت السماء علی الارض او كانت نازله نزلت علی اهل الارض فشملتهم بلیه کان فی حزب الله بالتقوی من کل بلیه الیس الله یقول : (ان المتقین فی مقام امین)

ترجمه:

96- امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای که به سوی چیزی که خدای عزوجل دوست می دارد روی بیاورد خداوند نیز به سوی چیزی که او دوست می دارد روی می آورد و کسی که چنگ زند خداوند او را حفظ می کند و کسی که خداوند به سوی او روی آورد و او را نگاهداری کند باکی ندارد اگر آسمان بر زمین افتاد یا بلای سختی بر اهل زمین فرود آید و همگی را در برگیرد چنین کسی به سبب پرهیزگاری اش در حزب خدا جای دارد و از هر بلایی در امان است ، آیا خداوند نمی گوید) : همانا پرهیزگاران در مقام امن الهی جای دارند⁽⁵⁵⁾ .

حدیث:

97- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : او حی الله عزوجل الی داود: ما اعتصم بی عبد من عبادی دون احد من خلقی عرفت ذلك من نینه ثم یکیده السماوات و الارض و من فیهن الا جعلت له المخرج من بینهن و ما اعتصم عبد من عبادی باحد من خلقی عرفت ذلك من نینه الا قطعت اسباب السماوات من یدیه و اسخت الارض من تحته و لم ابال بای واد یهلك.

ترجمه:

- 97 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی داود علیه السلام وحی فرستاد که : هیچ بنده ای از بندگان من به من چنگ نزده است که این را از نیتش دانسته باشم سپس تمامی آسمانها و زمین و هر که در آنهاست به مکر و کید با او بپردازد، جز اینکه راه خروج از کید و مکر آنها را برایش قرار می دهم و هیچ بنده ای از بندگان من به یکی از مخلوق من چنگ نزده است که این را از نیت او دانسته باشم جزء اینکه همه وسیله های آسمانها را از پیش روی او قطع می کنم و زمین را از زیر پای او فرو می برم و باکی ندارم که او در چه دره ای هلاک گردد .

- 11باب وجوب التوکل علی الله و التفویض الیه

- 11باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او

حدیث:

- 98 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : خرجت حتی انتهیت الی هذا الحائط فاتکات علیه فاذا رجل علیه ثوبان ابيضان ینظر فی تجاه وجهی ثم قال : یا علی بن الحسین ما لی اراک کئیبا حزینا؟ - الی ان قال - ثم قال : یا علی بن الحسین علیه السلام هل رایت احدا دعا الله فلم یجبه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا توکل علی الله فلم یکفه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا سال الله قلم یعطه ؟ قلت : لاثم غاب غنی.

ترجمه:

- 98 امام سجاد علیه السلام فرمود: بیرون آمدم تا اینکه به این دیوار رسیدم پس بر آن تکیه زدم ناگاه مردی که دو جامه سفید در برداشت در برابر روی من به من می نگریست . سپس گفت : ای علی به الحسین ! چه شده است مرا که تو را افسرده و غمگین می بینم ؟ - تا آنجا که گفت : - علی بن الحسین ! آیا کسی را دیده ای که خدای را بخواند و خدا او را اجابت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که بر خدا توکل کند و خدا او را کفایت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که از خدا درخواست کند و خداوند به او عطا نکند؟ گفتم : نه . سپس از جلو چشمان من غائب شد.

حدیث:

- 99 ابی عبدالله علیه السلام قال : ان العنی و العز یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطنوا.

ترجمه:

- 99 امام صادق علیه السلام فرمود: ثروتمندی و عزت سیر و گردش می کنند پس هرگاه به موضع توکل دست یافتند در همانجا اقامت می گیرند .

حدیث:

- 100 عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : سألته عن قول الله عزوجل : (و من یتوکل علی الله فهو حسبه) فقال : التوکل کل علی الله درجات منها ان تتوکل علی الله فی امورك کلها فما فعل بك کنت عنه راضیا تعلم انه لا یالوک خیرا و فضلا و تعلم ان الحکم فی ذلك له

فتوکل علی الله بتفویض ذلك الیه و ثق به فیها و فی غیرها.

ترجمه:

- 100 راوی گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل

پرسیدم که می فرماید:

(و کسی که بر خدا توکل کند پس خدا او را بس است⁽⁵⁶⁾) (حضرت فرمود: توکل نمودن بر خدا دارای درجاتی است یکی از آنها این است که در تمامی کارهایت بر خدا توکل کنی پس هر چه خداوند با تو کند از او خوشنودی زیرا می دانی که او در رساندن خیر و فضل بر تو کوتاهی نمی کند و می دانی که حکم در تمامی امور از آن اوست پس با سپردن تمامی کارهایت به خداوند بر او توکل کن و در همه امور به او اعتماد کن .

حدیث:

- 101 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اعطی ثلاثا لم یمنع ثلاثا: من اعطی ادعاء اعطی الاجابه و من اعطی الشکر اعطی الزیاده و من اعطی التوکل اعطی الکفایه ثم قال : اتلوت کتابه الله عزوجل ؟ (و من یتوکل علی الله فهو حسبه) و قال : (لئن شکرتم لازیدنکم) و قال : (ادعوننی استجب لکم).

ترجمه:

- 101 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سه چیز به او داده شده از سه چیز بی بهره نمانده است : کسی که به او دعا عطا شده اجابت هم به او عطا گردیده و کسی که به او شکر داده شده و زیادت هم به او بخشیده شده و کسی که توکل به او عطا گردیده کفایت هم به او عطا شده . سپس فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را تلاوت کرده ای ؟ و کسی که بر خدا توکل کند پس خداوند او را بس است⁽⁵⁷⁾)

(اشاره به فقره سوم) و اگر شکر کنید بر شما زیادت می بخشیم⁽⁵⁸⁾) (اشاره به فقره دوم) و مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم⁽⁵⁹⁾) (اشاره به فقره اول).

- 12 باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله

- 12 باب عدم جواز امید و آرزو داشتن به غیر خدا

حدیث:

- 102 عن ابی عبدالله علیه السلام : انه قرا فی بعض الكتب ان الله تبارك و تعالی يقول : و عزتی و جلالی و مجدی و ارتفاعی علی عرشی لا قطعن کل مومل من الناس غیری بالیاس و لا کسونه ثوب المذله عند الناس و لانحینه من قریبی و لابعده من فضلی . ایومل غیری فی الشدائد و الشدائد بیدی و یرجو غیری و یقرع بالفکر باب غیری و بیدی مفاتیح الابواب و هی مغلقه و بابی مفتوح لمن دعانی ؟ فمن ذا الذی املنی لنائبه فقطعته دونها؟ و من الذی رجانی لعظیمه فقطعت رجاءه منی ؟ جعلت آمال عبادی عندی محفوظه فلم یرضوا بحفظی و ملات سماواتی ممن لا یمل من تسبیحی و امرتهم ان لا یغلقوا الابواب بینی و بین عبادی فلم

يُنْقُوا بِقَوْلِي الْم يَعْلَمُ مِنْ طَرَقْتَهُ نَائِبُهُ مِنْ نَوَائِبِي أَنَّهُ لَا يَمْلِكُ كَشْفُهَا أَحَدٌ غَيْرِي إِلَّا مِنْ بَعْدِ
 اذْنِي ؟ فَمَا لِي أَرَاهُ لَاهِيَا عَنِي ؟ اَعْطَيْتَهُ بِجُودِي مَا لَمْ يَسْأَلْنِي ثُمَّ انْتَزَعْتَهُ عَنْهُ فَلَمْ يَسْأَلْنِي
 رَدَّهُ وَ سَالَ غَيْرِي . اِفْتَرَانِي اَبْدًا بِالْعَطَاءِ قَبْلَ الْمَسَالَةِ ثُمَّ اسْأَلْ فَلَا اِجِيبُ سَائِلِي ؟ اِبْخِيلُ اَنَا
 فَيَبْخُلْنِي عَبْدِي ؟ اَوْ لَيْسَ الْجُودُ وَ الْكَرَمُ لِي ؟ اَوْ لَيْسَ الْعَفْوُ وَ الرَّحْمَةُ بِيَدِي ؟ اَوْ لَيْسَ اَنَا مَحَلُّ
 الْاِمَالِ ؟ فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِي ؟ اَفَلَا يَخْشَى الْمُؤْمِلُونَ اَنْ يَوْمَلُوا غَيْرِي ؟ فَلَوْ اَنْ اَهْلَ سَمَاوَاتِي وَ
 اَهْلَ اَرْضِي اَمَلُوا جَمِيعًا ثُمَّ اَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مِثْلَ مَا اَمَلُ الْجَمِيعُ مَا اَنْتَقَصَ مِنْ مَلِكِي
 عَضُو ذَرَّةٍ وَ كَيْفَ يَنْقُصُ مَلِكٌ اَنَا قِيَمُهُ ؟ فَيَا بَوْسَا لِلْقَانَطِينِ مِنْ رَحْمَتِي وَ يَا بَوْسَا لِمَنْ عَصَانِي وَ
 لَمْ يَرَاقِبْنِي.

ترجمه:

- 102 از امام صادق علیه السلام روایت است که حضرت در برخی از کتابها چنین خوانده
 است که خدای تبارک و تعالی می فرماید: سوگند به عزت و جلالم و بزرگواری ام و بلندی من
 بر عرشم که آرزوی هر که را چشم آرزویش به مردم است با نومید نمودنش قطع می کنم و
 در نزد مردمان جامه ذلت بر او می پوشانم و او را از نزدیکی خودم به کنار می زنم و از فضل
 خود او را دور می کنم . آیا در سختی ها چشم آرزویش به غیر من دوخته می شود در حالی
 که سختی ها به دست من است و آیا به غیر من امید دارد و با فکر خود در غیر مرا می گوید
 در حالی که کلید درهای بسته به دست من است و درگاه من به روی هر که مرا بخواند باز
 است ؟ پس کیست که در حادثه ای چشم آرزویش به من دوخته بوده و من او را از آرزویش
 جدا کرده ام ؟ و کیست آنکه در بلای سختی به من امید بسته و من امیدش را از خود بریده
 ام ؟ من آرزوهای بندگانم را در نزد خود نگه داشته ام و آنان به نگهداری من راضی نیستند و
 آسمانهایم را از فرشتگانی که تسبیح من خسته نمی شوند پر کرده ام و به آنان امر کرده ام
 که درهای بین من و بندگانم را نبندند با این وجود بندگانم به گفتار من اعتماد نمی کنند.
 آیا کسی که مصیبتی از از مصائب من بر او وارد شده نمی داند که هیچ کس غیر من نمی
 تواند آن را بر طرف کند مگر بعد از اینکه من اجازه دهم ؟

پس چه شده است که او را می بینم که از من غافل گشته است ؟ با جود و بخشش خودم
 چیزی را که از من درخواست نکرده است به او عطا کرده ام سپس آن را از او گرفته ام پس او
 بازگشت آن را از من نخواست و از غیر من آن را درخواست می کند، آیا در مورد من می
 پنداری که منی که پیش از درخواست عطا می کنم اگر از من درخواست شود سائل خود را
 اجابت نمی کنم ؟ آیا من بخیل هستم که بنده ام مرا بخیل پندارد؟ آیا جود و کرم از آن من
 نیست ؟ آیا عفو و رحمت به دست من نیست ؟ آیا من محل (برآورده شدن) آرزوها نیستم ؟
 پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا من محل (برآورده شدن) آرزوها نیستم
 ؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا آرزو کنندگان از اینکه به غیر من چشم
 آرزو بسته اند نمی ترسند؟ پس اگر همه اهل آسمانها و زمین من آرزو کنند و من آرزوی همه

را برآورده سازم از ملك من به اندازه ذره ای کم نمی شو و چگونه ملکی که من متولی و متصدی آن هستم کم می شود؟ پس ای تیره بختی باد بر نومیدان از رحمت من و ای تیره بختی باد بر کسی که مرا عصیان کند و مراقبت من نباشد .

حدیث:

- 103 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون) قال : هو قول الرجل لو لا فلان لهلکت و لو لا فلان ما اصبت کذا و کذا و لو لا فلان لضاع عیالی الا ترى انه قد جعل لله شریکا فی ملکه یرزقه و یدفع عنه قلت : فیقول ما ذا؟ یقول : لو لا ان من الله علی بفلان لهلکت قال : نعم لا باس بهذا او نحوه.

ترجمه:

- 103 از امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای عزوجل) و اکثر آنان به خداوند ایمان نمی آورند جز اینکه مشرکند (60) (روایت است که فرمود: مشرک بودن مومن به این است که مردی بگوید: اگر فلانی نبود من هلاک می شدم و اگر فلانی نبود به چنین و چنان نمی رسیدم و اگر فلانی نبود خانواده ام تلف می شد، آیا در این سخنان نمی نگری که برای خداوند شریک قرار داده است شریکی که به او روزی می دهد و از او دفع بلا می کند - روای می گوید: - عرض کردم: پس چه بگوید؟ آیا بگوید: اگر خداوند به واسطه فلانی بر من منت نمی نهاد هلاک می شدم؟ حضرت فرمود: آری باکی نیست اگر اینگونه یا شبیه آن را بگوید .

- 13 باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما یزجو و یخاف

- 13 باب وجوب جمع بین خوف و رجا وعمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد

حدیث:

- 104 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما کان فی وصیه لقمان ؟ قال : کان فیها الاعاجیب و کان اعجب ما کان فیها ان قال لابنه : خف الله خیفه لو جئته ببر الثقلین لعذبک و ارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلین لرحمک : ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : کان ابی یقول : لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نو خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا.

ترجمه:

- 104 راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در وصیت لقمان به فرزندش چه جملاتی هست؟ حضرت فرمود: در آن جمله های عجیبی است و از همه عجیب تر آن است که ایشان به فرزندش سفارش کرده: از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری تو رحم آورد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر با آن و آن به این سنجیده شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد .

حدیث:

105 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : قوم يعملون بالمعاصی و يقولون : نرجو ، فلا يزالون كذلك حتی یاتیهم الموت فقال : هؤلاء قوم یترجون فی الامانی کذبوا الیسوا
براجین من رجا شیئا طلبه و من حاف من شیء هرب منه.

ترجمه:

105 - راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : گروهی هستند که گناه می کنند و می گویند: امید (به بخشش الهی) داریم ، پس اینان پیوسته چنین اند تا اینکه مرگ به سراغشان می آید. حضرت فرمود: اینها گروهی هستند که به آرزوها گرایش دارند، دروغ می گویند، امیدوار به رحمت الهی نیستند زیرا کسی که به چیزی امید دارد آن را طلب می کند و کسی که از چیزی بیم دارد از آن می گریزد .

حدیث:

106 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان ابی یقول : انه لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نور خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا.

ترجمه:

106 - امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر این با آن و آن با این سنجیه شود هیچیک بر دیگری زیادتى ندارد .

حدیث:

107 - ابا عبدالله علیه السلام یقول : لایکون المومن مومنا حتی یکون خائفا راجیا و لایکون خائفا راجیا حتی یکون عاملا لما یخاف و یرجو.

ترجمه:

107 - امام صادق علیه السلام می فرمود: مومن مومن نیست مگر اینکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نمی باشد مگر اینکه آنچه را که از آن می ترسد و آنچه را که به آن امید دارد در عمل رعایت کند .

حدیث:

108 - عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : کان فیما اوصی به لقمان لابنه ان قال یا بین خف الله خوفا لو جئته ببر الثقلین خفت ان یعذبك الله و ارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلین رجوت ان یغفر الله لك.

ترجمه:

108 - امام صادق علیه السلام فرمود: در وصیت لقمان به پسرش آمده است که : ای پسرکم ! از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری تو را شامل مغفرت خود گرداند .

حدیث:

- 109 قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : ارج الله رجاء لايجرئك على معصيه و خف الله خوفا لا يويسك من رحمته.

ترجمه:

- 109 امام صادق علیه السلام فرمود: به خداوند امیدوار باش امیدی که تو را بر انجام معصیتش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش بیمی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند .

حدیث:

- 110 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : فى خطبه له : يدعى بزعمه انه يرجو الله ، كذب و العظيم ، ما له لا يتبين رجاءه فى عمله ؟ و كل راج عرف رجاءه فى عمله الا رجاء الله فانه مدخول و كل خوف محقق الا خوف الله فانه معلول ، يرجو الله فى الكبير و يرجو العباد فى الصغير، فيعطى العبد ما لا يعطى الرب ، فما بال الله جل ثناؤه يقصر به عما يصنع لعباده ؟ اتخاف ان تكون فى رجائك له كاذبا او يكون لا يراه للرجاء موضعا؟ و كذلك ان هو خاف عبدا من عبده اعطاه من خوفه ما لا يعطى ربه فجعل خوفه من العباد نقدا و خوفه من خالقه ضمارا و وعدا.

ترجمه:

- 110 اميرالمؤمنين عليه السلام در خطبه ای فرمود: کسی به گمان خود ادعا دارد که به خداوند امید دارد، سوگند به خدای بزرگ که دروغ می گوید .او را چه شده که امیدواری اش در عملش آشکار نیست؟! هر امید دارنده ای اثر امیدش در عملش پیداست مگر امیدی که مردم به خدای تعالی دارند که این امید دارای عیب و ناخالص است ، و هر ترسی (اثرش) مسلم و ثابت است مگر ترس از خدا که این ترس (در بیشتر مردم) ناقص و بیمار است ، در کار بزرگ (آخرت) به خدا امید دارد و در کار كوچك (دنیا)به بندگان خدا امیدوار است ، پس با بنده خدا به گونه ای رفتار می کند که با خداوند چنین رفتاری ندارد، پس چگونه است شان خداوند جل ثنائه که در حق او نسبت به آنچه که با بندگان رفتار می شود کوتاهی می گردد؟ آیا می ترسی که در امیدواریت به خدا دروغگو باشی یا اینکه او را شایسته امیدواری نمی بینی ؟ همچنین اگر از بنده ای بترسد چنان از او می ترسد که از پروردگارش به این اندازه نمی ترسد. پس ترس از بندگان را نقد و ترس از آفریننده اش را به منزله وامی که امید برگشت آن نیست و وعده ای که به آن عمل نشود می پندارند .

- 14 باب وجوب الخوف من الله

- 14 باب وجوب ترس از خدا

حدیث:

- 111 عن حمزة بن حمران قال : سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : ان مما حفظ من خطب رسول الله صلى الله عليه و آله انه قال : ايها الناس ان لكم معالم فانتهوا الى معالمكم

و ان لكم نهايه فانتهوا الى نهائكم . الا ان المومن يعمل بين مخالفتين : بين اجل قد مضى لايدري ما الله صانع فيه ؟ و بين اجل قد بقى لا يدري ما الله قاض فيه فليأخذ العبد المومن من نفسه لنفسه و من دنياه لآخرته و فى الشبيه قبل الكبر و فى الحياه قبل الممات فو الذى نفس محمد بيده ما بعد الدنيا من مستعتب و ما بعدها من دار الا الجنه او النار.

ترجمه:

- 111 حمزه بن حمران گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بخشی از خطبه های رسول خدا صلی الله علیه و آله که حفظ شده است این است که حضرت فرمود: ای مردم ! همانا برای شما نشانه هایی است پس از آن نشانه ها باخبر شوید و همانا برای شما نهایت و پایانی است پس آنجا باز ایستید (یا پس آن نهایت را بشناسید و از آن آگاه باشید)، آگاه باشید که مومن بین دو ترس عمل می کند: یکی بین زمانی که سپری شده است و او نمی داند که خداوند درباره زمان گذشته با او چه می کند و دیگری بین زمانی که باقی مانده است و او نمی داند که خداوند چه حکمی در آن روا می دارد پس باید بنده مومن از نفس خود برای خود و از دنیای خود برای آخرتش (توشه) گیرد و در جوانی پیش از پیری و در زندگانی پیش از مرگ (زاد و توشه فراهم کند)، پس سوگند به آن کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست بعد از این دنیا باز گشتنی نیست و خانه ای جز بهشت یا دوزخ پس از این وجود ندارد .

حدیث:

- 112 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن بین مخافتین ذنب قد مضى لايدري ما صنع الله فيه و عمر قد بقى لايدري ما يكتسب فيه من المهالك فلا يصبح الا خائفا و لا يصلحه الا الخوف.

ترجمه:

- 112 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن همواره بین دو ترس گرفتار است : یکی گناهی که گذشته است و او نمی داند که خداوند در مورد آن گناه با او چه می کند و دیگری عمری که مانده است و او نمی داند که چه چیزی از مهالك را در آن کسب می کند پس مومن صبح نمی کند مگر با حالت خوف و جز خوف نیز او را اصلاح نخواهد کرد .

حدیث:

- 113 عن ابی عبدالله علیه السلام فى قول الله عزوجل : (و لمن خاف مقام ربه جنتان) قال : من علم ان الله يراه و يسمع ما يقول و يعلم ما يعمل من خير او شر فيحجزه ذلك عن القبيح من الاعمال فذلك الذى خاف مقام ربه و نهى النفس عن الهوى.

ترجمه:

- 113 در مورد قول خدای عزوجل) و برای آن کس که از مقام و مرتبه الهی ترسان است دو بهشت خواهد بود . (61) امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بداند خداوند او را می بیند

و سخن او را می شنود و اعمال خیر و شر او را می داند این آگاهی او را از ارتکاب اعمال زشت باز می دارد پس وی همان کسی است که از مقام پروردگارش ترسان است و نفس خود را از پیروی خواهش نفسانی از داشته است .

حدیث:

- 114 عن الهيثم بن واقد قال : سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : من خاف الله اخاف الله منه كل شىء و من لم يخف الله اخافه الله من كل شىء .

ترجمه:

- 114 هیثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خدا ترس باشد خداوند خوف و هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز می ترساند .

حدیث:

- 115 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلی عليه السلام مثله و زاد: يا علی ثلاث منجيات خوف الله في السر و العلانية و القصد في الغنى و الفقر و كلمه العدل في الرضا و السخط.

ترجمه:

- 115 از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش علیه السلام شبیه حدیث گذشته در ضمن وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام روایت شده است با اضافه ای که عبارت است از: ای علی ! سه چیز نجات بخش است : ترس از خداوند در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی ، و سخن عادلانه در هنگام خوشنودی و خشم.

حدیث:

- 116 قال ابو عبد الله عليه السلام : يا اسحاق خف الله كانك تراه و ان كنت لا تراه فانه يراك و ان كنت ترى انه لا يراك فقد كفرت و ان كنت تعلم انه يراك ثم برزت له بالمعصيه فقد جهلته من اهلون الناظرين عليك.

ترجمه:

- 116 امام صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق ! از خدا چنان بترس که گویا او را می بینی و اگر تو را نمی بینی او به طور حتم تو را می بیند، و اگر معتقدی که او تو را نمی بیند پس کافر گشته ای و اگر می دانی که تو را می بیند ولی با این وجود باز آشکارا معصیتش را مرتکب می شوی پس او را حقیرترین و سبک ترین بیننده بر خود انگاشته ای .

حدیث:

- 117 قال ابو عبد الله عليه السلام : من عرف الله خاف الله و من خاف الله سخت نفسه عن الدنيا.

ترجمه:

- 117 امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا را بشناسد ترس او در دلش می افتد و هر که از خدا ترسان باشد نفسش از دنیا طلبی باز می ماند .

حدیث:

- 118 قال ابو عبدالله عليه السلام ان من العباده شده الخوف من الله عزوجل يقول الله عزوجل : (انما يخشى الله من عباده العلماء) و قال جل ثناؤه : فلا تخشوا الناس و اخشون) و قال تبارك و تعالى (و من يتق الله يجعل له مخرجا) قال : و قال ابو عبدالله عليه السلام : ان حب الشرف و الذكر لا يكونان في قلب الخائف الراهب.

ترجمه:

- 118 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا ترس شدید از خدای عزوجل از عبادت شمرده می شود، خدای عزوجل گوید: به راستی که از بندگان خدا تنها دانشمندان از خدا خوف و خشیت دارند (62) (و همچنین می گوید): از مردمان نترسید و از من بیم داشته باشید (63) (و نیز می گوید): هر که تقوای الهی را پیشه کند خداوند برای او راه خروج (از دشواریها را) قرار می دهد - (64) (راوی گوید: - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا حب و دوستی بلند پایگی و فخر در قلب شخص ترسان بیمناک راه ندارد .

حدیث:

- 119 عن محمد به علي بن الحسين عليه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه و آله : راس الحكمه مخافه الله عزوجل.

ترجمه:

- 119 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که فرمود: ترس از خدای عزوجل سر حکمت و دانایی است .

حدیث:

- 120 قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : من خلا بذنب فراقب الله تعالى فيه و استحيا من الحفظه غفر الله عزوجل له جميع ذنوبه و ان كانت مثل ذنوب الثقلين.

ترجمه:

- 120 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در پنهانی مرتکب گناهی شود پس از خدای تعالی بترسد و از فرشتگان نگهبان و ثبت کننده اعمال شرم کند خداوند عزوجل تمامی گناهانش را می بخشد اگر چه به اندازه گناهان جن و انس باشد .

حدیث:

- 121 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : الخائف من لم تدع له الرهبه لسانا ينطق به.

ترجمه:

- 121 راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ترسان کسی است که ترس برای او زبانی که با آن سخن گوید وانگذاشته است .

حدیث:

- 122 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث قال : و اما المنجیات فخوف الله فی السر و العلانیة و القصد فی الغنی و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط.

ترجمه:

- 122 امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: و اما چیزهایی که مایه نجات و رستگاری اند: ترس از خدا در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی و عادلانه رفتار نمودن در هنگام خوشنودی و خشم .

حدیث:

- 123 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان قوما اصابوا ذنوبا فخافوا منها و اشفقوا فجاءهم قوم آخرون فقالوا: ما لكم ؟ فقالوا: انا اصبنا ذنوبا فخفنا منها و اشفقنا فقالوا لهم : نحن نحملها عنکم فقال الله تعالى : يخافون تجترءون علی ؟ فانزل الله علیهم العذاب.

ترجمه:

- 123 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گروهی مرتکب گناهانی شدند سپس از گناه خویش ترسیدند و بیمناک شدند پس از آن گروهی دیگر بر آنان وارد شدند و گفتند: شما را چه شده است که چنین بیمناکید؟ گفتند: ما مرتکب گناهانی شدیم و از گناه خویش ترسانیم . گفتند: ما گناه شما را از شما بر می داریم و به دوش می گیریم . پس خدای تعالی فرمود: آیا می ترسند که شما بر من دلیر گردید؟! پس عذاب را بر آنان فرستاد .

حدیث:

- 124 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : ان المومن لا یصبح الا خائفا و ان کان محسنا و لایمسی الا خائفا و ان کان محسنا لانه بین امرین بین وقت قد مضی لایدری ما الله صانع به و بین اجل قد اقترب لا یدری ما یصیبه من الهلکات الا و قولوا خیرا تعرفوا به و اعملوا به تکنونوا من اهله صلوا ارحامکم و ان قطعوکم و عودوا بالفضل علی من حرکم و ادوا الامانه الی من ائتمنکم و اوفوا بعهد من عاهدتم و اذا حکمتهم فاعدلوا.

ترجمه:

- 124 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مومن صبح نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد و شب نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد زیرا او همواره بین دو چیز است : بین زمانی که سپری شده و او نمی داند که خدا با او چه می کند و بین مرگی که نزدیک است و نمی داند که چه خطراتی (پس از مرگ) متوجه او می شود، آگاه باشید و سخن خیر گوئید تا به خیر گویی شناخته شوید و کردار نیکو داشته باشید تا از اهل خیر شوید، با خویشاوندانتان پیوند برقرار کنید اگر چه آنان از شما ببرند، با کسی که شما را

محروم ساخته با فضل و بزرگواری رفتار کنید و درباره کسی که شما را امین شمرده امانتدار باشید و به پیمان کسی که با شما پیمان بسته پایند باشید و هرگاه حکم می کنید عادلانه قضاوت کنید .

- 15 باب استحباب کثره البکا من خشیه الله

- 15 باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا

حدیث:

- 125 عن الصادق عن آبائه عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال : و من ذرفت عیناه من خشیه الله کان له بكل قطره قطرت من دموعه قصر فی الجنه مکمل بالدر و الجوهر فیه ما لا عین رات و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر.

ترجمه:

- 125 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که مشتمل بر ذکر امور مورد نهی است روایت فرمود: و کسی که اشک چشمانش از ترس خدا روان گردد در برابر هر قطره از قطرات اشکش قصری در بهشت نصیبش می گردد که با در و گوهر پوشانده شده است و در آن چیزهایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خورده .

حدیث:

- 126 عن ابی عبدالله الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : کان فیما وعظ الله به عیسی ابن مریم علیه السلام ان قال : یا عیسی انا ربک و رب آبائک الاولین - الی ان قال - یا عیسی بن البکر البتول ابک علی نفسك بکاء من قد ودع الاهل قلی الدنیا و ترکها لاهلها و صارت رغبته فیما عندالله.

ترجمه:

- 126 امام صادق علیه السلام فرمود: در رازگویی خداوند با عیسی بن مریم علیه السلام آمده است که فرمود: ای عیسی ! من پروردگار تو و پروردگار پیشینیان تو ام . ای عیسی ! ای فرزند آن بانویی که باکره بود و میل و حاجتش را از مردان بریده بود، بر نفس خود گریان باش چونان کسی که با خانواده خود در حال وداع است و بی مهری دنیا را در دل دارد و آن را برای اهل دنیا واگذارده است و میل و رغبتش تنها به چیزی است که در نزد خداست .

حدیث:

- 127 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح علیه السلام عبد الغفار و انما سمی نوحا لانه کان ینوح علی نفسه.

ترجمه:

- 127 امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالغفار بود ولی چون بسیار بر نفس خود نوحه و زاری داشت نوح نامیده شد .

حدیث:

- 128 ابی عبدالله علیه السلام قال : اسم نوح عبدالملك و انما سمی نوحا لانه بکی خمسمائه سنه.

ترجمه:

- 128 امام صادق علیه السلام فرمود: نام نوح علیه السلام عبدالملك بود ولی چون پانصد سال را به نوحه و زاری گذراند نوح نامیده شد .

حدیث:

- 129 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان اسم نوح عبد الاعلى و انما سمی نوحا لانه بکی خمسمائه عام.

ترجمه:

- 129 امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالاعلی بود ولی چون پانصد سال را به نوحه و زاری گذراند نوح نامیده شد⁽⁶⁵⁾ .

حدیث:

- 130 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ليس شىء الاوله شىء يعذله الا الله فانه لا يعذله شىء و لا اله الا الله لا يعذله شىء و دمعه من خوف الله فانه ليس لها مثقال فان سالت على وجهه لم يرهقه قتر و لاذله بعدها ابدا.

ترجمه:

- 130 امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله روایت کند: هیچ چیزی نیست جز اینکه معادلی دارد مگر خداوند که هیچ چیز معادل او نیست ، و هیچ سخنی معادل و برابر لا اله الا الله نیست ، و اشکی که از خوف خدا ریخته شود هم وزنی ندارد پس اگر بر چهره شخص جاری گردد پس از آن هرگز آن روی را گرفتگی و تیرگی فرا نمی گیرد .

حدیث:

- 131 عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله طوبى لصوره نظر الله اليها تبكى على ذنب من خشيه الله لم يطلع على ذلك الذنب غيره.

ترجمه:

- 131 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خوشا به حال چهره ای که خداوند به او نظر دارد، آن چهره ای که بر گناهی که هیچکس جز خدا بر آن اطلاعی ندارد از خوف خدا می گیرد .

حدیث:

- 132 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كل عين باكية يوم القيامة الا ثلاثة عين : عين بكت من خشيه الله و عين غصت عن محارم الله و عين باتت ساهره فى سبيل الله.

ترجمه:

- 132 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر چشمی که در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : چشمی که از خوف خدا بگرید و چشمس که (از دیدن) حرامهای الهی فرو بسته شود و چشمی که در راه خدا شب زنده داری کند .

حدیث:

- 133 عن الرضا علیه السلام قال : كان فيما ناجى الله به موسى عليه السلام : انه ما تقرب الى المتقربون بمثل البكاء من خشيتي و ما تعبد لى المتعبدون بمثل الورع عن محارمى و لاتزين لى المتزينون بمثل الزهد فى الدنيا عما يهم الغنى عنه . فقال موسى : يا اكرم الاكرمين فما اثبتهم على ذلك ؟ فقال : يا موسى اما المتقربون لى بالبكاء من خشيتي فهم فى الرفيق الاعلى لايشركهم فيه احد و اما المتعبدون لى بالورع عن محارمى فانى افتش الناس عن اعمالهم و لاافتشهم حياء منهم و اما المتزينون لى بالزهد فى الدنيا فانى ابيحهم الجنة بحذافيرها يتبوءون منها حيث يشاءون.

ترجمه:

- 133 امام رضا علیه السلام فرمود: در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام چنین آمده است : کسانی که به من نزدیک گشته اند به واسطه هیچ عملی همانند گریستن از خوف من به من نزدیک نشده اند و آنانکه طوق بندگی مرا در گردن دارند به واسطه هیچ عملی همانند باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی ننموده اند و آنانکه خود را آراسته اند به واسطه هیچ عملی همانند پیشه نمودن زهد و بی رغبتی نسبت به آنچه که بی نیازی از آن در دنیا مورد اهمیت است ، خود را برای من نیاراسته اند. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای گرامی ترین گرامیان ! چه چیزی آنان را در این راه ثابت قدم و پابرجا نموده ؟ خداوند فرمود: ای موسی ! اما آنانکه به واسطه گریستن از خوف من به من نزدیک گشته اند آنان در مرتبه همجواری با رفیق اعلی (معشوق و دوست برتر) هستند و هیچکس در این مقام با آنان شریک نیست و اما آنانکه به واسطه باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی نموده اند من در قیامت از آن شرم دارم که در مورد اعمالشان کنجکاوى و دقت به خرج دهم در حالی که اعمال همه مردمان را به دقت و ارسى خواهم کرد و اما آنانکه خود را به واسطه بی رغبتی به دنیا برایم آراسته اند تمامی بهشت را برای آنان مباح و روا می سازم که در هر جای بهشت خواستند جای گیرند .

حدیث:

- 134 قال الصادق علیه السلام : ان الرجل ليكون بينه و بين الجنة اكثر مما بين الثرى الى العرش لكثرة ذنوبه فما هو الا ان يبكى من خشية الله عزوجل ندما عليها حتى يصير بينه و بينها اقرب من جفنه الى مقلته.

ترجمه:

- 134 امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که (گاه باشد) بین آدمی و بهشت به

خاطر گناهان زیادش فاصله ای بیش از فاصله زمین تا عرش باشد پس چنین کسی را چاره ای نیست جز اینکه از خوف خدای عزوجل بگریزد و بر گناهان خویش اشک ندامت بریزد تا فاصله او و بهشت نزدیکتر از فاصله پلک چشم تا مردمک چشم شود .

حدیث:

- 135 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من شیء الا و له کیل وزن الا الدموع فان القطره تطفی بحارا من نار فاذا اغرورقت العين بمائها لم يرهق وجهه قطر و لا ذله فاذا فاضت حرمها الله على النار و لو ان باکیا بکی فی امه لرحموا.

ترجمه:

- 135 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمانه و وزنی دارد مگر اشکها زیرا يك قطره اشک دریاهايي از آتش را خاموش می کند پس هرگاه چشم پر آب شد و در اشک خود غرق گشت چنین چهره ای را کدورت و تیرگی فرا نمی گیرد و هرگاه اشک آن جاری شود خداوند آن دیده را بر آتش حرام می گرداند و اگر در بین يك امت يك نفر (با اخلاص و از خوف خدا) بگریزد آن امت همگی مورد رحمت الهی واقع می شوند .

حدیث:

- 136 عن ابی عبدالله علیه السلام نحوه و زاد فی اوله : ما من عين الا و هی باکیه يوم القيامة الا علينا بکت من خوف الله و ما اغرورقت عين بمائها من خشية الله عزوجل الا حرم الله سائر جسده على النار.

ترجمه:

- 136 از امام صادق علیه السلام مانند حیث گذشته روایت شده است با این تفاوت که در آغاز آن آمده است : هیچ چشمی نیست مگر اینکه در روز قیامت گریان است به جز چشمی که از خوف خدا گریسته است و هیچ چشمی از خوف خدای عزوجل پر آب نشده است مگر اینکه خداوند سایر بدن او را بر آتش حرام می گرداند .

حدیث:

- 137 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من قطره احب الى الله عزوجل من قطره دموع فی سواد الليل مخافه من الله لايراد بها غيره.

ترجمه:

- 137 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند عزوجل دوست داشتنی تر و محبوب تر از قطره اشک هایی که در تاریکی شب و از خوف خدا با اخلاص کامل ریخته می شود نیست .

حدیث:

- 138 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كل عين باکیه يوم القيامة الا ثلاثه عين غصت عن محارم الله و عين سهرت فی طاعه الله و عين بکت فی جوف الليل من خشية الله.

ترجمه:

- 138 امام صادق علیه السلام فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : یکی چشمی که از دیدن آنچه خداوند دیدنش را بر او حرام نموده فرو بسته شود و دیگری چشمی که در طاعت خدا بیدار بماند و دیگری چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.

حدیث:

- 139 قال ابو عبدالله عليه السلام اوحى الله الى موسى عليه السلام ان عبادى لم يتقربوا الى بشىء احب الى من ثلاث خصال قال موسى : يا رب و ما هى ؟ قال : يا موسى ! الزهد فى الدنيا و الورع عن معاصى و البكاء من خشيتى قال موسى يا رب فما لمن صنع ذا؟ فاوحى الله اليه يا موسى اما الزاهدون فى الدنيا ففى الجنة و اما البكاءون من خشيتى ففى الرفيع الاعلى لا يشاركهم فيه احد و اما الورعون عن معاصى فانى اقتش الناس و لا افتشهم.

ترجمه:

- 139 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد که بندگان من به سوی من تقرب نمی یابند به چیزی که در نزد من محبوبتر باشد از سه خصلت ، حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من آن سه چیست ؟ فرمود: ای موسی ! یکی بی رغبتی به دنیا و دیگری پرهیز از نافرمانی من و دیگری گریستن از خوف من . موسی عرض کرد: ای پروردگار من ! کسی که چنین باشد چه چیزی نصیبش خواهد شد؟ خداوند وحی فرستاد که : ای موسی ! اما بی رغبتان به دنیا در بهشت جای خواهند گرفت و اما آنانکه از خوف من گریانند در مقامی رفیع و برترند که هیچ کس با آنان در آن مقام شریک نیست و اما آنانکه از نافرمانی من پروا دارند من نیز مردمان را سخت بازرسی خواهم کرد ولی در کار آنان موشکافی به خرج نمی دهم.

- 16 باب وجوب حسن الظن بالله و تحريم سوء الظن به

- 16 باب وجوب حسن ظن به خداوند و تحريم بدگمانی نسبت به خدا

حدیث:

- 140 عن ابى الحسن الرضا عليه السلام قال : احسن الظن بالله فان الله عزوجل يقول : انا عند ظن عبدي بي ان خيرا فخيروا و ان شرا فشررا.

ترجمه:

- 140 امام رضا علیه السلام فرمود: به خداوند گمان نیکو داشته باش زیرا خداوند عزوجل گوید: من در نزد گمانی که بنده ام به من دارد حاضرم اگر گمان خیر به به من دارد پس پاداش خیر می بیند و اگر گمان بد به من دارد پس کیفری بد در انتظار اوست .

حدیث:

- 141 عن ابى الحسن الرضا فى حديث قال : فاحسن الظن بالله فان اباعبدالله عليه السلام

كان يقول : من حسن ظنه بالله كان الله عند ظنه به و من رضى بالقليل من الرزق قبل منه اليسير من العمل.

ترجمه:

- 141 امام رضا عليه السلام فرمود: به خدا گمان نيك داشته باش زیرا امام صادق عليه السلام می فرمود: کسی که به خداوند گمان نيكو داشته باشد خداوند در نزد گمان او حاضر است و کسی که به روزی کم قانع و خوشنود باشد خداوند نیز عمل کم را از او می پذیرد .

حدیث:

- 142 عن ابی جعفر عليه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه و آله قال علی منبره : و الذی لا اله الا هو ما اعطی مومن قط خیر الدنیا و الاخره الا بحسن ظنه بالله و رجائه له و حسن خلقه و الکف عن اغتیاب المومنین و الذی لا اله الا هو لا یعذب الله مومنا بعد التوبه و الاستغفار الا بسوء ظنه بالله و تقصیر من رجائه له و سوء خلقه و اغتیاب المومنین و الذی لا اله الا هو لا یحسن ظن عبد مومن بالله الا كان الله عند ظن عبده المومن لان الله کریم بیده الخیر یتحیی ان یکون عبده المومن قد احسن به الظن ثم یخلف ظنه و رجاء فاحسنوا بالله الظن و ارغبوا الیه.

ترجمه:

- 142 امام باقر عليه السلام فرمود: در کتاب علی عليه السلام یافتیم که رسول خدا صلى الله عليه و آله بر فراز منبر فرمود: سوگند به آن خدایی که جز او معبودی نیست به هیچ مومنین هرگز خیر دنیا و آخرت عطا نشده است مگر به خاطر چند خصلت : گمان نيكو به خداوند و امیدواری به عطا و بخشش خدا و خوش خلقی و باز ایستادن از غیبت مومنان و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست خداوند هیچ مومنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به سبب چند خصلت : بدگمانی اش به خداوند و کوتاهی نمودن در امید داشتن به خدا و بد اخلاقی و غیبت نمودن از مومنین و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست هیچ بنده مومنی گمان نيكو به خدا نمی کند مگر اینکه خداوند در نزد گمان نيكوی او حاضر است (و پاداش نيكو به او می دهد) زیرا خداوند بخشنده است و تمامی خیر در دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده مومنش به او گمان نيكی داشته باشد و آن گمان و امیدواری اش به خدا رود پس به خداوند گمان نيكو داشته باشید و به سوی او میل داشته باشید و زاری کنید .

حدیث:

- 143 عن سفیان بن عیینة قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام یقول : حسن الظن بالله ان لاترجو الا الله و لاتخاف الا ذنبك.

ترجمه:

- 143 سفیان بن عیینة گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودن گمان نيكو

به خداوند داشتن این است که امید به هیچکس جز او نداشته باشی و از هیچ چیز جز گناهت نترسی.

حدیث:

- 144 عن سنان بن طریف قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ينبغي للمومن ان يخاف الله خوفا كانه مشرف على النار و يرجوه رجاء كانه من اهل الجنة . ثم قال : ان الله تبارك و تعالى عند ظن عبده به ان خيرا فخيروا و ان شرا فشروا.

ترجمه:

- 144 سنان بن طریف گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر مومن سزاوار است که چنان از خداوند بترسد که گویی نزدیک است که به آتش افکنده شود و چنان به رحمت او امیدوار باشد که گویی از اهل بهشت است . سپس فرمود: خداوند تبارک و تعالی در نزد گمان بنده اش به خود حاضر است اگر گمانش به او خیر باشد خداوند هم خیر برایش پیش می آورد و اگر گمانش بد باشد خداوند هم بد برایش پیش می آورد .

حدیث:

- 145 محمد به علی بن الحسین علیه السلام باسناده الی وصیه علی علیه السلام لمحمد بن الحنفیه قال : و لا یغلبن علیک سوء الظن بالله عزوجل فانه لن یدع بینک و بین خلیک صلحا.

ترجمه:

- 145 امام باقر علیه السلام فرمود: در وصیت علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه آمده است که : مبادا بدگمانی به خداوند عزوجل بر تو غالب شود زیرا این بدگمانی بین تو و دوستت که خداوند است صلح و آشتی باقی نمی گذارد .

حدیث:

- 146 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان آخر عبد یومر به الی النار فیلتفت فیقول الله جل جلاله : اعجلوه فاذا اتی به قال له : عبدی لم التفت ؟ فیقول : یا رب ما کان ظنی بک هذا فیقول الله جل جلاله : عبدی ما کان ظنک بی ؟ فیقول : یا رب ما کان ظنی بک ان تغفر لی خطیئتی و تدخلنی جنتک قال : فیقول الله جل جلاله : ملائکتی و عزتی و جلالی و آلائی و ارتفاع مکانی ما ظن بی هذا ساعه من حیاته خیرا قط و لو ظن بی ساعه من حیاته خیرا وما روعته بالنار اجیزوا له کذبه و ادخلوه الجنة ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : ما ظن عبد بالله خیرا الا کان له عند ظنه و ما ظن به سوءا الا کان الله عند ظنه به و ذلك قول الله عزوجل : (و ذلکم ظنکم الذی ظننتم بربکم ارداکم فاصبحتم من الخاسرین).

ترجمه:

- 146 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا آخرین بنده ای که در روز قیامت دستور داده می شود که به سوی آتش دوزخ رود به چپ و راست خود می نگرد پس خداوند جل جلاله می

فرماید: با شتاب بیاوریدش . پس چون به محضر پروردگار آورده می شود خداوند می فرماید: ای بنده من ! چرا به چپ و راست خود می نگری ؟ عرض می کند : ای پروردگار من ! من چنین گمانی به تو نداشتم ، خداوند جل و جلاله می فرماید: ای بنده من ! چه گمانی به من داشتی ؟ عرض می کند: ای پروردگار من ! گمان من به تو این بود که از گناهانم در می گذری و مرا به بهشت وارد می کنی . خداوند جل جلاله می فرماید: ای فرشتگان من ! سوگند به عزت و بزرگی و نعمتها و بلندی جایگاهم که این بنده در زندگی اش هرگز ساعتی چنین گمان خوبی به من نداشت و اگر در تمام زندگی اش ساعتی چنین گمان خیری به من داشت او را با آتش نمی ترساندم و لرزه بر اندامش نمی افکندم حال که چنین گفت این دروغش را بر او روا دارید و او را به بهشت داخل کنید . سپس امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای به خدا خوش گمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمانش حاضر است (و با او به خوبی رفتار می کند) و هیچ بنده ای به خداوند بدگمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمان وی حاضر است (و او را به بدی کیفر می دهد) و این همان معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: و این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاك شما شد پس از زیانکاران گردیدید⁽⁶⁶⁾)

حدیث:

- 147 عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : قال لی احسن الظن بالله فان الله عزوجل يقول : انا عند ظن عبدي بی فلا یظن بی الا خیرا.

ترجمه:

- 147 راوی از امام رضا علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: گمان نیکو به خداوند داشته باش زیرا خدای عزوجل می فرماید: من در نزد گمان بنده ام حاضرم پس بنده ام جز گمان خیر به من نداشته باشد .

حدیث:

- 148 عن ابی رثاب قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : یوتی بعبد یوم القیامه ظالم لنفسه فیقول الله : الم امرک بطاعتی الم انھک عن معصیتی ؟ فیقول : بلی یا رب و لکن غلبت علی شهوتی فان تعذبنی فبذنبی لم تظلمنی فیامر الله به الی النار فیقول ما کان هذا ظنی بك فیقول ما کان ظنك بی ؟ قال : کان ظنی بك احسن الظن فیامر الله به الی الجنة فیقول الله تبارک و تعالی : لقد نفعك حسن ظنه بی الساعه.

ترجمه:

- 148 ابن رثاب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در روز قیامت بنده ای که به خویشتن ستم نموده آورده می شود پس خداوند می فرماید: آیا تو را به طاعت و فرمانبرداری امر نکردم ؟ آیا تو را از نافرمانی امر نهدی نکردم ؟ بنده گنهگار گوید: درست است ای پروردگار من ! ولی شهوتم بر من چیره شد پس اگر مرا کیفر دهی به خاطر گناهی

است که مرتکب شده ام و به من ستم روا نداشته ای . پس خداوند دستور می دهد که او را به سوی آتش برند. بنده گنهگار می گوید: ای خدای من ! گمان من به تو چنین نبود. خداوند می فرماید: مگر چه گمانی به من داشتی ؟ می گوید: خدایا من به تو نیکوترین گمان را داشتم . پس خداوند امر می کند که او را به سوی بهشت برند و می فرماید: حقا که گمان نیکوی تو به من امروز به تو سود بخشد .

- 17 باب استحباب دم النفس و تادیبها و مقتها

- 17 باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس

حدیث:

- 149 عن الحسن بن الجهم قال سمعت اباالحسن عليه السلام يقول : ان رجلا فی بنی اسرائیل عبدالله اربعین سنه ثم قرب قربانا فلم یقبل منه فقال : لنفسه ما اتیت الا منك و ما الذنب الا لك قال : فوحي الله عزوجل اليه ذمك لنفسك افضل من عبادتك اربعین سنه.

ترجمه:

- 149 حسن به جهم گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: مردی از بنی اسرائیل خداوند را چهل سال عبادت کرد سپس قربانی ای به درگاه خدا نمود و قربانی او پذیرفته نشد پس با نفس خود چنین گفت : ای نفس ! آنچه که به من رسیده نیست مگر از جانب تو و گناهی نیست مگر از آن تو. پس خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که : این نکوهشی که از نفس خود نمودی از عبادت چهل ساله ات برتر است .

حدیث:

- 150 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : یا اسری الرغبه اقصروا فان المعرج علی الدنیا ما لا یروعه منها الا صریف انیاب الحدیثان ایها الناس تولوا من انفسکم تادیبها و اعدلوا بها عن ضراوه عاداتها.

ترجمه:

- 150 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای اسیران خواهش نفسانی ! میل نفس را کوتاه کنید زیرا کسی را که به دنیا دل بسته است بجز صدای دندانه‌های حوادث دنیا چیز دیگری او را نمی ترساند، ای مردم از درون خود عهده دار ادب کردن نفس های خود شوید و نفس هاتان را از درنده خویی و حریص بودن بر عادات دنیا بازگردانید .

حدیث:

- 151 قال رسول الله صلی الله علیه و آله من مقت نفسه دون مقت الناس آمنه الله من فرع یوم القیامه.

ترجمه:

- 151 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به جای اینکه مردم را دشمن گیرد نفس خود را دشمن دارد خداوند او را از بی تابی روز قیامت ایمن دارد .

- 18 باب وجوب طاعة الله

- 18 باب وجوب فرمانبرداری از خداوند

حدیث:

- 152 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا تذهب بکم المذاهب فو الله ما شیعتنا الا من اطاع الله عزوجل.

ترجمه:

- 152 امام باقر علیه السلام فرمود: راه و روشهای مختلف شما را (از حق) دور نگرداند و با خود نبرد که سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که خدای عزوجل را اطاعت کند.

حدیث:

- 153 عن ابی جعفر علیه السلام (فی حدیث) ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : انه لا یدرک ما عند الله الا بطاعته.

ترجمه:

- 153 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که : حقیقتا آنچه (از نعمتها و رضوان) که در نزد خداوند است جز با طاعت و فرمانبرداری از او به دست نمی آید .

حدیث:

- 154 عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال لی : یا جابر ایکتفی من ینتحل التشیع ان یقول بحبنا اهل البیت ؟ فو الله ما شیعتنا الا من اتقی الله و اطاعه و ما کانوا یعرفون یا جابر الا بالتواضع و التخشع و الامانه و کثره ذکر الله و الصوم و الصلاه و البر بالوالدین و التعاهد للجیران من الفقراء و اهل المسکنه و الغارمین و الایتام و صدق الحدیث و تلاوه القرآن و کف الالسن عن الناس الا من خیر و کانوا امناء عشائهم فی الاشیاء - الی ان قال : - احب العباد الی الله عزوجل الا بالطاعه و ما معنا براءه من النار و لا علی الله لاحد من حجه من کان لله مطیعا فهو لنا ولی و من کان لله عاصیا فهو لنا عدو و ما تنال و لایتنا الا بالعمل و الورع.

ترجمه:

- 154 جابر از امام باقر علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که نسبت شیعه بودن را به خود می دهد همین که قائل به دوستی ما اهل بیت باشد کفایتش می کند؟ سوگند به خدا که شیعه ما نیست مگر کسی که تقوای الهی را پیشه سازد و خدای را اطاعت کند، و ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی شوند مگر به فروتنی و خشوع و امانتداری و کثرت یاد خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان تنگدست و رسیدگی به ناتوانان و قرض داران و یتیمان و راستگویی و تلاوت قرآن و نگهداری زبان خود درباره مردم مگر در خیرگویی و شیعیان باید در همه چیز امین قوم و قبیله خود باشند - تا آنجا که فرمود: - دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خدای عزوجل آنانند که

پرهیزکارتر و عمل کننده تر به طاعت خدایند. ای جابر! سوگند به خدا که ما جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری از خداوند عزوجل نمی توانیم به او نزدیک شویم و جواز رهایی از آتش همراه ما نیست و هیچکس حجت و برهانی بر علیه خداوند ندارد، هر کس مطیع و فرمانبر خداوند باشد او دوست ماست و هر کس عصیان خدا را کند دشمن ماست و به ولایت و دوستی ما کسی نمی رسد مگر به وسیله عمل شایسته و پارسایی .

حدیث:

- 155 عن ابی جعفر علیه السلام قال : فی حدیث و الله ما معنا من الله براءه و لابینا و بین الله قرابه و لا لنا علی الله حجه و لانتقرب الی الله الا بالطاعه فمن كان منكم مطيعا لله تنفعه و لايتنا و من كان منكم عاصيا لله لم تنفعه و لايتنا و يحکم لاتغتروا و يحکم لاتغتروا.

ترجمه:

- 155 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: سوگند به خداوند که از جانب خداوند برای ما جواز رهایی از آتش نیست و بین ما و خداوند خویشاوندی برقرار نیست و ما حجت و برهانی بر خداوند نداریم و جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری اش به او نزدیک نمی شویم پس هر کدام از شما که مطیع خداوند باشد ولایت و دوستی ما به او سود می بخشد و هر کدام شما که در برابر خداوند عصیان کند دوستی ما به او سودی نمی بخشد. وای بر شما مبدا فریب بخورید، وای بر شما مبدا فریب بخورید .

حدیث:

- 156 عن الصادق عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله جل جلاله : يا ابن آدم اطعني فيما امرتك و لاتعلمني ما يصلحك.

ترجمه:

- 156 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند جل جلاله فرمود: ای فرزند آدم! در آنچه که به تو دستور داده ام مرا اطاعت کن و آنچه را که تو را به صلاح می رساند به من نیاموز (که من خود می دانم که چه چیزی به صلاح توست).

حدیث:

- 157 عن ابی عبدالله علیه السلام عن آبانه علیه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله قال : قال الله عزوجل : ايما عبد اطاعني لم اكله الی غيری و ايما عبد عصاني و كلته الی نفسه ثم لم ابال فی ای واد هلك.

ترجمه:

- 157 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هر بنده ای که مرا اطاعت کند او را به سوی غیر خود وا نمی گذارم و هر بنده ای که مرا نافرمانی کند او را به سوی خودش وا نمی

گذارم پس از آن دیگر باکی ندارم که در چه راهی به هلاکت برسد .

حدیث:

158- عن ابی بصیر قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (اتقوا الله حق تقاته) قال : يطاع فلا يعصى و يذكر فلا ينسى و يشكر فلا يكفر.

ترجمه:

158- ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدا که می فرماید: تقوای الهی را پیشه کنید حق تقوایش را ⁽⁶⁷⁾ (پرسیدم . حضرت فرمود: (حق تقوا این است که) اطاعت خداوند صورت گیرد و نافرمانی اش نشود، و همواره یاد شود و فراموش نگردد، و شکر او به جای آورده شود و ناسپاسی اش نشود .

حدیث:

159- عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله جعل الطاعة غنیمه الا کياس عند تفریط العجزه.

ترجمه:

159- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند طاعت خود را در زمانی که ناتوانان در آن کوتاهی می کنند غنیمتی برای زیرکان قرار داد (که زیرکان از طاعت خدا توشه ای برای آخرت غنیمت گیرند).

19- باب وجوب الصبر علی طاعة الله و الصبر عن معصیه

19- باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت خداوند

حدیث:

160- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا كان يوم القيامة يقوم عنق من الناس فیاتون باب الجنة فيقال : من انتم ؟ فيقولون : نحن اهل الصبر فيقال لهم : علی ما صبرتم ؟ فيقولون : كنا نصبر علی طاعة الله و نصبر عن معاصی الله فيقول الله عزوجل : صدقوا ادخلوهم الجنة و هو قول الله عزوجل : (انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب).

ترجمه:

160- امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که روز قیامت شود جماعتی از مردم بر می خیزند و به در بهشت می آیند به آنان گفته می شود: شما چه کسانی هستید؟ گویند: ما اهل صبر هستیم . به آنان گفته می شود: بر چه چیزی صبر کردید؟ گویند: ما در دنیا بر طاعت و معاصی خداوند صبر می نمودیم . در اینجا خداوند عزوجل گوید: راست می گویند آنان را به بهشت وارد کنید، و این است معنای گفتار خداوند که می فرماید : (پاداش صابران به طور کامل و بدن حساب به آنان داده می شود⁽⁶⁸⁾)

حدیث:

161- قال امیرالمؤمنین علیه السلام : الصبر صبران : صبر عند المصیبه حسن جمیل و احسن

من ذلك الصبر عند ما حرم الله عليك و الذكر ذكران : ذكر الله عزوجل عند المصيبة و افضل من ذلك ذكر الله عند ما حرم الله عليك فيكون حاجزا.

ترجمه:

- 161 اميرالمؤمنين على عليه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر در هنگام مصيبت که اين نیکو و زیباست و نیکوتر از آن ، صبر نمودن در هنگام روبرو شدن با چیزهایی است که خداوند بر تو حرام نموده و یاد خدا نیز بر دو گونه است : یاد نمودن خداوند عزوجل در هنگام مصيبت و برتر از آن ، یاد خداوند در هنگام مواجهه با حرام الهی است که این مانع و بازدارنده آتش دوزخ است .

حدیث:

- 162 قال ابو جعفر عليه السلام : لما حضرت على بن الحسين عليه السلام الوفاه ضمنی الى صدره و قال يا بنی اوصيك بما اوصانی به ابی حين حضرته الوفاه و بما ذكر ان اباه اوصاه به يا بنی اصبر على الحق و ان كان مرا.

ترجمه:

- 162 امام باقر عليه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد عليه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم ! تو را به چیزی سفارش می کنم که پدرم امام حسین عليه السلام در هنگام وفات مرا به آن سفارش فرمود و فرمود که پدرش على عليه السلام او را به این وصیت سفارش فرموده است : ای پسر ! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد .

حدیث:

- 163 عن ابی جعفر عليه السلام قال : الصبر صبران : صبر على البلاء حسن جميل و افضل الصبرين الورع عن المحارم.

ترجمه:

- 163 امام باقر عليه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر بر بلا که نیکو و زیباست و برترین دو قسم صبر پرهیز نمودن از حرامهای الهی است .

حدیث:

- 164 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اصبروا على الدنيا فانما هي ساعه فما مضى منه لاتجد له الما و لاسرورا و ما لم یجى فلا تدرى ما هو؟ و انما هي ساعتك التى انت فيها فاصبر فيها على طاعه الله و اصبر فيها عن معصيه الله.

ترجمه:

- 164 امام صادق عليه السلام فرمود، بر دنیا صبر کنید که دنیا ساعتی بیش نیست پس آنچه از دنیا سپری شده برای آن رنجی و سروری نمی یابی (رنج و شادمانی آن تمام شدنی است) و آنچه نیامده است نمی دانی چیست ؟ دنیا همان ساعتی است که تو در آن

هستی پس در آن بر طاعت و فرمانبرداری خدا صبر کن و در مقابل معصیت خداوند نیز شکایت باش .

حدیث:

- 165 قال رسول الله صلى الله عليه وآله الصبر ثلاثة : صبر عند المصيبة و صبر عند الطاعة و صبر عن المعصية ، فمن صبر على المصيبة حتى يردّها بحسن عزائها كتب الله له ثلاثمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين السماء و الارض و من صبر على الطاعة كتب الله له ستمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى متهى العرش و من صبر عن المعصية كتب الله له تسعمائة درجة ما بين درجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى متهى العرش.

ترجمه:

- 165 رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: صبر بر سه قسم است : صبر در هنگام معصیت و صبر در طاعت خداوند و صبر در برابر معصیت و گناه ، پس کسی که بر مصیبتی صبر کند تا آنجا که آن مصیبت را به تسلی و آرامشی نیکو باز گردان خداوند برای او سیصد درجه می نویسد که بین يك درجه تا درجه دیگر به اندازه بین زمین و آسمان فاصله است و کسی که بر طاعت خدا صبر کند خداوند برای او ششصد درجه می نویسد که مابین يك درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حدود مرز زمین تا انتهای عرش الهی فاصله است و کسی که در برابر معصیت و گناه صبر کند خداوند برای او نهصد درجه می نویسد که مابین يك درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حد و مرز زمین تا انتهای عرش فاصله است .

حدیث:

- 166 عن ابي الحسن موسى به جعفر عليه السلام انه قال لبعض ولده : يا بني اياك ان يراك الله فى معصيه نهاك عنها و اياك ان يفقدك الله عند طاعه امرك بها.

ترجمه:

- 166 از امام موسی به جعفر علیه السلام روایت است که به یکی از فرزندان فرمود: ای پسرکم ! بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در حال گناهی که تو را از انجام آن نهی نموده است ببیند و بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در انجام طاعتی که به انجام آن فرمان داده است غائب نبیند .

حدیث:

- 167 عن ابي حمزه الثمالی قال : قال لى ابو جعفر عليه السلام : لما حضرت ابي الوفاء ضمنى الى صدره و قال : يا بني اصبر على الحق و ان كان مرا توف اجرک بغير حساب.

ترجمه:

- 167 ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم ! بر حق صبر کن

اگر چه تلخ باشد تا خداوند پاداش تو را بدون حساب و به طور کامل دهد.

حدیث:

- 168 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : الصبر صبران : صبر علی ما تحب و صبر علی ما تکره ثم قال علیه السلام : ان ولی محمد من اطاع الله و ان بعدت لحمته و ان عدو محمد من عصی الله و ان قربت قرابته.

ترجمه:

- 168 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر نمودن بر آنچه دوست می داری و صبر نمودن بر آنچه که آن را ناپسند می شمری . سپس فرمود: همانا دوست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خداوند را اطاعت کند اگر چه قرابت و خویشاوندی اش دور باشد و همانا دشمن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خدای را نافرمانی کند اگر چه خویشاوندی اش نزدیک باشد.

حدیث:

- 169 و قال علیه السلام : شتان بین عملین عمل تذهب لذته و تبقى تبعته و عمل تذهب مئوته و يبقى أجره.

ترجمه:

- 169 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چقدر بین دو عمل فاصله است یکی عملی که لذتش می رود و عاقبت بدش باقی می ماند و دیگری عملی که سختی آن می رود و پاداشش می ماند .

حدیث:

- 170 و قال علیه السلام : اتقوا معاصی الله فی الخلوات فان الشاهد هو الحاكم.

ترجمه:

- 170 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از ارتکاب معصیتهای الهی (حتی) در نهان خودداری کنید زیرا آن خدایی که شاهد است خود نیز حاکم است.

حدیث:

- 171 و قال علیه السلام : ان الله وضع الثواب علی طاعته و العقاب علی معصيته زیاده لعباده عن نعمته و حياشه لهم الی جنته.

ترجمه:

- 171 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند پاداش را بر طاعتش نهاد و کیفر را بر معصیتش تا بندگانش را از خشم و عقوبت خود دور سازد و آنان را به سوی بهشت تشویق و تحرص گرداند .

حدیث:

- 172 و قال علیه السلام : احذر ان یراک الله عند معصيته او یفقدک عند طاعته فتکون من

الخاسرين فاذا قويت فاقو على طاعه الله فاذا ضعفت فاضعف عن معصيه الله.

ترجمه:

- 172 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: بر حذر باش از اينكه خداوند تو را در هنگام معصيتش ببيند يا در هنگام طاعتش تو را نيابد اگر چنين باشي از زيانكاران خواهي بود پس هرگاه توانايي مي يابي ، بر انجام طاعت خدا توانا شو و هرگاه ناتوان مي شوي ، از ارتكاب معصيت خدا ناتوان شو .

حديث:

- 173 اتى رجل ابا عبدالله عليه السلام فقال له يا ابن رسول الله اوصنى فقال : لا يفقدك الله حيث امرك و لا يراك حيث نهاك قال : زدنى قال : لا اجد.

ترجمه:

- 173 مردى نزد امام صادق عليه السلام آمد و عرض كرد: اى فرزند رسول خدا! مرا سفارشى فرما. حضرت فرمود: در جايى كه خداوند تو را فرمان داده غائبت نبيند و در جايى كه نهى فرموده حاضرت نيابد. عرض كرد: بيش از اين برايم بگو. حضرت فرمود: بيش از اين چيزى نمى يابم .

حديث:

- 174 عن ابى جعفر محمد بن على الباقر عن آبائه عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله قال : اذا كان يوم القيامة نادى مناد عن الله يقول : اين اهل الصبر؟ قال : فيقوم عنق من الناس فتستقبلهم زمرة من الملائكة فيقولون لهم : ما كان صبركم هذا الذى صبرتم ؟ فيقولون : صبرنا انفسنا على طاعه الله و صبرناها عن معصيه الله قال : فينادى مناد من عند الله صدق عبادى خلوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير حساب.

ترجمه:

- 174 امام باقر عليه السلام از پدران بزرگوارش روايت كند كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آنگاه كه روز قيامت بر پا مى شود ندا دهنده اى از جانب خدا ندا در مى دهد كه : كجايند اهل صبر؟ پس جماعتى از مردم بر مى خيزند و گروهى از فرشتگان به استقبال آنان مى آيند و به آنان مى گويند: آن صبرى كه پيشه نموديد چه صبرى بود؟ گويند: ما خود را بر طاعت خداوند به صبر روا داشتيم و نيز خود را در مقابل معصيت خداوند به صبر وادار نموديم . پس ندا دهنده اى از جانب خداوند ندا در مى دهد كه : بندگانم راست مى گويند از جلو راه آنها به كنار رويد تا بدون حساب وارد بهشت شوند .

- 20 باب وجوب تقوى الله

- 20 باب وجوب رعايت تقواى الهى

حديث:

- 175 عن ابى جعفر عليه السلام قال : كان اميرالمؤمنين عليه السلام يقول : لا يقل عمل مع

تقوی و کیف یقل ما یتقبل ؟

ترجمه:

- 175 امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: کم شمرده نمی شود عملی که همراه با تقواست و چگونه کم شمرده می شود چیزی که پذیرفته می گردد؟

حدیث:

- 176 عن مفصل بن عمر قال : كنت عند ابي عبدالله عليه السلام فذكرنا الاعمال فقلت انا: ما اضعف عملی فقال : مه استغفر الله ثم قال لی : ان قليل العمل مع التقوی خیر من كثير بلا تقوی . قلت : كيف يكون كثير بلا تقوی ؟ قال عليه السلام : نعم مثل الرجل يطعم طعامه و يرفق جيرانه و يوطی رحله فاذا ارتفع له الباب من الحرام دخل فيه فهذا العمل بلا تقوی و يكون الاخر ليس عنده فاذا ارتفع له الباب من الحرام لم يدخل فيه.

ترجمه:

- 176 مفصل بن عمر گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که سخن از اعمال به میان آمد پس من عرض کردم : وه که چقدر عمل من ناچیز است . حضرت فرمود: ساکت باش و از خدا طلب مغفرت کن . سپس فرمود: عمل کم که همراه با تقوا باشد از عمل زیاد که بدون تقوا باشد بهتر است . عرض کردم : عمل زیاد بدون تقوا چگونه است ؟ حضرت فرمود: آری مثل مردی که مردمان را طعام می دهد و با همسایگانش مدارا می کند و توشه اش را آماده و مهیا می سازد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش باز می شود از آن در وارد می شود و این عمل بدون تقواست و دیگری چنین اعمالی ندارد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش گشوده می شود وارد نمی شود .

حدیث:

- 177 عن يعقوب بن شعیب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما نقل الله عبدا من ذل المعاصی الى عز التقوی الا اغناه من غیر مال و اعزه من غیر عشیره و انسه من غیر بشر.

ترجمه:

- 177 يعقوب بن شعیب گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند بنده ای را از ذلت گناه به سوی عزت تقوا نرساند جز اینکه او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و عشیره عزتمند ساخت و بدون (معاشرت با) بشری او را انس و آرامش بخشید .

حدیث:

- 178 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه و آله خير الزاد التقوی.

ترجمه:

- 178 امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله این است :
بهترین توشه تقوا است .

حدیث:

- 179 عن الهيثم بن واقد قال : سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول : من اخرج الله عزوجل من ذل المعاصي الى عز التقوى اغناه الله بلامال و اعزه بال عشيره و آنسه بلا انيس و من خاف الله اخاف الله منه كل شىء و من لم يخف الله اخافه الله من كل شىء و من رضى من الله باليسير من الرزق رضى منه باليسير من العمل و من لم يستحى من طلب المعاش خفت مئنته و نعم اهله و من زهد فى الدنيا اثبت الله الحكمة فى قلبه و انطق بها لسانه و بصره عيوب الدنيا داءها و دواءها و اخرج من الدنيا سالما الى دارالسلام.

ترجمه:

- 179 هيثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خداوند او را از ذلت گناهان به سوی عزت و ارجمندی تقوا فرستاد او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و قبیله عزت داد و بدون مونس آرامش بخشید و کسی که از خدا بترسد خداوند هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا بترسد خداوند او را از همه چیز بیمناک می سازد و کسی که از خداوند به روزی کم خوشنود باشد خداوند هم از او به عمل کم خوشنود می گردد و کسی که به دنیا بی اعتنا باشد خداوند حکمت و دانایی را در دلش پدید می آرد و زیارتش را به حکمت گویا می سازد و او را نسبت به دردها و داروهای عیوب دنیا بی نیاز می گرداند و او را سالم و بی نقص از دنیا به سرای سلامت آن جهان منتقل می کند .

حدیث:

- 180 عن الوليد بن عباس قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : الحسب الفعال و الشرف المال و الكرم التقوى.

ترجمه:

- 180 ولید بن عباس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گوهر مرد و بزرگی او اعمال او است و شرافت و ارجمندی او دارایی اوست و کرامت و بزرگواری او تقوای اوست .

حدیث:

- 181 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : فى خطبه له عليه السلام الا و ان الخطايا خيل شمس حمل عليها اهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم فى النار الا و ان التقوى مطايا ذلل حمل عليها اهلها و اعطوا ازمتها فاوردتهم الجنة.

ترجمه:

- 181 امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای چنین فرمود: آگاه باشید که گناهان اسبان

سرکشی هستند که گنهکاران بر آنها بار شده اند و دهنه آن اسبان رها شده پس آن اسبان سرکش سواران خود را در آتش سرنگون کنند و آگاه باشید که تقوی مرکبی رام را می ماند که اهل تقوی بر آن سوار گشته و مهار مرکبها به دست آنان است و مرکبها آنان را به بهشت وارد کنند.

حدیث:

- 182 و قال عليه السلام : اتق الله بعض التقى و ان قل و اجعل بينك و بين الله سترا و ان رق

ترجمه:

- 182 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تقوای خدا را پیشه کن تقوایی اگر چه کم و بین خود و خدایت پرده ای قرار ده اگر چه نازک .

- 21 باب وجوب الورع

- 21 باب وجوب پارسایی

حدیث:

- 183 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لانعد الرجل مومنا حتى يكون لجميع امرنا متبعا مريدا، الا و ان من اتباع امرنا و ارادته الورع فتزینوا به یرحمکم الله و کیدوا اعداءنا به ینعشکم الله.

ترجمه:

- 183 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما مردی را مومن نمی شماریم مگر اینکه تمامی امر ما را پیروی کند و بخواهد، آگاه باشید که از جمله پیروی امر ما و خواستن امر ما پارسایی است ، پس خود را با پارسایی زینت دهید تا خداوند رحمتش را شامل حالتان کند و دشمنان ما را به وسیله پارسایی فریب دهید تا خداوند شما را بلند مرتبه گرداند.

حدیث:

- 184 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوصیک بتقوی الله و الورع و الجتهاد و اعلم انه لا ینفع اجتهد لا ورع فیه.

ترجمه:

- 184 امام صادق علیه السلام فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بدان که کوششی که پارسایی در آن نباشد سودی نخواهد داشت .

حدیث:

- 185 عن حفص بن غیاث قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الورع فقال : الذی یتورع عن محارم الله عزوجل.

ترجمه:

- 185 حفص بن غیاث گوید از امام صادق علیه السلام درباره ورع و پارسا سوال کردم حضرت

فرمود: پارسا کسی است که از ارتکاب حرامهای خدای عزوجل باز ایستد .

حدیث:

- 186 عن یزید بن خلیفه قال : وعظنا ابو عبدالله علیه السلام فامر و زهد ثم قال : علیکم بالورع فانه لاینال ما عند الله الا بالورع.

ترجمه:

- 186 یزید بن خلیفه گوید: امام صادق علیه السلام ما را موعظه نمود پس به ما امر کرد و ما را بر بی رغبتی به دنیا تشویق و تحریک نمود سپس فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا (آدمی) جز به وسیله پارسایی به آنچه که در نزد خداست دست نمی یابد .

حدیث:

- 187 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لا ینفع اجتهد لا ورع فیه.

ترجمه:

- 187 امام صادق علیه السلام فرمود: کوششی که پارسایی در آن رعایت نشود سودی نخواهد داشت .

حدیث:

- 188 قال ابو جعفر علیه السلام : ان اشد العبادہ الورع.

ترجمه:

- 188 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا سخت ترین عبادت باز ایستادن از گناه است .

حدیث:

- 189 عن حدید بن حکیم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اتقوا الله و صونوا دینکم بالورع.

ترجمه:

- 189 حدید بن حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و دین خود را با ورع (باز ایستادن از گناه) حفظ کنید .

حدیث:

- 190 قال ابو عبدالله علیه السلام فی حدیث : انما اصحابی من اشدت ورعه و عمل لخالقه و رجا ثوابه به هولاء اصحابی.

ترجمه:

- 190 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: یاران من کسانی هستند که : پارسایی آنان زیاد است و برای (رضای) آفریننده خود کار می کنند و امید ثواب او را دارند، اینان یاران من هستند .

حدیث:

- 191 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل ابن آدم اجتنب ما حرمت علیک تکن

من اورع الناس.

ترجمه:

- 191 امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرموده است : ای فرزند آدم ! از آنچه که بر تو حرام نموده ام دوری کن تا از پارساترین مردم باشی .

حدیث:

- 192 عن ابی اسامه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : عليك بتقوى الله و الورع و الاجتهاد و صدق الحديث و اداء الامانه و حسن الخلق و حسن الجوار و كونوا دعاة الى انفسكم بغير السنتكم و كونوا زينا و لاتكونوا شينا و عليكم بطول الركوع و السجود فان احكم اذا اطال الركوع و السجود هتف ابليس من خلفه و قال : يا ويله اطاع و عصيت و سجد و ابیت.

ترجمه:

- 192 ابی اسامه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر تو باد به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش و راستگویی و امانتداری و خوش خلقی و حسن همسایگی و اینکه با غیر زبانتان (کردارتان) دیگران را به سوی خودتان دعوت کنید و (برای ما) مایه زینت باشید نه مایه ننگ و رسوایی و بر شما باد به رکوع و سجود طولانی زیرا اگر کسی از شما رکوع و سجودش را طول دهد شیطان از پشت سر او فریاد بر می آورد و می گوید: ای وای که او فرمانبری کرد و من نافرمانی و او سجده کرد و من از سجده خودداری کردم .

حدیث:

- 193 عن علی بن ابی زید عن ابيه قال كنت عند ابی عبدالله عليه السلام فدخل عليه عیسی بن عبدالله القمی فرحب به و قرب مجلسه ثم قال یا عیسی بن عبدالله لیس منا و لاکرامه من کان فی مصر فیه مائه او یزیدون و کان فی ذلك المصر احد اورع منه.

ترجمه:

- 193 علی بن ابی زید از پدرش روایت کند که در نزد امام صادق علیه السلام بودم که عیسی بن عبدالله قمی وارد شد حضرت به او خوش آمد گفت و او را نزدیک خود نشاند سپس فرمود: ای عیسی بن عبدالله ! از ما نیست و بزرگواری ندارد کسی که در شهری باشد که در آن یکصد نفر یا بیشتر باشند و در آن شهر کسی با ورع تر و پارساتر از او باشد .

حدیث:

- 194 عن ابی جعفر عليه السلام قال : اعینونا بالورع فانه من القی الله عزوجل منکم بالورع کان له عند الله عزوجل فرجا.

ترجمه:

- 194 امام باقر علیه السلام فرمود: ما را با پارسا بودنتان یاری کنید زیرا کسی از شما که خدای عزوجل را با پارسایی دیدار کند برای او در نزد خدای عزوجل گشایشی هست .

حدیث:

- 195 قال ابو عبدالله عليه السلام : كونوا دعاه للناس بغير السنتكم ليروا منكم الورع و الاجتهاد و الصلاه و الخير فان ذكل داعيه.

ترجمه:

- 195 امام صادق عليه السلام فرمود: مردم را با غیر زبانتان (یعنی با کردارتان) بخوانید تا از شما پارسایی و کوشش و نماز و خوبی را ببینند زیرا این امور آنان را (به سوی حق) فرا می خواند .

حدیث:

- 196 عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : كثيرا ما كنت اسمع ابی يقول : ليس من شيعتنا من لا يتحدث المخدرات بورعه فی خدورهن و ليس من اوليائنا من هو فی قریه فیها عشرة الاف رجل فيهم خلق الله اورع منه.

ترجمه:

- 196 امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: بسیاری از مواقع از پدرم می شنیدم که می فرمود: شیعه ما نیست کسی که سخن گفتنش با زنان پرده نشین از روی پارسایی (یعنی همراه با اجتناب از گناه) نباشد و از دوستان ما شمرده نمی شود کسی که در قریه ای که ده هزار نفر در آن زندگی می کنند باشد و در بین آنان پارسا تر از او هم وجود داشته باشد.

حدیث:

- 197 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی ثلاثه من لقی الله عزوجل بهن فهو من افضل الناس : من اتی الله عزوجل بما افترض علیه فهو من اعبد الناس و من ورع عن محارم الله فهو من اورع الناس و من قنع بما رزقه الله فهو من اغنی الناس ثم قال يا علی ثلاث من لم یکن فیہ لم یتم عمله : ورع یحجزه عن معاصی الله و خلق یداری به الناس و حلم یرد به جهل الجاهل الی ان قال يا علی الاسلام عریان و لباسه الحياء و زینته العفاف و مروءته العمل الصالح و عماده الورع.

ترجمه:

- 197 از امام صادق علیه السلام و او از پدران بزرگوارش روایت است که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! سه چیز است که هر کس خدای عزوجل را همراه با این سه دیدار کند او از بدترین مردم است : کسی که همراه با آنچه که بر او واجب بوده بر خدای عزوجل وارد شود پس او از عابدترین مردمان است ، و کسی که از ارتکاب حرامهای الهی خودداری کند که چنین کسی از پارساترین مردمان است ، و کسی که به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد که این کس از بی نیازترین مردم است .

سپس فرمود: ای علی ! سه چیز است که اگر در کسی نباشد عملش کامل نیست :
پارسایی ای که وی را از ارتکاب گناهان الهی باز دارد و اخلاقی که به کمک آن با مردم مدارا
کند و بردباری ای که به کمک آن نادانی نادان را برگرداند - تا آنجا که فرمود: - ای علی !
اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زیور او پاکدامنی است و جوانمردی اش کردار
شایسته است و پایه و ستون آن اجتناب از گناه است .

حدیث:

- 198 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : لا یجمع الله لمومن الورع و الزهد فی
الدنیا الا رجوت له الجنة.

ترجمه:

- 198 راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند برای مومنی در
دنیا پارسایی و زهد را جمع نمی کند مگر اینکه من امید بهشت را برای او دارم .

حدیث:

- 199 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث قال : لاتنال و لایتنا الا بالعمل و الورع.

ترجمه:

- 199 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: کسی به ولایت ما نمی رسد مگر با عمل
(شایسته) و خودداری از گناه .

حدیث:

- 200 عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : لیس من شیعتنا من یكون فی مصر یكون فیہ
مائة الف و یكون فی المصر اورع منه.

ترجمه:

- 200 امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان (واقعی) ما شمرده نمی شود کسی که
در شهری باشد که در آنجا صد هزار نفر زندگی می کنند و در بین آنان پارسا تر از او وجود دارد .

حدیث:

- 201 قال ابو عبدالله علیه السلام : لیس من شیعتنا من قال بلسانه و خالفنا فی اعمالنا و
آثارنا و لكن شیعتنا من وافقنا بلسانه و قلبه و اتبع آثارنا و عمل باعمالنا اولئك شیعتنا.

ترجمه:

- 201 امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که به زبان (از دوستی ما)
دم زند اما در اعمال و اخبار ما با ما مخالفت کند ولیکن شیعه ما کسی است که با زبان و
قلبش با ما توافق باشد و از اخبار ما پیروی کند و همانند ما عمل کند .

حدیث:

- 202 عن کلیب بن معاویه الاسدی قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اما و الله انکم
لعلی دین الله و ملائکته فاعینونا علی ذلک بورع و اجتهاد، علیکم بالصلاه و العباده ، علیکم

بالورع.

ترجمه:

- 202 کلب بن معاویه اسدی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: آگاه باشید که سوگند به خدا شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید پس ما را بر این دین به وسیله پارسایی و کوشش یاری کنید، بر شما بد به نماز و عبادت، بر شما باد به خودداری از گناه.

حدیث:

- 203 عن الامام علی بن محمد علیه السلام عن آبائه عن الصادق علیه السلام انه قال : علیکم بالورع فانه الدین الذی نلازمه و ندین الله تعالی به و نریده ممن یوالینا لاتتعبونا بالشفاعة.

ترجمه:

- 203 امام دهم امام علی النقی علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش از امام صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا پارسایی همان دینی است کهما به آن وابسته ایم و خداوند را به وسیله آن دینداری می کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می دارند می خواهیم تا ما را با شفاعت به رحمت نیفکنند.

حدیث:

- 204 عن علی بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : دخل سماعة بن مهران علی الصادق علیه السلام فقال له : یا سماعة و ذکر الحدیث الی ان قال : و الله یدخل النار منکم احد فتنافسوا فی الدرجات و اکمدوا عدوکم بالورع.

ترجمه:

- 204 امام دهم امام علی النقی علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: سماعه بن مهران بر امام صادق علیه السلام وارد شد امام به او فرمود: ای سماعه ! - و حدیث گذشته را بیان نمود - تا آنجا که فرمود: - به خدا سوگند که کسی از شما به دوزخ نمی رود پس در (یافتن) درجات (بهشت) با یکدیگر رقابت کنید و دشمنانتان را با خودداری از گناه افسرده خاطر سازید.

- 22 باب وجوب العفه

- 22 باب وجوب پاکدامنی

حدیث:

- 205 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عبادة افضل عندالله من فیه بطن و فرج .

ترجمه:

- 205 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عبادتی در نزد خدا برتر از ترك شهوات شکم و فرج نیست.

حدیث:

- 206 قال ابو جعفر عليه السلام : ان افضل العبادع عفه البطن و الفرج .

ترجمه:

- 206 امام باقر عليه السلام فرمود: بهترین عبادت رعایت پاکی شکم و پاکی دامن است .

حدیث:

- 207 عن ابی جعفر عليه السلام قال : ما عبدالله بشی ء افضل من عفه بطن و فرج .

ترجمه:

- 207 امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند به هیچ عبادتی برتر از رعایت پاکی شکم و پاکی دامن عبادت نشده است.

حدیث:

- 208 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اكثر ما تلج به امتی النار الاجوفان البطن و الفرج .

ترجمه:

- 208 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بیشترین چیزی که به سبب آن امت من وارد دوزخ می شوند دو چیز میان تهی است یکی شکم و دیگری فرج .

حدیث:

- 209 قال رسول الله صلى الله عليه و آله ثلاث اخافهن بعدی علی امتی : الضلاله بعد المعرفه و مضلات الفتن و شهوه البطن و الفرج .

ترجمه:

- 209 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سه چیز است که پس از خودم از این سه بر امتم ترسانم : گمراهی بعد از معرفت و فتنه های گمراه کننده و شهوت شکم و فرج .

حدیث:

- 210 عن ابی بصیر قال : قال رجل لابی جعفر عليه السلام : انی ضعيف العمل قليل الصيام ولكنی ارجو ان لا أكل الا حلالا قال : فقال له : ای الاجتهاد افضل من عفه بطن و فرج ؟

ترجمه:

- 210 ابی بصیر گوید: مردی به امام باقر عليه السلام عرض کرد : من در عمل سست هستم و روزه ام کم است ولی امید این دارم که جز حلال نخورم . حضرت فرمود: کدام تلاش و کوششی از پاکی شکم و پاکی دامن برتر است ؟

حدیث:

- 211 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : کان امیرالمؤمنین عليه السلام یقول : افضل العباده العفاف .

ترجمه:

- 211 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمومنین علیه السلام می فرمود: برترین عبادت پاکدامنی است .

حدیث:

- 212 عن میمون القداح قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : ما من عباده افضل من عفه بطن و فرج.

ترجمه:

- 212 میمون بن قداح گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ عبادتی برتر از پاکی شکم و پاکی دامن نیست.

حدیث:

- 213 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : و من لم يعط نفسه شهوتها اصاب رشده.

ترجمه:

- 213 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: و کسی که به نفس خود خواسته نفس را عطا نکند به رشد خود رسیده است .

حدیث:

- 214 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ضمن لی اثنتین ضمانت له على الله الجنة : من ضمن لی ما بین لحييه و ما بین رجلیه ضمانت له على الله الجنة یعنی ضمن لی لسانه و فرجه.

ترجمه:

- 214 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که برای من دو چیز را ضمانت کند من نیز در پیشگاه خداوند بهشت را برای او ضمانت خواهم کرد: کسی که برای من ضامن آنچه که بین ریش و سبیلش و آنچه بین دو پایش هست باشد من نیز در پیشگاه خدا ضامن بهشت برای اویم یعنی برای من ضامن زبان و فرج خود باشد .

حدیث:

- 215 عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله الصادق علیه السلام يقول : من كف اذاه عن جاره اقاله الله عثرته يوم القيامة و من عف بطنه و فرجه كان فی الجنة ملکا محبورا و من اعتق نسمة مومنه بنی له بیت فی الجنة.

ترجمه:

- 215 ابی بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که آزار خود را از همسایه اش باز دارد خداوند در روز قیامت لغزش او را جبران خواهد کرد و کسی که شکم و دامن خود را پاک نگه دارد در بهشت فرشته ای شادمان خواهد شد و کسی که برده مومنی را آزاد سازد در بهشت خانه ای برایش ساخته می شود .

حدیث:

- 216 عن رسول الله صلى الله عليه وآله في خطبه له : و من قدر على امراه او جاريه حراما فتركها مخافه الله حرم الله عليه النار و آمنه من الفزع الاكبر و ادخله الجنة فان اصابها حراما حرم الله عليه الجنة و ادخله النار.

ترجمه:

- 216 از رسول خدا صلى الله عليه وآله در خطبه ای از آن حضرت روایت است که فرمود: کسی که بر زنی یا کنیزی به حرام دست یابد و از خوف خدا از ارتکاب حرام باز ایستد خداوند آتش را بر او حرام می گرداند و او را از بی تابى بزرگ روز قیامت ایمن می کند و او را وارد بهشت می سازد ولی اگر به حرام افتاد خداوند نیز بهشت را بر او حرام و او را به دوزخ می افکند.

حدیث:

- 217 قال ابو عبدالله : انما شيعه جعفر من عف بطنه و فرجه و اشدت جهاده و عمل لخالقه و رجا ثوابه و خاف عقابه فاذا رايت اولئك فاولئك شيعه جعفر.

ترجمه:

- 217 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا شیعه جعفری کسی است که شکم و دامن خود را پاک نگاه دارد و کوشش او زیاد باشد و برای (کسب رضای) آفریدگار خود عمل کند و امید به پاداش او و ترس از کیفر او داشته باشد پس هرگاه چنین کسانی را دیدی آنان شیعه جعفری اند .

حدیث:

- 218 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : قدر الرجل على قدر همته و صدقه على قدر مروءته و شجاعته على قدر انفته و عفته على قدر غيرته.

ترجمه:

- 218 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ارزش و مرتبه مرد به اندازه همت اوست و راستی او به اندازه جوانمردی اوست و دلیری او به اندازه عار و ننگی است که از زشتی دارد و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست .

- 23 باب وجوب اجتناب المحارم

- 23 باب وجوب خودداری از حرامها

حدیث:

- 219 عن ابي جعفر عليه السلام قال : كل عين باكية يوم القيامة غير ثلاث : عين سهرت في سبيل الله و عين فاضت من خشية الله و عين غضت عن محارم الله.

ترجمه:

- 219 امام باقر علیه السلام فرمود: همه چشمها در روز قیامت گریان است مگر سه چشم :

چشمی که در راه خدا بیدار بماند و چشمی که از ترس خدا اشک بریزد و چشمی که از دیدن حرامهای الهی فرو بسته شود.

حدیث:

- 220 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اشد ما فرض الله على خلقه ذكر الله كثيرا، ثم قال : لا اعنى سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و ان كان منه و لكن ذكر الله عند ما احل و حرم فان كان طاعه عمل بها و ان كان معصيه تركها.

ترجمه:

- 220 امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخته این است که او را فراوان یاد کنند، سپس فرمود: مقصود من گفتن) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (نیست اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد از ذکر، یاد نمودن خداوند در نزد حلال و حرام الهی است ، پس اگر به طاعتی برخورد به آن عمل کند و اگر با معصیتی مواجه شد آن را ترك کند .

حدیث:

- 221 عن سليمان بن خالد قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (و قدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) قال : اما و الله ان كانت اعمالهم اشد بياضا من القباطى و لكن كانوا اذا عرض لهم الحرام لم يدعوه.

ترجمه:

- 221 سليمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل که می فرماید) : و به سوی اعمالی که انجام داده اند پیشی گرفتیم و آن اعمال را همچون گردی پراکنده گردانیدیم (69) پرسیدم حضرت فرمود: آگاه باش ، سوگند به خدا اگر اعمال آنها از کتان سفید هم سفیدتر باشد ولی در هنگامی که حرام به آنان عرضه می شده آن را و نمی گذارده اند باز هم خداوند اعمال آنها را هیچ می کند.

حدیث:

- 222 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ترك معصيه لله مخافه الله تبارك و تعالى ارضاء يوم القيامة.

ترجمه:

- 222 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: کسی که معصیت الهی را از خوف خدای تبارك و تعالى ترك کند خداوند او را در روز قیامت خوشنود می سازد.

حدیث:

- 223 عن ابی عبدالله عليه السلام فى رسالته الى اصحابه قال : و اياكم ان تشره انفسكم الى شىء حرم الله عليكم فان من انتهك ما حرم الله عليه هاهنا فى الدنيا حال الله بينه و

بين الجنة و نعيمها و لذتها و كرامتها القائمة الدائمة لاهل الجنة ابد الابدى - الى ان قال : - و اياكم و الاصرار على شىء مما حرم الله فى القرآن ظهره و بطنه و قد قال : (و لم يصروا على ما فعلوا و هم يعلمون).

ترجمه:

- 223 امام صادق عليه السلام در رساله اى به سوى اصحابش فرمود: و بر حذر باشید از اينکه نفس شما به سوى چيزى که خداوند بر شما حرام نموده مایل و حریص شود زیرا کسى که در اين دنيا درباره حرام الهى پرده درى کند خداوند بين او و بهشت و نعمتها و لذتها و ارجمندى هميشگى که براى اهل بهشت است براى هميشه حائل و مانع مى شود - تا آنجا که فرمود: - بر حذر باشید از اصرار نمودن بر ارتکاب چيزى که خداوند در قرآن حرام نموده . خداوند در قرآن فرموده) : و اصرار نورزند بر آنچه که انجام داده اند در حالى که مى دانند⁽⁷⁰⁾)

حدیث:

- 224 عن على عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يقول الله تبارك و تعالى لابن آدم : ان نازعك بصرک الى بعض ما حرمت عليك فقد اعتنك عليه بطبقين فاطبق و لاتنظر و ان نازعك لسانك الى بعض ما حرمت عليك فقد اعتنك عليه بطبقين فاطبق و لاتتكلم و ان نازعك فرجك الى بعض ما حرمت عليك فقد اعتنك عليه بطبقين فاطبق و لاتات حراما.

ترجمه:

- 224 على عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند تبارك و تعالى به فرزند آدم مى گوید: اگر چشم تو در مورد بعضى از چيزهايى که بر تو حرام کرده ام با تو به نزاع و کشمکش پردازد پس من تو را به وسيله دو سرپوش (که پلکهای توست) يارى مى کنم پس فرو بند و نظر مکن و اگر زبان تو در مورد برخى از چيزهايى که بر تو حرام کرده ام با تو به ستيز پردازد من تو را به وسيله دو لب يارى مى کنم پس فروبند و سخن مگو و اگر دامان تو درباره بعضى از چيزهايى که بر تو حرام کرده ام با تو به جنگ برخيزد من تو را به وسيله اطراف دامانت يارى مى کنم پس بر هم نه و مرتکب حرام مشو.

حدیث:

- 225 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام فى وصيه النبى صلى الله عليه و آله لعلی عليه السلام قال : يا على ثلاث لا تطيقها هذه الامه : المواساه للاخ فى ماله و انصاف الناس من نفسه و ذکر الله على كل حال و ليس هو سبحانه الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لكن اذا ورد على ما يحرم عليه خاف الله عزوجل عنده و تركه.

ترجمه:

- 225 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روايت کند که پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله در وصيتش به على عليه السلام فرمود: اى على ! سه چيز است که اين امت طاقت و توان آن را ندارد: يارى نمودن به برادر دينى از نظر مالى و به عدل و راستى با مردم رفتار

نمودن و در هر حالی به یاد خدا بودن و یاد خدا این است که هرگاه بر حرامی وارد شد در برابر آن حرام از خدای عزوجل بترسد و آن را ترك کند.

حدیث:

- 226 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تزال امتی بخیر ما تحابوا و تهادوا و ادوا الامانه و اجتنبوا الحرام و قروا الضیفو اقاموا الصلاه و آتوا الزكاه فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنین.

ترجمه:

- 226 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیوسته امت من در خیر و خوبی اند تا زمانی که یکدیگر را دوست دارند و به یکدیگر هدیه می دهند و امانتداری می کنند و از ارتکاب حرام خودداری می کنند و از مهمان پذیرایی می کنند و نماز را به پای می دارند و زکات می پردازند پس هنگامی که چنین نکنند به خشکسالی و آفت دچار می شوند .

حدیث:

- 227 قال ابو عبدالله عليه السلام : ما ابتلى المومن بشیء اشد عليه من خصال ثلاث یحرمها قیل : و ما هی ؟ قال : المواساه فی ذات یده و الانصاف من نفسه و ذکر الله کثیرا اما انی لا قول لكم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لكن ذکر الله عند ما احل له و عند ما حرم علیه.

ترجمه:

- 227 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن به چیزی که سخت تر بر او باشد از محروم ماندن وی از سه خصلت ، گرفتار نشده است ، گفته شد: آن سه خصلت کدامند؟ فرمود: یاری رساندن به دیگران با همه امکاناتی که در دست دارد و منصفانه رفتار کردن و بسیار یاد کردن خداوند نمی گویم (فقط) (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) (گویید بلکه مراد من یاد کردن خدا در هنگام برخورد با حلال و حرام است .

حدیث:

- 228 عن حسین البزاز قال : قال لی ابو عبدالله عليه السلام : الا احذثک باشد ما فرض الله عزوجل علی خلقه ؟ قلت : بلی قال : انصاف الناس من نفسك و مواساتک لاختیک و ذکر الله فی کل موطن اما انی لا اقول سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و ان کان هذا من ذاک و لكن ذکر الله فی کل موطن اذا هجمت علی طاعه او معصیه.

ترجمه:

- 228 حسین بزاز گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود : آیا درباره سخت ترین چیزی که خداوند عزوجل بر بندگان واجب ساخته با تو سخن بگویم ؟ عرض کردم : آری . حضرت فرمود: منصفانه رفتار کردنت با دیگران و یاری رساندنت به برادرت و در هر جا یاد خدا کردن ،

آگاه باش که نمی گویم) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (گفتن اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد من یاد کردن خدا در همه جا است . آگاه که بر طاعت یا معصیتی روی می آوری .

حدیث:

- 229 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اشد الاعمال ثلثه : انصاف الناس من نفسك حتى لاترضی لها منهم بشیء الا رضیت لهم منها بمثلہ و مواساتک الاخ فی المال و ذکر الله علی کل حال لیس سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر فقط و لكن اذا ورد عليك شیء امر الله به اخذت به و اذا ورد عليك شیء نهی عنه تركته.

ترجمه:

- 229 امام صادق علیه السلام فرمود: سخت ترین اعمال سه تاست : یکی منصفانه رفتار کردن با مردم در مورد خود به گونه ای که برای خود به چیزی خوشنود نشوی جز اینکه برای مردم نیز به مثل همان چیز خوشنود گردی ، و دیگری یاری مالی نمودن به برادر دینی ات ، و یاد و ذکر خدا در هر حال نه تنها) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (گفتن ، بلکه هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند به آن امر نموده به آن عمل کنی و هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند از آن نهی فرموده ، آن را ترك کنی .

حدیث:

- 230 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان يحجزه لا اله الا الله عما حرم الله.

ترجمه:

- 230 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از روی اخلاص) لا اله الا الله (گوید به بهشت داخل شود و اخلاص او این است که گفتن) لا اله الا الله (او را از ارتکاب آنچه که خداوند بر او حرام نموده باز دارد.

حدیث:

- 231 عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : من اطاع الله فقد ذکر الله و ان قلت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن و من عصی الله فقد نسی الله و ان کثرت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن.

ترجمه:

- 231 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که فرمان خدای را برد و او را اطاعت کند خداوند را یاد نموده است اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش کم باشد و کسی که خدای را نافرمانی کند خداوند را فراموش نموده اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش زیاد باشد.

حدیث:

- 232 عن النبي صلى الله عليه و آله قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان يحجزه لا اله الا الله عما حرم الله.

ترجمه:

- 232 روایت شماره ۲۳۰ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است .

حدیث:

- 233 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : من اشد ما عمل العباد انصاف المرء من نفسه و مواساه المرء اخاه و ذكر الله على كل حال قال : قلت : اصلحك الله و ما وجه ذكر الله على كل حال ؟ قال : يذكر الله عند المعصيه يهم بها فيحول ذكر الله بينه و بين تلك المعصيه و هو قول الله : (ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون.)

ترجمه:

- 233 امام صادق عليه السلام فرمود: از سخت ترین اعمال بندگان یکی منصفانه رفتار کردن مرد درباره خود و دیگری یاری کردن مرد به برادر دینی اش و دیگری یاد نمودن خداوند در همه حالات ، راوی گوید: عرض کردم : یاد نمودن خداوند در همه حالات چگونه است ؟ فرمود: هرگاه آهنگ ارتکاب معصیتی را نمود خدای را یاد کند پس یاد خدا بین او و بین آن معصیت حائل می شود و این همان گفتار خداوند است که می فرماید) : همانا آنانکه پرهیزکارند هرگاه رهگذری از شیطان آهنگ آنان کند یاد آور شوند پس ناگاه بینا گردند(71))

حدیث:

- 234 قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : من اقام فرائض الله و اجتنب محارم الله و احسن الولايه لاهل بيت نبى الله و تبرأ من اعداء الله فليدخل من اى ابواب الجنة الثمانيه شاء.

ترجمه:

- 234 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که واجبات الهی را به پای دارد و از حرامهای خداوند دوری کند و اعتقادی نیکو به ولایت اهل بیت پیامبر خدا داشته باشد و از دشمنان خدا دوری و بیزاری جوید پس ، از هر دری از درهای هشتگانه بهشت که می خواهد داخل شود .

حدیث:

- 235 عن على بن الحسين عليه السلام قال : من عمل بما افترض الله عليه فهو من خير الناس و من اجتنب ما حرم الله عليه فهو من اعبد الناس و من قنع بما قسم الله له فهو من اغنى الناس.

ترجمه:

- 235 امام زین العابدین علیه السلام فرمود: هر کس به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته است عمل کند از بهترین مردمان است و کسی که از آنچه که خداوند بر او حرام نموده دوری کند از عابدترین مردم است و کسی که به آنچه خداوند قسمت او کرده قانع باشد از بی نیازترین مردمان است .

حدیث:

236 عن زید الشحام قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : احذروا سطورات الله باللیل و النهار فقلت : و ما سطورات الله ؟ قال : اخذه علی المعاصی.

ترجمه:

236 زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از حمله ها و سختگیری های خداوند در شب و روز بپرهیزید، عرض کردم : سختگیریهای خداوند چیست ؟ فرمود: اینکه او بنده اش را بر معصیتهايش بگیرد .

- 24 باب وجوب اداء الفرائض

- 24 باب وجوب ادای واجبات

حدیث:

237 قال علی بن الحسین علیه السلام : من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس.

ترجمه:

237 امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از بهترین مردمان است.

حدیث:

238 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل اصبروا و صابروا و رابطوا قال : اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمة علیه السلام.

ترجمه:

238 امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل) : شکیبایی کنید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر بپیوندید. (72) فرمود: شکیبا باشید بر انجام واجبات و یکدیگر را در معصیتها به صبر سفارش کنید و بر محور امامان علیه السلام به یکدیگر، بپیوندید.

حدیث:

239 قال الكلینی و فی روايه ابن محبوب عن ابی السفاتج : و اتقوا الله ربکم فیما افترض علیکم.

ترجمه:

239 مرحوم کلینی (ره) گوید: روایت قبل از طریق ابن محبوب نیز روایت است و در آن اضافه دارد: و از پروردگارتان در مورد آنچه که بر شما واجب ساخته پروا داشته باشید .

حدیث:

240 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تبارك و تعالی : ما تحب الی عبدی باحب مما افترضت علیه.

ترجمه:

240 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارك و تعالی فرمود: بنده من با من به دوست

داشتنی تر از (انجام) آنچه که بر او واجب کرده ام دوستی نکرده است .

حدیث:

- 241 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل) : اصبروا و صابروا و رابطوا) قال : اصبروا علی الفرائض.

ترجمه:

- 241 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل) : شکبیا باشید و یکدیگر را به شکبیایی سفارش کنید و به یکدیگر بییوندد .⁽⁷³⁾ (فرمود: شکبیا باشید بر (انجام) واجبات .

حدیث:

- 242 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تکن اتقی الناس.

ترجمه:

- 242 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا پرهیزگارترین مردمان باشی .

حدیث:

- 243 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من عمل بما افترض الله علیه فهو من اعبد الناس.

ترجمه:

- 243 امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از عابدترین مردمان است.

حدیث:

- 244 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله فرض علیکم فرائض فلا تضیعوها و حدکم حدودا فلا تعتدوها و نهاکم عن اشیاء فلا تنتهکوها و سکت لکم عن اشیاء و لم یدعها نسیانا فلا تتکلفوها.

ترجمه:

- 244 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند واجباتی را بر شما واجب ساخته پس آنها را مهمل مگذارید و حدودی را برای شما معین فرموده پس از آن چیزها پرده دری مکنید و از چیزهایی سکوت نموده و این سکوت از روی فراموشی نیست پس خود را در آن مورد به زحمت نیفکنید.

حدیث:

- 245 عن الصادق عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تکن من اتقی الناس و ارض بقسم الله تکن من اغنی الناس و کف عن محارم الله تکن من اورع الناس و احسن مجاوره من یجاورك تکن مومنا و احسن مصاحبه من صاحبک تکن

مسلم.

ترجمه:

- 245 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا از پرهیزگارترین مردمان باشی ، و به قسمت الهی راضی باش تا از بی نیازترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و با کسی که در همسایگی توست خوب همسایگی کن تا مومن باشی ، و با همدم خود خوب همدمی کن تا مسلمان باشی .

- 25 باب استحباب الصبر فی جميع الامور

- 25 باب استحباب صبر در تمامی کارها

حدیث:

- 246 قال ابو عبد الله عليه السلام : يا حفص ان من صبر قليلا و ان من جزع جزع قليلا - ثم قال : - عليك بالصبر في جميع امورك فان الله عزوجل بعث محمدا صلى الله عليه و آله فامر به بالصبر و الفرق فقال : (و اصبر على ما يقولون و اهجرهم هجرا جميلا و ذرنى و المكذبين اولى النعمه) و قال : (ادفع بالتي هي احسن فاذا الذى بينك و بينه عداوه كانه ولى حميم و ما يلقاها الا الذين صبروا و ما يلقاها الا ذو حظ عظيم) فصبر حتى نالوه بالعظائم و رموه بها فضاقت صدره فانزل الله عليه (و لقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون فسبح بحمد ربك و كن من الساجدين) ثم كذبوه و رموه فحزن لذلك فانزل الله (قد نعلم انه ليحزنك الذى يقولون فانهم لا يكذبونك و لكن الظالمين بايات الله يجدون و لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا و اودوا حتى اناهم نصرنا) فالزم النبى صلى الله عليه و آله نفسه الصبر فتعدوا فذكروا الله تبارك و تعالى و كذبوه فقال : قد صبرت فى نفسى و اهلى و عرضى و لاصبر لى على ذكر الهى فانزل الله عزوجل (فاصبر على ما يقولون) فصبر فى جميع احواله ثم بشر فى عترته بالائمه عليه السلام و وصفوا بالصبر فقال جل ثناؤه : (و جعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا لما صبروا و كانوا باياتنا يوقنون) فعند ذلك قال النبى صلى الله عليه و آله الصبر من الايمان كالراس من الجسد. فشكر الله ذلك له فانزل الله (و تمت كلمه ربك الحسنى على بنى اسرائيل بما صبروا و دمرنا ما كان يصنع فرعون و قومه و ما كانوا يعرشون) فقال : انه بشرى و انتقام فاباح الله له قتال المشركين فانزل الله (فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصوهم و اقعدوا لهم كل مرصد) (و اقتلوهم حيث ثقتموهم) فقتلهم الله على يدى رسول الله صلى الله عليه و آله و احبائه و جعل له ثواب صبره مع ما ادخر له فى الاخره فمن صبر و احتسب لم يخرج من الدنيا حتى يقر الله له عينه فى اعدائه مع يدخر له فى الاخره.

ترجمه:

- 246 امام صادق علیه السلام فرمود: ای حفص ! به راستی کسی که صبر پیشه کند (در

مقایسه با صبری که باید بر آتش داشته باشد) صبر کمی نموده و کسی که بی تابی کند (در مقایسه با جزع و بی تابی روز قیامت) بی تابی کمی نموده است - سپس فرمود: - بر تو باد که در تمامی کارهایت صبر را پیشه خود سازی زیرا خداوند عزوجل محمد صلی الله علیه و آله را بر انگیخت و او را به صبر و مدارا نمودن امر نمود و فرمود:)بر آنچه که می گویند صبر کن و از آنان دوری گزین دوری گزیدنی نیکو و مرا با تکذیب کنندگان دارنده نعمت واگذار - (74) (و فرمود:)دو رکن به طریقه ای که نیکوتر است پس ناگاه آنکه بین تو و او دشمنی وجود دارد گویا دوستی نزدیک است و این داده نشود مگر به آنانی که صبر نمودند و داده نشود مگر به کسی که دارای بهره بزرگی است (75) (پس پیامبر صلی الله علیه و آله صبر نمود تا آنجا که او را به بلاهای سخت رساندند و او را در بلاها افکندند پس سینه اش از غم و اندوه تنگ شد و خداوند این آیه را بر او نازل کرد:)و محققا که ما می دانیم سینه ات به سبب آنچه می گویند تنگ می گردد پس تسبیح گوی همراه با ستایش پروردگارت و از سجده کننده گان باش (76) (سپس او را تکذیب کردند و دشنام دادند پس او غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد) به تحقیق می دانیم آنچه می گویند غمگینت می کند زیرا آنان تو را تکذیب نمی کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را انکار می کنند و محققا که رسولان پیش از تو نیز تکذیب شدند پس بر آنچه که تکذیب شدند صبر کردند و آزار کشیدند تا اینکه یاری ما فرا رسید (77) (پس پیامبر صلی الله علیه و آله خود را به صبر واداشت ولی کافران از حد خود تجاوز نمودند و خداوند تبارک و تعالی را تکذیب نمودند در اینجا پیامبر فرمود: من درباره خود و خانواده و آبرویم صبر کردم اما بر اینکه خدایم را (به بدی) یاد کنند صبر ندارم پس خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود:)بر آنچه که می گویند صبر کن (78) (پس پیامبر در همه حالاتش صبر پیشه نمود سپس از جانب خداوند فرمود:)و قرار دادیم از آنان پیشوایانی که به فرمان ما راهنمایی می کنند زیرا آنان صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند (79) (در آن هنگام بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است . خداوند نیز پیامبرش را ثنای نیکو گفت و این آیه را نازل فرمود:)و سخن نیکوی پروردگارت بر بنی اسرائیل تمام شد زیرا آنان صبر کردند و آنچه را که فرعون و قومش می ساختند و بر می افراشتند واژگونه ساختیم (80) (پس پیامبر فرمود: این هم بشارت است و هم انتقام . خداوند نیز جنگ با مشرکان را بر او مباح ساخت و این آیه را نازل فرمود:)پس بکشید مشرکان را هر کجا که آنان را یافتید و دستگیرشان کنید و بر آنان تنگ گیرید و در هر کمینگاهی برای آنان بنشینید (81) (و آنان را هر جا که بباید بکشید (82) (پس خداوند آنان را به دست رسول الله و دوستانش به قتل رساند و این پیروزی را ثواب صبر او قرار داد بعلاوه ثوابی که برای او در آخرت ذخیره کرده است . پس کسی که صبر کند و امید ثواب داشته باشد از این دنیا بیرون نمی رود مگر اینکه خداوند چشمانش را (به نابودی دشمنانش) روشن می کند (او را درباره دشمنانش دلشاد می کند) بعلاوه اینکه برای او در آخرت ثوابی ذخیره می سازد .

حدیث:

- 247 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : سیاتی علی الناس زمان لا ینال فیہ الملك الا بالقتل - الی ان قال - : فمن ادرك ذلك الزمان فصر علی الفقر و هو یقدر علی الغنی و صبر علی البغضه و هو یقدر علی المحبه و صبر علی الذل و هو یقدر علی العز آتاه الله ثواب خمسين صديقا ممن صدق بی.

ترجمه:

- 247 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: به زودی زمانی بر مردمان خواهد آمد که در آن زمان کسی به پادشاهی نمی رسد مگر با کشتن - تا آنجا که فرمود: - پس کسی که آن زمان را دریابد باید بر تنگدستی صبر کند با اینکه توانایی ثروتمند شدن را دارد و باید بر دشمنی صبر کند با اینکه توانایی محبت را دارد و بر خواری صبر کند با اینکه می تواند عزیز باشد، در این صورت خداوند به او پاداش پنجاه صدیقی که مرا تصدیق نموده اند را عطا می کند .

حدیث:

- 248 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصيته لمحمد بن الحنفیه قال : الق عنك واردات الهموم بعزائم الصبر عود نفسك الصبر فتعم الخلق الصبر و احملها علی ما اصابك من احوال الدنيا و همومها.

ترجمه:

- 248 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: با اراده های آهین صبر غمهایی را که بر تو وارد می شوند دور بیفکن ، نفس خود را به شکیبایی عادت ده که شکیبایی اخلاقی نیکوست و آن را در ترسها و اندوه های دنیا که به تو رسیده است به مشقت بیفکن .

حدیث:

- 249 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان استطعت ان تعمل بالصبر مع اليقين فافعل فان لم تستطع فاصبر فان فی الصبر علی ما تکره خيرا كثيرا و اعلم ان النصر مع الصبر و ان الفرج مع الكرب (فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا)

ترجمه:

- 249 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: اگر بتوانی که صبری همراه با یقین و باور⁽⁸³⁾ داشته باشی چنین کن و اگر توان آن را نداری (باز هم) صبر کن زیرا در صبر کردن بر اموری که ناخوشایند توست خیر بسیاری وجود دارد، و بدان که نصرت و پیروزی همراه با صبر است و گشایش همراه با مشقت و سختی است) همانا با سختی آسانی و گشایشی هست همانا با سختی گشایشی است⁽⁸⁴⁾ .

حدیث:

- 250 عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : انی لاصبر من غلامی هذا و من اهلی علی ما هو امر من الحنظل انه من صبر نال بصیره درجه الصائم القائم و درجه الشہید الذی قد ضرب بسیف قدام محمد صلی الله علیه و آله .

ترجمه:

- 250 امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: من از (کارهای) این غلامم و (کارهای) خانواده خود بر اموری صبر می کنم که از حنظل (هندوانه ابوجهل) برای من تلخ تر است (ولی با این وجود در برابر کارها و سخنان آن صبر می کنم) زیرا کسی که صبر پیشه کند به خاطر صبرش به درجه روزه داری که به عبادت ایستاده و درجه شہیدی که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر زده نائل می شود .

حدیث:

- 251 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان .

ترجمه:

- 251 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخص صبور پیروزی را از دست نمی دهد و عاقبت به پیروزی می رسد اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد .

حدیث:

- 252 و قال علیه السلام : من لم ینجہ الصبر اهلکه الجزع .

ترجمه:

- 252 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که صبر وی را نجات نبخشد جزع و بی تابی او را از پای در می آورد .

حدیث:

- 253 و قال علیه السلام : الصبر یناضل الحدثان و الجزع من اعوان الزمان .

ترجمه:

- 253 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر به سوی سختی های زمانه تیر می افکند و بی تابی از یاری کنندگان زمانه است .

حدیث:

- 254 عن الصادق علیه السلام : انه جاءت الیه امراه فقالت : ان ابنی سافر عنی و قد طالت غیبتہ غنی و اشتد شوقی الیه فادع الله لی فقال لها :علیک بالصبر فاستعملته ثم جاءت بعد ذلك فشکت الیه طول غیبه ابنها فقال لها: الم اقل لك علیك بالصبر؟ فقالت : یا ابن رسول الله کم الصبر؟ فو الله لقد فنی الصبر فقال : ارجعی الی منزلک تجدی ولدک قد قدم من سفره فنهضت فوجدته قد قدم فانت به الیه فقالت : اوحی بعد رسول الله صلی الله علیه و آله ؟ قال : لا و لكن عند فناء الصبر یأتی الفرج فلما قلت : فنی الصبر عرفت ان الله قد فرج عنک بقدم ولدک .

ترجمه:

- 254 روایت است که زنی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: پسر من از نزد من به سفر رفته و غیبتش طولانی شده و شوق بسیاری به دیدنش یافته ام ، در درگاه خداوند برایم دعا کن . حضرت فرمود: بر تو باد صبر پس صبر را در زندگی ات به کار گیر. پس از چندی باز آن زن آمد و نزد آن حضرت از طولانی شدن غیبت پسرش شکایت کرد، حضرت فرمود: آیا نگفتم که صبر را پیشه کنی ؟ زن عرض کرد: ای فرزند رسول خدا چقدر صبر؟ به خدا سوگند که صبر به سر آمد حضرت فرمود: به منزلت برگردد. می بینی که فرزندان از سفر بازگشته ، زن برخاست و رفت و دید که فرزندش بازگشته پس همراه با او نزد حضرت آمدند و عرض کرد: آیا بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می آید؟ حضرت فرمود: خیر ولی هنگام به سر آمدن صبر گشایش می رسد چون تو گفتی که : صبرم تمام شد دانستم که خداوند با آمدن فرزندان گشایشی برایت حاصل نموده .

- 26 باب استحباب الحلم

- 26 باب استحباب بردباری

حدیث:

- 255 عن محمد بن عبدالله (عبيدالله) قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : لا يكون الرجل عابدا حتى يكون حليما و ان الرجل كان اذا تعبد في بني اسرائيل لم يعد عابدا حتى يصمت قبل ذلك عشر سنين.

ترجمه:

- 255 محمد بن عبدالله یا عبیدالله گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: مرد عابد شمرده نمی شود مگر اینکه بردبار باشد و در بنی اسرائیل رسم چنین بود که هرگاه مردی مدتی به عبادت می پرداخت عابد شمرده نمی شد مگر اینکه پیش از آن ده سال را در سکوت به سر برده باشد.

حدیث:

- 256 عن ابي جعفر عليه السلام قال : كان علي بن الحسين عليه السلام يقول : انه ليعجبنى الرجل ان يدركه حلمه عند غضبه.

ترجمه:

- 256 امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم علی بن حسین علیه السلام می فرمود: همانا مردی که بردباری اش در هنگام خشمش او را دریابد مرا شگفت زده می کند .

حدیث:

- 257 عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله يحب الحليم العفيف المتعفف.

ترجمه:

- 257 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دوست می دارد کسی را که با حیا، بردبار، پاکدامن و باز ایستنده از حرام باشد.

حدیث:

- 258 عن حفص بن ابی عایشه قال : بعث ابوعبدالله علیه السلام غلاما له فی حاجه فابطا فخرج علی اثره لما ابطاه فوجده نائما فجلس عند راسه یروحه حتی انتبه فقال له ابو عبدالله علیه السلام یا فلان و الله ما ذلک لك تنام اللیل و النهار لك اللیل و لنا منك النهار.

ترجمه:

- 258 حفص بن ابی عایشه گوید: امام صادق علیه السلام یکی از خدمتکاران را در پی حاجتی فرستاد، خدمتکار کندی نموده و دیر کرد پس حضرت به دنبال او روانه شد پس او را یافت در حالی که به خواب رفته بود حضرت بالای سر او نشست و شروع به باد زدن او نمود تا اینکه خدمتکار بیدار شد، حضرت فرمود: ای فلانی ! به خدا که درست نیست که هم شب و هم روز بخوابی بلکه شب برای خودت ولی روز را برای ما باش .

حدیث:

- 259 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله یحب الحیی الحلیم.

ترجمه:

- 259 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند انسان با حیا و بردبار را دوست می دارد .

حدیث:

- 260 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما اعز الله بجهل قط و لا اذل بحلم قط.

ترجمه:

- 260 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز خداوند کسی را به خاطر نادانی اش عزیز نگردانده و کسی را به خاطر بردباری اش ذلیل و خوار نکرده است .

حدیث:

- 261 قال ابو عبدالله علیه السلام : کفی بالحلم ناصرا و قال : اذا لم تکن حلیم فتحلم.

ترجمه:

- 261 امام صادق علیه السلام فرمود: بردباری به عنوان یاری کننده کافی است . و فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار .

حدیث:

- 262 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا وقع بین رجلین منازعه نزل ملک فیقولان للسفیه منهما: قلت و قلت و انت اهل لما قلت و ستجزی بما قلت و یقولان للحلم منهما: صبرت و حلمت سیغفر لك ان اتممت ذلک و ان رد الحلیم علیه ارتفع الملکان.

ترجمه:

- 262 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بین دو نفر نزاع و کشمکش صورت می گیرد دو فرشته فرود می آیند پس آن دو فرشته به نفری که نادان است می گویند: (تو به برادر دینی ات) گفتی و گفتی در حالی که تو خود سزاوار حرفهایی که گفته ای هستی و به زودی به سبب آنچه که گفته ای جزا می بینی و به نفری که بردبار است گویند: صبر و بردباری نمودی به زودی اگر تا پایان نزاع چنین باشی مشمول غفران الهی قرار خواهی گرفت و اگر شخص بردبار پاسخ نادان را بدهد (و با او مقابله به مثل کند) آن دو فرشته (باز می گردند و) بالا می روند .

حدیث:

- 263 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی الا اخبرکم باشبهکم بی خلقا؟ قالوا بلی یا رسول الله : قال : احسنکم خلقا و اعظمکم حلما و ابرکم بقرابته و اشدکم من نفسه انصافا.

ترجمه:

- 263 امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آیا شما را نسبت به کسی که از نظر اخلاق از همه شما به من شبیه تر است آگاه سازم ؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمود: آنکه خلقش از همه نیکوتر و بردباری اش از همه بیشتر و نسبت به خویشاوندانش از همه نیکوکارتر و انصافش درباره خود از همه سخت تر باشد .

حدیث:

- 264 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کلماتان غریبتان فاحتملوهما کلمه حکمه من سفیه فاقبلوها و کلمه سفیه من حکیم فاغفروها.

ترجمه:

- 264 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو سخن ، نادر و شگفت انگیز است آن دو را برداشته و تحمل کنید یکی سخن حکمت آموزی که نادانی صادر شود به این سخن روی آورید و دیگری سخن نابخردانه ای که از حکیمی صادر شود از این سخن چشم پوشی کنید .

حدیث:

- 265 عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جده علیه السلام عن علی علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما جمع شیء الی شیء افضل من حلم الی علم.

ترجمه:

- 265 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از جدش از علی علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ چیزی با چیز دیگر جمع نشده که

جمعشان از جمع بردباری و دانش برتر باشد .

حدیث:

- 266 عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : و الذي نفسى بيده ما جمع شىء الى شىء افضل من حلم الى علم.

ترجمه:

- 266 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست هیچ چیزی که با چیز دیگر جمع نشده که جمعشان برتر از جمع بردباری و علم باشد .

حدیث:

- 267 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : اول عوض الحليم من حلمه ان الناس انصاره على الجاهل.

ترجمه:

- 267 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اولین عوضی که شخص بردبار از بردباری اش می برد این است که مردم بر علیه نادان یاری کننده او می شوند.

حدیث:

- 268 و قال عليه السلام : ان لم تكن حلما فتحلم فانه قل من تشبه بقوم الا و اوشك ان يكون منهم.

ترجمه:

- 268 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار زیرا کم اتفاق می افتد که کسی خود را شبیه گروهی سازد جز اینکه نزدیک است که جزء آنان شود.

- 27 باب استحباب الرفق فى الامور

- 27 باب استحباب مدارا نمودن در کارها

حدیث:

- 269 عن ابى عبد الله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : الرفق يمن و الخرق شوم.

ترجمه:

- 269 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مدارا نمودن مایه برکت و درشتی کردن مایه شومی است .

حدیث:

- 270 عن ابى جعفر عليه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق و يعطى على الرفق ما لا يعطى على العنف.

ترجمه:

- 270 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند نرم رفتار است و نرمی را دوست دارد و بر مدارا و نرمی پاداشی عطا می کند که بر سخت گیری و درشتی چنین پاداشی نمی دهد .

حدیث:

- 271 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لكل شیء قفلا و قفل الايمان الرفق.

ترجمه:

- 271 امام باقر علیه السلام فرمود: هر چیزی قفلی دارد و قفل ایمان مدارا کردن و نرمی است (یعنی همچنانکه قفل باعث محفوظ ماندن است مدارا هم مایه حفظ ایمان است).

حدیث:

- 272 قال ابو جعفر علیه السلام : من قسم له الرفق قسم له الايمان.

ترجمه:

- 272 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که برایش مدارا تقسیم شده ایمان برای وی تقسیم گردیده .

حدیث:

- 273 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما اهل بیت اعطوا حظهم من الرفق فقد وسع الله عليهم فی الرزق و الرفق فی تقدير المعیشه خیر من السعه فی المال و الرفق لا یعجز عنه شیء و التبذیر لا یبقى معه شیء ان الله عزوجل رفیق یحب الرفق.

ترجمه:

- 273 امام صادق علیه السلام فرمود: هر اهل خانه ای که بهره ای از نرمی و مدارا نصیبشان گشته خداوند روزی آنان را وسعت دهد و مدارا در تدبیر زندگانی بهتر از وسعت در مال است و هیچ چیز از مدارا عاجز و وامانده نمی شود و با اسراف چیزی باقی نمی ماند و خداوند عزوجل مدارا کننده است و مدارا را دوست می دارد .

حدیث:

- 274 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لو كان الرفق خلقا یری ما كان مما خلق الله شیء احسن منه.

ترجمه:

- 274 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مدارا مخلوقی بود که دیده می شد هیچ مخلوقی از مخلوقات خدا از او نیکوتر نبود .

حدیث:

- 275 عن ابی الحسن علیه السلام قال : الرفق نصف العیش.

ترجمه:

- 275 امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: مدارا (به منزله) نیمی از خوشگذرانی

است .

حدیث:

- 276 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق.

ترجمه:

- 276 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد.

حدیث:

- 277 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان لم يوضع على شئ الا زانه و لانزع من شئ الا شانه.

ترجمه:

- 277 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا مدارا بر چیزی نهاده نشد جز اینکه به آن زینت بخشید و از چیزی جدا نشد جز اینکه آن را زشت نمود .

حدیث:

- 278 عن النبی صلى الله عليه و آله قال : ان فى الرفق الزیاده و البرکه و من یحرم الرفق یحرم الخیر.

ترجمه:

- 278 پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: همانا در مدارا کردن زیادت و برکت وجود دارد و کسی که از مدارا محروم است از خیر و خوبی محروم است .

حدیث:

- 279 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما زوی الرفق عن اهل بیت الازوی عنهم الخیر.

ترجمه:

- 279 امام صادق علیه السلام فرمود: سازگاری و مدارا از اهل هیچ خانه ای باز داشته نشده جز اینکه آنان از خیر و خوبی محروم و بی بهره گشته اند .

حدیث:

- 280 عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال لی - و جرى بینی و بین رجل من القوم كلام - فقال لی : ارفق بهم فان کفر احدهم فی غضبه و لاخیر فیمن کان کفره فی غضبه.

ترجمه:

- 280 راوی گوید: بین من و مردی از قوم سخنی در گرفت امام رضا علیه السلام به من فرمود: با آنان مدارا کن زیرا از آنان کسی هست که در حال خشم کارش به کفر می انجامد و کسی که در حال خشم کافر شود خیری در او نیست .

حدیث:

- 281 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله رفيق

يحب الرفق و يعين عليه.

ترجمه:

- 281 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد و (آدمی را) بر مدارا یاری می کند .

حدیث:

- 282 و قال صلى الله عليه و آله : ما اصطحب اثنان الا كان اعظمهما اجرا و احبهما الى الله ارفقهما بصاحبه.

ترجمه:

- 282 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: دو نفر با یکدیگر مصاحبت نکرده اند جز اینکه آن کس که با دیگری مدارا کننده تر است در نزد خداوند پاداشش بزرگتر و محبوبتر است .

حدیث:

- 283 عن احدهما عليه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق.

ترجمه:

- 283 امام باقر یا امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست دارد .

حدیث:

- 284 عن الفضيل بن عثمان قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من كان رفيقا في امره نال ما يريد من الناس.

ترجمه:

- 284 فضیل بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: کسی که در کارش اهل مدارا باشد به آنچه از مردم می خواهد نائل می شود .

- 28 باب استحباب التواضع

- 28 باب استحباب فروتنی نمودن

حدیث:

- 285 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان في السماء ملكين موكلين بالعباد فمن تواضع لله رفعاه و من تكبر و ضعاه.

ترجمه:

- 285 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا در آسمان دو فرشته اند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر که برای خدا فروتنی کند بالایش می برند و هر که تکبر ورزد فرودش آورند .

حدیث:

- 286 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : فيما اوحى الله عزوجل الى داود عليه السلام يا داود: كما ان اقرب الناس من الله المتواضعون كذلك ابعد الناس من الله المتكبرون.

ترجمه:

- 286 امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن آنچه که خداوند عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی نمود آمده است : ای داود! همچنانکه نزدیکترین مردمان به خدا فروتنان هستند دورترین مردم از خدا متکبرانند .

حدیث:

- 287 عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث قال : فإوحى الله الى الجبال انی وازع سفینه نوح عبدی على جبل منكن فتناولت و شمخت و تواضع الجودی و هو جبل عندکم فضربت السفینه بجوجوها الجبل.

ترجمه:

- 287 امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند به کوهها وحی فرستاد که من کشتی بنده خود نوح را بر کوهی از کوهها خواهم نهاد پس کوهها گردنکشی و تکبر نمودند و تنها کوه جودی که کوهی در نزد شماست فروتنی نمود پس آن کشتی نیز سینه خود را بر همان کوه نهاد.

حدیث:

- 288 عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یذكر انه اتی رسول الله صلى الله علیه و آله ملك فقال : ان الله یخیرك ان تكون عبدا رسولا متواضعا او ملكا رسولا قال : فنظر الى جبرئیل و اوما بیده ان تواضع . فقال : عبدا متواضعا رسولا فقال الرسول : مع انه لا ینقصک مما عند ربک شیئا قال : و معه مفاتیح خزائن الارض.

ترجمه:

- 288 محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: فرشته ای به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: خداوند تو را مخیر ساخته که بنده ای و رسولی متواضع باشی یا فرشته ای رسول باشی . پس حضرت نگاهی به جبرئیل افکند (که چه جوابی به این فرشته دهم ؟) جبرئیل علیه السلام با دست خویش اشاره کرد که تواضع و فروتنی را اختیار کن ، پس پیامبر فرمود: می خواهم بنده ای متواضع و رسول خدا باشم . آن فرشته پیام آور گفت : با این همه هیچ چیز از آنچه در نزد پروردگارت (برای تو) وجود دارد کاسته نمی شود حضرت فرمود: (آری می دانم که (کلیدهای تمامی خزائن زمین در اختیار پروردگارم می باشد .

حدیث:

- 289 عن ابی الحسن علیه السلام قال : التواضع ان تعطى الناس ما تحب ان تعطاه.

ترجمه:

- 289 امام رضا علیه السلام فرمود: تواضع آن است که آنچه را که دوست می داری مردم به تو عطا کنند تو به مردم عطا کنی .

حدیث:

- 290 و فی حدیث آخر قال علیه السلام : التواضع درجات منها ان يعرف المرء قدر نفسه
فینزلها منزلتها بقلب سليم لایحب ان یأتی الی احد الا مثل ما یوتی الیه ان رای سیئه دراهها
بالحسنه کاظم الغیظ عاف عن الناس و الله یحب المحسنین.

ترجمه:

- 290 و در حدیث دیگری فرمود: تواضع درجات و مراتبی دارد یکی از آن مراتب این است که
شخص قدر خود را بشناسد و با دلی سالم نفس خود را در منزلت و مقام واقعی اش جاری
دهد (چنین کسی دوست نمی دارد که برای کسی چیزی پیش آید مگر همانند همان چیزی
که برای خودش پیش می آید، اگر بدی ای ببیند آن را با خوبی دفع می کند، فرو خورنده
خشم است ، چشم پوشی کننده از (بدی) مردمان است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

حدیث:

- 291 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه
و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی و الله لو ان الوضیع فی قعر بئر لبعث الله عزوجل الیه
ریحا ترفعه فوق الاخیار فی دوله الاشرار.

ترجمه:

- 291 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی
الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! به خدا سوگند که اگر شخص
فروتن در ته چاهی باشد خداوند عزوجل بادی را به سوی او می فرستد تا او را بالا بیاورد و در
دولت نابکاران او را در منزلتی بالاتر از نیکان جای دهد .

حدیث:

- 292 عن الحسن بن الجهم قال سألت الرضا علیه السلام فقلت له : جعلت فداك ما حد
التوکل ؟ فقال لی : ان لاتخاف مع الله احدا قال : قلت : جعلت فداك فما حد التواضع ؟ فقال :
ان تعطی الناس من نفسك ما تحب ان یعطوك مثله قلت : جعلت فداك اشتھی ان اعلم کیف
انا عندك ؟ فقال : انظر کیف انا عندك ؟

ترجمه:

- 292 حسن بن جهم گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که : فدایت شوم حد توکل
چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه با وجود خدا از هیچ ترسی ، عرض کردم : فدایت شوم حد
تواضع چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه از جانب خود به مردم چیزی عطا کنی که دوست داری
همانند آن را به تو عطا کنند. عرض کردم : فدایت شوم دوست دارم که بدانم من در نزد تو
چگونه ام ؟ حضرت فرمودن بنگر که من در نزد تو چگونه ام ؟

حدیث:

- 293 عن ابی عبدالله علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : ان من التواضع ان یرضی

بالمجلس دون المجلس و ان يسلم على من يلقي و ان يترك المراء و ان كان محقا و لاتب ان
تحمد على التقوى.

ترجمه:

- 293 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: همانا از تواضع شمرده می
شود اینکه شخص به جایگاهی نه جایگاه دیگر خوشنود باشد) یعنی در وارد شدن به
مجلسی برای نشستن به همان جای خالی خوشنود باشد و هوس جای بالاتر را در سر
نداشته باشد) و دیگر اینکه به هر کس که برخورد می کند سلام کند و جدال را ترك کند اگر
چه حق با او باشد و دوست نداشته باشی که به خاطر تقوا و پرهیز کاریت مورد حمد و
ستایش قرار بگیری .

- 29 باب استحباب التواضع عند تجدد النعمه

- 29 باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل می شود

حدیث:

- 294 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث جعفر بن ابی طالب مع النجاشی ملك
الحبشه ان النجاشی قال : انا نجد فیما انزل الله على عيسى عليه السلام ان مع حق الله
على عباده ان يحدثوا لله تواضعا عند ما يحدث لهم من نعمه فلما بلغ النبي صلى الله عليه و
آله قال لاصحابه : ان الصدقه تزيد صاحبه رفعه فتواضعوا يرفعكم الله و ان العفو يزيد صاحبه عزا
فاعفوا يعزكم الله.

ترجمه:

- 294 امام صادق عليه السلام درباره واقعه دیدار و گفتگوی جعفر بن ابی طالب با نجاشی
پادشاه حبشه ، فرمود: نجاشی گفت : ما مسیحیان در کتابی که خداوند بر عیسی علیه
السلام نازل فرموده یافته ایم که) یکی از حقوق خداوند بر بندگان این است که هرگاه
نعمتی جدید به آنان می بخشد آنان نیز در برابر او تواضع و فروتنی جدیدی داشته باشند)
زمانی که این سخن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید حضرت به اصحاب خود فرمود:
همانا صدقه مایه زیادت (مال و عمر) برای صدقه دهنده می گردد پس صدقه بپردازید تا خدای
بر شما رحم آورد و همانا تواضع مایه زیادت مقام و مرتبه شخص متواضع می گردد پس تواضع
کنید تا خدای شما را بلندمرتبه گرداند و همانا عفو و بخشش به عفو کننده عزت می بخشد
پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

- 30 باب تاكد استحباب التواضع للعالم و المتعلم

- 30 باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز

حدیث:

- 295 عن معاوية بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اطلبوا العلم و تزینوا
معه بالحلم و الوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لاتكونوا

علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم.

ترجمه:

- 295 معاویه بن وهب گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دانش بجوید و همراه با دانش ، خود را با بردباری و وقار زینت ببخشید و در مقابل کسانی که به آنان دانش می آموزید تواضع و فروتنی کنید و برای کسی که از او دانش می آموزید تواضع کنید و از دانشمندان متکبر و سرکش نباشید که در نتیجه ، کار باطل شما (عمل و گفته) حق شما را از بین می برد .

حدیث:

- 296 قال عیسی ابن مریم علیه السلام للحواریین : لی الیکم حاجه اقضوها لی فقالوا: قضیت حاجتک یا روح الله فقام فغسل اقدامهم فقالوا کنا احق بهذا منك فقال : ان احق الناس بالخدمه العالم انما تواضعت هکذا لکیما تتواضعوا بعدی فی الناس کتواضعی لکم ثم قال عیسی علیه السلام : بالتواضع تعمر الحکمه لا بالتکبر و کذلک فی السهل ینبت الزرع لا فی الجبل.

ترجمه:

- 296 عیسی بن مریم علیه السلام به اصحاب و حواریون خود فرمود: من از شما خواسته ای دارم خواسته ام را برایم برآورده سازید. گفتند: ای روح الله ! خواسته ات رواست . پس حضرت برخاست و پاهای آنان را شست ، آنان گفتند: ما به این کار سزاوارتریم از شما (و ما باید پاهای مبارک تو را بشوئیم) حضرت فرمود :همانا سزاوارترین مردم در خدمتگزار بودن ، شخص عالم است و من در برابر شما اینگونه تواضع نمودم تا شما نیز پس از من همانند تواضع مرا در میان مردم داشته باشید. سپس فرمود: علم و حکمت به وسیله تواضع آباد می شود نه با تکبر و همچنین است که در دشت گیاه می روید نه در کوه سخت .

- 31 باب استحباب التواضع فی الماکل و المشرب و نخوهم

- 31 باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها

حدیث:

- 297 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : افطر رسول الله صلی الله علیه و آله عشیه خمیس فی مسجد قبا فقال : هل من شراب ؟ فاتاه اوس بن خولی الانصاری بعس مخیض بعسل فلما وضعه علی فیه نجاه ثم قال : شرابان یکتفی باحدهما من صاحبه لا اشربه و لا احرمه و لكن اتواضع لله فانه من تواضع لله رفعه الله و من تکبر خفضه الله و من اقتصد فی معیشته رزقه الله و من بذر حرمه الله و من اکثر ذکر الموت احبه الله.

ترجمه:

- 297 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبانگاه پنجشنبه ای در مسجد قبا افطار می نمود پس فرمود: آیا نوشیدنی ای هست ؟ پس اوس بن خولی

انصاری کاسه ای بزرگ شیر آمیخته شده با غسل را به خدمت حضرت آورد. حضرت کاسه را به دهان مبارک نزدیک فرمود و سپس آن را کنار گذاشت و فرمود: این دو نوشیدنی است که می توان به یکی از این دو اکتفا نمود: من نه آن را می نوشم و نه تحریم می کنم ولی به خاطر خدا تواضع می کنم زیرا کسی که به خاطر خدا تواضع کند خداوند او را بالا می برد و کسی که تکبر ورزد خداوند او را به زیر می کشد و کسی که در زندگانش میانه روی پیشه کند خداوند روزی اش می بخشد و کسی که اسراف کند خداوند محرومش می سازد و کسی که زیاد مرگ را یاد کند خداوند او را دوست می دارد.

حدیث:

- 298 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : مر علی بن الحسین علیه السلام علی المجذمین و هو راكب حماره و هم یتغدون فدعوه الی الغداء فقال : اما لو لا انی صائم لفعلت فلما صار الی منزله امر بطعام فصنع و امر ان یتنوقوا فیه ثم دعاهم فتغدوا عنده و تغدی معهم.

ترجمه:

- 298 امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام در حالی که بر الاغی سوار بود به گروهی که بیماری خوره داشتند و در حال چاشت خوردن بودند گذر کرد آنان حضرت را به چاشت دعوت کردند. حضرت فرمود: اگر روزه نبودم دعوت شما را اجابت می کردم. (حضرت از آنان خداحافظی نمود) و وقتی که به منزل رسید دستور داد غذایی آماده کردند و فرمود که آن را نیکو بپزند سپس آن بیماران جذامی را به طعام دعوت کرد و همراه آنان به خوردن نشست.

حدیث:

- 299 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : القناعه مال لا ینفد.

ترجمه:

- 299 علی علیه السلام فرمود: قناعت مالی است که تمام شدنی نیست.

- 32 باب وجوب ایثار رضا الله علی هوی النفس و تحریم العکس

- 32 باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحریم پیروی از هوای نفس

حدیث:

- 300 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله عزوجل یقول : و عزتی و عظمتی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هواي علی هوی نفسه الا کففت علیه ضیعتة و ضمنت السماوات و الارض رزقه و کنت له من رواء تجاره کل تاجر.

ترجمه:

- 300 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه حرفه و پیشه اش را برایش فراهم می سازم و آسمانها و زمین را ضامن روزی

اش قرار می دهم و من برای او برتر از تجارت هر تاجری خواهم بود .

حدیث:

- 301 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل : و عزتی و جلالی و عظمتی و بهائی و علو ارتفاعی لایوثر عبد مومن هواى على هواه فى شىء من امر الدنيا الا جعلت غناه فى نفسه و همته فى آخرته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و كنت له من وراء تجاره كل تاجر.

ترجمه:

- 301 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و خوبی و نیکویی ام و بلندی مرتبه ام که هیچ بنده مومنی خواسته مرا در هیچیک از امور دنیایی بر خواهرش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه بی نیازی را در نفس او قرار می دهم و همتش را متوجه آخرتش می کنم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش می گردانم و مافوق تجارت هر تاجری به نفع او خواهم بود.

حدیث:

- 302 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يقول الله عزوجل : و عزتی و جلالی و کبریائی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هواه على هواى الا شئت عليه امره و لبست عليه دینه و شغلت قلبه بها و لم آت منها الا ما قدرت له و عزتی و جلالی و عظمتی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هواه على هواه الا استحفظته ملائکتی و کفلت السماوات و الارضین رزقه و كنت له من وراء تجاره كل تاجر و اتته الدنيا و هی راغمه.

ترجمه:

- 302 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی منشی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواهرش نفسانی خویش را بر خواسته من مقدم نمی دارد جز اینکه کارش را پریشان و پراکنده می سازم و دنیایش را بر او مشتبه و درهم بر هم می گردانم و قلبش را به دنیایش مشغول می سازم و (با این همه) به او از دنیا به همان اندازه ای که برایش مقدر نموده ام می دهم و سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهرش نفسانی خویش مقدم نمی دارد مگر اینکه فرشتگانم را برای حفظ و نگاهداری اش بر می گمارم و آسمانها و زمین را ضامن و عهده دار روزی او قرار می دهم و برای او از (سود) تجارت هر تاجری برتر خواهم بود و چنین کسی دنیا به سراغش می آید در حالی که او دنیا را ناپسند می داند .

حدیث:

- 303 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل يقول : انی لست کل کلام الحکمه اتقبل ، انما اتقبل هواه و همه فان کان هواه و همه فى رضاى جعلت همه تقدیسا و تسبیحا.

ترجمه:

- 303 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند عزوجل می فرماید: به راستی که اینگونه نیست که من هر سخن حکمت آمیزی را بپذیرم بلکه میل او (گوینده) و همت او را می پذیرم پس اگر میل و همت او در جهت خوشنودی من باشد همت او را (به منزله) تقدیس و تسبیح خود قرار می دهم (تقدیس و تسبیح: به پاکی منسوب کردن، به پاکی یاد کردن).

حدیث:

- 304 عن محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال: جاهد هواك كما تجاهد عدوك.

ترجمه:

- 304 امام باقر علیه السلام فرمود: با هوای نفسانی خود مبارزه کن همانگونه که با دشمن مبارزه می کنی.

حدیث:

- 305 عن ابی حمزه قال: سمعت علی بن الحسین علیه السلام يقول: ان الله جل جلاله يقول: و عزتی و جلالی و عظمتی و جمالی و بهائی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا جعلت همه فی آخرته و غناه فی قلبه و کففت عنه ضيعته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و اتته الدنيا و هی راغمه.

ترجمه:

- 305 ابی حمزه گوید: از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرموده: به درستی که خداوند جل جلاله می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و زیبایی و نیکویی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواستش نفسانی خود مقدم نمی دارد مگر اینکه همت او را متوجه امر آخرتش می گردانم و بی نیازی اش را در درون قلبش جای می دهم و کار و پیشه اش را برایش فراهم می آورم و آسمانها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و دنیا به سوی او می آید در حالی که او نسبت به دنیا بی میل و ناخشنود است.

حدیث:

- 306 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال فی خطبه له: ایها الناس ان اخوف ما اخاف علیکم اثنتان اتباع الهوى و طول الامل فاما اتباع الهوى فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخرة.

ترجمه:

- 306 امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود: ای مردم! به درستی که ترسناکترین چیزی که از آن بر شما بیمناکم دو چیز است: پیروی هوای نفس و درازی آرزو، اما پیروی از هوای نفس آدمی را از حق باز می دارد و اما درازی آرزو باعث فراموشی آخرت می گردد.

- 33 باب وجوب تدبر العاقبه قبل العمل

- 33 باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل

حدیث:

- 307 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان رجلا اتى النبى صلى الله عليه و آله فقال له : يا رسول الله اوصنى فقال له : فهل انت مستوص ان انا اوصيتك ؟ حتى قال له ذلك ثلاثا و فى كلها يقول الرجل نعم يا رسول الله فقال له رسول الله صلى الله عليه و آله فانى اوصيك اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبته فان يك رشدا فامضه و ان يك غيا فانتبه عنه.

ترجمه:

- 307 امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت تا سه مرتبه فرمود: ایا اگر تو را سفارشی نمایم سفارشم را می پذیری و به آن عمل می کنی ؟ و مرد در هر مرتبه عرض کرد: آری ای رسول خدا! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس من تو را سفارش می کنم که هرگاه آهنگ انجام کاری را نمودی در عاقبت و پایان آن کار اندیشه کن پس اگر انجامش درست و صواب بود انجام بده و اگر ناصواب بود از انجام آن باز ایست .

حدیث:

- 308 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصيته لمحمد بن الحنفیه قال : من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطاء و من تورط فی الامور غیر ناظر فی العواقب فقد تعرض لمفطعات النوائب و التدبیر قبل ناظر العمل یومئذ من الندم و العاقل من وعظه التجارب و فی التجارب علم مستانف و فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال.

ترجمه:

- 308 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: کسی که با نظرات و افکار مختلف روبرو می شود مواضع و جایگاههای خطا را شناسایی می کند و کسی که بدون عاقبت اندیشی خود را گرفتار کارها کند محققا که خود را در معرض کارهای ترسناک و دشوار قرار داده است و عاقبت اندیشی پیش از عمل تو را از پشیمانی ایمن می سازد و خردمند کسی است که تجربه ها او را پند و اندرز دهند و در تجربه ها آگاهی نو و تازه ای وجود دارد و در دگرگونی حالات نسبت به جوهره مردان علم و آگاهی حاصل می شود .

حدیث:

- 309 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه.

ترجمه:

- 309 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زبان شخص عاقل در پشت قلب اوست (ابتدا روی سخن فکر می کند و آن را از قلب می گذراند و سپس بر زبان جاری می کند) و قلب شخص نادان در پشت زبان اوست (پس از سخن گفتن روی آن فکر می کند که آیا ناصواب بوده یا نه

).

حدیث:

- 310 و عنه علیه السلام انه قال : قلب الاحمق فی لسانه و لسان العاقل فی قلبه.

ترجمه:

- 310 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قلب شخص نادان در زبان اوست و زبان شخص خردمند در قلب اوست.

حدیث:

- 311 و قال علیه السلام من استقبل وجوه الراء عرف مواقع الخطا.

ترجمه:

- 311 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که با آراء و نظرات مختلف روبرو باشد به مواضع خطا شناخت پیدا می کند .

حدیث:

- 312 قال ابو عبد الله علیه السلام : ليس لحاقن رای و لالملول صدق و لا لحسود غنى و ليس بحازم من لا ينظر فی العواقب و النظر فی العواقب تلقیح للقلوب.

ترجمه:

- 312 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با بول به او فشار آورده رای (قابل اعتنا و بی نقص) ندارد و کسی که افسرده است دوستی ندارد و حسود بی نیاز نمی شود و کسی که در عاقبت کارها نمی اندیشد دور اندیش و محتاط نیست و اندیشیدن در عاقبت کارها مایه باروری دلها است.

حدیث:

- 313 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلى الله عليه و آله فقال : علمنی یا رسول الله قال : عليك بالیاس مما فی ایدی الناس فانه الغنى الحاضر قال : زدنی یا رسول الله صلى الله عليه و آله قال : ایاك و الطمع فانه الفقر الحاضر قال : زدنی یا رسول الله قال : اذا هممت بامر فتدبر عاقبته فان يك خيرا و رشدا فاتبعه و ان يك غیا فاجتنبه.

ترجمه:

- 313 امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا مرا دانشی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد به نومیدی نسبت به آنچه که در دستان مردمان است زیرا این روحیه بی نیازی و ثروتی حاضر و آماده است . عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این بفرما. حضرت فرمود: بر حذر باش از طمع زیرا طمع و آزمندی فقری حاضر و آماده است ، عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این برایم بفرما. حضرت فرمود: هرگاه قصد انجام دادن کاری را نمودی با دقت در عاقبت آن کار اندیشه کن پس اگر خیر و هدایت در آن باشد آن را پی گیری کن و اگر مایه گمراهی باشد از انجام آن خودداری نما.

- 34 باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس

- 34 باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد

حدیث:

- 314 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من انصف الناس من نفسه رضى به حکما لغيره.

ترجمه:

- 314 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با مردم درباره خود به انصاف رفتار کند مردم درباره او به داور و میانجی بودن برای دیگران خوشنودند .

حدیث:

- 315 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : سيد الاعمال انصاف الناس من نفسك و مواساه الاخ في الله و ذكر الله على كل حال.

ترجمه:

- 315 امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سید و سرور همه کارها سه چیز است : به انصاف رفتار کردن با مردم درباره خود و یاری نمودن برادر دینی در راه خدا و به یاد خدا بودن در هر حال .

حدیث:

- 316 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال اميرالمؤمنين عليه السلام في كلام له : الا انه من ينصف الناس من نفسه لم يزد الله الا عزا.

ترجمه:

- 316 امام باقر علیه السلام روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هر کس درباره خود با مردم به انصاف رفتار کند خداوند چیزی جز عزت و سربلندی به او نمی افزاید .

حدیث:

- 317 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاث هم اقرب الخلق الى الله يوم القيامة حتى يفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدره في حال غضبه ان يحيف على من تحت يده و رجل مشى بين اثنين فلم يمل مع احدهما على الاخر بشعيه و رجل قال بالحق فيما له و عليه.

ترجمه:

- 317 امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت نزدیکترین کسان به خداوند می باشند تا زمانی که خداوند از حساب مردمان فارغ شود: یکی کسی که قدرت و توانایی اش او را در حال خشم به سوی ستم نمودن به زیر دستانش نمی خواند و دیگری کسی که بین دو نفر رفت و آمد می کند ولی حتی به اندازه يك دانه جو به یکی از آن دو بر علیه دیگری تمایل پیدا نمی کند و دیگری کسی که حق را می گوید خواه به نفع او یا ضرر او باشد .

حدیث:

- 318 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من واسى الفقير من ماله و انصف الناس من نفسه فذلك المومن حقا.

ترجمه:

- 318 امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: مومن حقیقی کسی است که به فقیر کمک مالی کند و درباره خود با مردم به انصاف رفتار کن .

حدیث:

- 319 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : کان رسول الله صلى الله عليه و آله يقول فی آخر خطبته : طوبی لمن طاب خلقه و طهرت سجيته و صلحت سریره و حسنت علانیته و انفق الفضل من ماله و امسك الفضل من قوله و انصف الناس من نفسه.

ترجمه:

- 319 امام سجاد علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله همواره در آخر خطبه اش می فرمود: خوشا به حال کسی که اخلاقش پاکیزه و خوی و طبیعتش پاک و باطنش با صفا و ظاهرش نیکو باشد و زیادی از مالش را انفاق کند و از زیاد سخن گفتن خودداری کند و درباره خود با مردمان منصفانه برخورد کند .

حدیث:

- 320 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من یضمن لی اربعة باربعه ابیات فی الجنة ؟ انفق و لاتخف فقرا و افش السلام فی العالم و اترك المراء و ان كنت محقا و انصف الناس من نفسك.

ترجمه:

- 320 امام صادق علیه السلام فرمود: کیست که چهار چیز را در برابر چهار خانه بر من ضمانت کند؟ انفاق کن و از فقر نترس ، و سلام را آشکارا بر زبان آور، و جدال را ترك کن اگر چه حق با تو باشد، و درباره خودت با مردم به انصاف رفتار کن.

حدیث:

- 321 عن يوسف البزاز قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ما تدارا اثنان فی امر قط فاعطی احدهما النصف صاحبه فلم یقبل منه الا ادیل منه.

ترجمه:

- 321 یوسف بزاز گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگز دو نفر با یکدیگر در کاری به خصومت بر نخاسته اند که یکی در مورد دیگری جانب انصاف را رعایت کند و او نپذیرد جز اینکه خداوند شخص منصف را بر دیگری چیره می گرداند .

حدیث:

- 322 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لله جنه لا یدخلها الا ثلاثه احدهم من حکم فی نفسه بالحق.

ترجمه:

- 322 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند بهشتی هست که جز سه کس به آن بهشت داخل نشوید یکی از آنان کسی است که در مورد خود به حق حکم کند .

حدیث:

- 323 عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام قال : الاخبرك باشد ما افترض الله علی خلقه ؟ انصاف الناس من انفسهم و مواساه الاخوان فی الله عزوجل و ذکر الله عزوجل علی کل حال فان عرضت له طاعه عمل بها و ان عرضت له معصیه ترکها.

ترجمه:

- 323 امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به تو در مورد سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخت خبر دهم ؟ منصفانه رفتار کردن درباره خود با مردمان و یاری رساندن به برادران در راه خدا عزوجل و به یاد خدا بودن در هر حالی ، پس اگر طاعتی به وی عرضه گردید به آن عمل کند و اگر گناهی به او عرضه شد آن را ترك گوید.

حدیث:

- 324 عن علی بن میمون الصائغ قال : سمعت ابا عبدالله الصادق علیه السلام يقول : من اراد ان يسكنه الله جنته فليحسن خلقه و ليعط النصفه من نفسه و ليرحم الیتیم و لیعن الضعیف و لیتواضع لله الذی خلقه.

ترجمه:

- 324 علی بن میمون صائغ (زرگر) گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که می خواهد که خداوند او را در بهشتش جای دهد پس باید اخلاقش را نیکو سازد و درباره خود منصفانه رفتار کند و به یتیم ترحم آورد و ناتوان را یاری دهد و برای خداوندی که او را آفریده است فروتنی و تواضع کند.

حدیث:

- 325 عن معاویه عن ابيه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ما ناصح الله عبد فی نفسه فاعطى الحق منها و اخذ الحق لها الا اعطى خصلتين رزقا من الله يسعه و رضا عن الله یغنیه.

ترجمه:

- 325 راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ بنده ای خالصانه در درون خود به خداوند روی نیاورده است تا در نتیجه حق نفس را به او عطا کند و حقی را که از آن نفس است برای او بستاند جز اینکه (اگر چنین باشد) دو خصلت به او بخشیده می شود: یکی روزی ای از جانب خداوند که وی را در فراخی (و آسایش) قرار می دهد و دیگری رضایت و خوشنودی از خداوند که او را (از همه چیز) بی نیاز می سازد .

حدیث:

- 326 عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله :
من واسى الفقير و انصف الناس من نفسه فذلك المومن حقا.

ترجمه:

- 326 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: کسی که به فقیر کمک مالی کند و در مورد خود با مردم منصف باشد چنین کسی مومن حقیقی است .

- 35 باب انه يجب على المومن ان يحب للمومنين ما يحب لنفسه و ويكره لهم ما يكره لها
- 35 باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد

حدیث:

- 327 جاء اعرابي الى النبي صلى الله عليه و آله فقال : يا رسول الله علمني علما ادخل به
الجنة فقال : ما احببت ان ياتيه الناس اليك فاته اليهم و ما كرهت ان ياتيه الناس اليك فلا تاته
اليهم.

ترجمه:

- 327 عربی به خدمت پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا
عملی بیاموز که به سبب آن به بهشت داخل شوم . حضرت فرمود: آنچه را که دوست می
داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آور و آنچه را که دوست می داری مردم
درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آورند درباره آنان به جای نیاور.

حدیث:

- 328 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اوحى الله الى آدم عليه السلام اني ساجم لك
الكلام فى اربع كلمات - الى ان قال : - و اما التى بينك و بين الناس فترضى للناس ما ترضى
لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك.

ترجمه:

- 328 امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند به حضرت آدم عليه السلام وحی فرستاد که
من تمامی سخنی را که با تو دارم در چهار سخن جمع می کنم - تا آنجا که فرمود: - و اما
آنچه که بین تو و بین مردمان باید باشد این است که برای مردم به چیزی خوشنود شوی که
برای خودت به آن خشنود می گردی و برای آنان چیزی را ناپسند شمری که برای خودت آن را
ناپسند می شمری .

- 36 باب استحباب اشتغال الانسان بعيب نفسه عن عيب الناس

- 36 باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران بپردازد به عیب خود

مشغول باشد

حدیث:

- 329 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ثلاث خصال من كن فيه او واحدة منهن كان في ظن عرش الله يوم لا ظل الا ظله رجل اعطى الناس من نفسه ما هو سائلهم و رجل لم يقدم رجلا و لم يوخز رجلا حتى يعلم ان ذلك لله رضا و رجل لم يعيب اخاه المسلم بعيب حتى ينفي ذلك العيب عن نفسه فانه لا ينفي منها عيبا الا بداله عيب و كفى بالمرء شغلا بنفسه عن الناس.

ترجمه:

- 329 امام باقر علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سه خصلت وجود دارد که هر کس این سه خصلت یا یکی از آنها در او باشد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش الهی نیست در زیر سایه عرش الهی خواهد بود: یکی کسی که به مردم از جانب خود چیزی را عطا کند که خود نیز درخواست کننده آن چیز از مردمان است و دیگر کسی که قدمی از قدمی بر ندارد مگر اینکه بداند که این قدم برداشتنش رضایت و خوشنودی خداوند را در پی دارد و دیگر کسی که از برادر مسلمان خود عیبجویی نکند مگر زمانی که آن عیب دیگری برایش ظاهر می شود (پس همواره مشغول به بر طرف کردن عیوب خویش است و با عیب دیگران کاری ندارد) و همین برای مرد کافی است که به خود مشغول باشد نه مردمان .

حدیث:

- 330 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعت جابر بن عبد الله الانصاری يقول : ان رسول الله صلى الله عليه و آله مرينا فوقف و سلم ثم قال : ما لي ارى حب الدنيا قد غلب على كثير من الناس ؟ - الى ان قال : - طوبى لمن شغله خوف الله عزوجل عن خوف الناس ، طوبى لمن منعه عيبه عن عيوب المومنين من اخوانه.

ترجمه:

- 330 امام باقر علیه السلام فرمود: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت : رسول خدا صلى الله عليه و آله بر ما گذر می کرد که ایستاد و سلام کرد و فرمود: چه شده است که می بینم دوستی دنیا بر بسیاری از مردم چیره شده است ؟ - تا آنجا که فرمود: - خوشا به حال کسی که بیم از خدا او را به خود مشغول ساخته و از مردم بیم و هراسی ندارد، خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از عیب جویی برادران مومنش باز داشته است .

حدیث:

- 331 عن ابی جعفر علیه السلام قال : كفى بالمرء عيبا ان يتعرف من عيوب الناس ما يعمى عليه من امر نفسه او يعيب على الناس امرا هو فيه لا يستطيع التحول عنه الى غيره او يوذى جليسه بما لا يعنيه.

ترجمه:

- 331 امام باقر علیه السلام فرمود: همین عیب برای شخص کافی است که از عیوب مردم عیبی را تشخیص دهد که در مورد خودش آن عیب بر او پوشیده مانده و تشخیص نمی دهد که این عیب در خود او نیز وجود دارد) یا اینکه عیبی را بر مردم بگیرد که در خود او آن عیب هست و او توانایی بازگشتن از آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان یا کارهای بیهوده آزار دهد .

حدیث:

- 332 عن ابی ذر عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث قال ن قلت : یا رسول الله اوصنی قال : اوصیک بتقوی الله فانه راس الامر کله قلت : زدنی قال : علیک بتلاوه القرآن و ذکر الله کثیرا قلت ، زدنی قال : علیک بطول الصمت قلت : زدنی قال : ایاک و کثره الضحك قلت : زدنی قال : علیک بحب المساکین و مجالستهم قلت : زدنی قال : قل للحق و ان کان مرا قلت : زدنی قال : لاتخف فی الله لومه لائم قلت : زدنی قال : لیحجزک عن الناس ما تعلم من نفسك و لاتجد علیهم فیما تاتی مثله ثم قال : کفی بالمرء عیبا ان یکون فیه ثلاث خصال : یعرف من الناس ما یجهل من نفسه و یتحیی لهم مما هو فیه و یدعی جلیسه فیما لایعنیه ثم قال : یا ابا ذر لا عقل کالتدبیر و لا ورع کالکف و لا حسب کحسن الخلق.

ترجمه:

- 332 ابوذر گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم زیرا تقوی سر همه کارها(ی شایسته) است ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود : بر تو باد به تلاوت قرآن و زیاد به یاد خدا بودن ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به سکوت طولانی . عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد که فقیران را دوست داشته باشی و با آنان همنشینی کنی ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: حق را بگو اگر چه تلخ باشد. عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس نداشته باش . عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: باید آن عیبی که از خود سراغ داری تو را از عیبجویی مردم باز دارد، زیرا در آنچه که مثل آن را خود انجام می دهی حجتی بر علیه مردم نمی یابی . سپس فرمود : برای عیناک بودن مرد کافی است که در او سه خصلت باشد: یکی اینکه عیبی را از مردم بداند در حالی که (آن عیب در خود او وجود دارد و او) از آن عیب در خود جاهل است و دیگر اینکه از مردم شرم کردن درباره چیزی را درخواست کند که آن چیز در خود او نیز هست و دیگر اینکه همنشین خود را در چیزهای بیهوده آزار دهد. سپس فرمود: ای ابوذر !هیچ عقلی همچون عاقبت اندیشی نیست و هیچ پرهیزکاری ای همچون دست کشیدن (از گناه) نیست و هیچ اصل و تباری مانند خوش خلقی نیست .

حدیث:

- 333 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان موسی علیه السلام لما اراد ان

يفارق الخضر قال : اوصنى فكان فيما اوصاه ان قال له : اياك و اللجاجة و ان تمشى فى غير حاجه و ان تضحك من غير عجب و اذكر خطيئتك و اياك و خطايا الناس.

ترجمه:

- 333 امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی که حضرت موسى عليه السلام می خواست از حضرت خضر عليه السلام جدا شود گفت : مرا سفارشی فرما. حضرت خضر عليه السلام در ضمن توصیه هایش فرمود: از سرسختی و خیره سری بر حذر باش و از اینکه بدون نیاز و حاجتی به دنبال چیزی روی حذر کن و از اینکه بدون تعجب بخندی پرهیز کن و گناهت را یاد کن و از اینکه گناهان مردم را یاد آور شوی بر حذر باش .

حدیث:

- 334 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال فى النهی عن عیب الناس : و انما ینبغی لاهل العصمه و المصنوع الیه فى السلامه ان یرحموا اهل الذنوب و المعصیه و یكون الشکر هو الغالب علیهم و الحاجز لهم عنهم فکیف بالعائب الذی عاب اخاه و غیره ببلواه؟! اما ذکر موضع ستر الله علیه من ذنوبه ما هو اعظم من الذنب الذی عاب به ؟ فکیف یذمه بذنب قد ركب مثله ؟ فان لم یکن ركب ذلك الذنب بعینه فقد عصی الله فیما سواه مما هو اعظم منه و ایم الله لو لم یکن عصاه فى الکبیر لقد عصاه فى الصغیر و لجراته على عیب الناس اکبر یا عبدالله لاتعجل فى عیب عبد بذنبه فلعله مغفور له و لا تامن على نفسك صغیر معصیه فلعلک تعذب علیه فلیکفف من علم منکم نفسک صغیر معصیه فلعلک تعذب علیه فلیکفف من علم منکم عیب غیره لما یعلم من عیب نفسه و لیکن الشکر شاغلا له على معافاته مما ابتلى به غیره.

ترجمه:

- 334 امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نهی نمودن از عیبجویی مردمان فرموده است : بر کسانی که خود نگهدار و پاکند و سلامت از گناه به آنان بخشیده شده است سزاوار است که به حال گناهکاران و نافرمانان رحمشان آید و شکرگزاری (نعمت سلامت از گناه) بر آنان چیره و مسلط باشد و این شکرگزاری آنان را از بیان عیب مردم باز دارد، پس چگونه است حال آن عیبجویی که از برادر خود عیب گیرد و او را بر گرفتاری اش سرزنش کند؟! آیا این شخص عیبجو به یاد نمی آورد آن جایی را که خداوند گناهانی از او را پوشاند که به مراتب بزرگتر از گناهی بودند که او اکنون بر آن از برادر خود خرده گیری می کند؟ پس چگونه برادرش را به گناهی سرزنش می کند که خود همانند آن را مرتکب شده است ؟ اگر هم عین آن را مرتکب نشده خداوند را در بزرگتر و بدتر از آن نافرمانی نموده ، و سوگند به خدا که اگر هم این شخص مرتکب گناه بزرگ نشده حتما گناه کوچک انجام داده است و این جرأتی که در عیب گیری از مردم به خرج داده خود از هر گناهی بزرگتر است . ای بنده خدا! در عیبجویی از بنده ای که مرتکب گناهی شده شتاب مکن شاید گناه او بخشیده شود و بر نفس خویش ایمن

مباش که گناه کوچکی انجام داده ای شاید بر همان گناه عذاب شوی . پس هر کس از شما به عیب دیگری آگاهی یافت باید از عیبجویی او خودداری کند زیرا به عیب خود نیز آگاه است . و باید شکرگزاری بر پاک بودنش از گناهی که دیگری مرتکب آن است او را از پی گیری گناه دیگران به خود مشغول دارد .

حدیث:

- 335 و قال علیه السلام : من نظر فی عیب نفسه اشتغل عن عیب غیره و من رضی رزق الله لم یحزن علی مافاتہ - الی ان قال - و من نظر فی عیوب الناس ثم رضیها لنفسه فذلك الاحمق بعینه.

ترجمه:

- 335 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که در عیب خویش اندیشه کند از عیب جویی دیگران باز می ماند و کسی که به روزی خداوند خوشنود باشد بر آنچه که از دست داده است غمگین نمی شود - تا آنجا که فرمود: - و کسی که در عیب های مردمان بنگرد سپس آن عیوب را برای خویش بپسندد چنین کسی نادان واقعی است .

حدیث:

- 336 و قال علیه السلام : اکبر العیب ان تعیب ما فیک مثله.

ترجمه:

- 336 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در خود توست عیب بشمری .

حدیث:

- 337 عن محمد بن اسماعیل عن بعض رجاله قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول : اذا رایتم العبد متفقدا لذنوب الناس ناسیا لذنوبه فاعلموا انه قد مکر به.

ترجمه:

- 337 محمد بن اسماعیل از یکی از مردانش نقل می کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: هرگاه دیدید که بنده ای گناهان مردمان را جستجو می کند و گناهان خویش را فراموش کرده است بدانید که او فریب خورده و مورد مکر (شیطان) واقع شده است .

حدیث:

- 338 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کان بالمدينة اقوام لهم عیوب فسکتوا عن عیوب الناس فاسکت الله عن عیوبهم الناس فماتوا و لاعیوب لهم عند الناس و کان بالمدينة اقوام لا عیوب لهم فتکلموا فی عیوب الناس فاظهر الله لهم عیوبا لم یزالوا یعرفون بها الی ان ماتوا.

ترجمه:

- 338 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شهر گروهی بودند که عیوبی داشتند اما از

بیان عیوب دیگران ساکت ماندند خداوند نیز مردم را از بیان عیوب آنها ساکت کرد پس آنان مردند در حالی که در نزد مردم عیبی برای ایشان وجود نداشت و در شهر گروهی بودند که عیبی نداشتند اما در مورد عیوب مردم سخن می گفتند خداوند نیز برای آنان عیبهایی ظاهر ساخت که پیوسته تا زمانی که مردند به آن عیبهها شناخته می شدند .

حدیث:

- 339 عن ابی عبیده الحذاء قال سمعت ابا جعفر محمد به علی الباقر علیه السلام یقول : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اسرع الخیر ثوابا البر و ان اسرع الشر عقابا البغی و کفی بالمرء عیا ان یبصر من الناس ما یعمی عنه من نفسه و ان یعیر الناس بما لایستطیع ترکه و ان یوذی حلیسه بما لایعنیه.

ترجمه:

- 339 ابی عبیده خدا گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خیری که ثوابش سریعتر از هر خیر دیگری به آدمی می رسد نیکی کردن است و شری که کیفرش سریعتر از هر شر دیگری نصیب آدمی می شود ستم نمودن است و برای عیناک بودن مرد همین بس که در مردم عیبی را ببیند که از دیدن آن عیب در وجود خود نابینا است و مردم را به عیبی سرزنش کند که خود توان ترك آن را ندارد و همنشین خود را به خاطر چیزی پوچ و بیهوده آزار دهد .

- 37 باب وجوب العدل

- 37 باب وجوب عدالت

حدیث:

- 340 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اتقوا الله و اعدلوا فانکم تعینون علی قوم لایعدلون.

ترجمه:

- 340 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: از خدا بترسید و عدالت را پیشه خود سازید زیرا شما خود بر قومی که عدالت نمی ورزند خرده گیری می کنید.

حدیث:

- 341 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلی من الماء یصیه الظمان ، ما اوسع العدل اذا عدل فيه و ان قل.

ترجمه:

- 341 امام صادق علیه السلام فرمود: عدل از آب گوارایی که تشنه به آن برخورد می کند شیرین تر است ، چه فراخ و گسترده است عدالت زمانی که جانب انصاف و تعادل در آن رعایت شود اگر چه کم باشد .

حدیث:

- 342 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلی من الشهد و الین من الزید و اطیب

ريحا من المسك.

ترجمه:

امام صادق عليه السلام فرمود: عدل شیرین تر از عسل و نرم تر از کف و خوشبوتر از مشک است .

حدیث:

- 343 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ان الله جعل لمن جعل له سلطانا اجلا و مده من لیل و ایام و سنین و شهور فان عدلوا فی الناس امر الله صاحب الفلك ان یطی بدارته فطالت ایامهم و لیالیهم و سنینهم و شهورهم و ان جاروا فی الناس فلم يعدلوا امر الله صاحب الفلك فاسرع بدارته فقصرت لیالیهم و ایامهم و سنینهم و شهورهم و قد وفى الله عزوجل بعدد اللیالی و الشهور.

ترجمه:

- 343 امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که خداوند برای کسی که به او سلطنتی بخشیده است سرآمد و مدت معینی از شبها و روزها و سالها و ماهها قرار داده است پس اگر آنان در بین مردم به عدل رفتار کنند خداوند به فرشته ای که گرداننده روزگار است دستور می دهد که کندتر بگرداند تا روزها و شبها و سالها و ماههای آنان طولانی شود. و اگر به مردم ستم کنند و به عدالت رفتار نکنند خداوند آن فرشته اش را امر می کند که در گرداندن شتاب کند پس شبها و روزها و سالها و ماههایشان کوتاه می شود و خداوند عزوجل آن شبها و ماههایی را که برای آنان مقدر فرموده به اتمام می رساند .

حدیث:

- 344 عن ابی عبدالله الصادق عليه السلام قال : ثلاثة هم اقرب الخلق الى الله عزوجل يوم القيامة حتى یفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدرته فی حال غضبه الى ان یحیف علی من تحت یدیه و رجل مشی بین اثنین فلم یمل مع احدهما علی الاخر بشعیره و رجل قال الحق فیما علیه.

ترجمه:

- 344 امام صادق عليه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ شود نزدیکترین کسان به خداوند اند: یکی کسی که قدرت و توانایی اش در حال خشم او را به سوی ستم کردن به زیردستان فرا نخوانده است و دیگری کسی که (برای اصلاح و حکم کردن) بین دو نفر رفت و آمد کند ولی حتی به اندازه يك دانه جو به یکی از آنها بر علیه دیگری تمایل پیدا نکند و دیگری کسی که در جایی که به ضرر اوست حق را بر زبان آورد.

- 38 باب انه لا یجوز لمن وصف عدلا ان یخالفه الى غیره

- 38 باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل

کند

حدیث:

- 345 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اعظم الناس حسره يوم القيامة من وصف عدلا ثم خالفه الى غيره.

ترجمه:

- 345 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که حسرتش از دیگران بیشتر است کسی است که راستی و درستی ای را ستوده است ولی درباره دیگری خلاف آن را عمل نموده است .

حدیث:

- 346 عن ابی عبدالله قال : ان اشد الناس حسره يوم القيامة من وصف عدلا ثم عمل بغيره.

ترجمه:

- 346 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت حسرت کسی از همه بیشتر است که درستی ای را ستوده است اما در عمل خلاف آن را به کار بسته است .

حدیث:

- 347 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اشد الناس عذابا يوم القيامة من وصف عدلا و عمل بغيره.

ترجمه:

- 347 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که عذابش از دیگران سخت تر است کسی است که درستی و عدالتی را ستوده است اما به غیر آن عمل کرده است .

حدیث:

- 348 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فی قول الله عزوجل (فکبکبوا فیها هم و الغاؤون) فقال یا ابا بصیر هم قوم وصفوا عدلا بالسنتهم ثم خالفوه الى غيره.

ترجمه:

- 348 از امام صادق علیه السلام روایت است که درباره قول خدای عزوجل که می فرماید : (پس آنان و گمراهان به روی در دوزخ افکنده شوند)⁽⁸⁵⁾ (فرمود: ای ابا بصیر! آنان گروهی هستند که عدل و راستی ای را به زبان می ستایند ولی به غیر آن عمل می کنند).

حدیث:

- 349 عن خيثمه قال قال لی جعفر علیه السلام : ابلغ شيعتنا انه لن ينال ما عند الله الا بعمل و ابلغ شيعتنا ان اعظم الناس حسره يوم القيامة من وصف عدلا ثم يخالفه الى غيره.

ترجمه:

- 349 خيثمه گوید: امام جعفر صادق عليه السلام به من فرمود: به شیعیان ما برسان که هرگز کسی به رضوان و خوشنودی که در نزد خداست نخواهد رسید مگر با عمل و به شیعیان ما برسان که در روز قیامت کسی که حسرتش از دیگران بیشتر است آن کس است که عدالت و درستی ای را ستوده است سپس به غیر آن عمل کرده است .

- 39 باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر

- 39 باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند

حدیث:

- 350 عن ابی خدیجه قال دخلت علی ابی الحسین علیه السلام فقال لی : ان الله تبارك و تعالی اید المومن بروح منه يحضره فی كل وقت يحسن فيه و يتقى و يغیب عنه فی كل وقت یذنب فيه و يعتدی فهی معه تهتز سرورا عند احسانه تسیح فی الثری عند اساءته فتعاهدوا عباد الله نعمه باصلاحكم انفسكم تزداد و ایقینا و تربحوا نفیسا ثمینا رحم الله امراهم بخیر فعمله او هم بشر فارتدع عنه - ثم قال : - نحن نزید الروح بالطاعه لله و العمل له.

ترجمه:

- 350 ابی خدیجه گوید: بر امام رضا علیه السلام وارد شدم حضرت به من فرمود: خداوند تبارك و تعالی مومن را با روحی از خود تقویت و پشتیبانی می کند و این روح الهی در هر زمانی که مومن نیکی می کند و تقوا را رعایت می نماید در نزد او حاضر است و زمانی که گناه کند و از حق تجاوز کند آن روح الهی غایت می شود پس آن روح الهی همراه با مومن است و در هنگام نیکو کاری مومن به نشاط در می آید و در هنگام بدی نمودنش به زمین می رود پس ای بندگان خدا با اصلاح نمودن خود نعمتهای خداوند را محافظت کنید تا بر باورتان افزوده شود و بر سود زیادی عایدتان شود خداوند رحمت کند مردی را که قصد خیر کند و آن را به جای آورد یا اینکه (اگر) قصد عمل بدی نمود از انجام آن خودداری کند. - سپس فرمود: - ما با فرمانبرداری از خداوند و عمل برای او بر این روح الهی می افزاییم .

حدیث:

- 351 قال ابو عبدالله علیه السلام : اقصر نفسك عما یضرها من قبل ان تفارقك و اسع فی فکاکها کما تسعى فی طلب معیشتك فان نفسك رهینه بعملک.

ترجمه:

- 351 امام صادق علیه السلام فرمود: نفس خود را پیش از آنکه از تو جدا شود از هر آنچه که به آن ضرر می رساند باز نگاهدار و همچنانکه در طلب روزی ات کوشش می کنی در رهایی و خلاص نمودن نفست بکوش زیرا نفس تو در گرو عمل و کردار توست .

حدیث:

- 352 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : کانت الفقهاء و العلماء اذا کتب بعضهم الى بعض کتبوا بثلاث لیس معهن رابعه من کانت همته آخرته کفاه الله

همه من الدنيا و من اصلح سريرته اصلح الله علانيته و من اصلح ما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس.

ترجمه:

- 352 امام صادق عليه السلام فرمود: اميرالمؤمنين فرموده است : دانشمندان و عالمان چنين بودند كه هرگاه براي يكدیگر نامه مي نوشتند سه جمله مي نوشتند كه چهارمي نداشت (و سخنانشان از اين سه جمله تجاوز نمي كرد): ۱ - كسي كه همت و تلاشش در امر آخرتش باشد خداوند دنياي او را كفايت مي كند.
- 2 كسي كه درون خويش را اصلاح كند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد كرد.
- 3 كسي كه بين خود و خدايش را اصلاح كند خداوند بين او و مردم را اصلاح خواهد نمود.

حديث:

- 353 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : من اصلح ما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس و من اصلح امرا آخرته اصلح الله له دنياه.

ترجمه:

- 353 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: هر كس بين خود و خدايش را اصلاح كند خداوند بين او و مردم را اصلاح خواهد كرد و كسي كه امر آخرتش را اصلاح كند خداوند امر دنيايش را برايش به سامان مي رساند .

حديث:

- 354 و قال عليه السلام : من اصلح سريرته اصلح الله علانيته و من عمل لدينه كفاه الله دنياه و من احسن فيما بينه و بين الله كفاه الله ما بينه و بين الناس.

ترجمه:

- 354 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: كسي كه درون خويش را اصلاح كند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد كرد و كسي كه براي دينش كار كند خداوند دنيايش را كفايت مي كند و كسي كه بين خود و خدايش را نيكو كند خداوند خود بين او و مردم را كفايت مي كند.

حديث:

- 355 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : من اصلح فيما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس.

ترجمه:

- 355 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش ، از علي عليه السلام روايت فرمود: كسي كه بين خود و خدايش را اصلاح كند خداوند بين او و مردم را اصلاح خواهد كرد .

- 40 باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنوب

- 40 باب وجوب دوري نمودن از لغزشها و گناهان

حديث:

356 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اما انه ليس من عرق يضرب و لا نكبه و لاصداع و لا مرض الا بذنب و ذلك قول الله عزوجل فی كتابه : (و ما اصابکم من مصیبه فیما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر) قال : ثم قال : و ما یعفو الله اکثر مما یواخذ به.

ترجمه:

356 امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هیچ رگی نمی زند و هیچ مصیبت و سر درد و مرضی پیش نمی آید مگر به خاطر گناهی و این است معنای گفتار خداوند عزوجل در کتابش که فرمود: مصیبتی که به شما رسیده است به سبب چیزی است که دستهایتان کسب نموده و خداوند از بسیاری از خطاهای شما در می گذرد ⁽⁸⁶⁾ (سپس حضرت فرمود: آنچه که خداوند از آن در می گذرد بیشتر است از آنچه که به سبب آن مردمان را مواخذه می کند.

حدیث:

357 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (فما اصبرهم علی النار) فقال : ما اصبرهم علی فعل ما یعلمون انه یصیرهم الی النار.

ترجمه:

357 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: پس چه چیز آنها را بر آتش شکینا کرد ⁽⁸⁷⁾ (فرمود: یعنی چه چیز آنها را بر انجام کاری که می دانند آنها را به سوی آتش می برد شکینا کرد؟!

حدیث:

358 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الذنوب کلها شدیدة و اشدھا ما نبت علیہ اللحم و الدم لانه اما مرحوم و اما معذب و الجنة لا یدخلھا الا طیب.

ترجمه:

358 امام باقر علیه السلام فرمود: همه گناهان سخت اند و سخت ترین آنها گناهی است که (در طول انجام آن) گوشت و خون بر اساس آن بر بدن شخص روییده باشد زیرا گناهکار یا مورد رحمت حق قرار می گیرد و یا عذاب می شود و بهشت جایگاهی است که تنها کسی که پاکیزه است به آن داخل می گردد.

حدیث:

359 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان العبد لیحبس علی ذنب من ذنوبه مائه عام و انه لینظر الی ازواجه فی الجنة یتنعمن.

ترجمه:

359 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: به راستی که بنده به خاطر گناهی از گناهانش یکصد سال محبوس و زندانی می شود و او از درون زندان خود به همسرانی که در بهشت برای او وجود دارند می نگرد که چگونه آنان

مشغول تنعم و بهره بردن هستند .

حدیث:

- 360 عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لاتبدین عن واضحه و قد عملت الاعمال الفاضحه و لا تأمن البیات و قد عملت السيئات.

ترجمه:

- 360 امام رضا علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در حالی که اعمال ننگین و رسوا کننده ای را به جای آورده ای دندانان را به خنده آشکار مکن و زمانی که مرتکب بدیها شده ای از عذاب شبانگاهی ایمن مباش.

حدیث:

- 361 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من نكبه تصيب العبد الا بذنب و ما يعفو الله اكثر.

ترجمه:

- 361 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ مصیبتی به بنده نمی رسد مگر به خاطر گناهی ، و آنچه خدا از آن در می گذرد بیشتر است .

حدیث:

- 362 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان ابی علیه السلام يقول ما من شیء افسد للقلب من خطيئه ان القلب ليواقع الخطيئه فما تزال به حتی تغلب علیه فیصير اعلاه اسفله.

ترجمه:

- 362 امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ چیزی مانند گناه قلب را تباه نمی کند زیرا قلب پیوسته به گناه تن در می دهد تا جایی که گناه بر قلب چیره و غالب می شود و قلب را دگرگون می سازد.

حدیث:

- 363 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد لیذنب الذنب فیزوی عنه الرزق.

ترجمه:

- 363 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که بنده گناه می کند پس در نتیجه ، رزق و روزی او از او دور می شود و کناره می گیرد.

حدیث:

- 364 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الذنب یحرم العبد الرزق.

ترجمه:

- 364 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که گناه باعث محروم شدن بنده از روزی می شود.

حدیث:

- 365 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیذنب الذنب فیدرا عنه الرزق و تلا هذه

الایه (اذ اقساموا لیصرمنها مصبحین و لا یستثنون فطاف علیها طائف من ربك و هم نائمون.)
ترجمه:

- 365 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا مرد گناه می کند در نتیجه رزق و روزی از او دور می شود، و سپس این آیه را تلاوت فرمود: :آنگاه که سوگند یاد نمودند که آن باغ را صبحگاهان می بریم و ان شاء الله نگفتند پس در حالی که ایشان در خواب بودند طواف کننده ای از جانب پروردگارت بر آن باغ طواف نمود (و آن را نابود ساخت)⁽⁸⁸⁾)
حدیث:

- 366 عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اذا اذنب الرجل خرج فی قلبه نکته سوداء فان تاب انمحت و ان زاد زادت حتی تغلب علی قلبه فلا یفلح بعدها ابدا.
ترجمه:

- 366 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه مرد مرتکب گناهی شود در قلب او نقطه سیاهی ظاهر می شود پس اگر توبه نمود آن سیاهی محو می شود ولی اگر بر گنااهش افزود بر آن سیاهی نیز افزوده می شود تا جایی که سیاهی بر قلبش چیره می گردد پس بعد از آن هرگز به رستگاری نمی رسد .
حدیث:

- 367 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد یسال الله الحاجه فیکون من شانه قضاوها الی اجل قریب او الی وقت بطی ء فیذنب العبد ذنبا فیقول الله تبارک و تعالی للملک : لاتقض حاجته و احرمه فانه تعرض لسخطی و استوجب الحرمان منی.
ترجمه:

- 367 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد) بنده ای از خداوند حاجتی را در خواست می کند و (در آن مورد) قصد خداوند این است که تا زمانی نزدیک یا تا درنگی اندک حاجت او را برآورده سازد پس در این فاصله آن بنده مرتکب گناهی می شود پس خداوند تبارک و تعالی به فرشته خود می فرماید: حاجتش را برآورده مساز و او را محروم گردان زیرا او (با گناه خویش) خود را در معرض خشم من قرار داد و مستوجب بی بهرگی از رحمت من گشت .
حدیث:

- 368 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الرجل یذنب الذنب فیحرم صلاه اللیل و ان العمل السیی اسرع فی صاحبه من السکین فی اللحم.
ترجمه:

- 368 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مرد مرتکب گناهی می شود و در نتیجه از (انجام نماز شب محروم می ماند و حقا که کردار زشت از چاقویی که در آن گوشت فرو می رود سریعتر در صاحب خود اثر می گذارد.

حدیث:

- 369 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من هم بالسیئه فلان یعملها فانه ربما عمل العبد السیئه فیراه الرب تبارک و تعالی و تعالی فیقول : و عزتی و جلالی لا اغفر لك بعد ذلك ابدا.

ترجمه:

- 369 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قصد نمود که کار بدی انجام دهد (از قصد خود برگردد و) و چنین نکند زیرا چه بسا که بنده ای مرتکب کار بدی می گردد پس پروردگار تبارک و تعالی به او می نگرد و می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی ام که پس از این هرگز تو را نمی بخشایم .

حدیث:

- 370 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عبد الا و فی قلبه نکته بیضاء فاذا اذنب دنیا خرج فی النکته سوداء فان تاب ذهب ذلك السواد و ان تمادی فی الذنوب زاد ذلك السواد حتی یغطی البیاض فاذا غطی البیاض لم یرجع صاحبه الی خیر ابدا و هو قول الله عزوجل : (بل ران علی قلوبهم ماکانوا یکسبون).

ترجمه:

- 370 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در قلب او نقطه ای سفید است پس هرگاه مرتکب گناهی شود در درون آن نقطه سفید نقطه ای سیاه نمایان شود پس اگر توبه نمود آن نقطه سیاه از بین می رود ولی اگر ادامه داد و) گناهانش به درازا کشید آن سیاهی افزوده می شود تا جایی که تمام سفیدی را می پوشاند پس هرگاه سیاهی روی سفیدی را بپوشاند دیگر آن گناهکار هرگز به سوی خیر باز نمی گردد و این معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرمایند: بلکه آنچه را که کسب می کردند زنگاری بر دلهایشان می شد⁽⁸⁹⁾)

حدیث:

- 371 عن ابی عمرو المدائنی عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : کان ابی یقول : ان الله قضی قضاء حتما لا ینعم علی العبد بنعمه فیسلبها اياه حتی یحدث العبد ذنبا یمستحق بذلك النقمه.

ترجمه:

- 371 ابی عمر مدائنی از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود: به راستی که خداوند حکم و قضای حتمی اش بر این قرار گرفته که نعمتی را به بنده ای نبخشد و سپس آن را از او بگیرد (بلکه اگر نعمتی را به او بخشید آن را از وی سلب نمی کند) مگر اینکه آن بنده گناهی کند و در نتیجه سزاوار خشم الهی گردد (پس در واقع خود بنده با گناهش نعمت را از خود سلب می کند).

حدیث:

- 372 عن سماعة قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما انعم الله على عبد نعمه فسلبها اياه حتى يذنب ذنبا يستحق بذلك السلب.

ترجمه:

- 372 سماعة گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند نعمتی را به بنده اش نمی بخشد که آن را از او بگیرد مگر اینکه مرتکب گناهی شود و به سبب آن سزاوار سلب نعمت گردد.

حدیث:

- 373 عن ابي عبدالله عليه السلام انه قال : ان احدكم ليكثر الخوف من السلطان و ما ذلك الا بالذنوب فتوقوها ما استطعتم و لا تمادوا فيها.

ترجمه:

- 373 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که کسی از شما بسیار از سلطان می ترسد و این ترسش فقط به خاطر گناهان است پس ، از گناهان تا می توانید پرهیز کنید و در گناهان فرو نمانید.

حدیث:

- 374 قال امير المؤمنين عليه السلام : لا وجع اوجع للقلوب من الذنوب و لا خوف اشد من الموت و كفى بما سلف تفكرا و كفى بالموت و اعطا.

ترجمه:

- 374 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ دردی برای دلها دردناکتر از گناهان نیست و هیچ ترسی سخت تر از مرگ نیست و آنچه که سپری گشته است برای اندیشیدن کافی است و مرگ به عنوان اندرز دهنده کفایت می کند .

حدیث:

- 375 عن العباس بن هلال الشامي قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : كلما احدث العباد من الذنوب ما لم يكونوا يعملون احدث لهم من البلاء ما لم يكونوا يعرفون.

ترجمه:

- 375 عباس بن هلال شامی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه بندگان گناहانی را انجام دهند که پیش از آن مرتکب چنین گناهانی نمی شدند بلاهایی برای آنها پیش می آید که پیش از آن چنین بلاهایی را سراغ نداشتند.

حدیث:

- 376 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من اذنب ذنبا و هو ضاحك دخل النار و هو باك.

ترجمه:

- 376 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرتکب گناهی شود در حالی که خندان است (در روز قیامت) با چشم گریان به آتش دوزخ در افتد .

حدیث:

- 377 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یا مفضل ایاک و الذنوب و حذرہا شیعتنا فو الله ما هی الی احد اسرع منها الیکم ان احدکم لتصیبه المعرہ من السلطان و ما ذاک الا بذنوبہ و انه لیصیبه السقم و ما ذاک الا بذنوبہ و انه لیحبس عنه الرزق و ما هو الا بذنوبہ و انه لیشدد علیہ عند الموت و ما ذاک الا بذنوبہ حتی یقول من حضرہ لقد غم بالموت - فلما رای ما قد دخلنی قال : - اندری لم ذاک ؟ قلت : لا. قال ذاک و الله انکم لاتواخذون بها فی الآخره و عجلت لکم فی الدنیا.

ترجمه:

- 377 امام صادق علیه السلام فرمود: ای مفضل ! از گناهان بپرهیز و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دار. سوگند به خدا که گناهان به سوی هیچ کس با شتاب تر از آنکه به سوی شما می آیند نمی روند، همانا کسی از شما را از ناحیه سلطان رنج سختی می رسد و این نیست مگر به خاطر گناهانش و کسی از شما دچار بیماری می شود و این نیست مگر به خاطر گناهانش و کسی از شما رزق و روزی اش از او باز داشته می شود و این نیست مگر به دلیل گناهانش و کسی از شما هنگام مرگ دچار فشار زیاد می شود تا آنجا که کسی که در نزد او حاضر است می گوید: او به خاطر مرگ دلتنگ و غمگین شده است و این نیست مگر به خاطر گناهانش . روای گوید: در اینجا من از سخنان حضرت به فکر فرو رفتم که چرا باید شیعیان به چنین بلاهایی دچار شوند؟ و حضرت چون مرا به این حال دید فرمود: آیا می دانی که چرا چنین است ؟ عرض کردم : خیر. حضرت فرمود: سوگند به خدا که این به خاطر آن است که شما به سبب گناهانتان در آخرت مورد مواخذه قرار نگیرید و در عقوبت و کیفرتان در این دنیا تعجیل شده است (تا پاک به آن دنیا کوچ کنید).

- 41 باب وجوب اجتناب المعاصی

- 41 باب وجوب خودداری نمودن از گناهان

حدیث:

- 378 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : تعوذوا بالله من سطوات الله باللیل و النهار قلت : و ما سطوات الله ؟ قال : الاخذ علی المعاصی.

ترجمه:

- 378 امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت گرفتن ها و چیره گشتن های خداوند در شبانه روز به خدا پناه برید. راوی گوید: عرض کردم : سخت گرفتن های خداوند چیست ؟ حضرت فرمود: گرفتن بندگان بر نافرمانی هایشان .

حدیث:

- 379 عن ابی الحسن علیه السلام قال : حق علی الله ان لا یعصی فی دار الا اضحاهما للشمس حتی تطهرها.

ترجمه:

- 379 امام رضا علیه السلام فرمود: بر خداوند سزاوار است که در هیچ خانه ای نافرمانی اش نشود جز اینکه درون آن خانه را برای خورشید نمایان کند) یعنی سقف آن خانه را بردارد تا خورشید به درون آن بتابد) تا خورشید آن خانه را پاك سازد.

حدیث:

- 380 عن الهيثم بن واقد الجزري قال : سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : ان الله عزوجل بعث نبيا من انبيائه الى قومه و اوحى اليه ان قل لقومك : انه ليس من اهل قريه و لانا من كانوا على طاعتي فاصابهم فيها سراء فتحولوا عما احب الي ما اكره الا تحولت لهم عما يحبون الي ما يكرهون و ليس من اهل قريه و لا اهل بيت كانوا على معصيتي فاصابهم فيها ضراء فتحولوا عما اكره الي ما احب الا تحولت لهم عما يكرهون الي ما يحبون و قل لهم : ان رحمتي سبقت غضبي فلا تقنطوا من رحمتي فانه لا يتعاضم عندى ذنب اغفره و قل لهم : لا يتعرضوا معاندين لسخطي و لا يستخفوا باوليائي فان لي سطوات عند غضبي لا يقوم لها شىء من خلقى.

ترجمه:

- 380 هيثم بن واقد جزري گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل پیامبری از پیامبرانش را به سوی قومش مبعوث ساخت و به او وحی فرستاد که به قومت بگو: هیچ اهل قریه ای و هیچ مردمی نبودند که بر طاعت و فرمانبرداری من باشند پس در آن حال به آنان خوشی و شادمانی برسد و آنان از آنچه که مورد پسند من است به سوی آنچه که در نظر من ناپسند است برگردند جز اینکه من نیز از آنچه که آنان دوست می دارند به سوی آنچه که ناپسند می شمرند باز می گردم و هیچ اهل قریه ای و هیچ اهل خانه ای نبودند که بر نافرمانی من باشند پس در آن حال به آنان ناخوشی برسد و آنان از آنچه که ناپسند من است به سوی آنچه که مورد پسند من است باز گردند جز اینکه من نیز از آنچه که برای آنان خوشایند است به سوی آنچه که دوست می دارند باز می گردم . و به آنان بگو: رحمت من بر خشم من پیشی دارد بنابراین از رحمت من نومید نشوید زیرا گناهی که از آن چشم پوشی می کنم در نزد من بزرگ نیست و به آنان بگو: در مورد کسانی که با خشم من سر ستیزه دارند پادرمیانی نکنند و دوستان مرا کوچک نشمرند زیرا در هنگام خشم من برای من قهر و غلبه ای است که هیچیک از مخلوقات من در برابر آن تاب ایستادگی ندارد.

حدیث:

- 381 عن الرضا عليه السلام قال : اوحى الله عزوجل الى نبيء من الانبياء: اذا اطعت رضيت و اذا رضيت باركت و ليس لبركتي نهايه و اذا عصيت غضبت و اذا غضبت لعنت و لعنتي تبلغ

السابع من الوری.

ترجمه:

- 381 امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : هرگاه اطاعت شوم خوشنود می گردم و هرگاه خوشنود باشم برکت می بخشم و برای خیر و برکت من نهایت و پایانی نیست و هرگاه نافرمانیم شود خشمگین می گردم و هرگاه خشمگین شوم لعنت می فرستم و از رحمت خود دور می کنم و لعنت من تا هفت نسل را فرا می گیرد و به آنان می رسد .

حدیث:

- 382 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : يقول الله عزوجل اذا عصانی من یعرفنی سلطت علیه من لایعرفنی.

ترجمه:

- 382 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی که مرا می شناسد نافرمانی ام کند کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم .

حدیث:

- 383 عن ابی الحسن علیه السلام قال : ان لله عزوجل فی کل یوم و لیلہ منادی یا مهلا مهلا عباد الله عن معاصی الله فلو لابهائم رتع و صبیہ رضع و شیوخ رکع لصب علیکم العذاب صبا ترضون به رضا.

ترجمه:

- 383 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند عزوجل در هر روز و شب ندا دهنده ای هست که ندا در می دهد: ای بندگان خدا دست نگه دارید و درنگ کنید از بجای آوردن معصیتهای الهی ، پس اگر چهارپایان چرنده و کودکان شیرخوار و پیران قد خمیده نبودند عذابی بر شما فرو می ریخت که به سبب آن کوبیده و ریزه ریزه می شدید.

حدیث:

- 384 محمد به علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله جل جلاله ایما عبد اطاعنی لم اكله الی غیرى و ایما عبد عصانی و کلته الی نفسه ثم لم ابال فی ای واد هلك.

ترجمه:

- 384 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند جل و جلاله می فرماید: هر بنده ای که از من فرمان برد او را به غیر خودم وا نمی گذارم و هر بنده ای که نافرمانی ام کند او را به خودش وا می گذارم سپس باکی ندارم که در کجا به هلاکت برسد.

حدیث:

- 385 و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله عزوجل : اذا عصاني من خلقى من يعرفنى سلطت عليه من خلقى من لايعرفنى.

ترجمه:

- 385 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هرگاه کسی از مخلوقات من که مرا می شناسد نافرمانی ام کند من نیز از مخلوقات خود کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم .

حدیث:

- 386 عن ابن ابی عمیر عن سمع ابا عبدالله الصادق عليه السلام يقول : ما احب الله من عساه ، ثم تمثل:

تعصى الاله و انت تظهر حبه

هذا محال فى الفعال بدیع

لو كان حبك صادقا لاطعته

ان المحب لمن يحب مطيع

ترجمه:

- 386 ابن ابی عمیر از کسی که از حضرت صادق علیه السلام شنیده است روایت کند که حضرت فرمود: کسی که نافرمانی خدا را کند خداوند را دوست ندارد . سپس حضرت این شعر را مثال آورد:

خداوند را عصیان می کنی و دوستی اش را اظهار می کنی

این کاری ناممکن و شگفت است

اگر دوستی ات صادقانه است فرمانبرداری اش کن

به راستی که محب فرمانبردار محبوب است

حدیث:

- 387 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لو لم يتوعد الله على معصيته لكان يجب ان لايعصى شكرا لنعمه.

ترجمه:

- 387 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: (حتی) اگر خداوند هم بر معصیتش وعید دوزخ را نداده بود باز هم به خاطر شکر نعمتهایش واجب بود که معصیت نشود.

حدیث:

- 388 و قال علیه السلام : من العصمه تعدر المعاصی.

ترجمه:

- 388 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از (اسباب) پاکدامنی دشواری و محال گردیدن (انجام) گناهان است (زیرا اگر انجام گناهی دشوار یا محال گردید آدمی از آن گناه به دور می ماند و این خود سبب پاکی می گردد).

حدیث:

- 389 و قال علیه السلام فی بعض الاعیاد: انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه و کل یوم تعصی الله فیه فهو یوم عید.

ترجمه:

- 389 امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از عیدها فرمود: این روز برای کسی عید است که خداوند روزه اش را پذیرفته از نمازش تشکر به جای آورده است و هر روزی که در آن مرتکب معصیت خدا نشوی آن روز، روز عید است .

- 42 باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه

- 42 باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذت‌های حرام

حدیث:

- 390 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الجنة محفوفه بالمکاره و الصبر فمن صبر علی المکاره فی الدنیا دخل الجنة و جهنم محفوفه باللذات و الشهوات فمن اعطی نفسه لذتها و شهوتها دخل النار.

ترجمه:

- 390 امام باقر علیه السلام فرمود: بهشت با سختی ها و صبر پوشیده است پس کسی که بر سختی های دنیا صبر کند به بهشت وارد می شود. و دوزخ با لذتها و شهوتها پوشیده است پس کسی که به نفس خود لذت و شهوت نفسانی را ببخشد به آتش داخل می گردد .

حدیث:

- 391 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ترك الخطیئه ایسر من طلب التوبه و کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طویلا و الموت فضح الدنیا فلم یتترك لذی لب فرحا.

ترجمه:

- 391 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترك گناه از طلب توبه آسانتر است و چه بسا ساعتی به شهوت گذراندن باعث اندوه طولانی شود، و مرگ ، دنیا را رسوا می کند و برای خردمند شادی نمی گذارد.

حدیث:

- 392 عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : طوبى لمن ترك شهوة حاضرة لموعد لم يره.

ترجمه:

- 392 امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خوشا به حال کسی که میل نفسانی حاضر و آماده را به خاطر وعده ای که آن را ندیده است ترک کند .

- 43 باب وجوب اجتناب المحقرات من الذنوب

- 43 باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند

حدیث:

- 393 قال ابو عبدالله عليه السلام : اتقوا المحقرات من الذنوب فانها لاتغفر قلت : و ما المحقرات ؟ قال : الرجل يذنب الذنب فيقول : طوبى لى ان لم يكن لى غير ذلك.

ترجمه:

- 393 امام صادق علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند بترسید زیرا آنها بخشیده نمی شوند. روای گوید: عرض کردم : گناهان کوچک کدامند؟ حضرت فرمود: اینکه مرد گناهی کند و بگوید: خوشا به حال من اگر جز این گناه گناهی دیگر نداشتم .

حدیث:

- 394 عن سماعة قال سمعت ابا الحسن عليه السلام يقول : لاتستكثروا كثير الخير و لاتستقلوا قليل الذنوب فان قليل الذنوب يجتمع حتى يكون كثيرا و خافوا الله فى السر حتى تعطوا من انفسكم النصف.

ترجمه:

- 394 سماعه گوید، از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود : کارهای خیر زیاد را زیاد نشمرید و گناهان کم را کم ندانید زیرا گناهان کم جمع می شوند و زیاد می گردند و از خداوند در پنهانی بترسید تا آنجا که خودتان درباره خود به انصاف رفتار کنید .

حدیث:

- 395 قال ابو عبدالله عليه السلام : ان رسول الله صلى الله عليه وآله نزل بارض قرعاء ما بها من حطب فقال صلى الله عليه وآله : فليات كل انسان بما قدر عليه فجاءوا به حتى رموا بين يديه بعضه على بعض فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : هكذا تجتمع الذنوب ثم قال : اياكم و المحقرات من الذنوب فان لكل شىء طالبا الا و ان طالبا يكتب ما قدموا و اثارهم و كل شىء احصينه فى امام مبين.

ترجمه:

- 395 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله (با یاران خود) در

زمین بی گیاه فرود آمدند، حضرت به یاران خود فرمود: مقداری هیزم بیاورید، عرض کردند: ای رسول خدا ما در مکانی بی گیاه هستیم و در اینجا هیزم نیست. حضرت فرمود: هر کدام از شما به اندازه ای که می توانید بیاورید، (چیزی نگذشته بود که) هر کدام مقداری هیزم آوردند و در مقابل پیامبر روی هم ریختند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گناهان نیز اینگونه جمع می شوند سپس فرمود: از گناهان کوچک حذر کنید زیرا هر چیز جوینده ای دارد و همانا جوینده گناهان (که فرشته است) آنچه را که (مردم) پیش فرستاده اند و اثرهای آنها را می نویسد) و هر چیز را در پیشوایی آشکار فراهم کرده ایم⁽⁹⁰⁾)

حدیث:

- 396 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتقوا المحقرات من الذنوب فان لها طالبا: يقول احدكم : اذنب و استغفر ان الله عزوجل يقول : (و نكتب ما قدموا و آثارهم و كل شیء احصیناه فی امام مبین) و قال عزوجل : (انها ان تك مثقال حبه من خردل فتكن فی صخره او فی السماوات او فی الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر.)

ترجمه:

- 396 امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند پرهیز کنید زیرا آن گناهان (نیز) فرشته ای جوینده دارد، کسی از شما می گوید: گناه می کنم و (پس از آن) استغفار می کنم، به راستی که خدای عزوجل می فرماید: و ما آنچه را که پیش فرستاده اند و آثار آنها را می نویسیم و هر چیزی را در پیشوایی آشکار گرد آورده ایم⁽⁹¹⁾) و می فرماید: به درستی که اگر آن به اندازه دانه خردلی در دل سنگی بزرگ و یا در آسمانها یا در زمین باشد خداوند بیاردش همانا که خداوند باریک بین و آگاه است⁽⁹²⁾)

حدیث:

- 397 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لایصغر ما ینفع یوم القیامه و لایصغر ما یضر یوم القیامه فکونوا فیما اخبرکم الله عزوجل کمن عاین.

ترجمه:

- 397 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: چیزی که در روز قیامت سودمند است کوچک نیست و چیزی که در روز قیامت زیانبار است ناچیز نیست پس در آنچه که خداوند عزوجل به شما خبر داده است مانند کسی باشید که به چشم خود همه آنها را دیده است.

حدیث:

- 398 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : اشد الذنوب ما استهان به صاحبه.

ترجمه:

- 398 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهنده آن، آن را ناچیز بشمرد.

حدیث:

- 399 و قال علیه السلام : اشد الذنوب ما استخف به صاحبه.

ترجمه:

- 399 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهنده آن ، آن را سبک بشمارد .

حدیث:

- 400 عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی حدیث المناهی ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : لاتحقروا شیئا من الشر و ان صغر فی اعینکم و لا تستکثروا شیئا من الخیر و ان کثر فی اعینکم فانه لا کبیر مع الاستغفار و لاصغیر مع الاصرار.

ترجمه:

- 400 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که از امور مورد نهی سخن به میان آمده است روایت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ بدی و شری را اگر چه در نظر شما کوچک باشد کوچک نشمرید و هیچ خیری را اگر چه در چشم شما زیاد باشد زیاد مشمرید زیرا با وجود استغفار (دیگر گناه) بزرگ وجود ندارد و با اصرار و پافشاری (بر گناه دیگر گناه) کوچک نیست (زیرا با استغفار می توان از گناه بزرگ طلب آمرزش نمود و با اصرار بر گناه ، گناه کوچک تبدیل به گناه بزرگ می شود).

حدیث:

- 401 عن محمد بن علی علیه السلام انه قال لمحمد بن مسلم فی حدیث : لا تستصغرن حسنه ان تعملها فانك تراها حیث تسرك و لا تستصغرن سیئه تعملها فانك تراها حیث تسووک الحدیث.

ترجمه:

- 401 امام باقر علیه السلام در حدیثی به محمد بن مسلم فرمود : کار نیکی را که به جای می آوری کوچک مشمار زیرا کار نیک را در جایی می بینی که شادمانت می کند و عمل زشتی را که انجام می دهی کوچک مشمار زیرا آن را در جایی می نگری که بد حالت می کند (مراد از آن جا صحنه قیامت است).

حدیث:

- 402 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من الذنوب التي لاتغفر قول الرجل لیتنی لا اواخذ الا بهذا.

ترجمه:

- 402 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از گناهانی که بخشیده نمی شود این است که کسی (گناهی کند و) بگوید: ای کاش تنها فقط به همین گناه مواخذه می شدم .

حدیث:

- 403 و قال عليه السلام : اياكم و محقرات الذنوب فان لها من الله طالبا و انها لتجتمع على المرء حتى تهلكه.

ترجمه:

- 403 امام باقر عليه السلام فرمود: از گناهانی که كوچك شمردۀ می شوند بهره‌ییزد زیرا آن گناهان (نیز) از جانب خداوند جوینده ای دارد (یعنی فرشته ای که طلب کننده و پی گیری کننده گناهان كوچك است) و به راستی که گناهان كوچك بر آدمی جمع می شوند تا آنجا که او را به هلاکت می افکنند.

حدیث:

- 404 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله كتم ثلاثة في ثلاثة كتم رضاه في طاعته و كتم سخطه في معصيته و كتم و ليه في خلقه فلا يستخفن احدكم شيئا من الطاعات فانه لايدري في ايها رضى الله و لا يستقلن احدكم شيئا من المعاصي فانه لايدري في ايها سخط الله و لايزرين احدكم باحد من خلق الله فانه لايدري ايهم ولى الله.

ترجمه:

- 404 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است : رضایت و خوشنودی اش را در طاعتش و خشمش را در معصیت و مافرمانی اش و ولی خود را در میان خلقتش پنهان ساخته است پس مبدا کسی از شما یکی از طاعات را سبک بشمرد زیرا او نمی داند که رضایت و خوشنودی خداوند در کدام طاعت او پنهان است و مبدا یکی از معصیتها را کم بشمرد زیرا او نمی داند که خشم خدا در کدامیک از گناهان نهان است و مبدا یکی از خلق خدا را بی قدر و ارزش بداند زیرا نمی داند که کدامیک از آنها ولی خداوند است.

حدیث:

- 405 قال و من كلامه صلى الله عليه و آله : لا تنظروا الى صغير الذنب و لكن انظروا الى ما اجترأتم.

ترجمه:

- 405 و از کلام رسول خدا صلى الله عليه و آله است که : به کوچکی گناه نکنید بلکه به چیزی که بر آن جرات یافته اید بنگرید، (بنگرید به اینکه بر نافرمانی خدا دلیر گشته اید و این بسیار بزرگ است).

حدیث:

- 406 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : من هم بالسيئه فلا يعملها فانه ربما عمل العبد السيئه فيراه الرب فيقول : و عزتي و جلالى لا اغفر لك ابدا.

ترجمه:

- 406 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که قصد انجام دادن گناهی را نمود نباید آن را

انجام دهد زیرا چه بسا بنده گناهی را مرتکب می شود و پروردگارش او را می بیند و می گوید: سوگند به عزت و بزرگی ام که دیگر هرگز تو را نمی بخشایم .

- 44باب تحریم کفران نعمه الله

- 44باب تحریم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند

حدیث:

- 407عن سدیر قال : سال رجل ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (فقالوا ربنا باعد بين اسفارنا و ظلموا انفسهم) الايه فقال : هولاء قوم كانت لهم قري متصله ينظر بعضها الى بعض و انهار جاريه و اموال ظاهره فكفروا نعم الله و غيروا ما بانفسهم من عافيه الله فغير الله ما بهم من نعمه و (ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم) فارسل الله عليهم سيل العرم فغرق قراهم و خرب ديارهم و ذهب باموالهم و ابدلهم مكان جناتهم جنتين ذواتى اكل خمط و اثل و شىء من سدر قليل ثم قال : (ذلك جزيناهم بما كفروا و هل نجازى الا الكفور).

ترجمه:

- 407سدیر گوید: مردی از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدای عزوجل پرسید که می فرماید: پس گفتند: ای پروردگار ما، بین سفرهای ما دوری بیفکن ، و بر خود ستم کردند و ما هم آنها را را حکایت گردانیدیم و پراکنده شان ساختیم⁽⁹³⁾ (حضرت فرمود: آنها گروهی بودند که روستاهای متصل و به هم پیوسته ای داشتند به گونه ای که ساکنان روستاهای مجاور را می دیدند و دارای جویهای جاری و اموال آشکار بودند پس نعمتهای خداوند را ناسپاسی کردند و سلامت و عافیتی را که خداوند به آنان داده بود دگرگون ساختند خداوند نیز نعمتی را که به آنان بخشیده بود دگرگون ساخت) و خداوند وضعیت قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنان خود را تغییر دهند⁽⁹⁴⁾ (پس خداوند سیل سختی را بر آنان فرستاد و روستاهایشان را به زیر آب برد و خانه هایشان را ویران ساخت و اموالشان را از بین برد و به جای باغهایشان دو باغ که دارای میوه های تلخ و درخت شورگز و مقدار کمی سدر بودند برای آنها بر جای گذاشت سپس فرمود): این جزایی که به آنان دادیم به سبب کفران آنان بود و آیا جز ناسپاس را جزا می دهیم؟⁽⁹⁵⁾)

حدیث:

- 408عن ابی عبدالله عليه السلام قال : مكتوب فى التوراه اشكر من انعم عليك و انعم على من شكرك فانه لا زوال للنعماء اذا شكرت و لا بقاء لها اذا كفرت ، الشكر زياده فى النعم و امان من الغير.

ترجمه:

- 408امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته شده است : شکر کسی را که به تو نعمت بخشیده است به جای آور و به کسی که از تو قدردانی می کند نعمت ببخش زیرا اگر

سپاس نعمتها به جای آورده شود نعمتها زائل نمی شوند و اگر ناسپاسی شود نعمتی باقی نمی ماند. پس شکرگزاری مایه زیادت نعمت و باعث ایمنی از تغییر نعمت است.

- 45 باب وجوب اجتناب الكبائر

- 45 باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره

حدیث:

- 409 عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته يقول: و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا قال: معرفه الامام و اجتناب الكبائر التي اوجب الله علیها النار.

ترجمه:

- 409 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره این آیه که می فرمود: به هر کس حکمت داده شود خیر فراوان به او داده شده ⁽⁹⁶⁾ (فرمود: مراد از خیر فراوان معرفت و شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره ای است که خداوند آتش را بر ارتکاب آنها واجب ساخته است .

حدیث:

- 410 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل: (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریم) قال: الكبائر التي اوجب الله عزوجل علیها النار.

ترجمه:

- 410 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: اگر خودداری کنید از کبیره هایی که از آنها نهی شده اید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم ⁽⁹⁷⁾ (فرمود: مراد از کبیره ها، گناهانی هستند که خدای عزوجل بر انجام آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است.

حدیث:

- 411 عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: ما من عبد الا و علیه اربعون جنه حتی يعمل اربعین کبیره فاذا عمل اربعین کبیره انکشف عنه الجن.

ترجمه:

- 411 امام صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه بر او چهل پرده (یا سپر) هست تا اینکه مرتکب چهل گناه کبیره شود که اگر چنین کند این پرده ها (یا سپرها) کنار می رود. (در این صورت گناه در نزد او زشتی ندارد و به قساوت قلب دچار می گردد).

حدیث:

- 412 قال الصادق علیه السلام: من اجتنب الكبائر یغفرالله جمیع ذنوبه و ذلك قول الله عزوجل (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریم).

ترجمه:

- 412 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از گناهان کبیره دوری کند خداوند همه گناهانش را می بخشد و این معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم⁽⁹⁸⁾ .

حدیث:

- 413 عن ابی الحسن علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنکم سیئاتکم) قال : من اجتنب الكبائر ما اوعده الله علیه النار اذا كان مومنا كفر الله عنه سیئاته.

ترجمه:

- 413 امام رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم⁽⁹⁹⁾ (فرمود: کسی که از کبیره هایی که خداوند وعده آتش دوزخ بر آنها داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهان او چشم پوشی می کند .

حدیث:

- 414 عن عباد بن کثیر النواء قال : سألت ابا جعفر علیه السلام عن الكبائر فقال : کل ما اوعده الله علیه النار.

ترجمه:

- 414 عباد بن کثیر (که هسته خرما فروش بود) گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که کبائر کدام گناهان هستند؟ حضرت فرمود: هر گناهی که خداوند بر انجام آن وعده آتش دوزخ را داده است .

حدیث:

- 415 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : قد سمی الله المومنین بالعمل الصالح مومنین و لم یسم من ركب الكبائر و ما وعده الله عزوجل علیه النار مومنین فی قرآن و لائر و لانسمهم بالايمان بعد ذلك الفعل.

ترجمه:

- 415 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند مومنین را به خاطر عمل شایسته آنان مومن نامیده است و کسانی را که گناهان کبیره و گناهایی که خداوند عزوجل وعده آتش بر آنها داده است را مرتکب می شوند را نه در قرآن و نه در هیچ اثری مومن نامیده است و ما هم آنان را پس از انجام چنین گناهایی مومن نمی نامیم.

حدیث:

- 416 عن الرضا علیه السلام قال : من اقر بالتوحيد و نفی التشبيه الی ان قال و اقر بالرجعه بالیقین و اجتنب الكبائر فهو مومن حقا و هو من شیعتنا اهل البيت.

ترجمه:

- 416 امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که به یگانگی خداوند و مثل و مانند نداشتن خداوند اقرار کند و اعتراف کند که به رجعت یقین دارد و از انجام کبائر خودداری کند چنین کسی مومن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت است .

حدیث:

- 417 عن زراره قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : ارایت قول رسول الله صلى الله عليه و آله : لا یزنی الزانی و هو مومن قال : ینزع منه روح الايمان.

ترجمه:

- 417 زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: :شخص زناکار در حالی که مومن است زنا نمی کند (به من خبر ده حضرت فرمود: (زیرا وقتی که زنا می کند) روح ایمان از او جدا می شود .

- 46 باب تعیین الکبائر التي يجب اجتنابها

- 46 باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است

حدیث:

- 418 عن ابن محبوب قال كتب معی بعض اصحابنا الى ابي الحسن علیه السلام يساله عن البکائر کم هی و ما هی ؟ فکتب الکبائر من اجتنب ما وعد الله علیه النار کفر عنه سیئاته اذا کان مومنا و السبع الموجبات قتل النفس الحرام و عقوق الوالدین و اکل الربا و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و اکل مال الیتیم و الفرار من الزحف.

ترجمه:

- 418 ابن محبوب گوید: یکی از اصحاب ما همراه با من به امام رضا علیه السلام نوشتیم که : کبائر چند تاست و کدامند؟ حضرت در پاسخ نوشت : هر کس از گناهانی که خداوند بر آنها وعده آتش دوزخ را داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهانش چشم پوشی می کند و هفت گناهی که موجب آتش است عباتند از: کشتن نفسی که کشتنش حرام است و آزدن پدر و مادر و ربا خواری و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت نمودن (به دار الایمان) و نسبت زنا دادن و متهم کردن زن شوهر دار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث:

- 419 عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال : حدثنی ابوجعفر الثانی علیه السلام قال : سمعت ابی یقول : سمعت ابی موسی بن جعفر علیه السلام یقول : دخل عمرو بن عبید علی ابی عبدالله علیه السلام فلما سلم و جلس تلا هذه الايه (و الذين یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش) ثم امسک فقال له ابو عبدالله علیه السلام : ما اسکتک ؟ قال : احب ان اعرف الکبائر من کتاب الله عزوجل فقال : نعم یا عمرو اکبر الکبائر الاشراک بالله یقول : الله من یشرک

بالله فقد حرم الله عليه الجنة و بعذه الایاس من روح الله لان الله عزوجل يقول (لا ییاس من روح الله الا القوم الکافرون) ثم الامن من مکر الله لان الله عزوجل يقول (فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون) و منها عقوق الوالدین لان الله سبحانه جعل العاق جبارا شقیا و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق لان الله عزوجل يقول : (فجزاؤه جهنم خالدا فیها) الى آخر الایه و قذف المحصنه لان الله عزوجل يقول : (لعنوا فی الدنيا و الاخره و لهم عذاب عظیم) و اكل مال الیتیم لان الله عزوجل يقول : (انما یاكلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا) و الفرار من الزحف لان الله عزوجل يقول : (و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحیزا الى فئه فقد بآ بغضب من الله و ماواه جهنم و بنس المصیر) و اكل الربا لان الله عزوجل يقول : (الذین یاكلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس) و السحر لان الله عزوجل یقول : (و لقد علموا لمن اشتراه ما له فی الاخره من خلاق) و الزنا لان الله عزوجل یقول : (و من یفعل ذکل یلق اثاما یضاعف له العذاب یوم القیامه و یخلد فیہ مهانا) و الیمین الغموس الفاجرہ لان الله عزوجل یقول) : ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم ثمنا قلیلا اولئک لاخلق لهم فی الاخره) و الغلول لان الله عزوجل یقول : (و من یغلل یات بما غل یوم القیامه) و منع الزکاه المفروضه لان الله عزوجل یقول : (فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم) و شهاده الزور و کتمان الشهاده لان الله عزوجل یقول : (و من یکتمها فانه آثم قلبه) و شرب الخمر لان الله عزوجل نهی عنها کما نهی عن عبادہ الاوثان و ترک الصلاه متعمدا او شیئا مما فرض الله عزوجل لان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : من ترک الصلاه متعمدا فقد بری من ذمه الله و ذمه رسوله و نقض العهد و قطیعه الرحم لان الله عزوجل یقول : (لهم اللعنه و لهم سوء الدار) قال : فخرج عمرو و له صراخ من بکائه و هو یقول : هلك من قال برایه و نازعکم فی الفضل و العلم.

ترجمه:

- 419 جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام روایت کند که فرمود: از پدرم امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: عمر بن عبید بر امام صادق علیه السلام وارد شد پس چون سلام کرد و نشست این آیه را تلاوت کرد و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی ها خودداری می کنند (سپس خاموش شد. امام صادق علیه السلام فرمود: چه چیزی باعث شد که ساکت شوی و ادامه ندهی ؟ عرض کرد: دوست دارم بدانم که مراد از کبائر در کتاب خدای عزوجل چیست ؟ حضرت فرمود: آری ای عمر! بزرگترین گناهان کبیره شرك ورزیدن به خداوند است ، خداوند می فرماید: هر کس به خدا شرك بورزد خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند. و بعد از شرك ، نومید شدن از رحمت خداست زیرا خداوند عزوجل می فرماید) : از رحمت خداوند نومید نمی شوند مگر گروه کافران ⁽¹⁰⁰⁾ (پس از آن ، ایمن بودن از مکر خدا است زیرا خدای عزوجل می فرماید) : از مکر خداوند ایمن نمی گردند مگر گروه زیانکاران ⁽¹⁰¹⁾ (و یکی دیگر از گناهان

کبیره آزار رساندن به پدر و مادر است زیرا خداوند سبحان آزاردهنده به پدر و مادر را ستمگر و تیره بخت گردانده است . و دیگری کشتن نفسی است که خداوند به ناحق کشتن او را حرام کرده است ، زیرا خداوند عزوجل می فرماید) : جزای کسی که قتل نفس کند جهنم است و در جهنم جاویدان می ماند ⁽¹⁰²⁾ (و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار، زیرا خداوند عزوجل می فرماید) : کسانی که نسبت ناروا به زنان شوهردار می دهند در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و عذاب بزرگی برای آنان است ⁽¹⁰³⁾ (و دیگری خوردن مال یتیم زیرا خداوند عزوجل می فرماید) : خورندگان مال یتیم در شکم‌هایشان آتش می خورند و به زودی به دوزخ در آیند (⁽¹⁰⁴⁾ و دیگری فرار از جهاد زیرا خدای عزوجل می فرماید) : و هر که در آن روز به آنان پشت کند جز اینکه به کناری برای جنگیدن رفته باشد یا برای جا گرفتن در میان گروهی از بازگشتگاهی است ⁽¹⁰⁵⁾ (و دیگری رباخواری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید) : آنکه ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را از روی دیوانگی به بیراهه می برد (⁽¹⁰⁶⁾ و دیگری جادوگری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید) : و به حقیقت دانستند که هر کس آن را خرید در آخرت هیچ بهره ای برای او نیست ⁽¹⁰⁷⁾)

و دیگری زنا است زیرا خدای عزوجل می فرماید) : و کسی که مرتکب زنا شود عقوبت می شود و عذاب او در روز قیامت دو چندان می شود و با خواری در عذاب جاوید می ماند ⁽¹⁰⁸⁾ (و دیگری سوگند دروغ نابکارانه است زیرا خدای عزوجل می فرماید) : به درستی که آنان که بهای اندکی را در عوض پیمان الهی و سوگندهایشان می گیرند بهره ای برای آنان در آخرت نیست ⁽¹⁰⁹⁾ (و دیگری خیانت و ناراستی است زیرا خدای عزوجل می فرماید) : و کسی که خیانت کند در روز قیامت با آنچه که خیانت کرده است می آید ⁽¹¹⁰⁾ (و دیگری خودداری کردن از پرداخت زکارت واجب ، زیرا خدای عزوجل می فرماید) - : پس پیشانی ها و پشت‌هایشان داغ کرده می شود ⁽¹¹¹⁾ (و دیگری شهادت دروغ و کتمان نمودن شهادت است زیرا خدای عزوجل می فرماید) : و کسی که شهادت را کتمان کند قلبش گناهکار است ⁽¹¹²⁾ (و دیگری نوشیدن شراب است زیرا خدای عزوجل از آن نهی فرموده است همچنانکه از عبادت بتها نهی نموده است و دیگری ترك نمودن عمدی نماز یا یکی از چیزهایی که خداوند عزوجل واجب ساخته است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود) : کسی که نماز را از روی عمد ترك کند از کفالت و حمایت خداوند و رسولش خارج شده است (، و دیگری پیمان شکنی و بریدن پیوند خویشاوندی است زیرا خدای عزوجل می فرماید) : برای چنین کسانی دوری از رحمت و سرای بدی خواهد بود ⁽¹¹³⁾ (امام موسی بن جعفر علیه السلام در اینجا فرمود: (وقتی سخن پدرم امام صادق علیه السلام به اینجا ختم شد) عمر بن عبید برخاست و بیرون رفت در حالی که از گریه اش بانگ و فریادی برپا بود و می گفت : هر کس به رای خود سخن گوید و با شما خاندان پیامبر در فضیلت و دانش به خصومت برخیزد هلاک خواهد شد .

حدیث:

- 420 عن الاصبغ بن نباته قال : جاء رجل الى امير المؤمنين عليه السلام فقال : يا امير المؤمنين ان ناسا زعموا ان العبد لا يزني و هو مومن و لا يسرق و هو مومن و لا يشرب الخمر و هو مومن و لا ياكل الربا و هو مومن و لا يسفك الدم الحرام و هو مومن فقال امير المؤمنين عليه السلام : صدقت سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول و الدليل كتاب الله و ذكر الحديث الى ان قال و قد تاتي عليه حالات فيهم بالخطيئه فتشجعه روح القوه و يزين له روح الشهوده و تقوده روح البدن حتى يواقع الخطيئه فاذا لامسها نقص من الايمان و تفصى منه فليس يعود فيه حتى يتوب فاذا تاب تاب الله عليه و ان عاد ادخله نار جهنم.

ترجمه:

- 420 اصبغ بن نباته گوید: مردی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمومنان! همانا برخی از مردم معتقدند که بنده در حالی که مومن باشد نه زنا می کند نه دزدی و نه شراب می نوشد و نه ربا می خورد و نه خوبی را به حرام می ریزد، پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست گفتی (زیرا) من همین حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم و دلیل بر درستی آن کتاب خداست، و گاهی برای مومن حالاتی پیش می آید که در آن حالات قصد می کند که مرتکب گناه شود پس روح قوت و توانایی او را بر این کار جرات می بخشد و روح شهوت آن کار را برای او زینت داده و زیبا جلوه می دهد و روح بدن او را رهبری می کند تا آنکه به گناه تن در می دهد پس زمانی که با گناه تماس حاصل کرد از ایمانش کاسته می شود از ایمان رها می گردد و ایمانش باز نمی گردد مگر اینکه توبه کند که اگر توبه کرد خداوند توبه اش را می پذیرد و اگر به گناهکاری بازگشت خداوند او را به آتش دوزخ داخل می کند.

حدیث:

- 421 عن عبيد بن زراره قال : سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الكبائر فقال : هن في كتاب على عليه السلام سبع الكفر بالله و قتل النفس و عقوق الوالدين و الك الربا بعد البينه و اكل مال اليتيم ظلما و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجرة قال : فقلت ، هذا اكبر المعاصي فقال : نعم قلت : فاكل الدرهم من مال اليتيم ظلما اكبر ام ترك الصلاه قال : ترك الصلاه قلت : فما عدت ترك الصلاه في الكبائر قال : اي شئ ء اول ما قلت لك قلت : الكفر قال : فان تارك الصلاه كافر يعنى من غير عله.

ترجمه:

- 421 عبيد بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم حضرت فرمود: گناهان کبیره چنانکه در کتاب علی علیه السلام آمده است هفت گناه است : کفر به خداوند و کشتن نفس (محترم) و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن ربا بعد از آشنایی و آگاهی از آن و مال یتیم را به ستم خوردن و فرار از جهاد و پس از هجرت به دارالایمان دوباره به حالت اعرابی بودن بازگشتن . عبيد بن زراره گوید: عرض کردم : آیا اینها بزرگترین گناهانند؟

حضرت فرمود: آری . عرض کردم : پس آیا يك درهم از مال یتیم را به ستم خوردن بزرگتر است یا ترك نمودن نماز؟ حضرت فرمود: ترك نمودن نماز. عرض کردم : پس چرا ترك نماز را در شمار گناهان کبیره نیاوردی ؟ حضرت فرمود: اولین چیزی که از گناهان کبیره برایت بر شمردم چه بود؟ عرض کردم : کفر. حضرت فرمود: به راستی کسی که بدون علت (موجهی) نماز خود را ترك کند کافر است.

حدیث:

- 422 عن ابی عبدالله علیه السلام فی القنوت فی الوتر الی ان قال و استغفر لذنبك العظیم ثم قال کل ذنب عظیم.

ترجمه:

- 422 امام صادق علیه السلام به روای فرمود: در قنوت نماز شب) فلان دعا و فلان دعا را بخوان (- تا آنجا که فرمود: - و برای گناه بزرگ از درگاه خداوند طلب بخشایش کن . سپس فرمود: تمامی گناهان بزرگ اند .

حدیث:

- 423 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الكبائر سبع قتل المومن متعمدا و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و التعرف بعد الهجرة و اكل مال الیتیم ظلما و اكل الربا بعد البینه و كل ما اوجب الله علیه النار.

ترجمه:

- 423 امام صادق علیه السلام فرمود: گناهان کبیره هفت گناه است : کشتن مومنی از روی عمد و نسبت ناروا دادن به زن شوهر دار و فرار از روی ستم و ربا خواری بعد از آشنایی و آگاهی و هر گناهی که خداوند آتش دوزخ را بر (انجام دهنده) آن واجب ساخته است .

حدیث:

- 424 عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ان من الكبائر عقوق الوالدين و الیاس من روح الله و الامن من مکر الله.

ترجمه:

- 424 عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا آزار رساندن به پدر و مادر و ناامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خداوند از گناهان کبیره است.

حدیث:

- 425 و قد روی اکبر الكبائر الشرك بالله.

ترجمه:

- 425 روایت شده است که بزرگترین گناهان کبیره شرك ورزیدن به خداوند است.

حدیث:

426 عن حماد عن نعمان الرازي قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من زنى خرج ما الايمان و من شرب الخمر خرج من الايمان و من افطر يوما من شهر رمضان متعمدا خرج من الايمان.

ترجمه:

426 حماد از نعمان رازی روایت کند که : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که زنا کند از ایمان بیرون می رود و کسی که شراب بنوشد از ایمان بیرون می رود و کسی که از روی عمد يك روز ماه رمضان را روزه خواری کند از ایمان بیرون می رود.

حدیث:

427 عن محمد بن عبيد قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : لايزنى الزانى و هو مومن قال لا اذا كان على بطنها سلب الايمان فاذا قام رد اليه فاذا عاد سلب قلت فانه يريده ان يعود فقال ما اكثر من يريده ان يعود فلا يعود اليه ابدا.

ترجمه:

427 محمد بن عبيد گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا شخص زناکار در حالتی که ایمان داشته باشد مرتکب زنا نمی شود؟ فرمود: نه ، چنین کسی در آن حالتی که بر روی شکم آن زن قرار می گیرد ایمانش سلب می شود و هنگامی که بر می خیزد دوباره ایمان به او باز می گردد و اگر دوباره به زنا پردازد ایمانش سلب می گردد. عرض کردم : کسی که زنا می کند قصد دارد این عمل را دوباره مرتکب گردد (چگونه ایمانی که از او سلب شده دوباره باز می گردد؟) فرمود: چه بسیار کسانی که می خواهند باز گردند ولی هرگز (به ارتکاب این عمل شنیع) باز نمی گردند.

حدیث:

428 عن ابي عبدالله عليه السلام في قول الله عزوجل : (الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللمم) فقال : الفواحش الزنا و السرقة و اللمم الرجل يلثم بالذنب فيستغفر الله منه.

ترجمه:

428 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : آنانکه از گناهان بزرگ و ناشایسته ها دوری می گزینند مگر گناه كوچك⁽¹¹⁴⁾ (فرمود: مراد از ناشایسته ها زنا و دزدی است و مراد از گناه كوچك این است که کسی مرتکب گناهی می شود و در پی آن از خداوند به خاطر آن گناه طلب آمرزش می کند .

حدیث:

429 عن داود قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه و آله اذا زنى الرجل فارقه روح الايمان قال : فقال : هو مثل قول الله عزوجل : (و لا تيمموا الخبيث منه تنفقون) ثم قال غير هذا ابين منه ذلك قول الله عزوجل : (و ایدهم بروج منه) هو الذى

فارقة.

ترجمه:

- 429 داود گوید: از امام صادق علیه السلام از گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که فرموده است: هرگاه مردی مرتکب زنا شود روح ایمان از او جدا می شود پس حضرت فرمود: این سخن پیامبر همانند گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: و قصد مکنید (مال) (پلید را که از آن انفاق کنید) ⁽¹¹⁵⁾ (زیرا همچنانکه مال پلید و طیب دارد روح هم با قصد و عمل پلید، پلید می شود و روح طیب که همان روح ایمان است مفارقت می کند) آنگاه می فرماید: کلامی دیگر از خداوند واضح تر از این است و آن، این سخن خدای عزوجل است: و ایشان را با روحی از جانب خود یاری داد ⁽¹¹⁶⁾ (این روح است که از شخص زانی جدا می شود).

حدیث:

- 430 عن مسعده بن صدقه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: الكبائر القنوط من رحمه الله و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدين و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الربا بعد البينه و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و الفرار بعد ازحف.

ترجمه:

- 430 مسعده بن صدقه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گناهان کبیره عبارتند از: ناامیدی از رحمت خداوند و مایوس گشتن از مهربانی خدا و ایمنی از مکر الهی و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانیده و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم و ربا خواری بعد از آگاهی، و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار نمودن از جهاد.

حدیث:

- 431 عن ابی بکیر قال قلت لابی جعفر علیه السلام فی قول رسول الله اذا زنی الرجل فارقة روح الايمان قال هو قوله و ایدهم بروح منه ذاك الذی يفارقة.

ترجمه:

- 431 ابن بکیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: هرگاه مردی زنا کند روح ایمان از او جدا می شود، چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله (اشاره کننده به) گفتار خداوند است که می فرماید: و آنان را با روحی از خود قوت بخشید ⁽¹¹⁷⁾ (که این روح همان روحی است که از آنان جدایی نموده بود).

حدیث:

- 432 عن ابی عبدالله عليه السلام قال: یسلب منه روح الايمان مادام علی بطنها فاذا نزل

عاد الایمان . قال : ارایت ان هم قال : لا ارایت ان هم ان یسرق اتقطع یده ؟

ترجمه:

- 432 امام صادق علیه السلام فرمود: روح ایمان از شخص زناکار تا وقتی که در حال زناست گرفته می شود پس هنگامی که از عمل زشت خود فارغ شد (و پشیمان گشت) ایمان باز می گردد. راوی گوید: عرض کردم : اگر کسی قصد زنا کند آیا باز هم ایمانش گرفته می شود؟ حضرت فرمود: خیر، آیا اگر کسی قصد دزدی کند دستش قطع می شود؟

حدیث:

- 433 عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول الكبائر سبعه منها قتل النفس متعمدا و الشرك بالله العظیم و قذف المحصنه و اكل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره و عقوق الوالدین و اكل مال الیتیم ظلما قال و التعرب و الشرك واحد.

ترجمه:

- 433 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: گناهان کبیره هفت تاست : کشتن کسی از روی عمد و شرك ورزیدن به خدای بزرگ و نسبت ناروا به زن شوهردار و رباخواری بعد از آگاهی و فرار از جهاد و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم . سپس فرمود: تعرب (بازگشتن به حالت اعرابی) و شرك در يك درجه اند .

حدیث:

- 434 قال ابو عبدالله علیه السلام : و الذی اذا دعاه ابوه لعن اباه و الذی اذا اجابه ابنه یضربه.

ترجمه:

- 434 امام صادق علیه السلام فرمود: و (دو کس نیز گناهانشان کبیره است ، یکی) کسی که وقتی پدرش او را می خواند پدر خود را لعنت می فرستد و دیگری کسی که با اینکه پسرش (خواسته) او را اجابت می کند ولی او پسرش را کتک می زند .

حدیث:

- 435 عن محمد بن حکیم قال قلت لابی الحسن موسی علیه السلام الكبائر تخرج من الایمان ؟ فقال : نعم و ما دون الكبائر قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یزنی الزانی و هو مومن و لا یسرق السارق و هو مومن.

ترجمه:

- 435 محمد بن حکیم گوید: به امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره آدمی را از ایمان بیرون می برد؟ حضرت فرمود: آری ، گناهان پایین تر از کبیره هم (ایمان را از دل بیرون می برند) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن کسی که در معرض زنا کردن است در حالی که مومن باشد زنا نمی کند و آن کس که مشرف به دزدی کردن است در حالی که مومن باشد دزدی نمی کند .

حدیث:

- 436 عن عبید بن زرارہ فی حدیث ان ابا جعفر علیہ السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا يزني الزاني و هو مومن و لا يسرق السارق و هو مومن.

ترجمه:

- 436 عبید بن زرارہ در حدیثی گوید: امام باقر علیہ السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : مومن تا مومن است زنا نمی کند و مومن تا زمانی که مومن است دزدی نمی کند.

حدیث:

- 437 عن ابی عبدالله علیہ السلام قال : اكبر الكبائر سبع الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل اموال اليتامى و عقوق الوالدين و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و انكار ما انزل الله عزوجل.

ترجمه:

- 437 امام صادق علیہ السلام فرمود: بزرگترین گناهان بزرگ هفت گناهند: شرك آوردن به خدای بزرگ و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده مگر به سببی حق و خوردن اموال یتیم و آزار رساندن به پدر و مادر و نسبت ناروا دادن به زنان شوهر دار و گریختن از جهاد و انکار نمودن آنچه که خداوند عزوجل فرو فرستاده است .

حدیث:

- 438 علی بن جعفر فی کتابه عن اخیه موسی به جعفر علیہ السلام قال : سألته عن الكبائر التي قال الله عزوجل : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه) قال : التي اوجب الله عليها النار.

ترجمه:

- 438 علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر علیہ السلام روایت کرده که : از ایشان در مورد کبائر که در گفتار خدای عزوجل که می فرماید) :اگر از کبائری که از آنها نهی شده اید خودداری کنید (آمده است پرسیدم که آن کبائر کدامند؟ حضرت فرمود: مراد از کبائر آن گناهانی است که خداوند بر ارتکاب آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است .

حدیث:

- 439 عن ابی عبدالله علیہ السلام قال : ان الكبائر سبع فينا انزلت و منا استحللت فاولها الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله و اكل مال اليتيم و عقوق الوالدين و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و انكار حقنا.

ترجمه:

- 439 امام صادق علیہ السلام فرمود: همانا گناه کبیره هفت گناهند که درباره ما نازل شده اند (ولی متأسفانه) همه آن گناهان را نسبت به خود ما روا داشته اند اولین آنها شرك آوردن

به خدای بزرگ است و دیگری کشتن کسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده و دیگری خوردن مال یتیم و دیگری رنجاندن پدر و مادر و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و دیگری گریختن از میدان جنگ و دیگری انکار نمودن حق ما است⁽¹¹⁸⁾ .

حدیث:

- 440 و روی ان الحیف فی الوصیه من الکبائر.

ترجمه:

- 440 و روایت شده است که : همانا ستم نمودن و بی عدالتی در وصیت از گناهان کبیره است.

حدیث:

- 441 عن عباد بن کثیر النواء قال سألت ابا جعفر علیه السلام عن الکبائر فقال کل ما اوعده الله علیه النار.

ترجمه:

- 441 عباد بن کثیر هسته خرما فروش گوید: از امام باقر علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم ، حضرت فرمود: تمامی گناهایی که خداوند بر ارتکاب آنها وعده آتش دوزخ را داده است گناهان کبیره اند .

حدیث:

- 442 و باسناده عن ابی خدیجه سالم بن مکرم الجمال عن ابی عبدالله علیه السلام قال الکذب علی الله و علی رسوله و علی اوصیاء علیه السلام من الکبائر.

ترجمه:

- 442 ابی خدیجه سالم بن مکرم شتریان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که : دروغ بستن بر خداوند و رسول و جانشینان رسول از گناهان کبیره است .

حدیث:

- 443 و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من قال علی ما لم اقل فلیتبعوا مقعده من النار.

ترجمه:

- 443 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس چیزی را که من نگفته ام به من نسبت دهد پس باید نشیمنگاهی از آتش را جایگاه و اقامتگاه خود سازد.

حدیث:

- 444 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام الکبائر خمسہ الشرب و عقوق الوالدین و اکل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره.

ترجمه:

- 444 امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که : گناهان کبیره پنج گناهند: شرب و آزار رساندن به پدر و مادر و رباخواری پس از آگاهی و گریختن از جهاد و

به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت نمودن .

حدیث:

- 445 عن عبید بن زرارہ قال : قلت لابی عبد اللہ علیہ السلام : اخبرنی عن الكبائر فقال : هن خمس و هن مما اوجب الله عليهن النار قال الله تعالى : ان الله لا يغفر ان يشرك به) و قال : (ان الذين ياكلون اموال اليتامى ظلما انما ياكلون في بطونهم ناوا و سيصلون سعيرا) و قال : (يا ايها الذين آمنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهم الادبار) الى آخر الايه و قال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا) الى آخر الايه و رمى المحصنات الغافلات المومنات و قتل مومن متعمدا على دينه.

ترجمه:

- 445 عبيد بن زرارہ گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم که : مرا نسبت به گناهان کبیره آگاه ساز. حضرت فرمود: گناهان کبیره پنج گناهند و آنها گناهانی هستند که خداوند بر آنها آتش دوزخ را واجب گردانده و می فرماید: همانا خداوند شرك آوردن به خود را نمی بخشد⁽¹¹⁹⁾ (و می فرماید): آنان که اموال یتیمان را ظالمانه می خورند به راستی که در شکمهایشان آتش می خورند و به زودی به دوزخ در آیند⁽¹²⁰⁾ (و می فرماید): ای ایمان آورندگان هرگاه در میدان جنگ با کافران روبرو شدید به آنان پشت نکنید⁽¹²¹⁾ (تا آخر آیه . و فرمود): ای ایمان آورندگان از خدا بترسید و آنچه را که از ربا باقی مانده رها کنید⁽¹²²⁾ (تا آخر آیه . و متهم ساختن زنان شوهردار ساده دل با ایمان و کشتن مومنی از روی عمد به خاطر دینداری اش .

حدیث:

- 446 و عن الصادق عليه السلام قال : عقوق الوالدين من الكبائر لان الله جعل العاق عصيا شقيا.

ترجمه:

- 446 امام صادق عليه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند آزار رساننده به پدر و مادر را نافرمان و تیره روز گردانده است.

حدیث:

- 447 و قال عليه السلام : و قتل النفس من الكبائر لان الله يقول : (و من يقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فيها و غضب الله عليه و لعنه و اعدله عذابا عظيما).

ترجمه:

- 447 امام صادق عليه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید: و کسی که مومنی را عمدا به قتل برساند کیفرش دوزخ است که در آن برای همیشه می ماند و خداوند بر او خشم گرفته و او را از رحمتش دور گردانده و برای وی عذابی بزرگ و آماده ساخته است⁽¹²³⁾.

حدیث:

- 448 و قال عليه السلام : و قذف المحصنات من الكبائر لان الله يقول : (لعنوا في الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظيم).

ترجمه:

- 448 امام صادق عليه السلام فرمود: نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید) :چنین کسانی در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و کیفری بزرگ برای آنان می باشد⁽¹²⁴⁾)

حدیث:

- 449 عن احمد بن عمر الحلبي قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم) قال : من اجتنب ما اوعده الله عليه النار اذا كان مومنا كفر عنه سيئاته و ادخله مدخلا كريما و الكبائر السبع الموجبات : قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعرب بعد الهجرة و قذف المحصنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف.

ترجمه:

- 449 احمد بن عمر حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید) :اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی شده اید دوری کنید از دیگر گناهانتان چشم پوشی می کنیم⁽¹²⁵⁾) حضرت فرمود: کسی که از گناهانی که خداوند بر انجام آنها وعده آتش داده است دوری کند اگر مومن باشد از دیگر گناهانش چشم پوشی می کند و او را به منزلگاهی گرمی وارد می سازد و گناهان کبیره هفتگانه که موجب آتش دوزخ اند عبارتند از: کشتن نفسی که احترام دارد و آزدن پدر و مادر و خوردن ربا و بازگشتن به حالت اعرابی بودن پس از هجرت کرده است و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث:

- 450 عن الرضا عليه السلام في كتابه الى المامون قال : الايمان هو اداء الامانه و اجتناب جميع الكبائر و هو معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالاركان - الى ان قال - و اجتناب الكبائر و هي قتل النفس التي حرم الله تعالى و الزنا و السرقة و شرب الخمر و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الميته و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضروره و اكل الربا بعد البيئه و السحت و الميسر و هو القمار و البخس في المكيال و الميزان و قذف المحصنات و الزنا و اللواط و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و معونه الظالمين و الركون اليهم و اليمين الغموس و حبس الحقوق من غير عسر و الكذب و الكبر و الاسراف و التبذير و الخيانه و الاستخفاف بالحج و المحاربه لاولياء الله و الاشتغال بالملاهي و الاصرار على الذنوب.

ترجمه:

- 450 امام رضا علیه السلام در نامه ای به مامون چنین نوشت : ایمان همان امانتداری و دوری از همه گناهان بزرگ است و ایمان همان شناخت قلبی و اقرار و اعتراف زبانی و عمل نمودن به وسیله اعضا است - تا آنجا که فرمود: - و دوری از گناهان کبیره ، و آنها عبارتند از: قتل نفسی که کشتن او را خداوند حرام ساخته است و زنا نمودن و دزدی کردن و نوشیدن شراب و آزریدن پدر و مادر و گریختن از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و هر ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده است در صورتی که ضرورتی نباشد، و خوردن ربا بعد از آگاهی (از ربوی بودن معامله) و خوردن حرام و قمار بازی و کاستن و کم گذاردن در پیمان و وزن و نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار و زنا و لواط و ناامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خدا و دلسردی از رحمت الهی و یاری رساندن به ستمکاران و تکیه و اعتماد بر آنان ، و سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون اینکه سختی و ضرورتی موجب آن شده باشد، و دروغگویی و تکبر و خودبزرگ بینی ، و اسراف و ولخرجی ، و خیانت و ناراستی ، و سبک شمردن حج ، و ستیزه کردن با دوستان خدا، و مشغول بودن به خوشگذرانی های بیهوده ، و اصرار و پافشاری نمودن بر انجام گناهان .

حدیث:

- 451 قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اجتنبوا السبع الموبقات قيل : و ما هن ؟ قال : الشرك بالله و السحر و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل الربا و اكل مال اليتيم و التولي يوم الزحف و قذف المحصنات الغافلات المومنات.

ترجمه:

- 451 رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از هفت چیز هلاک آور دوری کنید، به ایشان عرض شد: آن هفت چیز کدامند؟ حضرت فرمود: شرك ورزیدن به خداوند، و جادوگری ، و کشتن کسی که خداوند کشتن او را جز در صورتی که حق او باشد حرام گردانیده ، و ربا خواری ، و خوردن مال یتیم ، و پشت نمودن به دشمن در روز جهاد، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار ساده دل با ایمان .

حدیث:

- 452 عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام قال : قلت له : ما لنا نشهد على ما خالفنا بالكفر و ما لنا لانشهد لانفسنا و لاصحابنا انهم فى الجنة ؟ فقال : من ضعفكم ان لم يكن فيكم شىء من الكبائر فاشهدوا انكم فى الجنة قلت : فای شىء الكبائر؟ قال : اكبر الكبائر الشرك بالله و عقوق الوالدين و التعرب بعد الهجرة و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و الربا بعد البينه و قتل المومن فقلت له : الزنا و السرقة فقال : ليسا من ذلك.

ترجمه:

- 452 محمد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه شده است ما را که گواهی به کافر بودن مخالفین خود می دهیم ولی چرا خود و یاران مان گواهی به بهشتی بودن نمی دهیم؟ حضرت فرمود: این به خاطر ضعف و ناتوانی شماست، اگر در شما هیچیک از گناهان کبیره نبود پس گواه باشید که شما در بهشت هستید، عرض کردم: گناهان کبیره چه چیزهایی هستند؟ فرمود: بزرگترین آنها شرك ورزیدن به خداوند و آزدن پدر و مادر و پس روی نمودن به حالت اعرابی پس از هجرت و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و رباخواری بعد از آگاهی و کشتن مومن. پس عرض کردم: آیا زنا نمودن و دزدی کردن هم از گناهان کبیره است؟ حضرت فرمود: نه این دو از گناهان کبیره شمرده نمی شوند.

حدیث:

- 453 عن جعفر بن محمد علیه السلام فی حدیث شرائع الدین قال: و الكبائر محرمة و هی الشرك بالله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدین و الفرار من الزحف و اكل مال الیتیم ظلما و اكل الربا بعد البینه و قذف المحصنات و بعد ذلك الزنا و اللواط و السرقة و اكل المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغير الله به من غیر ضروره و اكل السحت و البخس فی المیزان و المكیال و المیسر و شهادة الزور و الیاس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و ترك معاونه المظلومین و الركون الى الظالمین و الیمین الغموس و حبس الحقوق من غیر عسر و استعمال التكبر و التجبر و الكذب و الاسراف و التبذیر و الخیانه و الاستخفاف بالحج و المحاربة الاولیاء الله و الملاحی التي تصد عن ذكر الله عزوجل مكروهه كالغناء و ضرب الاوتار و الاصرار على صفائر الذنوب.

ترجمه:

- 453 امام صادق علیه السلام در حدیث قوانین و دستورات دین فرمود: (ارتکاب) گناهان کبیره حرام است و آنها عبارتند از: شرك آوردن به خداوند، و کشتن نفسی که خداوند آن را حرام ساخته، و آزدن پدر و مادر، و گریختن از جهاد، و خوردن مال یتیم از روی ستم، و ربا خواری بعد از آگاهی، و نسبت ناروا به زنان شوهردار، و پس از اینها زنا و لواط و دزدی و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوك و گوشت هر ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده بدون هیچگونه ضرورتی، و خوردن حرام و کم گذاردن در وزن و پیمان و قمار بازی و شهادت ساختگی و دروغ و مایوس شدن از رحمت خداوند و ایمنی از مکر الهی و ناامیدی از رحمت خدا و ترك یاری ستمدیدگان و تکیه و اعتماد بر ستمگران و سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون در سختی و فشار بودن، و تکبر ورزیدن و خود بزرگ بینی و دروغ گویی و اسراف و ولخرجی و خیانت و سبك شمردن حج و ستیزه کردن با دوستان خدا و خوشگذرانی هایی که آدمی را از یاد خدای عزوجل باز می دارد و ناپسندی آنها آشکار است همانند: عنا و نواختن تارها، و اصرار و پافشاری بر گناهان کوچک.

حدیث:

- 454 و قال عليه السلام : الكبائر تسع اعظمهن الاشرار بالله عزوجل و قتل النفس المومنه و اكل الربا و اكل مال اليتيم و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و عقوق الوالدين و استحلال البيت الحرام و السحر فمن لقي الله عزوجل و هو برى منهن كان معى فى جنه مصاريحها الذهب.

ترجمه:

- 454 امام صادق عليه السلام فرمود: گناهان كبرى نه گناهند كه بزرگترین آنها شرك و رزیدن به خدای عزوجل ، و (پس از آن) كشتن نفس مومن و رباخواری و خوردن مال یتیم و نسبت ناروا دادن به زن شوهر دار و گریختن از جنگ و جهاد و آزدن پدر و مادر و حلال ساختن بیت الله الحرام (یعنی رعایت نکردن احترام خانه خدا) و جادوگری پس هر كسى كه خداوند عزوجل را دیدار كند در حالى كه از این گناهان پاك باشد همراه با من در بهشتى خواهد بود كه لنگه هاى در آن طلاست .

- 47 باب صحه التوبه من الكبائر

- 47 باب صحيح بودن توبه از گناهان كبرى

حدیث:

- 455 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : (ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء) الكبائر فما سواها قال : قلت دخلت الكبائر فى الاستثناء قال : نعم.

ترجمه:

- 455 امام صادق عليه السلام این آیه را قرائت فرمود) : به راستى كهخ خداوند شرك و رزیدن به خود را نمى بخشاید ولى غير از شرك را براى هر كسى كه بخواهد مى بخشد (126)) سپس فرمود: چه گناه كبرى باشد و چه صغيره . رواى گوید: عرض كردم : اينكه در آيه آمده است كه غير شرك را مى بخشد آيا شامل گناهان كبرى هم مى شود؟ حضرت فرمود: آرى.

حدیث:

- 456 عن اسحاق بن عمار قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : الكبائر فيها استثناء ان تغفر لمن يشاء؟ قال : نعم.

ترجمه:

- 456 اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض كردم : آيا گناهان كبرى هم در این آيه از شرك استثنا شده اند؟ حضرت فرمود: آرى.

حدیث:

- 457 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ما من مومن يقارف فى يومه و ليلته اربعين كبرى فيقول و هو نادم استغفر الله الذى لا اله الا الله هو الحى القيوم بديع السماوات و الارض ذا الجلال و الاكرام و اساله ان يصلى على محمد و آله و ان يتوب على الا غفرها الله له و لاخير

فیمن یقارف فی یومه اکثر من اربعین کبیره.

ترجمه:

- 457 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست که در شبانه روز (حتی اگر) مرتکب چهل گناه کبیره شود و با حالت پشیمانی جمله استغفار زیر را بگوید جز اینکه خداوند گناهانش را می بخشد و آن استغفار این است) : استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القيوم بديع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یصلی علی محمد و آله و ان یتوب علی (سپس فرمود: کسی که در روز مرتکب بیش از چهل گناه کبیره شود در وجودش خیری نیست.

حدیث:

- 458 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : انما شفاعتی لاهل الکبائر من امتی.

ترجمه:

- 458 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا شفاعت من برای کسانی از امت من باشد که مرتکب گناه کبیره شده اند .

حدیث:

- 459 و قال الصادق علیه السلام : شفاعتنا لاهل الکبائر من شیعتنا فاما التائبون فان الله یقول : (ما علی المحسنین من سبیل).

ترجمه:

- 459 امام صادق علیه السلام فرمود: شفاعت ما برای شیعیانی است که اهل انجام گناهان کبیره اند ولی آنان که توبه کرده اند خداوند درباره آنان می فرماید) : بر علیه نیکوکاران هیچ راهی نیست⁽¹²⁷⁾)

حدیث:

- 460 و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لا شفیع انجح من التوبه.

ترجمه:

- 460 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ شفاعت کننده ای پیروزمندتر از توبه نیست .

حدیث:

- 461 و سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل : (ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلك یشاء) دخلت الکبائر فی مشیه الله قال نعم ان شاء عذب علیها و ان شاء عفا.

ترجمه:

- 461 از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می فرماید) : به راستی که خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی بخشد ولی غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشد⁽¹²⁸⁾) پرسیده شد که آیا اینکه فرموده است) : برای هر که بخواهد (شامل انجام دهندگان گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری . اگر خدا بخواهد آنان را عذاب می کند و اگر بخواهد

می بخشد .

حدیث:

- 462 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و من یقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها) قال : جزاؤه جهنم ان جازاه .

ترجمه:

- 462 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید : کسی که مومنی را از روی عمد به قتل برساند جزایش برای همیشه دوزخ است ⁽¹²⁹⁾ (فرمود: جزای چنین کسی دوزخ است اگر خداوند او را مجازات کند .

حدیث:

- 463 و عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث الاسلام و الایمان قال : و الایمان من شهد ان لا اله الا الله - الی ان قال : - و لم یلق الله بذنب اوعده الله بالنار قال ابو بصیر: جعلت فداك و اینا لم یلق الله الیه بذنب اوعده الله علیه النار فقال : لیس هو حیث تذهب ، انما هو من لم یلق الله بذنب اوعده الله علیه بالنار و لم یتب منه .

ترجمه:

- 463 امام باقر علیه السلام در حدیث اسلام و ایمان می فرمود : و ایمان کسی دارد که شهادت به وحدانیت خداوند دهد و خداوند را با گناهی که خدا وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند. ابوبصیر عرض کرد: فدایت شوم کدامیک از ما خداوند را با چنین گناهی دیدار نمی کند؟ حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو فکر می کنی بلکه مراد من این است که خداوند را با گناهی که او وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند در حالی که از آن گناه توبه نکرده باشد .

حدیث:

- 464 عن سهل بن یسع قال سمع الرضا علیه السلام بعض اصحابه یقول : لعن الله من حارب علیا علیه السلام فقال له : قل الا من تاب و اصلح ثم قال : ذنب من تخلف عنه و لم یتب اعظم من ذنب من قاتله ثم تاب .

ترجمه:

- 464 سهل بن یسع گوید: امام رضا علیه السلام شنید که یکی از یارانش می گوید: خداوند لعنت کند کسی را که با علی علیه السلام جنگید. حضرت به او فرمود: بگو: بجز کسی که توبه نمود و خود را نیکو کرد. سپس فرمود: گناه کسی که به علی علیه السلام پشت نمود و توبه نکرد از گناه کسی که با او جنگید و سپس توبه کرد بزرگتر است .

حدیث:

- 465 عن محمد بن ابی عمیر قال : سمعت موسی بن جعفر علیه السلام یقول : من اجتنب الكبائر من المومنین لم یسال عن الصغائر قال الله تعالی) : ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سئياتکم و ندخلکم مدخلا کریم) قال : قلت : فالشفاعة لمن تجب ؟ فقال حدثنی ابی

عن آبائه عن علي عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : انما شفاعتي لاهل الكبائر من امتي فاما المحسنون فما عليهم من سبيل قال ابن ابي عمير: فقلت له : يا ابن رسول الله فكيف تكون الشفاعه لاهل الكبائر و الله تعالى يقول : (و لا يشفعون الا لمن ارتضى) و من يرتكب الكبائر لايكون مرتضى فقال : يا ابا احمد ما من مومن يذنب ذنبا الا ساءه ذلك و ندم عليه و قد قال رسول الله صلى الله عليه وآله : كفى بالندم توبه و قال : من شرته حسنته و ساءته سيئته فهو مومن فمن لم يندم على ذنب يرتكبه فليس بمومن و لم تجب له الشفاعه - الى ان قال - قال النبي صلى الله عليه وآله : لاكبير مع الاستغفار و لاصغير مع الاصرار.

ترجمه:

- 465 محمد بن ابي عمير گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس از مومنین از گناهان کبیره دوری کند در مورد گناهان صغیره از او بازخواست نمی شود خداوند تعالی می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهاتتان در می گذریم و شما را در محلی ارحمند وارد می سازیم ⁽¹³⁰⁾ (راوی گوید: عرض کردم پس شفاعت برای چه کسانی است ؟ حضرت فرمود : پدرم از پدران بزرگوارش و آنان از علی علیه السلام ، روایت نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که شفاعت من شامل کسانی از امت می گردد که اهل ارتکاب گناهان کبیره بوده اند اما نیکوکاران که چیزی بر علیه آنان نیست . ابن ابي عمير گوید: عرض کردم : ای فرزند رسول خدا چگونه شفاعت اهل کبائر می گردد و حال اینکه خدای تعالی می فرماید: و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که برگزیده و مورد رضایت است ⁽¹³¹⁾) و کسی که مرتکب گناهان کبیره می گردد برگزیده نیست . حضرت فرمود : ای ابا احمد! هیچ مومنی نیست که گناهی انجام دهد جز اینکه آن گناه او را ناراحت می سازد و بر گناه خویش پشیمان می گردد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که : برای توبه کردن پشیمانی کافی است و فرمود: کسی که نیکی اش او را شادمان سازد و بدی اش وی را بد حال گرداند چنین کسی مومن است پس کسی که بر گناهی که انجام می دهد پشیمان نشود مومن نمی باشد و شفاعت نمودن او لازم نیست - تا آنجا که فرمود - : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: با وجود استغفار گناه کبیره ای باقی نمی ماند و در صورت اصرار و پافشاری صغیره ای نخواهد بود (زیرا اصرار بر گناه صغیره خود گناه کبیره است .)

حدیث:

- 466 عن ابراهيم بن العباس قال : كنت في مجلس الرضا عليه السلام فتذاكرنا الكبائر و قول المعتزله فيها انها لا تغفر فقال الرضا عليه السلام : قال ابو عبدالله : قد نزل القرآن بخلاف قول المعتزله قال الله عزوجل : (و ان ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم.)

ترجمه:

- 466 ابراهیم بن عباس گوید: در مجلس امام رضا علیه السلام بودم و با یکدیگر درباره گناهان کبیره و نظر معتزله که گناهان کبیره بخشیده نمی شوند گفتگو می کردیم پس امام رضا علیه السلام فرمود: امام صادق علیه السلام فرموده است که : قرآن بر خلاف نظر معتزله نازل شده است زیرا خداوند عزوجل فرموده است) : و همانا پروردگارت دارای مغفرت است و مردمان را بر ظلم و ستمشان می بخشاید . (132)

حدیث:

- 467 عن جندب الغفاری ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ان رجلا قال یوما: و الله لا یغفر الله لفلان فقال الله عزوجل : من ذا الذی تالی علی ان لا اغفر لفلان ؟ فانی قد غفرت لفلان و احبطت عمل الثانی بقوله لا یغفر الله لفلان.

ترجمه:

- 467 جندب غفاری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که روزی مردی گفت: سوگند به خدا که فلانی را خداوند نمی بخشاید پس خداوند عزوجل فرمود: این کیست که بر من سوگند می خورد که فلانی را نمی بخشم؟ من فلانی را بخشیدم و به خاطر سخن این شخص عملش را باطل و ناچیز نمودم .

حدیث:

- 468 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی : (و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء) دخلت الکبائر فی الاستثناء؟ قال علیه السلام : نعم.

ترجمه:

- 468 از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید) : خداوند غیر از شرك را برای هر که بخواهد می بخشاید (133) (پرسیده شد که آیا گناهان کبیره هم در این استثنا داخل هستند؟ (یعنی خداوند آنها را نیز می بخشد؟) حضرت فرمود: آری .

- 48 باب تحریم الاصرار علی الذنب و وجوب المبادره بالتوبه و الاستغفار

- 48 باب تحریم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار

حدیث:

- 469 عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : لا و الله لا یقبل الله شیئا من طاعته علی الاصرار علی شیء من معاصیه.

ترجمه:

- 469 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: نه سوگند به خداوند که خدا در صورت اصرار و پافشاری (بنده اش) بر انجام معصیتی از معاصی هیچ طاعتی از طاعات وی را نمی پذیرد .

حدیث:

- 470 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله من علامات

الشقاء جمود العين و قسوه القلب و شدة الحرص فى طلب الدنيا و الاصرار على الذنب.

ترجمه:

- 470 از امام صادق علیه السلام روایت است که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: از نشانه های شقاوت و تیره روزی عبارت است از: خشک شدن چشم از اشک (و نگرستن) و سنگدلی و زیادی حرص در طلب دنیا و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند .

حدیث:

- 471 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لاصغیره مع الاصرار و لا کبیره مع الاستغفار.

ترجمه:

- 471 امام صادق علیه السلام فرمود: با وجود اصرار و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند .

حدیث:

- 472 عن ابی جعفر علیه السلام فى قول الله عزوجل : (و لم یصروا على ما فعلوا و هم یعلمون) قال : الاصرار ان یذنب الذنب فلا یتستغفر الله و لا یحدث نفسه بالتوبه فذلك الاصرار.

ترجمه:

- 472 امام باقر علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : و اصرار نکردند بر آنچه انجام می دادند و آنان می دانند ⁽¹³⁴⁾ (فرمود: اصرار نمودن بر گناه این است که مرتکب گناهی شود و پس از آن نه استغفار کند و نه با خود درباره توبه کردن سخن گوید چنین کاری اصرار است .

حدیث:

- 473 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من اذنب ذنبا و هو ضاحك دخل النار و هو باک.

ترجمه:

- 473 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از رسول خدا صلى الله عليه و آله روایت کند که : کسی که مرتکب گناهی شود در حالی که خنده بر لب دارد در قیامت با چشم گریان داخل آتش می شود.

- 49 باب جمله مما ینبغى تزكیه من الخصال المحرمه و المكروهه

- 49 باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترك شوند

حدیث:

- 474 قال ابو عبدالله علیه السلام اصول الكفر ثلاثه الحرص و الاستكبار و الحسد.

ترجمه:

- 474 امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و خودبزرگ

بینی و حسد ورزیدن .

حدیث:

- 475 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله : اركان الکفر اربعة
الرغبة و الرهبة و السخط و الغضب.

ترجمه:

- 475 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : پایه های
کفر چهار چیز است : میل و خواهش ، ترس و بیم ، و ناخشنودی و خشم .

حدیث:

- 476 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اول ما
عصى الله به ستة حب الدنيا و حب الرئاسة و حب الطعام و حب النوم و حب الراحة و حب
النساء.

ترجمه:

- 476 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا
اولین چیزهایی که بوسیله آنها نافرمانی خداوند صورت گرفته است شش چیز است :
دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی خوراک و دوستی خواب و دوستی آرامش و دوستی
زنان .

حدیث:

- 477 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاث من کن
فیه کان منافقا و ان صام و صلی و زعم انه مسلم من اذا اوتمن خان و اذا حدث کذب و اذا وعد
اخلف ان الله عزوجل قال فی کتابه (و ان الله لایحب الخائنین) و قال (ان لعنت الله علیه ان کان
من الکاذبین) و فی قوله (و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا).

ترجمه:

- 477 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : سه
چیز است که اگر در کسی باشد آن کس منافق است اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند و به
مسلمان بودن خود معتقد باشد: کسی که هنگامی که او را امین شمرند خیانت کند و
هنگامی که سخن گوید دروغ گوید و هنگامی که وعده دهد خلف وعده کند. به راستی که
خداوند عزوجل در کتابش فرموده است) : همانا که خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد (⁽¹³⁵⁾و فرمود) : لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد ⁽¹³⁶⁾ (و فرمود) : و در کتاب ،
اسماعیل را یادآور که او وعده اش راست بود و فرستاده و پیامبر بود ⁽¹³⁷⁾)

حدیث:

- 478 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الا اخبرکم بشرار رجالکم قلنا: بلی یا رسول الله
قال : شرار رجالکم البهات الجریء الفحاش الاکل وحده و المانع رفته و الضارب عبده و

الملجى عياله الى غيره.

ترجمه:

- 478 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آيا شما را نسبت به بدترين مردانتان آگاه سازم ؟ گفتيم : آرى اى رسول خدا! حضرت فرمود: بدترين مردان شما كسى است كه دروغ باف ، گستاخ و بسيار هرزه گو باشد، به تنهايى بخورد و يارى اش را (از مردمان) باز دارد و گماشته زير دستش را كتك بزند و خانواده اش را به ديگرى پناهنده سازد.

حديث:

- 479 عن يزيد الصائغ قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : رجل على هذا الامر ان حدث كذب و ان وعد اخلف و ان اوتمن خان ما منزلته ؟ قال : هي ادنى المنازل من الكفر و ليس كافر.

ترجمه:

- 479 يزيد بن صائغ گوید: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم : مردی هست که شیعه است ولی اگر سخن گوید دروغ می گوید و اگر وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند و اگر امینش شمرند خیانت می کند چنین کسی چه مقام و منزلتی دارد؟ حضرت فرمود: منزلت او نزدیکترین منزلتها به کفر است ولی کافر نیست .

حديث:

- 480 عن ابي جعفر عليه السلام قال : خطب رسول الله صلى الله عليه و آله الناس فقال : الا اخبركم بشرا راكم ؟ قالوا: بلى يا رسول الله فقال : الذى يمنع رفته و يضرب عبده و يتزود وحده فظنوا ان الله لم يخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبركم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلى يا رسول الله قال : الذى لا يرجى خيره و لا يؤمن شره فظنوا ان الله لم يخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبركم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلى قال : المتفحش اللعان الذى اذا ذكر عنده المومنون لعنهم و اذا ذكروه لعنوه.

ترجمه:

- 480 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله برای مردم خطبه ای خواند و فرمود: آيا به شما خبر دهم كه بدترين شما كيست ؟ عرض كردند: آرى اى رسول خدا! حضرت فرمود: كسى كه يارى اش را از مردمان باز دارد و بنده زير دستش را بزند و براى خودش تنها توشه تهيه كند - مردم از اين سخن پيامبر چنين پنداشتند كه خداوند بدتر از چنين كسى را نيافريده است - سپس پيامبر فرمود: آيا شما را به بدتر از اين كس خبردار سازم ؟ عرض كردند: آرى اى رسول خدا! حضرت فرمود: كسى كه اميد خير از او داشته نمى شود و از شرس ايمنى نيست - باز مردم پنداشتند كه خداوند بدتر از چنين كسى را نيافريده است - سپس پيامبر فرمود: آيا به شما به بدتر از اين هم خبر دهم ؟ عرض كردند: آرى . حضرت فرمود: كسى كه بسيار هرزه گو و بد زبان است و هرگاه نام مومنى در نزد او برده مى شود

وی را لعنت می کند و هرگاه در نزد مومنین از او یاد شود آنان نیز او را لعنت می فرستند .

حدیث:

- 481 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الا اخبركم بابعدكم منى شيئا؟ قالوا بلى يا رسول الله قال : الفاحش المتفحش البذى البخيل المختال الحفود الحسود القاسى القلب البعيد من كل خير يرجى غير المامون من كل شر يتقى.

ترجمه:

- 481 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : آیا شما را آگاه نسازم که کداميك از شما شباهتتان به من کمتر و از من دورتر است ؟ گفتند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: آنکه بدگو، بیهوده گو، رشت گفتار، تنگ چشم ، متکبر، کینه ورز، حسود و سنگدل باشد و از هر خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن پرهیز می شود در امان نباشند .

حدیث:

- 482 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله خمسہ لعنتهم و كل نبی مجاب : الزائد فى كتاب الله و التارك لسننتى و المكذب بقدر الله و المستحل من عترتى ما حرم الله و المستأثر بالفىء المستحل له.

ترجمه:

- 482 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : پنج کس را من و هر پیامبری که دعایش پذیرفته و مورد قبول درگاه الهی است لعنت می فرستیم : آنکه در کتاب خدا چیزی بیافزاید و آنکه سنت و روش مرا ترك گوید و آنکه قضا و قدر الهی را دروغ بداند و آن که درباره خاندان من آنچه را که خداوند حرام ساخته است حلال بشمرد (احترام خاندان مرا رعایت نکند) و آنکه غنیمت را برای خود برگزیند و آن را بر خود حلال بداند.

حدیث:

- 483 عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : بين الكفر على اربع دعائم الفسق و الغلو و الشك و الشبهه و الفسق على اربع شعب على الجفاء و العمى و الغفله و العتو و الغلو على اربع شعب على التعمق بالراى و التنازع فيه و الزيغ و الشقاق و الشك على اربع شعب على المريه و الهوى و التردد و الاستسلام و الشبهه على اربع شعب اعجاب بالزينه و تسويل النفس و تاول العوج و لبس الحق بالباطل و النفاق على اربع دعائم على الهوى و الهوينا و الحفيظه و الطمع و الهوى على اربع شعب على البغى و العدوان و الشهوه و الطغيان و الهوينا على اربع شعب على الغره و الامل و الهينه و المماطله و الحفيظه على اربع شعب على الكبر و الفخر و الحميه و العصبية و الطمع على اربع شعب الفرح و المرح و اللجاجة و التكاثر.

ترجمه:

- 483 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای پسر! کفر بر چهار ستون استوار است: یکی هرزگی و بیراهه رفتن، دیگری زیاده روی و دیگری دودلی و دیگری پوشیدگی و مبهم بودن کار. و هرزگی خود بر چهار بخش است: بر ستمگری و روی گردانی (از حق) و کوری و غفلت و سرکشی. و زیاده روی نیز بر چهار شاخه است: بر کنجکاوی (ناصواب) و نزاع و درگیری در رای و انحراف (از حق) و دشمنی و زیر بار حق رفتن. دو دلی نیز بر چهار پایه است: بر جدال (گفت و شنود باطل) و خواهش نفسانی و سرگردانی و خودباختن (گردن نهادن به گمراهی). و پوشیدگی و ابهام در کار نیز بر چهار بخش است: بر شگفت زده شدن به سبب زینت و آرایش ظاهری و آراستن نفس چیزی را و باز گرداندن (امور و آراء) به کجی و پوشاندن حق به باطل. و دو رویی بر چهار پایه استوار است: بر خواهش نفسانی و رفق و مدارا (ملایمت نابجا) و نخوت و شهوت و نافرمانی. و ملایمت (نابجا) بر چهار بخش است: بر امید بیهوده و آرزو و آهستگی و سهل انگاری. و نخوت و غرور بر چهار شاخه است: بر خود بزرگ بینی و به خود نازیدن و غیرت (بی جا) و سرسختی نمودن. و طمع نیز بر چهار بخش است: بر شادمانی و خوش خرامیدن و لجاجت و زیاده طلبی.

حدیث:

- 484 عن علی بن الحسین علیه السلام قال: ان المنافق ینهی و لاینهی و یامر بما لایاتی و اذا قام الی الصلاه اعترض قلت: یا ابن رسول الله و ما الاعتراض؟ قال: الالتفات و اذا رکع ربض، یمسی و همه العشاء و هو مفطر و یصبح و همه النوم و لم یسهر ان حدثك کذبك و ان ائتمنته خانك و ان غبت اغتابك و ان وعدك اخلفك.

ترجمه:

- 484 امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا که منافق (دیگران را از کار زشت) باز می دارد ولی خود باز نمی ایستد و چیزی امر می کند که خود انجام نمی دهد و هنگامی که برای نماز به پا می ایستد به حالت اعتراض است. - روای گوید - : عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! حالت اعتراض چگونه است؟ حضرت فرمود: یعنی به دور و بر خود نگاه می کند. و هنگامی که به رکوع رود گویی شتری است که زانو زده است (یعنی رکوع وی با تعظیم پروردگار همراه نیست)، شب می کند در حالی که همه همتش خوردن غذای شبانه است و حال اینکه روزه دار نبوده و ناشتا خورده است و صبح می کند در حالی که همه همتش خوابیدن است و حال اینکه شب زنده داری نکرده است، اگر با تو سخن گوید به تو دروغ می گوید و اگر او را در کاری امین گردانی به تو خیانت می کند و اگر حضور نداشته باشی از تو غیبت می کند و اگر به تو وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند.

حدیث:

- 485 عن عبدالملك بن بحر رفعه مثل ذلك و زاد فيه و اذا سجد نقر و اذا

جلس شجر.

ترجمه:

- 485 از طریق عبدالملك بن بحر نیز شبیه این روایت آمده است و در آن دو جمله اضاف دارد: و هنگامی که به رکوع رود گوئیا شتری است که زانو زده است و هنگامی که به سجده رود گویی به زمین نوک می زند (یعنی با شتاب به سجده می رود و بر می خیزد) و هنگامی که می نشیند پای خود را باز می کند .

حدیث:

- 486 عن النبي صلى الله عليه و آله في وصيه طويله قال : سيأتي اقوام ياكلون طيب الطعام و الوانها و يركبون الدواب و يتزينون بزينة المراه لزوجها و يتبرجون تبرج النساء و زينتهن مثل زى الملوك الجبابره هم منافقو هذه الامه في آخر الزمان شاربون بالقهوات لاعبون بالكعاب راكبون الشهوات تاركون الجماعات راقدون عن العتمات مفرطون في الغدوات يقول الله تعالى : (فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا.)

ترجمه:

- 486 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشی طولانی فرمود: به زودی گروه هایی می آیند که طعام پاکیزه و رنگارنگ می خورند و بر چهارپایان سوار می شوند و همانند زنی که برای همسرش خود را می آراید خویشان را آرایش می کنند و همانند زنان زینت خود را به دیگران می نمایانند و به مانند پادشاهان ستمگر رفتار می کنند آنان در آخر زمان منافقان این امت هستند قهوه ها می نوشند و نرده بازی می کنند و بر مرکب شهوتها سوار می شوند و حضور در جماعت های مسلمین را ترك می کنند، شامگاهان را در خواب به سر می برند و بامداد را به سهل انگاری می گذرانند خداوند تعالی می فرماید: پس بعد از آنان کسانی جانشین شدند که نماز را ضایع کردند و از خواهش ها پیروی نمودند پس زود باشد که شر را ببینند (138)

حدیث:

- 487 عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعلي عليه السلام قال : يا علي خلق الله عزوجل الجنة لبنتين لبنه من ذهب و لبنه من فضه - الى ان قال - فقال الله جل جلاله : و عزتي و جلالتي لا يدخلها مدمن خمر و لانمام و لاديوث و لا شرطى ولا مخنث و لانباش و لاعشار و لاقاطع رحم و لا قدرى يا علي كفر بالله العظيم من هذه الامه عشره الققات و الساحر و الديوث و الناكح المراه حراما في دبرهء ناكح البهيمة و من نكح ذات محرم و الساعى في الفتنة و بائع السلاح من اهل الحرب و مانع الزكاه و من وجد سعه فمات و لم يحج - الى ان قال : - يا علي تسعه اشياء تورث النسيان اكل التفاح الحامض و اكل الكزبره و و الجبن و سور الفار و قراءه كتابه القبور و المشى بين امرأتين و طرح القلمه و الحجامه في النقره و البول في الماء الراكد.

ترجمه:

487 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی! خدا عزوجل بهشت را خشتی از طلا و خشتی از نقره آفرید - تا آنجا که فرمود: پس خداوند جل جلاله فرمود: به عزت و بزرگی ام سوگند که چند گروه داخل بهشت نمی شوند: کسی که مداومت بر خوردن شراب دارد، سخن چین، کسی که درباره زن خود غیرت نداشته باشد، پاسبان (ستمگران)، مرد زن صفت، کسی که نیش قبر می کند، باجگیر، کسی که با خویشان قطع رابطه کند، کسی که منکر قضا و قدر الهی است. ای علی! از این امت ده گروه اند که به خداوند بزرگ کافر گشته اند: تهمت زننده (یا بد زبان یا دروغگو) و جادوگر و مردی که درباره زن خود غیرت و تعصب ندارد و مردی که به حرام از عقب با زنی نزدیکی کند و کسی که با حیوانی مجامعت کند و کسی که با محرم خود مباشرت کند و کسی که در ایجاد فتنه سخن چینی کند و کسی که به کسانی که با مسلمانان در جنگ هستند اسلحه بفروشد و آنکه از پرداخت زکات خودداری می کند و کسی که استطاعت رفتن به حج را بیابد ولی به حج نرود تا بمیرد - تا آنجا که فرمود: - ای علی! نه چیز است که باعث فراموشی می شود: خوردن سیب ترش و خوردن خیار بزرگ و خوردن پنیر و خوردن نیم خورده موش و خواندن نوشته روی سنگ قبرها و راه رفتن بین دو زن و انداختن و پرت کردن شپش و حجامت کردن در گودی بالای پشت گردن و بول کردن در آب راکد.

حدیث:

488 قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام: من لم یبال ما قال و ما قیل فیه فهو شرك شیطان و من لم یبال ان یراه الناس نسیا فهو شرك شیطان و من اغتاب اخاه المومن من غیر تره بینهما فهو شرك شیطان و من شغف بمحبه الحرام و شهوه الزنا فهو شرك شیطان ثم قال علیه السلام: ان لولد الزنا علامات احدها بغضنا اهل البيت و ثانیها ان یحن الی الحرام الذی خلق منه و ثالثها الاستخفاف بالدين و رابعها سوء المحضر للناس و لایسیء محضر اخوانه الا من ولد علی غیر فراش ابیه او حملت به امه فی حیضها.

ترجمه:

488 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شريك شیطان است و کسی که باکی نداشته باشد که مردم او را بی ارزش و بی مقدار بدانند شريك شیطان است و کسی که بدون اینکه بین اینکه بین او و برادر مومنش بدی و امر ناپسندی باشد غیبت او را کند چنین کسی شريك شیطان است و کسی که دلباخته و شیفته محبت حرام و شهوت زنا شود چنین کسی شريك شیطان است - سپس فرمود: - برای کسی که از راه زنا متولد شده است نشانه هایی هست: یکی از آنها اینکه دشمن ما اهل بیت است و دوم اینکه به سوی همان عمل حرامی که از آن زاده

شده است (یعنی زنا) اشتیاق و میل دارد و سوم اینکه دین را سبک می شمرد و چهارم اینکه حضور او برای مردمان بد و ناپسند است و کسی حضورش مایه ناخرسندی برادرانش نمی شود مگر اینکه بر غیر بستر پدرش (یعنی از راه زنا) متولد گشته باشد یا اینکه مادرش در حال حیض به او حامله شده باشد .

حدیث:

- 489 و خطب امیرالمؤمنین علیه السلام فی عیدالفطر - الی ان قال : - اطيعوا الله فیما نهاکم عنه من قذف المحصنه و اتیان الفاحشه و شرب الخمر و بختس المکیال و شهاده الزور و الفرار من الزحف.

ترجمه:

- 489 امیرالمؤمنین علیه السلام در روز عید فطر خطبه ای خواند... - تا آنجا که فرمود: - خداوند را در اموری که شما را از آنها نهی فرموده است اطاعت کنید. آن امور عبارتند از: نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و انجام زشتکاری (زنا) و نوشیدن شراب و کم گذاردن پیمانہ (کم فروشی) و شهادت دروغ و فراز از جهاد .

حدیث:

- 490 عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله تبارک و تعالی کره لکم ایتها الامه اربعا و عشرین خصله و نهاکم عنها کره لکم العبث فی الصلاه و کره المن فی الصدقه و کره الضحک بین القبور و کره التطلع فی الدور و کره النظر الی فروج النساء و قال یورث العمی و کره الکلام عند الجماع و قال یورث الخرس و کره النوم قبل العشاء الاخره و کره الحديث بعد العشاء الاخره و کره الغسل تحت السماء بغير مئزر و کره المجامعه تحت المساء و کره دخول الانهار الا بمئزر و قال فی الانهار عمار و سكان من الملائکه و کره دخول الحمام الا بمئزر و کره الکلام بین الاذان و الاقامه فی صلاه الغداه حتی تنقضى الصلاه و کره رکوب البحر فی هیجانه و کره النوم فوق سطح لیس بمحجر و قال من نام علی سطح لیس بمحجر فقد برئت منه الذمه و کره ان ینام الرجل فی بیت وحده و کره للرجل ان یغشی امراته و هی حائض فان غشیها و خرج الولد مجذوما او ابرص فلا یلومن الا نفسه و کره ان یغشی الرجل امراته و قد احتلم حتی یغتسل من احتلامه الذی رای فان فعل و خرج الرجل مجنونا فلا یلومن الا نفسه و کره ان یکلم الرجل مجذوما الا ان یکون بینہ و بینہ قدر ذراع و قال فر من المجذوم فرارک من الاسد و کره البول علی شط نهر جار و کره ان یحدث الرجل تحت شجره مثمره قد ایتعت او نخله قد ایتعت یعنی اثمرت و کره ان یتعل الرجل و هو قائم و کره ان یدخل الرجل البیت المظلم الا ان یکون بین یدیه سراج او نار و کره النفخ فی الصلاه.

ترجمه:

- 490 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدرانش روایت فرموده که : رسول

خدا صلی الله علیه و آله فرموده : ای امت من ! خداوند تبارک و تعالی برای شما بیست و چهار خصلت ناپسند شمرده است و شما را از آنها باز داشته : بازی در نماز و منت گذاردن در پرداخت صدقه و در گورستان و بین قبرها خندیدن و چشم دوختن به خانه ها (نگاه کردن به درون خانه های مردم) و نظر کردن به فرج زنان که این باعث کوری می شود و سخن گفتن در هنگام جماع که این موجب گنگی (کودک) می شود و خوابیدن پیش از نماز عشاء و سخن گفتن بعد از نماز عشاء و بدون لنگ در زیر آسمان غسل کردن و جماع کردن در زیر آسمان و بدون لنگ به درون نهر آب وارد شدن زیرا در نهرها ساکنانی از ملائکه هستند و بدون لنگ وارد حمام شدن و سخن گفتن بین اذان و اقامه در نماز صبح مگر اینکه نماز به پایان برسد و سوار شدن بر کشتی در دریا زمانی که دریا ناآرام است و خوابیدن بر بالای بامی که اطراف آن سنگ چین نشده و حفاظ ندارد زیرا کسی که بر چنین بامی بخوابد تعهد (اینکه سقوط نکند) از او برداشته می شود و تنها خوابیدن مرد در خانه و در نزدیکی کردن مرد با همسرش در حال حیض ، پس اگر در این حال با او مجامعت کرد و فرزندی مبتلا به جذام و پیسی از آنها به دنیا آمد پس تنها خودش را باید سرزنش کند، و نزدیکی کردن مرد با همسرش در حالت احتلام مگر اینکه از احتلامش غسل کند ولی اگر غسل نکرد و با حالت احتلام با همسرش مجامعت نمود و فرزندش دیوانه متولد شد هیچکس جز خود را سرزنش نکند، و سخن گفتن با شخصی که مبتلا به جذام است مگر اینکه بین او و جذامی به اندازه يك ذرع فاصل باشد - و فرمود: از جذامی بگریز همچنانکه از شیر می گریزی ، و بول کردن بر کناره جویی که آبش جاری است ، و قضای حاجت نمودن در زیر درختی یا نخلی که میوه دارد و هنگام چیدن میوه ها فرا رسیده ، و کفش پوشیدن مرد در حال ایستاده ، و داخل شدن در خانه تاریک مگر اینکه در دستش چراغی یا پاره ای آتش باشد، و دمیدن در حال نماز.

حدیث:

- 491 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی کره الله لامتی العبث فی الصلاة.

ترجمه:

- 491 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! خداوند بر امت من بازی کردن در نماز را ناپسند شمرده است .

حدیث:

- 492 عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ثلاثه لا یدخلون الجنة مدمن خمر و مدمن سحر و قاطع رحم و من مات مدمن خمر سقاه الله من نهر العرطه قیل : و ما نهر العرطه ؟ قال : نهر یجری من فروج المومسات یوذی اهل النار بریحن.

ترجمه:

- 492 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروه به بهشت داخل نمی شوند: کسی که مداومت در خوردن شراب دارد و کسی که پیوسته به سحر و جادوگری می پردازد و کسی که قطع رحم نموده (با خویشان خود رابطه اش را قطع نموده) و کسی که دائم الخمر باشد و از دنیا برود خداوند او را از نهر عرطه (سیراب می گرداند، عرض شد که) : نهر عرطه (چیست ؟ حضرت فرمود: نهری است که از (خونابه و چرك) فرج زنان تبهکار جاری است و بوی بد آن اهل آتش را آزار می دهد .

حدیث:

- 493 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اخبرنی جبرئیل ان ریح الجنه یوجد من مسیره الف عام و ما یجدها عاق و لاقاطع رحم و لا شیخ زان و لا جار ازاره خیلاء و لافتان و لا منان و لا جعظری قلت : و ما الجعظری ؟ قال : الذی لایشیع من الدنیا قال : و فی حدیث آخر و لا حیوف و هو النباش و لازنوق و هو المخنث و لاجراض و لاجعظری و هو الذی لایشیع من الدنیا.

ترجمه:

- 493 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار ساله فهمیده می شود و لی چند گروه بوی آن را نمی یابند: آزار دهنده به پدر و مادر و قطع کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار و همسایه ای که جامه تکبر بر تن نموده (با همسایگان متکبرانه رفتار می کند) و سخن چین فتنه گر و منت گذارنده و جعظری - (139) روای گوید: - عرض کردم جعظری کیست ؟ حضرت فرمود: کسی که از دنیا سیر نمی شود. - در حدیث دیگری آمده است که از جمله کسانی که بوی بهشت را در نمی یابند: کسی که نبش قبر می کند و کسی که خود را به هیئت زنان در آورد و کسی که سخت اندوهگین (بر دنیای خویش) است (همواره آب دهان خود را با اندوه شدید بر دنیا فرو می برد) و کسی که از دنیا سیر نمی شود .

حدیث:

- 494 عن سعید بن علاقہ قال سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : ترك نسج العنكبوت فی البیت یورث الفقر و البول فی الحمام یورث الفقر و الاكل علی الجنابه یورث الفقر و التخلل بالطرفاء یورث الفقر و التمشط من قیام یورث الفقر و ترك الفقر و الزنا یورث الفقر و اظهار الحرص یورث الفقر و النوم بین العشاءین یورث الفقر و النوم قبل طلوع الشمس یورث الفقر و اعتیاد الکذب یورث الفقر و کثره الاستماع الی الغناء یورث الفقر و رد السائل الذکر باللیل یورث الفقر و ترك التقدير فی المعیشه یورث الفقر و قطیعه الرحم تورث الفقر ثم قال علیه السلام : الا انبئکم بعد ذلك بما یزید فی الرزق ؟ قالوا: بلی یا امیرالمؤمنین فقال : الجمع بین الصلاتین یزید فی الرزق و التعقیب بعد الغداء و بعد العصر یزید فی الرزق و صله الرحم تزید فی الرزق و کسح الغناء یزید فی الرزق و مواساه الاخ فی الله عزوجل یزید فی الرزق و البکور فی طلب

الرزق یزید فی الرزق و الاستغفار یزید فی الرزق و استعمال الامانه یزید فی الرزق و قول الحق یزید فی الرزق و اجابه المودن ترید فی الرزق و ترك الكلام علی الخلاء یزید فی الرزق و ترك الحرص یزید فی الرزق و شكر المنعم یزید فی الرزق و اجتناب اليمين الکاذبه یزید فی الرزق و الوضوء قبل الطعام یزید فی الرزق و اكل ما يسقط من الخوان یزید فی الرزق و من سبح الله کل يوم ثلاثین مره دفع الله عنه سبعین نوعا من البلاء ایسرھا الفقر.

ترجمه:

- 494 سعید بن علاقہ گوید: از امیرالمؤمنین علیہ السلام شنیدم کہ می فرمود: چند چیز موجب فقر و ناداری می شود: باقی گذاردن تار عنکبوت در خانه ، و بول کردن در حمام ، و خوردن در حال جنابت ، و خلال نمودن دندان با چوب درخت گز، و ایستاده شانه کردن ، و نهادن خاکروبه در خانه ، و سوگند دروغ ، و زنا کردن ، و آشکار نمودن حرص ، و خوابیدن بین نماز مغرب و عشاء، و خوابیدن قبل از طلوع خورشید، و عادت کردن به دروغگویی ، و زیاد گوش دادن به غناء، و شبانه مرد سائل را رد کردن ، و ترك تدبیر و اندیشیدن در امور زندگانی ، و قطع کردن و بریدن پیوند خویشاوندی ، اینها اموری است کہ ہمگی موجب فقر و ناداری می شود، - سپس فرمود: - آیا پس از این شما را نسبت به آنچه کہ باعث زیادی در رزق و روزی می شود آگاه نسازم ؟ عرض کردند :آری ای امیرمومنان ! حضرت فرمود: چند چیز موجب زیادی رزق و روزی می گردد: جمع نمودن بین دو نماز (ظہر و عصر و مغرب و عشاء)، و خواندن تعقیبات نماز بعد از نماز صبح و نماز عصر، و بہ جای آوردن صلہ رحم ، و جارو کردن و رفتن صحن حیاط خانہ یا گرداگرد و اطراف خانہ ، و یاری رساندن بہ برادر دینی در راه خدای عزوجل و صبح زود در طلب رزق رفتن ، و استغفار نمودن ، و امانتداری کردن ، و گفتن سخن حق ، و اجابت نمودن (و تکرار نمودن اذان) مودن ، و سخن نگفتن در مستراح ، و ترك کردن حرص ، و بہ جای آوردن شکر نعمت دهنده ، و دوری کردن از قسم دروغ ، و وضو گرفتن پیش از خوردن غذا، و خوردن آنچه کہ از سفرہ می ریزد، و کسی کہ خداوند را در ہر روز سی مرتبہ تسبیح گوید) بہ پاکی یاد کند) خداوند ہفتاد نوع بلا و گرفتاری را از او دور می کند کہ آسانترین آنها فقر ست .

حدیث:

- 495 عن النبی صلی اللہ علیہ و آلہ انه قال فی حجه الوداع : ان من اشراط القیامہ اضاعه الصلاہ و اتباع الشهوات و الميل مع الالهواء و تعظیم المال و بیع الدنیا بالدین فَعِنْدَہَا یَذَابُ قلب المومن فی جوفہ کما یذاب الملح فی الماء مما یری من المنکر فلا یستطیع ان یغیرہ ثم قال : ان عندها یكون المنکر معروفا و المعروف منکرا و یوتمن الخائن و یخون الامین و یتصدق الکاذب و یکذب الصادق ثم قال : فعندها امارہ النساء و مشاورہ الاماء و قعود الصبیان علی المنابر و یتکذب ظرفا و الزکاه مغرما و الفیء مغنما و یجفو الرجل والديه و یتبر صديقه ثم قال : فعندها یتکفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یغار علی الغلمان کما یغار علی

الجاریه فی بیت اهلها و یشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و یرکبن ذوات الفروج السروج فعلیهم من امتی لعنه الله ثم قال : ان عندها تزخوف المساجد كما تزخرف البیع و الكنائس و تحلی المصاحف و تطول النازات و تكثر الصفوف و القلوب متباضعه و اللسن مختلفه ثم قال : فعند ذلك تحلی ذكور امتی بالذهب و یلبسون الحریر و الدیاج و یتخذون جلود النمر صفا ثم قال : فعندها یتظهر الربا و یتعاملون بالغیبه و الرشا و یوضع الدین و ترفع الدنیا ثم قال : و عندها یشتر الطلاق فلا یقام لله حد و لن یضر الله شیئا ثم قال : و عندها تظهر القینات و المعازف و تلیهم شرار امتی ثم قال : و عندها حج اغنیاء امتی للنزهه و یحج اوساطها للتجاره و یحج فقرا و هم للریاء و السمعہ فعندها یرکب اقوام یتعلمون القرآن لغير الله فیتخذونه مزامیر و یرکب اقوام یتفقهون لغير الله و یرکب اولاد الزنا یتغنون بالقرآن و یتهافتون بالدنیا ثم قال : و ذلك اذا انتهكت المحارم و اکتسب المائم و تسلط الاشرار علی الاخیار و یفشو الکذب و تظهر الحاجه و تفشو الفاقه و یتباهون فی الناس و یتحسنون الکوبه و المعازف و ینکر الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الی ان قال : فاولئک یدعون فی ملکوت السماء الارجاس الانجاس.

ترجمه:

- 495 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین حج خود (حجہ الوداع) فرمود: همانا از نشانه ها و علامات (پایان دنیا و) بر پاشدن قیامت چند چیز است : مهمل گذاردن و واگذارن نماز، و پیروی نمودن از خواسته های نفسانی ، و میل نمودن به هواها و خواهشها و بزرگ شمردن مال و دارایی ، و فروختن دین در مقابل دنیا، در آن زمان قلب مومن در درونش گداخته و ذوب می گردد همچنانکه نمک در آب حل می شود زیرا (با چشم خویش) منکر و ناروا را می بیند ولی توانایی تغییر آن را ندارد. در آن هنگام ، ناروا روا می گردد و روا ناروا جلوه داده می شود و خیانتکار امین شمرده می شود و به امین نسبت خیانت داده می شود و دروغگو را راستگو می دانند و به راستگو نسبت دروغ داده می شود. در آن زمان زنان به ریاست و امیری می رسند و کنیزکان مورد مشورت قرار می گیرند و کودکان بر منبرها می نشینند و درغگوی زیرکی و کیاست شمرده می شود و دادن زکات خسارت و تاوان دانسته می شود و فیء⁽¹⁴⁰⁾ را برای خود غنیمتی می دانند و شخص به پدر و مادر خود جفا و ستم می کند ولی به دوست خود نیکی می کند. در آن هنگام ، مرد به مرد و زن به زن خوشنود است از غلامان همانگونه که از کنیزان در خانه مولای خود بهره برده می شود، بهره می برند، و مردان خود را شبیه زنان سازند و زنان خود را به هیئت مردان در آورند، و زنان بر زینها سوار شوند، پس بر چنین کسانی از امت من لعنت خدا باد. همانا در آن هنگام ، مسجدها به مانند کلسیای یهود و نصاری آذین بندی شوند و قرآنها به زینت آراسته گردند و مناره ها بلند ساخته شود و صفها زیاد شود ولی دلها با یکدیگر کینه و دشمنی و زبانها مختلف باشد. در آن هنگام ، مردان امت من خود را با طلا می آرایند و لباس حریر و ابریشم می پوشند و پوست یوزپلنگ را پیش زین اسب خود قرار می دهند. در آن زمان ، ربا آشکارا گرفته می شود و با یکدیگر ندیده معامله

می کنند و رشوه می ستانند و دین پایین آورده می شود و دنیا بالا برده می شود. در آن زمان ، طلاق زیاد می شود، پس حدی از حدود الهی اقامه نمی شود و این هرگز به خداوند ضرری نمی رساند . در آن هنگام ، زنان خواننده و آلات نواختن آشکار می شوند و بدترین های امت من به دنبال آنها راه می افتند. در آن زمان ، ثروتمندان امت من برای گردش و تفریح و طبقه متوسط برای تجارت نمودن فقیران برای ریا و خودنمایی به سفر حج می روند. در آن هنگام ، گروه هایی هستند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و آن را به صورت سرود و آواز می خوانند و گروه هایی هستند که برای غیر خدا علم دین فرا می گیرند، و زنازادگان زیاد می شوند، قرآن را به صورت غنا می خوانند و به دنیا هجوم می آورند، و این امور و نشانه ها در زمانی است که حرمت محارم برداشته می شود و نیازمندی و فقر آشکار می گردد و مردم به یکدیگر فخرفروشی می کنند و سازها و طبل را نیکو می دانند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری می شود - تا آنجا که فرمود: - آنان کسانی هستند که در ملکوت آسمانها به عنوان پلید و ناپاک خوانده می شوند .

حدیث:

- 496 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سته لاتكون فی المومن العسر و النكد و اللجاجه و الكذب و الحسد و البغی (اقول : المراد المومن الكامل الايمان او هو نفی بمعنى النهی).

ترجمه:

- 496 امام صادق علیه السلام فرمود: شش چیز در مومن وجود ندارد: دشواری (بدخویی) و کم خیری و لجاجت و سرسختی و دروغگویی و حسد ورزیدن و ستم کردن. (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: مراد از مومن در این حدیث ، مومنی است که در رتبه کمال ایمان قرار دارد یا اینکه نفی در این حدیث به معنای نهی است .)

- 50 باب تحریم طلب الرئاسة مع عدم الوثوق بالعدل

- 50 باب تحریم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی

حدیث:

- 497 عن ابی الحسن علیه السلام انه ذكر رجلا فقال : انه يحب الرئاسة فقال : ما ذئبان ضاریان فی غنم قد تفرق رعاوها باضر فی دین المسلم من الرئاسة.

ترجمه:

- 497 از امام رضا علیه السلام روایت است که ایشان نام شخصی را برد و فرمود: او ریاست را دوست دارد. سپس فرمود: دو گرگ وحشی شکاری در گله گوسفندی که چوپانهایش از آن جدا شده اند پر ضررتر نیستند از ریاست طلبی در دین مسلمان.

حدیث:

- 498 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من طلب الرئاسة هلك.

ترجمه:

- 498 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که طالب ریاست باشد هلاک می شود .

حدیث:

- 499 عن ابی حمزه الثمالی قال : قال لی ابوعبدالله علیه السلام : ایاک و الرئاسة.

ترجمه:

- 499 او حمزه ثمالی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود ناز ریاست طلبی بر حذر باش .

حدیث:

- 500 عن عبدالله بن مسکان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ایاکم و هؤلاء الرساء الذین یتراسون فو الله ما خفت النعال خلف الرجل الا هلك و اهلك.

ترجمه:

- 500 عبدالله بن مسکان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از این روسا که به ریاست رسیده اند بر حذر باشید، سوگند به خدا که کفشها پشت سر کسی به صدا در نیامد جز اینکه آن شخص هلاک گشت و دیگران را نیز به هلاکت افکند .

حدیث:

- 501 عن جویریه بن مسهر قال : اشتدت خلف امیرالمؤمنین علیه السلام فقال یا جویریه انه لم یهلك هؤلاء الحمقى الا بخفق النعال خلفهم.

ترجمه:

- 501 جویریه بن مسهر گوید: به تندی در پشت سر امیرالمؤمنین علیه السلام راه می رفتم که حضرت به من فرمود: ای جویریه ! این نادانان هلاک نگشته اند مگر به سبب صدای کفشها در پشت سرشان .

حدیث:

- 502 قال ابوعبدالله علیه السلام : ملعون من تراس ملعون من هم بها ملعون من حدث نفسه بها.

ترجمه:

- 502 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که (بدون داشتن صلاحیت) مهتر و رئیس گردد ملعون است و کسی که برای ریاست هم گمارد و تلاش کند ملعون است و کسی که با خود درباره رئیس شدن سخن گوید ملعون است .

حدیث:

- 503 عن ابی میاح عن ابیه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : من اراد الرئاسة هلك.

ترجمه:

- 503 ابی میاح از پدرش روایت کرد که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

کسی که ریاست را قصد کند هلاک می گردد .

حدیث:

- 504 عن ابی الربیع الشامی عن ابی جعفر علیه السلام قال : لی یا ابا الربیع لا تطلبن الرئاسة و لا تکن ذنباً ولا تأکل الناس بنا فیفقرک الله .

ترجمه:

- 504 ابی ربیع شامی از امام باقر علیه السلام روایت کرد که حضرت فرمود: ای ابا ربیع ! ریاست را طلب مکن و دنباله رو (رئیس) هم مباش و به بهانه ما اهل بیت از مردم مخور که خداوند بیچاره و فقیرت خواهد کرد .

حدیث:

- 505 عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اتری لا اعرف خیارکم من شرارکم بلی و الله ان شرارکم من احب ان یوطا عقبه انه لابد من کذاب او عاجز الراى .

ترجمه:

- 505 محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیا می پنداری که نیکان شما را از بدانتان باز نمی شناسم ؟ آری سوگند به خدا بدترین شما کسی است که دوست دارد که در پشت سرش گام بردارند (پشت سرش راه بیفتند). چنین کسی به ناچار یا دروغگو است و یا اندیشه اش ناتوان است .

حدیث:

- 506 عن ابی جعفر علیه السلام قال : و اما قولک ان قومى کان لهم عریف فهلک فارادوا ان یعرفونی علیهم فان کنت تکره الجنه و تبعضها فتعرف علیهم یاخذ سلطان جائر بامری مسلم فیسفک ذمه فتشرك فی ذمه و لعلک لاتنال من دنياهم شیئا .

ترجمه:

- 506 امام باقر علیه السلام فرمود: و اما اینکه می گویی : قوم من عریفی (141) داشته اند که مرده و می خواهند مرا عریف قوم کنند، پس اگر از بهشت کراهت داری و آن را دوست نداری پس عریف آنان شو. (در نتیجه اگر) سلطان ستمگر مرد مسلمانی را دستگیر کند و خونس را بریزد تو در خون او شریک خواهی بود و شاید به چیزی از دنیای آنان هم نرسی (بهره ای از دنیا نبری).

حدیث:

- 507 عن علی بن الحسین علیه السلام انه قال : ایاک ان تتراس فیضعک الله و ایاک ان تستاکل فیزیدک الله فقرا و اعلم انک ان تکن ذنباً فی الخیر خیر لك من ان تكون راساً فی الشر .

ترجمه:

- 507 امام سجاد علیه السلام فرمود: بر حذر باش از اینکه طلب ریاست و مهتری کنی که خداوند فقر و ناداری ات را افزون می کند و بدان که اگر در کار خیر دنباله رو باشی برای تو

بهتر است از اینکه در کار شر سر (و پیشرو) باشی .

حدیث:

- 508 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما لكم و للثرثاسات ؟ انما المسلمون راس واحد اياکم و الرجال فان الرجال للرجال مهلكه.

ترجمه:

- 508 امام صادق علیه السلام فرمود: شما را چه به ریاست ها؟ همانا مسلمانان به منزله يك تن هستند، بر حذر باشید از اینکه به سردمداران (ستمگر (نزدیک شوید زیرا آنان مردان (حقجو و حقگو) را به هلاکت می افکنند .

حدیث:

- 509 عن النبی صلی الله علیه و آله قال : لایومر احد علی عشره فما فوقهم الا جیء به یوم القیامه مغلوله یداه فان کان محسنا فك عنه و ان کان مسیئا یزید غلا علی غله.

ترجمه:

- 509 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ کس بر ده نفر یا بیشتر امیری و ریاست نمی کند مگر اینکه در روز قیامت با دستان غل و زنجیر شده آورده می شود پس اگر (در زمان ریاستش) نیکوکار بوده و غل و زنجیر از او برداشته می شود و اگر بدکار بوده و بر غل و زنجیرش افزوده می گردد .

حدیث:

- 510 عن الصادق عن آبائه عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال : الا و من تولى عرافه قوم اتی یوم القیامه و یداه مغلولتان الی عنقه فان قام فیهم بامر الله اطلقه الله و ان کان ظالما هوی به فی نار جهنم و بئس المصیر.

ترجمه:

- 510 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود : که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث مناهی فرموده است : آگاه باشید که هر کس کارگزاری گروهی را به عهده گیرد در روز قیامت با دستانی به گردن زنجیر شده می آید پس اگر در بین آن گروه به دستور خدا قیام نموده باشد خداوند او را آزاد می سازد ولی اگر به ستم رفتار کرده باشد در آتش جهنم افکنده می شود و بد بازگشتگاهی است .

- 51 باب استحباب لزوم المنزل غالبا مع التیان بحقوق الاخوان لمن یشق علیه اجتناب مفسد العشره

- 51 باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالبا در خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند

حدیث:

- 511 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان قدرتم ان لاتعرفوا فافعلوا و ما علیك ان لم یثن

الناس عليك و ما عليك ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت عندالله محمودا - الى ان قال : - ان قدرت على ان لا تخرج من بيتك فافعل فان عليك في خروجك ان لاتغتتاب و لا تكذب و لاتحسد و لاترائي و لاتتصنع و لاتداهن ثم قال : نعم صومعه المسلم بيته يكف فيه بصره و لسانه و نفسه و فرجه.

ترجمه:

- 511 امام صادق عليه السلام فرمود: اگر می توانید که شناخته نشوید پس چنین کنید، و وقتی که تو در نزد خداوند پسندیده و ستوده ای ، ثنا نکردن مردم بر تو، چه زیانی به تو می رساند و نکوهش نمودن مردم بر تو، چه ضرری برای تو دارد. - تا آنجا که فرمود: - اگر می توانی که از خانه ات بیرون نروی چنین کن زیرا بر تو سزاوار است که در بیرون رفتنت به غیبت نیفتی و دروغ نگویی و حسد نوری و ریا و خودنمایی نکنی و ظاهر سازی ننمایی و چاپلوسی نکنی ، و ه که خانه چه کنج عزلت خوبی برای مسلمان است که در آن جلو چشم و زبان و نفس و عورت خود را می گیرد (و آنها را از ارتکاب گناه باز می دارد).

حدیث:

- 512 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال له رجل : جعلت فداك رجل عرف هذا الامر لزم بيته و لم تيعرف الى احد من اخوانه قال : كيف يتفقه هذا في دينه ؟

ترجمه:

- 512 مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: قدايت شوم ، مردی از شیعیان هست که به امامت شما آگاه است ولی پیوسته در خانه اش می ماند و طالب شناخت هیچ يك از برادرانش نیست . حضرت فرمود: چنین کسی چگونه در دینش فهم پیدا می کند؟

حدیث:

- 513 عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام فی حدیث طویل انه قال : يا هشام الصبر على الوحدة علامه قوه العقل فمن عقل عن الله اعتزل اهل الدنيا و الراغبين فيها و رغب فيما عندالله و كان الله انسه في الوحشه و صاحبه في الوحدة و غناه في العيله و معزه من غير عشيره.

ترجمه:

- 513 امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود : ای هشام ! صبر نمودن بر تنهایی نشانه توانایی عقل است پس کسی که خداوند را درك کند از اهل دنیا و میل کنندگان به دنیا کناهرگیری می کند و به آنچه که در نزد خداوند است رغبت و میل پیدا می کند و خداوند مونس و حشت او و همدم تنهایی او می شود و در هنگام فقر، غنای او به خداوند است و بدون اینکه قوم و قبیله ای داشته باشد خداوند عزت دهنده اوست .

حدیث:

- 514 عن الفضیل قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : طوبی لكل عبد لومه عرف

الناس قبل ان يعرفوه.

ترجمه:

- 514 فضیل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خوشا به حال هر بنده ای نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیا طلبی ملامت کند (و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد).

حدیث:

- 515 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث قال : طوبی لمن لزم بینه و اکل کسرتة و بکی علی خطیئته و کان من نفسه فی تعب و الناس منه فی راحة.

ترجمه:

- 515 امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: خوشا به حال هر بنده نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیا طلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد.

حدیث:

- 516 عن ابی عبدالله علیه السلام عن آبائه عن علی علیه السلام قال : ثلاث منجیات تکف لسانک و تبکی علی خطیئتك و یسعک بیتک.

ترجمه:

- 516 امام صادق علیه السلام از پدرانش و ایشان از علی علیه السلام روایت کنند که فرمود: سه چیز است که مایه نجات است: زیارت را نگاه دای و بر گناهت گریه کنی و خانه ات برای تو فراخ باشد (و به خاطر رفتار خود یا خانواده ات از خانه خود گریزان نباشی).
(مرحوم شیخ حر عاملی گوید: وجه جمع بین این اخبار و اخباری که از رهبانیت و بریدن از مردم نهی می کنند این است که اخبار این باب چنانکه در عنوا باب گذشت بر مواردی حمل می شود که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای شخص دشوار است).

- 52 باب تحریم اختال دنیا بالدين

- 52 باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین

حدیث:

- 517 عن یونس بن طبیان قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله عزوجل یقول : ویل للذین یختلون الدنیا بالدين و ویل للذین یقتلون الذین یامرون بالقسط من الناس و ویل للذین یرسبون فیهم بالتقیة اءبی یغترون ام علی یجترءون ؟ فبی حلفت لا تیحن لهم فتنه تترك الحلیم منهم حیران.

ترجمه:

- 517 یونس بن طبیان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: همانا خداوند عزوجل می فرماید: وای بر کسانی که (مردمان) دنیا

را به وسیله دین می فریبند و وای بر کسانی که مردمانی را که به عدل و داد فرمان می دهند می کشند و وای بر کسانی که مومن در میان آنان با حالت تقیه سیر می کند. آیا به خاطر (صبر و مدارای) من فریفته می گردند یا بر من دلیری می کنند؟ پس به خودم سوگند که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که آن فتنه شخص بردبار را هم سرگشته و حیران می گرداند.

حدیث:

- 518 عن رسول الله صلى الله عليه و آله انه قال في آخر خطبه خطبها: و من عرضت له دنیا و آخره فاختار الدنيا و ترك الآخرة لقي الله و ليست له حسنة يتقى بها النار و من احد الآخرة و ترك الدنيا لقي الله يوم القيامة و هو عنه راض.

ترجمه:

- 518 رسول خدا صلى الله عليه و آله در آخرین خطبه ای که خواند فرمود: هر کس که دنیا و آخرت به او عرضه گردد و او دنیا را بر آخرت برگزیند خداوند را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به وسیله آن از آتش دوزخ حفظ شود همراه او نیست ولی کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را ترك کند خداوند را در روز قیامت در حالتی دیدار خواهد کرد که از وی خوشنود است.

حدیث:

- 519 عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام قال : ان الله تبارك و تعالى انزل كتابا من كتبه على نبي من انبيائه و فيه انه سيكون خلق من خلقى يلحسون الدنيا بالدين يلبسون مسوك الضان على قلوب كقلوب الذئاب اشد مراره من الصبر و السنتهم احلى من العسل و اعمالهم الباطنه انتن من الجيف افبى يغترون ام اياى يخادعون ام على يجترون ؟ فبعزتي حلفت لا تيجن لهم فتنه تطا فى خطامها حتى تبلغ اطراف الارض تترك الحليم منهم حيران.

ترجمه:

- 519 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود: همانا که خداوند تبارك و تعالى کتابی از کتابهایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن کتاب آورد که: به زودی گروهی از آفریدگان من پا به عرصه وجود خواهند گذارد که دنیا را به وسیله دین می لیسند و پوستهای میش را بر خود می پوشند ولی قلبهایی همچون قلب گرگها دارند و دلهایی که از (صبر زرد) هم تلخ ترند و زبانهایشان شیرین تر از عسل و کردارهای پنهانی آنان بدبوتر از مردار است آیا مرا فریب می دهند یا به من نیرنگ می زنند و یا اینکه بر من دلیری می کنند پس به عزتم سوگند می خوردم که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که مهارش رهاست تا آنجا که آن فتنه به اطراف و جوانب زمین می رسد و شخص بردبار را (نیز) سرگردان و حیران و می گذارد.

- 53 باب وجوب تسكين الغضب عن فعل الحرام و ما يسكن به

- 53 باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند
حدیث:

- 520 قال ابو عبدالله عليه السلام : انما المومن الذی اذا غضب لم یخرجه غضبه من حق و اذا رضى لم یدخله رضاه فی باطل و اذا قدر لم یأخذ اکثر مما له.
ترجمه:

- 520 امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که مومن کسی است که در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و در هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش وی را به باطل داخل نکند و در هنگام قدرت و توانایی بیش از آنچه که متعلق به خود اوست را نگیرد .
حدیث:

- 521 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الغضب یفسد الایمان کما یفسد الخل العسل.
ترجمه:

- 521 امام صادق علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خشم ایمان را تباه می کند همچنانکه سرکه باعث تباهی و فساد عسل می گردد .
حدیث:

- 522 قال ابو عبدالله علیه السلام : الغضب مفتاح کل شر.
ترجمه:

- 522 امام صادق علیه السلام فرمود: خشم کلید هر بدی است .
حدیث:

- 523 عن میسر قال ذکر الغضب عند ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیغضب فما یرضی ابدا حتی یدخل النار فایما رجل غضب علی قوم و هو قائم فلیجلس من فوره ذلک فانه یدهب عنه رجز الشیطان و ایما رجل غضب علی ذی رحم فلیدن منه فلیمسه فان الرحم اذا مست سکنت.
ترجمه:

- 523 میسر گوید: در نزد امام باقر علیه السلام سخن از خشم به میان آمد، حضرت فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد خشمگین می شود و هرگز خوشنود نمی شود مگر اینکه داخل دوزخ شود. پس هر مردی که بر قومی خشم گرفت اگر در حالت ایستاده است سریعاً بنشیند زیرا این نشستن ، پلیدی شیطان را از او می زداید و هر مردی که بر خویشاوند خود خشمگین شد باید به او نزدیک شود و با او تماس حاصل کند زیرا اگر با خویشاوندان تماس حاصل شود آرامش پیدا می کند .
حدیث:

- 524 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رجل للنبی صلی الله علیه و آله : یا رسول الله علمنی فقال : اذهب فلا تغضب.

ترجمه:

- 524 امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! چیزی به من بیاموز، حضرت فرمود: برو و خشمگین مشو.

حدیث:

- 525 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من كف نفسه عن اعراض الناس اقال الله نفسه يوم القيامة و من كف غضبه عن الناس كف الله تبارك و تعالی عنه عذاب يوم القيامة.

ترجمه:

- 525 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان نگهداری کند خداوند نیز در روز قیامت از (عذاب) او خودداری می کند و کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت عذابش را از وی باز می دارد .

حدیث:

- 526 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : سمعت ابی يقول : اتی رسول الله صلی الله علیه و آله رجل بدوی فقال انی اسکن البادیه فعلمنی جوامع الکلم فقال : امرک ان لاتغضب فاعاد علیه الاعرابی المساله ثلاث مرات حتی رجع الرجل الی نفسه فقال : لاسال عن شیء بعد هذا ما امرنی رسول الله صلی الله علیه و آله الا بالخیر قال و کان ابی يقول : ای شیء اشد من الغضب ؟ ان الرجل لیغضب قیقتل النفس التي حرم الله و یقذف المحصنه.

ترجمه:

- 526 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: مردی بیابانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من در بیابان زندگی می کنم به من سخنی بیاموز که الفاظ آن اندک و معانی آن بسیار باشد . حضرت فرمود: تو را امر می کنم که خشمگین نشوی . پس آن بیابان نشین سوال خود را تا سه مرتبه تکرار کرد تا اینکه آن مرد به خود بازگشت و با خود گفت : دیگر پس از این چیزی نمی پرسم زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله جز به خیر مرا دستور نداده است . امام صادق علیه السلام فرمود: پدر می فرمود: چه چیزی از غضب کردن سخت تر و بدتر است ؟ زیرا شخص غضب می کند و در نتیجه نفسی را که خداوند آن را محترم دانسته می کشد و یا در حالت غضب ، به زن شوهردار نسبت ناروا می دهد .

حدیث:

- 527 عن عبد الاعلى قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : علمنی عظه اتعظ بها فقال : ان رسول الله صلى الله عليه و آله اتاه رجل فقال : يا رسول الله صلى الله عليه و آله علمنی عظه اتعظ بها فقال : انطلق فلا تغضب ثم عاد اليه فقال انطلق فلا تغضب ثلاث مرات.

ترجمه:

- 527 عبدالاعلى گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : مرا موعظه ای بیاموز تا از آن اندرز گیرم و عبرت پذیرم . حضرت فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد و همین درخواست را از ایشان نمود و رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: برو و خشمناك مشو. سپس آن مرد تا سه مرتبه درخواست خود را تکرار نمود و حضرت نیز در هر بار فرمود: برو و خشمگین مشو .

حدیث:

- 528 عن سيف بن عميره عن سمع ابا عبدالله عليه السلام يقول : من كف غضبه ستر الله عورته.

ترجمه:

- 528 سيف بن عميره از کسی که از امام صادق عليه السلام شنیده بود روایت کند که حضرت فرمود: کسی که جلو خشمش را بگیرد خداوند نقصها و کاستی های او را می پوشاند .

حدیث:

- 529 عن ابي جعفر عليه السلام قال : مكتوب في التوراه فيما ناجى الله به موسى عليه السلام يا موسى ن امسك غضبك عن ملكتك عليه اكف عنك غضبي.

ترجمه:

- 529 امام باقر عليه السلام فرمود: در کتاب تورات در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی عليه السلام آمده است : ای موسی ! جلو خشمش را درباره کسی که تو را صاحب اختیار او گردانیده ام بگیر تا من نیز خشمم را از تو باز دارم .

حدیث:

- 530 قال ابو عبدالله : الغضب ممحقه لقلب الحكيم و قال : من لم يملك غضبه لم يملك عقله.

ترجمه:

- 530 امام صادق عليه السلام فرمود: خشم ، قلب شخص حکیم را تباہ می کند و فرمود: کسی که مالک خشم خود نباشد مالک عقل خود نیست .

حدیث:

- 531 عن ابي جعفر عليه السلام قال : ان هذا الغضب جمره من الشيطان توقد في قلب ابن آدم و ان احدكم اذا غضب احمرت عيناه و انتفخت اوداجه و دخل الشيطان فيه فاذا خاف

احدكم ذلك من نفسه فليلزم الارض فان رجز الشيطان ليذهب عنه عند ذلك.

ترجمه:

- 531 امام باقر عليه السلام فرمود: همانا این خشم ، پاره آتشی از شیطان است که در قلب فرزند آدم افروخته می شود و همانا کسی از شما آنگاه که خشمگین می شود چشمانش سرخ و رگه‌هایش بر آمده می شود و شیطان در درون او وارد می گردد پس هرگاه یکی از شما درباره خود از این حالت خشم ترسان باشد به زمین بنشیند زیرا پلیدی شیطان در این هنگام از وجود او می رود .

حدیث:

- 532 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كف غضبه عن الناس كف الله عنه عذاب يوم القيامة.

ترجمه:

- 532 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند نیز در روز قیامت عذابش را از او باز می دارد .

حدیث:

- 533 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : مر رسول الله صلى الله عليه و آله بقوم يتشايلون حجرا فقال : ما هذا؟ فقالوا: نختبر اشدنا و اقوانا فقال : الا اخبركم بالشدكم و اقواكم ؟ قالوا: بلى يا رسول الله قال : اشدكم و اقواكم الذی اذا رضى لم يدخله رضاه فی اثم و لا باطل و اذا سخط لم يخرج منه سخطه من قول الحق و اذا ملك لم يتعاط ما ليس له بحق.

ترجمه:

- 533 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به گروهی گذر کرد که سنگی را بلند کرده و حمل می کردند، حضرت فرمود: این چیست ؟ عرض کردند: با این کار مقاوم ترین و قوی ترین را می آزمایشیم . حضرت فرمود : آیا شما را خبردار سازم که مقاوم ترین و قوی ترین شما کیست ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: مقاوم ترین تواناترین شما کسی است که هرگاه خوشنود باشد خوشنودی اش او را به گناه و باطل نیفکند و هرگاه خشمگین باشد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و هرگاه استیلا و تسلط پیدا کند چیزی را که حق او نیست به ناحق نگیرد .

حدیث:

- 534 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الحواریون لعیسی علیه السلام : ای الاشیاء اشد؟ قال : اشد الاشیاء غضب الله عزوجل . قالوا: بما تنقی غضب الله ؟ قال : بان لاتغضبوا. قالوا: و بدء الغضب ؟ قال : الکبر و التجبر و محقره الناس.

ترجمه:

- 534 امام صادق علیه السلام فرمود: حواریون به حضرت عیسی علیه السلام عرض کردند:

سخت ترین چیز چیست ؟ حضرت فرمود: سخت ترین چیزها خشم خداوند عزوجل است .
عرض کردند: به چه وسیله ای از خشم خدا در امان باشیم ؟ فرمود: به اینکه بر دیگران خشم
مگیرید. عرض کردند: آغاز و قطع شروع خشم چیست ؟ فرمود: خود بزرگ بینی و تکبر و
کوچک شمردن مردمان .

حدیث:

- 535 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كف نفسه عن اعراض الناس كف الله عنه عذاب
يوم القيامة و من كف غضبه عن الناس اقاله الله نفسه يوم القيامة.

ترجمه:

- 535 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان باز دارد
خداوند عذاب روز قیامت را از او باز خواهد داشت و کسی که خشمش را از مردم نگاه دارد
خداوند در روز قیامت او را حفظ می کند .

حدیث:

- 536 عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام اله ذكر عنده الغضب فقال : ان الرجل
ليغضب حتى ما يرضى ابدا و يدخل بذلك النار فايما رجل غضب و هو قائم فليجلس فانه
سيذهب عنه رجس الشيطان و ان كان جالسا فليقم و ايما رجل غضب على ذى رحم فليقم
اليه و ليدن منه و ليمسه فان الرحم اذا مست الرحم سكنت.

ترجمه:

- 536 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که در نزد ایشان درباره غضب
سخن به میان آمد و ایشان فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد خشمگین می شود تا جایی که
هرگز خشمش فرو نمی نشیند و خوشنود نمی شود و به خاطر آن به دوزخ داخل می گردد
پس هر مردی که در حال ایستاده به خشم آمد باید بنشیند زیرا در این صورت به زودی پلیدی
شیطان از او بیرون می رود و اگر نشسته بود باید بایستد و هر مردی که بر خویشاوند خود
خشم گرفت باید به سوی او رود و به او نزدیک شود و با او تماس گیرد زیرا خویشاوند هنگامی
که خویشاوند خود را لمس کند آرامش می یابد .

حدیث:

- 537 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ثلاث من كن فيه يستكمل خصال الايمان الذی اذا
رضی لم يدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم يخرجه غضبه من الحق و اذا قدر لم يتعاط ما
لیس له.

ترجمه:

- 537 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه چیز در او
باشد خصلتهای ایمان را به صورت کامل دارا گشته است : اینکه کسی در هنگام خوشنودی ،
خوشنودی اش او را در باطل وارد نکند و اینکه در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون

نبرد و اینکه در هنگام قدرت و توانایی چیزی را که از آن او نیست به ناحق نگیرد .

- 54 باب وجوب ذکر الله عند الغضب

- 54 باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم

حدیث:

- 538 قال ابو عبدالله عليه السلام : اوحى الله عزوجل الى بعض انبياءه يا ابن آدم اذكرني في غضبك اذكرك في غضبي لا امحك فيمن امحق و ارض بى منتصرا فان انتصاري لك خير من انتصارك لنفسك.

ترجمه:

- 538 امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشم یاد کن تا من نیز تو را در هنگام خشم یاد کنم و تو را در زمره کسانی که نابودشان می سازم نابود نگردانم و به اینکه من انتقامت را از دشمنت بستانم راضی و خوشنود باشد زیرا انتقام گیری من برای تو بهتر است از اینکه خودت دست بکار شوی و انتقام خود از وی بستانی .

حدیث:

- 539 و فی حدیث آخر زاد: و اذا ظلمت بمظلمه فارض بانتصاري لك فان انتصاري لك خير من انتصارك لنفسك.

ترجمه:

- 539 و در حدیث دیگری اضافه نموده است که : و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام گیری من از آن ستمکار خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو می گیرم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری .

حدیث:

- 540 عن اسحاق بن عمار قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان في التوراه مكتوبا يا ابن آدم اذكرني حين تغضب اذكرك عند غضبي فلا امحك فيمن امحق و اذا ظلمت بمظلمه فارض بانتصاري لك فان انتصاري لك خير من انتصارك لنفسك.

ترجمه:

- 540 اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: همانا در تورات نوشته شده است که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشم به یاد آور تا تو را در هنگام خشم به یاد آورم پس تو را در زمره هلاک شوندگان به هلاکت نمی رسانم و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام من از دشمنت خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو از وی می کشم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری.

- 55 باب تحريم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغبطه

- 55 باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطه

حدیث:

- 541 قال ابو جعفر عليه السلام : ان الرجل لياتى باذنى بادره فيكفر و ان الحسد لياكل الايمان كما تاكل النار الحطب.

ترجمه:

- 541 امام باقر عليه السلام فرمود: همانا (گاه باشد که) مردم کوچکترین تندی و تیزی خشم را به جای می آورد و در نتیجه کارش به کفر می انجامد و همانا حسد ایمان را می خورد همچنانکه آتش هیزم را می خورد .

حدیث:

- 542 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان الحسد لياكل الايمان كما تاكل النار الحطب.

ترجمه:

- 542 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا که حسد ایمان را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد .

حدیث:

- 543 عن داود الرقي قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اتقوا الله و لا يحسد بعضكم بعضا.

ترجمه:

- 543 داود رقی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و کسی از شما بر دیگری حسد نرزد.

حدیث:

- 544 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كاد الفقر ان يكون كفرا كاد الحسد ان يغلب القدر.

ترجمه:

- 544 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد و نزدیک است که حسد بر قضا و قدر چیره شود .

حدیث:

- 545 قال ابو عبدالله عليه السلام : آفه الدين الحسد و العجب و الفخر.

ترجمه:

- 545 امام صادق علیه السلام فرمود: آفت دینداری حسد و خودبینی و فخر فروشی است .

حدیث:

- 546 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله عزوجل لموسى بن عمران : يا ابن عمران لا تحسدن الناس على ما اتيهم من فضلى و لاتمدن عينيك الى ذلك و لاتتبعه نفسك فان الحاسد ساخط لنعمتى صاد لقسمى الذى

قسمت بین عبادی و من يك كذلك فلسست منه و ليس منی.

ترجمه:

- 546 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل به حضرت موسی بن عمران علیه السلام فرمود: این پسر عمران ! بر مردم به آنچه که من از فضل خود به آنان داده ام حسد میر و بر داشته های آنان چشم مدوز و نفست را در پی آنها نفرست زیرا شخص حسود بر نعمت من خشمگین و ناخشنود است و از آن قسمتی که بین بندگانم روا داشته ام روی گردان است و کسی که چنین باشد نه من از آن اویم و نه او از برای من است .

حدیث:

- 547 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان المومن یغبط و لا یحسد و المنافق یحسد و

لا یغبط.

ترجمه:

- 547 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا مومن غبطه ⁽¹⁴²⁾ می خورد ولی حسد نمی ورزد و منافق حسد می ورزد ولی غبطه نمی خورد .

حدیث:

- 548 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاثة لم ینج منها نبی فمن دونه التفکر فی الوسوسة فی الخلق و الطیره و الحسد الا ان المومن لا یتعمل حسده.

ترجمه:

- 548 امام صادق علیه السلام سه چیز است که هیچ پیامبر و پایین تر از پیامبری از آن سه چیز خلاصی ندارد: یکی اندیشیدن در تحریکات شیطانی درباره امر آفرینش و دیگری فال بد زدن و دیگری حسد، جز اینکه مومن حسدش را اعمال نمی کند .

حدیث:

- 549 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی انھاک عن ثلاث خصال الحسد و الحرص و الکبر.

ترجمه:

- 549 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که : ای علی ! تو را از داشتن سه خصلت نهی می کنم : حسد ورزیدن و حرص و خودبزرگ بینی .

حدیث:

- 550 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اصول الکفر ثلاثة الحرص و الاستکبار و الحسد.

ترجمه:

- 550 امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و بزرگ منشی

نمودن و حسد ورزیدن .

حدیث:

551- عن ابی الحسن علی به موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : دب اليكم داء الامم قلبكم البغضاء و الحسد.

ترجمه:

551- امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: درد امت های پیشین به شما هم سرایت کرده است که آن درد دشمنی نمودن و حسد ورزیدن است .

حدیث:

552- عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : حسد الصديق من سقم الموده.

ترجمه:

552- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حسد ورزیدن دوست ، ناشی از ناسلام بودن دوستی است .

حدیث:

553- و قال علیه السلام : صحه الجسد من قله الحسد.

ترجمه:

553- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سلامت بدن نشانه کمی حسد است .

حدیث:

554- علی بن جعفر عن اخیه موسی به جعفر علیه السلام عن ابیه عن جده قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ذات يوم لاصحابه : الا انه قد دب اليكم داء الامم من قبلکم و هو الحسد ليس بحالق الشعر لكنه خالق الدين و ینجی فیه ان یکف الانسان یده و یخزن لسانه و لایکون ذا غمر علی اخیه المومن.

ترجمه:

554- علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام و ایشان از پدرش و ایشان از جدش روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله روزی به اصحابش فرمود: آگاه باشید که مرض امتهای گذشته به شما نیز سرایت کرده و آن مرض حسد است این مرض موی را نمی سترد (نمی تراشد) بلکه دین را می تراشد و چیزی که در حال حسد نجات بخش است این است که آدمی دستش را (از تجاوز به محسود) باز دارد و زبانش را نگاه دارد و نسبت به برادر مومن خود کینه نداشته باشد .

56- باب جمله مما عفی عنه

56- باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند

حدیث:

555- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : رفع عن امتی تسعه اشياء الخطا و النسيان و ما اكرهوا عليه و ما لا يعلمون و ما لا يطيقون و ما اضطرو اليه و الحسد و الطيره و التفكير فى الوسوسة فى الخلق ما لم ينطقوا بشقه.

ترجمه:

555- امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه چیز برداشته شده است : خطا و فراموشی و کاری که بر انجام آن مجبور شوند و آنچه که نمی دانند و آنچه که از توان و طاقت آنان بیرون است و آنچه که در حال اضطرار انجام می دهند و حسد (تا زمانی که در دل باشد و آن را اعمال نکنند) و فال بد زدن و تفکر در اندیشه های پریشان در امر آفرینش تا زمانی که بر زبان نیاورند (و در حد فکر باقی بماند).

حدیث:

556- عن ايب عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : رفع عن امتی اربع خصال خطوها و نسيانها و ما اكرهوا عليه و ما لم يطيقوا و ذلك قول الله عزوجل : (ربنا لا تواخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا و لا تحمل علينا اصرار كما حملته على الذين من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به) و قوله : (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان).

ترجمه:

556- امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) چهار خصلت برداشته شده است : خطای آنان و فراموش نمودنشان و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و آنچه که طاقت آن را ندارند و گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید: ای پروردگار ما! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم ما را مواخذه مکن . ای پروردگار ما! بار آنگونه که بر پیشینیان ما حمل نمودی بر ما حمل مکن و آنچه را که طاقت و توان آن را نداریم بر گرده ما مگذار (143) (و گفتار خدا که می فرماید) : مگر کسی که مجبور شده است در حالی که قلبش به ایمان آرمیده است. (144)

حدیث:

557- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : وضع عن امتی تسع خصال الخطا و النسيان و ما لا يعلمون و ما لا يطيقون و ما اضطروا اليه و ما استكروهوا عليه و الطيره و الوسوسة فى التفكير فى الخلق و الحسد ما لم يظهر بلسان او يد.

ترجمه:

557- امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه خصلت برداشته شده است : خطا و فراموشی و آنچه که نمی دانند و آنچه که طاقتش را ندارند و آنچه که در حال اضطرار انجام می دهند و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و فال بد زدن و اندیشه های پریشان در امر آفرینش و حسد تا زمانی که آثار

حسد بر زبان یا دست آشکار نگردد .

- 57 باب تحریم التعصب علی غیر الحق

- 57 باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق

حدیث:

- 558 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب او تعصب له فقد خلع ربقه الايمان من عنقه.

ترجمه:

- 558 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از چیزی طرفداری مصرانه و نابجا کند یا اینکه از جانب دیگران به نفع او طرفداری نابجا شود (و او خوشنود باشد) محققا که ریسمان ایمان را از گردن خویش باز کرده است .

حدیث:

- 559 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من كان في قلبه حبه من خردل من عصبه بعثه الله يوم القيامة مع اعراب الجاهليه.

ترجمه:

- 559 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در دلش به اندازه دانه ای خردل تعصب کورکورانه و نابجا باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت بر می انگیزد .

حدیث:

- 560 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب عصبه الله بعصابه من نار.

ترجمه:

- 560 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که تعصب و طرفداری کورکورانه و نابجا بورزد خداوند او را به دستاری از آتش می پیچد.

حدیث:

- 561 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : لم يدخل الجنة حمیه غیر حمیه حمزه بن عبدالمطلب و ذلك حين اسلم غضبا للنبي صلى الله عليه و آله في حديث السلي الذي القى على النبي صلى الله عليه و آله.

ترجمه:

- 561 امام سجاد علیه السلام فرمود: هیچ حمیت و خشمی داخل بهشت نمی شود بجز خشمی که حمزه بن عبدالمطلب اعمال نمود و آن زمانی بود که در جریان انداخته شدن بچه دان گوسفند بر سر مبارك پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف مشرکین ، حضرت حمزه به خشم آمد و اسلام آورد .

حدیث:

- 562 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الملائکه کانوا یحسبون ان ابلیس منهم و کان فی علم الله انه لیس منهم فاستخرج ما فی نفسه بالحمیه و الغضب و قال خلقتنی من نار و خلقتہ من طین.

ترجمه:

- 562 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا فرشتگان می پنداشتند که ابلیس از آنان است ولی در علم خداوند ابلیس از فرشتگان نبود و او به خاطر غیرت نابجا و خشم ، آنچه را که در درون داشت بیرون ریخت و گفت : خدایا تو مرا از آتش آفریدی و آدم را از گل (بنابراین من از او برترم و در مقابل او سجده نمی کنم .)

حدیث:

- 563 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الله یعذب الستة بالسته العرب بالعصیه و الدهاقین بالکبر و الامراء بالجور و الفقهاء بالحسد و التجار بالخیانه و اهل الرساتیق بالجهل.

ترجمه:

- 563 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا خداوند شش گروه را به خاطر شش خصلت عذاب می کند: عرب را به خاطر تعصب نابجا و روسا را به خاطر تکبر و خود بزرگ بینی و امیران را به خاطر ستمکاری و دانشمندان را به خاطر حسد و بازرگانان را به خاطر خیانت و ناراستی و روستائیان را به خاطر نادانی .

حدیث:

- 564 سئل علی بن الحسین علیه السلام عن العصیه فقال : العصیه التی یأثم علیها صاحبها ان یری الرجل شرار قومه خیرا من خیار قوم آخرین و لیس من العصیه ان یحب الرجل قومه و لکن من العصیه ان یعین الرجل قومه علی الظلم.

ترجمه:

- 564 از امام سجاد علیه السلام درباره تعصب سوال شد. حضرت فرمود: آن تعصبی که دارنده آن گناهکار است این است که مردی بدان قوم خود را بهتر از خوبان قوم دیگران بپندارد اما اینکه مردی قوم خود را دوست بدارد از تعصب نیست بلکه تعصب آن است که مردی قوم خود را بر انجام ستم یاری کند .

حدیث:

- 565 عن العمی رفعه قال : من تعصب حشره الله یوم القیامه مع اعراب الجاهلیه.

ترجمه:

- 565 عمی از معصوم علیه السلام روایت کند که : کسی که تعصب نابجا داشته باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت محشور خواهد ساخت .

- 58 باب تحریم التکبر

- 58 باب تحریم خود بزرگ بینی

حدیث:

- 566 عن حکیم قال سالت ابا عبدالله عليه السلام عن الالحاد قال : ان الکبر اذناه.

ترجمه:

- 566 حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه کفر و بی دینی پرسیدم . حضرت فرمود: همانا پایین ترین درجه کفر تکبر ورزیدن است .

حدیث:

- 567 عن ابی عبدالله عليه السلام قال قال ابو جعفر عليه السلام العز رداء الله و الکبر ازاره فمن تناول شیئا منه اکبه الله فی جهنم.

ترجمه:

- 567 امام صادق علیه السلام روایت کند که : امام باقر علیه السلام فرمود: ارجمندی بالا پوش خدا و بزرگ منشی زیر پوش اوست پس هر کس چیزی از آن دو را برای خود برگیرد خداوند او را به رو در آتش جهنم می افکند .

حدیث:

- 568 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : الکبر رداء الله فمن نازع الله شیئا من ذلك اکبه الله فی النار.

ترجمه:

- 568 امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگ منشی بالا پوش خداست پس کسی که با خداوند در این باره به کشمکش برخیزد خداوند او را به رو در آتش خواهد افکند .

حدیث:

- 569 عن ابی جعفر و ابی عبدالله عليه السلام قالا: لا یدخل الجنة من فی قلبه مثقال ذره من کبر.

ترجمه:

- 569 از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت است که : کسی که در قلبش به اندازه ذره ای کبر و خود بزرگ بینی باشد به بهشت وارد نمی شود .

حدیث:

- 570 عن ابی جعفر عليه السلام قال : الکبر رداء الله و المتکبر ینزع الله رداءه.

ترجمه:

- 570 امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگ منشی بالا پوش خداوند است و کسی که تکبر می ورزد با خداوند درباره آن به کشمکش بر می خیزد .

حدیث:

- 571 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ان فی جهنم لوادیا للمتکبرین یقال له سقر شکا الی الله عزوجل شده حره و ساله عزوجل ان یاذن له ان یتنفس فتنفس فاحرق جهنم.

ترجمه:

- 571 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که در جهنم صحرایی برای متکبران است که به آن سفر (گفته می شود که این صحرا از شدت گرمایش به خداوند عزوجل شکایت می کند و از خداوند درخواست می کند که به او اجازه دهد که نفسی بکشد پس چون نفس می کشد جهنم شعله ور می گردد .

حدیث:

- 572 عن داود بن فرقد عن اخيه قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان المتكبرين يجعلون في صور الذر تتوطوهم الناس حتى يفرغ الله من الحساب.

ترجمه:

- 572 داود بن فرقد از برادرش روایت کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا افراد متکبر در روز قیامت به صورت مورچه در می آیند و مردم آنان را پایمال می کنند تا اینکه خداوند از حساب خلائق فارغ شود.

حدیث:

- 573 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ما من عبد الا و في راسه حكمه و ملك يمسكها فاذا تكبر قال له : اتضع وضعك الله فلا يزال اعظم الناس في نفسه و اصغر الناس في اعين الناس و اذا تواضع رفعها الله عزوجل ثم قال له : انتعش نعشك الله فلا يزال اصغر الناس في نفسه و ارفع الناس في اعين الناس.

ترجمه:

- 573 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست جز اینکه در سر او دهانه و لگامی هست که فرشته ای آن را نگاهداشته است پس هرگاه بنده ای تکبر نمایند آن فرشته به وی می گوید (نفرین کند): فرود آی که خداوند تو را فرومایه و پست کند، پس او پیوسته در نفس خودش خود را بلند مرتبه ترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان کوچکترین مردم است . و هنگامی که تواضع و فروتنی نماید خداوند عزوجل او را بلند مرتبه می گرداند سپس فرشته به او می گوید (دعا می کند): (فراز آی که خداوند تو را بلند مرتبه گرداند، پس وی پیوسته در درون خود خود را کوچکترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان بلند پایه ترین مردم است .

حدیث:

- 574 عن ابي عبدالله عليه السلام في وصيته لاصحابه قال : و اياكم و العظمه و الكبر فان الكبر رداء الله عزوجل فمن نازع الله رداءه قصمه الله و اذله يوم القيامة.

ترجمه:

- 574 امام صادق علیه السلام در سفارشی به اصحابش فرمود: از بزرگی نمودن و کبر بر حذر باشید زیرا بزرگ منشی بالاپوش خداوند عزوجل است پس کسی که در بزرگ منشی با

خداوند به کشمکش برخیزد خداوند او را درهم می شکند و در روز قیامت وی را خوار می سازد .

حدیث:

- 575 عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام : ان عليا عليه السلام قال : ما احد من ولد آدم الا و ناصته بيد ملك فان تكبر جذبه بناصيته الى الارض ثم قال له : تواضع وضعك الله و ان تواضع جذبه بناصيته ثم قال له ارفع راسك رفعك الله و لاوضعك بتواضعك لله .

ترجمه:

- 575 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که : همانا علی علیه السلام فرمود: هیچکس از فرزندان آدم نیست جز اینکه موی پیشانی اش در دست فرشته ای است پس اگر تکبر ورزد وی را با موی پیشانی اش به زمین می کشد سپس به او می گوید: فروتن باش ، خدا فروت آورد. و اگر فروتنی کند موی پیشانی اش را می کشد سپس به او می گوید: سرت را بلند کن ، خدا تو را بالا برد و تو را به خاطر فروتنی ات فرود نیاورد .

حدیث:

- 576 عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان لابليس كحلا و لعوقا و سعوطا فكحله النعاس و لعوقه الكذب و سعوطه الكبر .

ترجمه:

- 576 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا شیطان سرمه ای دارد (که در چشم می ریزد) و داروی لیسیدنی دارد (که در دهان می ریزد) و دارویی دارد که در بینی می ریزد. اما سرمه او چرت زدن است و داروی لیسیدنی او دروغ است و دارویی که در بینی مردمان می ریزد کبر و بزرگی نمودن است .

حدیث:

- 577 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ثلاثة لا ينظر الله اليهم ثانی عطفه و مسبل ازاره خيلاء و المنفق سلعته بالايمن و الكبر ان الكبرياء لله رب العالمين .

ترجمه:

- 577 امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروهند که خداوند به آنها نظر (رحمت) نمی افکند: یکی آنکه متکبرانه روی خود را از دیگران بر می گرداند و دیگری آنکه از روی تکبر جامه بلند خویش بر زمین می کشد و دیگری آنکه کالای خود را با سوگند خوردن و بزرگی نمودن رواج می دهد. همانا بزرگ منشی مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است .

حدیث:

- 578 عن ابي جعفر عليه السلام قال : الكبر مطايا النار .

ترجمه:

- 578 امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگی نمودن (به منزله) مرکبی است که سوار

خود را به سوی آتش می برد .

حدیث:

- 579 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يحشر المتكبرون يوم القيامة في خلق الذر في صور الناس يوطئون حتى يفرغ الله من حساب خلقه ثم يسلك بهم الى النار يسقون من طينه خبال من عصاره اهل النار.

ترجمه:

- 579 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: افراد متکبر در روز قیامت به صورت انسانهایی به کوچکی مورچه محشور می گردند و مردم آنان را پایمال می کنند تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ گردد سپس آنان به سوی آتش روانه می شوند و از چرك تن دوزخیان که عصاره اهل دوزخ است به آنان نوشانده می شود .

حدیث:

- 580 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اكثر اهل جهنم المتكبرون.

ترجمه:

- 580 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بیشترین اهل جهنم متکبران هستند.

حدیث:

- 581 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ان احبكم الى و اقربكم منى يوم القيامة مجلسا احسنكم خلقا و اشدكم تواضعا و ان ابعدكم منى يوم القيامة الثرثارون و هم المستكبرون.

ترجمه:

- 581 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی خود روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا دوست داشتنی ترین شما در نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت کسی است که اخلاقش نیکوتر و فروتنی اش بیشتر باشد و همانا دورترین شما از من در روز قیامت یاوه گویان که همان خود خواهانند می باشند .

حدیث:

- 582 عن ابي عبد الله عليه السلام قال : كانت لرسول الله صلى الله عليه و آله ناقة لاتسبق فسبق اعرابيا بناقته فسبقها فاكتاب لذلك المسلمون فقال : رسول الله صلى الله عليه و آله : انها ترفعت و حق على الله ان لايرتفع شىء الا وضعه الله.

ترجمه:

- 582 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله ماده شتری (تندرو) داشت که شتری بر او پیشی نمی گرفت پس (روزی) در مسابقه با شتر عربی از شتر آن عرب عقب ماند، مسلمین از این واقعه افسرده خاطر شدند پس رسول خدا صلى الله عليه و آله

آله فرمود: همانا این شتر ماده خود را برتر شمرد (145) و بر خداند سزاوار است که هیچ چیزی خود را برتر از دیگری نشمرد جز اینکه خداوند او را فرود آورد.

- 59 باب تحریم التجبر و التیه و الاختیال

- 59 باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی

حدیث:

- 583 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ثلاثه لا یکلمهم الله و لا ینظر الیهم يوم القیامه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم شیخ زان و ملک جبار و مقل مختال .

ترجمه:

- 583 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خداوند با آنان سخن نگوید و در روز قیامت به آنان نظر نمی کند و آنان را پاک نمی گرداند و عذاب دردناکی برای آنان می باشد: یکی پیرمرد زناکار و دیگری پادشاه ستمگر و دیگری فقیر متکبر .

حدیث:

- 584 قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من احد یتیه الا من ذله یجدها فی نفسه.

ترجمه:

- 584 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کسی نیست که لاف بزرگی بزند مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد .

حدیث:

- 585 و فی حدیث آخر عن ابی عبدالله علیه السلام ما من رجل تکبر او تجبر الا لذله یجدها فی نفسه.

ترجمه:

- 585 و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ مردی نیست که تکبر بورزد یا خود را بزرگ بشمرد مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد .

حدیث:

- 586 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : الکبر قد یکون فی شرار الناس من کل جنس و الکبر رداء الله فمن نازع الله رداء لم یزده الا سفالا ان رسول الله صلى الله عليه و آله مر فی بعض طرق المدینه و سوداء تلقت السرقین فقیل لها: تنحی عن طریق رسول الله صلى الله عليه و آله فقالت : ان الطریق لمعرض فهم بها بعض القوم ان یتناولها فقال رسول الله صلى الله عليه و آله : دعوها فانها جباره.

ترجمه:

- 586 راوی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود : کبر در وجود بدترین کسان از

هر جنسی می باشد و کبر بالا پوش خداوند است پس هر کس در آن با خداوند به ستیز پردازد جز پستی و فرومایگی چیزی بر او افزوده نمی گردد. همانا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از یکی از کوچه های مدینه عبور می کرد و زنی سیاه سرکین حیوانات را از روی زمین جمع می کرد، به آن زن گفته شد: از جلو راه رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار رو. زن گفت: کوچه پهن و عریض است. برخی از اطرافیان پیامبر قصد کنار زدن زن را نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را واگذارید زیرا او متکبر و سرکش است.

حدیث:

- 587 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه انه قال : و ایاکم و التجبر علی الله و اعلموا ان عبدا لم یبتل بالتجبر علی الله الا تجبر علی دین الله فاستقیموا لله و لاتریدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خاسرین اجارنا الله و ایاکم من التجبر علی الله.

ترجمه:

- 587 امام صادق علیه السلام در توصیه به اصحابش فرمود: از تکبر و سرکشی نمودن در برابر خداوند بر حذر باشید و بدانید که هیچ بنده ای گرفتار تکبر ورزیدن بر خدا نمی شود جز اینکه بر دین خدا تکبر ورزیده است پس به خاطر خدا پایداری کنید و عقبگرد نکنید که زیانکار می گردید، خداوند ما و شما را از تکبر ورزیدن بر خدا برهاند.

حدیث:

- 588 عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان الله تبارک و تعالی لیبغض البیت اللحم و اللحم السمین فقال له بعض اصحابنا: یا ابن رسول الله انا لنحب اللحم و ما تخلو بیوتنا عنه فکیف ذلك فقال : لیس حیث تذهب انما البیت اللحم الذی توکل لحوم الناس فیه بالغیبه و اما اللحم السمین فهو المتجبر المتکبر المختال فی مشیته.

ترجمه:

- 588 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی خانه پر گوشت و شخص پر گوشت چاق را دشمن می دارد. راوی گوید: یکی از اصحاب ما به حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا! ما هم گوشت را دوست داریم و خانه های ما از گوشت خالی نیست پس چگونه است؟ (آیا این گفته شما شامل ما هم می شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو می پنداری بلکه مراد از) خانه پرگوشت (خانه ای است که در آن گوشت مردمان با غیبت نمودن آنان خورده می شود و مراد از) پرگوشت چاق (سرکش متکبر است که در راه رفتنش با خودپسندی راه می رود.

حدیث:

- 589 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الجبارون ابعد الناس من الله عزوجل یوم القیامه.

ترجمه:

- 589 امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین مردم از خداوند عزوجل در روز قیامت سرکشان

متکبر هستند.

حدیث:

- 590 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان فی جهنم لجبالا یقال له الصعدا و ان فی الصعدا لوادیا یقال له سقر و ان فی سقر لجبا یقال له هبهب كلما كشف عطاء ذلك الجب ضج اهل النار من حره ذلك منازل الجبارین.

ترجمه:

- 590 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا در جهنم کوهی است که به آن (صعدا) گفته می شود و در آن کوه دره ای است که به آن (سقر) گویند و به راستی که در آن دره چاهی است که آن را (هبهب) گویند که هرگاه در آن چاه برداشته شود اهل دوزخ از گرمای آن به ناله و فریاد آیند، آن چاه منزلگاه متکبران است .

حدیث:

- 591 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من مشی فی الارض اختیلا لعنته الارض و من تحتها و من فوقها.

ترجمه:

- 591 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با تکبر بر روی زمین گام بردارد زمین و آنچه در زیر و زیر آن است او را لعنت می کنند .

حدیث:

- 592 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ویل لمن یختال فی الارض یعاند جبار السماوات و الارض.

ترجمه:

- 592 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وای به حال کسی که با حالت تکبر بر روی زمین گام بردارد چنین کسی با خدای آسمانها و زمین به دشمنی پرداخته است .

حدیث:

- 593 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان فی السماء ملکین موکلین بالعباد فمن تجبر وضعاه.

ترجمه:

- 593 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا در آسمان فرشته هستند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر کسی که تکبر ورزد فرودش می آورند.

حدیث:

- 594 عن بشیر النبال قال : كنا مع ابي جعفر عليه السلام في المسجد اذمر علينا اسود و هو ينزع في مشيه فقال ابو جعفر عليه السلام انه الجبار قلت ، انه سائل قال : انه جبار و قال ابو عبدالله عليه السلام : كان على به الحسين عليه السلام يمشى مشيه كان على راسه الطير لايسبق يمينه شماله.

ترجمه:

- 594 بشیر نبال گوید: همراه با امام باقر علیه السلام در مسجد بودیم که سیاهی بر ما گذر نمود در حالی که با گردن فرازی و کشیدن اندام راه می رفت امام باقر علیه السلام فرمود: او متکبر است . عرض کردم : او سائلی بیش نیست) و سائل چگونه می تواند متکبر باشد؟! حضرت فرمود: او متکبر است (زیرا اینگونه راه رفتن ، راه رفتن متکبران است) و فرمود: امام سجاد علیه السلام چنان راه می رفت گویی که بر سر او پرنده ای نشسته است ، در راه رفتن جانب راستش بر چپش پیشی نمی گرفت .

حدیث:

- 595 عن ابي جعفر عليه السلام قال : ان النبي صلى الله عليه و آله اوصى رجلا من بين تميم فقال له : اياك و اسبال الزار و القميص فان ذلك من المخیله و الله لايجب المخیله.

ترجمه:

- 595 امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی از بنی تمیم را توصیه می فرمود که : از فرو گذاردن شلوار و جامه) به گونه ای که متکبرانه بر زمین کشیده شود) بر حذر باش زیرا این کار ناشی از تکبر است و خداوند تکبر را دوست نمی دارد .

حدیث:

- 596 و قال ابو عبدالله عليه السلام : ما حاذى الكعین من الثوب ففى النار.

ترجمه:

- 596 امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه از جامه که محاذی و برابر دو غوزک پا برسد (جایگاهش) در آتش است .

حدیث:

- 597 و قال عليه السلام : ثلاث اذا كن في الرجل فلا تتخرج ان تقول انها في جهنم البذاء و الخيلاء و الفخر.

ترجمه:

- 597 امام صادق علیه السلام فرمود: سه خصلت هست که هرگاه آن سه در کسی باشد اگر بگوئی آن خصلتها جهنمی است گناهکار نیستی : یکی بد زبانی و هرزه گویی و دیگری تکبر و دیگری فخر فروشی و به خود نازیدن.

- 60 باب حد التكبر و التجبر المحرمين

- 60 باب حد تكبر و بزرگ منشی حرام

حدیث:

- 598 عن محمد بن مسلم عن احدهما عليه السلام قال : لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبه من خردل من الكبر قال : فاسترجعت فقال : ما لك تسترجع ؟ فقلت : لما سمعت منك فقال : ليس حيث تذهب انما اعنى الجحود انما هو الجحود.

ترجمه:

- 598 محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام روایت کند که : کسی که در قلبش به اندازه دانه ای خردل کبر و بزرگ منشی باشد به بهشت وارد نمی شود. راوی گوید: با شنیدن این سخن ، من استرجاع نمودم (یعنی) انا لله و انا اليه راجعون (گفتم) حضرت فرمود: چرا استرجاع می کنی ؟ عرض کردم : به خاطر سخنی که از شما شنیدم . حضرت فرمود: اینگونه که می پنداری نیست بلکه مراد من انکار و بی اعتقادی است) یعنی کبری که از روی انکار کبریایی خداوند و بی اعتقادی باشد .

حدیث:

- 599 عن ابي عبدالله عليه السلام قال الكبر ان تغمص الناس و تسفه الحق.

ترجمه:

- 599 امام صادق عليه السلام فرمود: کبر آن است که مردمان را خوار و کوچک بشمیری و حق را ناچیز بدانی .

حدیث:

- 600 قال ابو عبدالله عليه السلام : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان اعظم الكبر غمص الخلق و سفه الحق قلت و ما غمص الخلق و سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهليه فمن فعل ذلك فقد نازع الله عزوجل رداءه.

ترجمه:

- 600 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا بزرگترین کبر، کوچک شمردن مردم و ناچیز دانستن حق است - راوی گوید: عرض کردم : معنای این سخن رسول خدا صلى الله عليه و آله چیست ؟ امام صادق فرمود: یعنی از حق بی خبر باشد و از خانواده و خاندان خود بدگویی کند، پس کسی که چنین کند با خداوند عزوجل بر سر کبریایی اش به ستیز برخاسته است .

حدیث:

- 601 عن عبد الاعلى عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قلت له ما اكبر؟ قال عليه السلام : اعظم الكبر ان تسفه الحق و تغمص الناس قلت : و ما سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهله.

ترجمه:

- 601 عبدالاعلی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : که کبر چیست ؟ فرمود: بزرگترین کبر آن است که حق را ناچیز و مردمان را کوچک بشمیری ، عرض کردم : ناچیز شمردن حق چیست ؟ فرمود: یعنی حق را نداند و بر خاندان خود افترا بزند .

حدیث:

- 602 عن محمد بن عمر بن یزید عن ابيه قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : اننی آكل الطعام الطبی و اشم الرائحة الطيبة و اركب الدابة الفارحة و يتبعنی الغلام فتري فی هذا شیئا من التجبر فلا افعله فاطرق ابو عبدالله علیه السلام ثم قال : انما الجاز المعلنون من غمص الناس و جهل الحق قال عمر فقلت : اما الحق فلا اجهله و الغمص لا ادری ما هو قال : من حقر الناس و تجبر علیهم فذلك الجبار.

ترجمه:

- 602 محمد بن عمر بن یزید از پدرش روایت کند که : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : همانا من غذای پاکیزه می خورم و بوی های خوش می بویم و بر چهارپایان خرامنده سوار می شوم و نوکر پشت سر من راه می افتد پس آیا شما در این امور چیزی از تکبر می بینید تا آنها را به جای نیاورم ؟ امام صادق علیه السلام قدری سکوت فرموده و سر به زیر افکند سپس فرمود: همانا آن متکبر که ملعون است کسی است که مردم را کوچک شمارد و از حق بی خبر باشد. عمر گوید: عرض کردم : اما من نسبت به حق نادان نیستم ولی کوچک شمردن مردم را نمی دانم یعنی چه ؟ حضرت فرمود: کسی که مردم را کوچک بشمرد و بر آنان تکبر ورزد (خود را از آنان بالاتر و برتر بداند) چنین کسی متکبر است .

حدیث:

- 603 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لن یدخل الجنة من فی قلبه مثقال حبه من خردل من کبر و لا یدخل النار من فی قلبه مثقال حبه من خردل من الايمان قلت : جعلت فداك ان الرجل لیلبس الثوب او یركب الدابة فیکاد یعرف منه الکبر فقال : لیس بذلك انما الکبر انکار الحق و الايمان الاقرار بالحق.

ترجمه:

- 603 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به اندازه دانه خردل کبر و بزرگ منشی در قلبش باشد هرگز به بهشت وارد نمی شود و کسی که قلبش به اندازه دانه ای از خردل ایمان باشد داخل دوزخ نمی گردد - راوی گوید: عرض کردم : فدایت شوم همانا (گاه باشد که) مرد جامه ای (فاخر) بر تن می پوشد یا اینکه بر مرکبی (رهوار) سوار می شود پس (در این حالت) نزدیک است که از (هیئت) او کبر و بزرگ منشی فهمیده شود (آیا چنین کسی به بهشت وارد نمی شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست بلکه کبر انکار نمودن حق و ایمان اعتراف نمودن به حق است .

حدیث:

- 604 عن احدهما يعنى ابا جعفر و ابا عبدالله عليه السلام قال : لا يدخل الجنة من كان فى قلبه مثقال حبه من خردل من كبر قال : قلت : انا نلبس التوب الحسن فيدخلنا العجب فقال : انما ذلك فيما بينه و بين الله عزوجل.

ترجمه:

- 604 از امام باقر عليه السلام يا امام صادق عليه السلام روايت است كه فرمود: كسى كه در دلش به اندازه خردلى كبر باشد به بهشت وارد نمى شود - راوى گويد: - عرض كردم : همانا جامه اى نيكو به بر مى كنيم پس دچار عجب و خودبينى مى شويم (آيا اين حالت ، مانع بهشت رفتن ماست ؟) حضرت فرمود: (خير) بلكه اين حالت بين شخص و خداى عزوجل است (و موجب پايمال شدن حق ديگران نيست).

- 61 باب تحريم حب الدنيا المحرمه و وجوب بعضها

- 61 باب تحريم دوستى دنيا و وجوب دشمن داشتن دنيا

حديث:

- 605 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : راس كل خطيئه حب الدنيا.

ترجمه:

- 605 امام صادق عليه السلام فرمود: سر هر گناهى دوستى دنياست .

حديث:

- 606 عن محمد بن مسلم قال : سئل على بن الحسين عليه السلام اى الاعمال افضل ؟ قال : ما من عمل بعد معرفه الله و معرفه رسول الله صلى الله عليه و آله افضل من بغض الدنيا فان لذلك شعبا كثيره و للمعاصى شعبا فاول ما عصى الله به الكبر الى ان قال ثم الحرص ثم الحسد و هى معصيه ابن آدم حيث حسد اخاه فقتله فتشعب من ذلك حب النساء و حب الدنيا و حب الرئاسة و حب الراحة و حب الكلام و حب العلو و والثروه فصرن سبع خصال فاجتمعن كلهن فى حب الدنيا فقال الانبياء و العلماء بعد معرفه ذلك حب الدنيا راس كل خطيئه و الدنيا دنياوان دنيا بلاغ و دنيا ملعونه.

ترجمه:

- 606 محمد بن مسلم گويد: از امام سجاد عليه السلام پرسيده شد كه کداميك از كارها برتر و با فضيلت تر است ؟ فرمود: پس از معرفت خدا و رسولش هيچ كارى با فضيلت تر از دشمن داشتن دنيا نيست زيرا دنيا داراى شعبه هاى است و گناهان نيز شعبه ها و شاخه هاى دارند، پس اولين گناهى كه به وسيله آن خداوند مورد نافرمانى قرار گرفت كبر و بزرگ منشى بود سپس حرص و سپس حسد، و حسد گناه فرزند آدم بود آنجا كه به برادر خود حسد ورزيد و او را به قتل رساند پس گناهانى كه از حسد منشعب مى شوند عبارتند از: دوستى زنان و دوستى دنيا و رياست طلبى و راحت طلبى و علاقه به حرف زدن و برترى جويى و دوستى مال و ثروت پس اينها هفت خصلت اند كه همگى در دوستى دنيا جمع شده اند پس پيامبران

و دانشمندان پس از شناخت آن فرموده اند که : دوستی دنیا سر هر گناهی است و دنیا دو گونه است : یکی دنیایی که در حد کفایت و بسندگی است و دیگری دنیایی که مورد لعن و دوری از رحمت خداوند است .

حدیث:

- 607 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فی مناجاه موسی علیه السلام یا موسی ان الدنیا دار عقوبه عاقبت فیها آدم عند خطیئته وجعلتها ملعونه ملعون ما فیها الا ما کان فیها لی یا موسی ان عبادی الصالحین زهدوا فی الدنیا بقدر علمهم و سائر الخلق رغبوا فیها بقدر جهلهم و ما من احد عظمها فقرت عینه بها و لم یحقرها احد الا انتفع بها.

ترجمه:

- 607 امام صادق علیه السلام فرمود: در راز گویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است که : ای موسی ! همانا که دنیا سرای عقوبت و شکنجه است ، در همین دنیا آدم را به خاطر خطایش عقوبت نمودم و دنیا را مستحق لعن گرداندم و هر چه در دنیاست ملعون است بجز آنچه که برای من است . ای موسی ! همانا بندگان شایسته من به اندازه علم و آگاهی خود به دنیا بی رغبتند و دیگران به اندازه نادانی شان به دنیا میل دارند و هیچکس نیست که دنیا را بزرگ شمرده باشد و دنیا مایه روشنی چشم او شود و هیچکس دنیا را کوچک نشمرده است جز اینکه از آن بهره مند گردیده است .

حدیث:

- 608 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : حب الدنیا راس کل خطیئه.

ترجمه:

- 608 امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی دنیا سر هر گناهی است .

حدیث:

- 609 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من احب دنياه اضر بآخرته.

ترجمه:

- 609 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دنیایش را دوست داشته باشد به آخرت خود زیان می رساند .

حدیث:

- 610 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه سئل عن الزهد فی الدنیا فقال : (ویحک حرامها فتنبه).

ترجمه:

- 610 از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زهد و بی رغبتی به دنیا پرسیده شد و حضرت فرمود: وای بر تو از حرام دنیا، از حرام دنیا دوری کن .

- 62 باب استحباب الزهد فی الدنیا و حد الزهد

- 62 باب استحباب زاهدانه زندگى كردن در دنيا و حد زهد

حديث:

- 611 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من زهد فى الدنيا اثبت اليه الحكمه فى قلبه و انطق بها لسانه و بصره عيوب الدنيا داءها و دواءها و اخرجه منها سالما الى دارالسلام.
و رواه الصدوق فى ثواب الاعمال عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من لم يستحى من طلب المعاش خفت مثونته و رجا باله و نعم عياله و من زهد فى الدنيا... و ذكر مثله.

ترجمه:

- 611 امام صادق عليه السلام فرمود: كسى كه نسبت به دنيا بى رغبت باشد خداوند فهم حقيقت را در قلب او پا بر جا مى گرداند و زبانش را به گفتن سخنان حكيمانه گويا مى كند و درد و دواى عيبيهاى دنيا را به او مى نماياند و او را سالم و بدون نقص از دنيا به سوى بهشت كه سراى سلامت است بيرون مى برد.

(اين حديث را مرحوم شيخ صدوق (قدس سره) در كتاب (ثواب الاعمال) از امام صادق عليه السلام روايت كرده است و پيش از آن چند جمله اضافه دارد كه حضرت فرمود: كسى كه در طلب معاش شرم نكند روزى اش سبك و خاطرش فراخ و خانواده اش در آسودگى قرار مى گيرند و كسى كه به دنيا بى رغبت باشد...

حديث:

- 612 عن ابى حمزه قال : ما سمعت باحد من الناس كان ازهد من على بن الحسين عليه السلام الا ما بلغنى عن على بن ابى طالب عليه السلام قال : و كان على بن الحسين عليه السلام اذا تكلم فى الزهد و وعظ ابكى من بحضرته قال ابو حمزه : و قرأت صحيفه فيها كلام زهد من كلام على بن الحسين عليه السلام فكتبت ما فيها ثم اتيت على بن الحسين عليه السلام فعرضت ما فيها عليه فعرفه و صححه و كان ما فيها بسم الله الرحمن الرحيم كفانا الله و اياكم كيد الظالمين و بغى الحاسدين و بطش الجبارين ايها المومنون لا يفتننكم الطواغيت و اتباعهم من اهل الرغبه فى هذه الدنيا و احذروا ما حذرکم الله منها و ازهدوا فيما زهدكم الله فيه منها و لا تتركوا الى ما فى هذه الدنيا ركون من اتخدها دار قرار و منزل استيطان الى ان قال و ليس يعرف تصرف ايامها و تقلب حالاتها و عاقبه ضرر فتنها الا من عصمه الله و نهج سبيل الرشده و سلك طريق القصد ثم استعان على ذلك بالزهد فكرر الفكر و اتعظ بالصبر و زهد فى عاجل بهجه الدنيا و تجافى عن لذتها و رغب فى دائم نعيم الاخره و سعى لها سعيها.

(الحديث)

ترجمه:

- 612 ابى حمزه گويد: نشنيده ام كه كسى از امام سجاد عليه السلام زاهدتر باشد به جز آنچه كه درباره على بن ابى طالب عليه السلام به من رسيده است ، امام سجاد عليه السلام هرگاه درباره زهد و بى رغبتى به دنيا سخن مى فرمود و موعظه مى كرد حاضران به

گریه می افتادند - ابی حمزه در ادامه گوید: - و من نوشته ای را که در آن سخنی از سخنان امام سجاد علیه السلام درباره زهد نوشته شده بود خواندم و آن را برای خود نوشتم سپس به خدمت حضرت امام سجاد علیه السلام آمدم و آن را به حضرت عرضه نمودم حضرت آن را شناخت و تصدیق فرمود و در آن نوشته آمده بود: به نام خداوند بخشنده و مهربان (خداوند ما و شما را از نیرنگ ستمگران و ستم حسودان و سخت گیری زورگویان کفایت کند، ای ایمان آورندگان ! طاغوتها و پیروانشان که اهل میل به این دنیا هستند شما را به فتنه نیفکنند، از آنچه که خداوند شما را از آن حذر داده دوری کنید و نسبت به آنچه از دنیا که خداوند شما را درباره آن به زهد و بی رغبتی فرمان داده زهد را پیشه سازید به آنچه که در این دنیاست به گونه کسی که دنیا را سرای ماندن و استراحتگاه برای خود گرفته است تکیه و اعتماد نکنید - تا آنجا که فرمود - : و دست به کار شدن روزهای دنیا و دگرگونی حالات و سرانجام ضرر فتنه های دنیا را نمی شناسد مگر کسی که خداوند او را حفظ کرده و راه هدایت را پیش گرفته و روش میانه روی را پیموده است سپس در این راه از زهد کمك خواسته است پس در پی در پی اندیشیده است و با صبر و بردباری پذیرای موعظ گردیده است و به این دنیای زودگذر بی رغبت شده و لذتهای آن را فرو نهاده و به نعمتهای همیشگی آخرت رغبت یافته و تمام سعی و کوشش خود را صرف به دست آوردن آن نعمتها نموده است.

حدیث:

- 613 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان علامه الراغب فی ثواب الاخره زهد فی عاجل زهره الدنیا اما ان زهد الزاهد فی هذه الدنیا لا ینقصه مما قسم الله له فیها و ان زهد و ان حرص الحریص علی عاجل زهره الحیاة الدنیا لایزیده فیها و ان حرص فالملغوبون من غبن حظه من الاخره.

ترجمه:

- 613 امام صادق علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا نشانه کسی که به ثواب آخرت رغبت دارد این است که درباره خوشی زودگذر این دنیا زهد و بی رغبتی پیشه می کند، آگاه باشید که زهد ورزیدن شخص زاهد در این دنیا چیزی از قسمتی که خداوند در این دنیا برای او معین ساخته کم نمی کند اگر چه او زهد ورزد و همانا حرص شخصی که بر بدست آوردن خوشی های زودگذر دنیا زندگانی دنیا حریص است چیزی به او نمی افزاید اگر چه حرص بورزد پس زیانکار کسی است که درباره بهره اخروی اش دچار زیان شده باشد .

حدیث:

- 614 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان من اعون الاخلاق علی الدین الزهد فی الدنیا.

ترجمه:

- 614 امام باقر علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که یکی از یاری کننده ترین اخلاق بر دینداری ، بی رغبتی به دنیا است .

حدیث:

- 615 عن ابی عبدالله علیه السلام قال جعل الخیر كله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنيا ثم قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا یجد الرجل حلاوه الايمان حتی لا یبالی من اكل الدنيا ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : حرام علی قلوبكم ان تعرف حلاوه الايمان حتی تزهد فی الدنيا.

ترجمه:

- 615 امام صادق علیه السلام فرمود: تمام خیر و خوبی در خانه ای قرار داده شده و کلید آن خانه ، زهد داشتن در دنیا است . - سپس فرمود: - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است که) : کسی شیرینی ایمان را در نمی یابد مگر اینکه اعتنائی نداشته باشد که چه کسی دنیا را می خورد (سپس امام صادق علیه السلام فرمود: فهم و درك شیرینی ایمان بر دلهاى شما حرام می گردد مگر اینکه دلهايتان در دنیا زهد و بی رغبتی را پیشه خود کنند .

حدیث:

- 616 ان رجلا سال علی بن الحسین علیه السلام عن الزهد فقال عشرة اشیاء فاعلی درجه الزهد ادنی درجه الورع و اعلی درجه الورع ادنی درجه الیقین و اعلی درجات الیقین ادنی درجات الرضا الا و ان الزهد فی آیه من کتاب الله (لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم).

ترجمه:

- 616 مردی از امام سجاد علیه السلام درباره زهد سوال کرد، حضرت در جواب فرمود: ده چیز وجود دارد (که هر کدام مراتبی دارند) پس بالاترین زهد پایین ترین درجه ورع (پارسایی) است و بالاترین درجه یقین است و بالاترین درجات یقین پایین ترین درجات رضا (خوشنود بودن به خواست الهی) است ، آگاه باشید که زهد در يك آیه از کتاب خدا تفسیر و معنا شده (است آنجا که خداوند فرمود) : تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شادمان نگردید⁽¹⁴⁶⁾ .

حدیث:

- 617 عن سفیان بن عیینة قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : کل قلب فیه شک او شرک فهو ساقط و انما ارادوا بالزهد فی الدنيا لتفرغ قلوبهم للآخره.

ترجمه:

- 617 سفیان بن عیینة گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر دلی که در آن شکی یا شرکی باشد ناسالم و بی اعتبار است و راستی که به زهد و بی رغبتی به دنیا دستور داده اند تا دلهاى مردمان برای آخرت (از هر چیزی) فارغ شود.

حدیث:

- 618 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا اراد الله بعبد خيرا زهده في الدنيا و فقهه في الدين و بصره عيوبها و من اوتيهن فقد اوتى خيرا الدنيا و الاخره و قال : لم يطلب احد الحق بباب افضل من الزهد في الدنيا و هو ضد لما طلب اعداء الحق قلت : جعلت فداك مما ذا؟ قال : من الرغبة فيها و قال الا من صابر كريم فانما هي ايام قلائل الا انه حرام عليكم ان تجدوا طعم الايمان حتى تزهّدوا في الدنيا قال و سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول اذا تخلّى المؤمن من الدنيا سما و وجد حلاوه حب الله فلم يشتغلوا بغيره قال : و سمعته يقول : ان القلب اذا صفا ضاقت به الارض حتى يسمو.

ترجمه:

- 618 امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که خداوند خیر بنده ای را بخواهد او را به دنیا بی رغبت می گرداند و در دین دانایش می سازد و نسبت به عیبهایش او را بینا می نماید و کسی که این سه چیز به او داده شده حقیقتا که خیر دنیا و آخرت به او بخشیده شده است ، - و فرمود: - هیچکس حق را از راهی بهتر و با فضیلت تر از زهد در دنیا طلب نکرده است و زهد ضد آن چیزی است که دشمنان حق طلب می کنند - راوی گوید: عرض کردم : فدایت شوم آن چیزی که دشمنان حق طالب آن هستند چیست ؟ فرمود: رغبت و میل به دنیا، و فرمود: بهوش باشید و بر حذر باشید از خداوند بسیار شکیبای بخشنده ، جز این نیست که دنیا روزهای اندک است ، آگاه باشید که چشیدن طعم ایمان بر شما حرام است مگر اینکه در دنیا زاهدانه زندگی کنید - راوی گوید: - و از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه مومن از دنیا دست بکشد و چشم پوشی کند بالا می رود و شیرینی دوستی خداوند را می یابد پس به غیر خدا مشغول نمی شود - راوی گوید: - و باز از ایشان شنیدم که فرمود: همانا که قلب هرگاه با صفا گردد زمین برایش تنگ می گردد تا اینکه بلندی و ارتفاع می یابد .

حدیث:

- 619 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث ان علی بن الحسین علیه السلام قال : الا و کونوا من الزاهدين فی الدنيا الراغبين فی الاخره الا ان الزاهدين فی الدنيا قد اتخذوا و الارض بساط و التراب فراشا و الماء طيبا و قرضوا من الدنيا تقریضا. (الحدیث)

ترجمه:

- 619 امام باقر علیه السلام روایت کند که امام سجاد علیه السلام فرمود: به هوش باشید از بی رغبتان به دنیا و رغبت کنندگان در آخرت باشید، آگاه باشید که بی رغبتان به دنیا زمین را فرش خود و خاک را بستر خود و آب را مایه خوش بویی خود گرفته اند و خود را به نیکو بریدنی از دنیا بریده اند .

حدیث:

- 620 عن عمرو بن سعید بن هلال قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : انی لا القاك الا فی

النین فاوصنی بشی ء حتی آخذ به قال : اوصیک بتقوی الله و الورع و الاجتهاد و ایاک ان تطمح الی من فوقک و کفی بما قال الله عزوجل لرسول الله صلی الله علیه و آله (و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجاً منهم زهره الحایه الدنیا) و قال (فلا تعجبک اموالهم و لا اولادهم) فان خفت ذلك فاذاکر عیش رسول الله صلی الله علیه و آله فانما کان قوته من الشعیر و حلواه من التمر و وقوده من السعف اذا وجده و اذا اصبت بمصیبه فی نفسک او مالک او ولدک فاذاکر مصابک برسول الله صلی الله علیه و آله فان الخلائق لم یصابوا بمثله قط.

ترجمه:

- 620 عمر بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من چند سال یک بار شما را دیدار می کنم پس به من سفارشی فرما تا به آن عمل کنم. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بر حذر باش از اینکه به کسی که (از نظر مال و دارایی) از تو بالاتر است نظر کنی و گفتار خدای عزوجل به پیامبرش (برای تو و همه) کفایت می کند که فرمود: (دو چشمت را به سوی آنچه که به وسیله آن اصنافی از مردمان را کامیاب ساختیم مگشای که آن خوشی زندگی دنیاست ⁽¹⁴⁷⁾) و فرمود: (پس مالها و فرزندانها را به شگفت نیاورد ⁽¹⁴⁸⁾) (پس اگر (از متنعم بودن کفار) بر خود ترسیدی زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آور که نان او از جو و غذای شیرین او از خرما و اگر می یافت هیزم او شاخه بی برگ خرما بود و هرگاه به مصیبتی جانی یا مالی یا مصیبت فرزندان دچار شدی مصیبتی را که به واسطه از دست دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن دچار گشته ای یاد آور زیرا مردمان هرگز به مصیبتی همانند مصیبت فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفتار نشده اند.

حدیث:

- 621 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قیل لامیرالمؤمنین علیه السلام ما الزهد فی الدنیا؟ قال : تنکب حرامها.

ترجمه:

- 621 امام صادق علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین پرسیده شد که: زهد در دنیا چیست؟ فرمود: اعراض و دوری کردن از حرام دنیا.

حدیث:

- 622 عن ابی الطفیل قال : سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : الزهد فی الدنیا قصر الامل و شکر کل نعمه و الورع عما حرم الله علیک.

ترجمه:

- 622 ابی الطفیل گوید: از امیرالمؤمنین شنیدم که فرمود: زهد در دنیا عبارت است از کوتاه نمودن آرزو و به جا آوردن شکر هر نعمتی و باز ایستادن از هر چیزی که خداوند بر تو حرام ساخته است.

حدیث:

- 623 قال ابو عبدالله عليه السلام ليس الزهد في الدنيا باضاعة المال و لا بتحريم الحلال بل الزهد في الدنيا ان لاتكون بما في يدك اوثق منك بما في يد الله عزوجل.

ترجمه:

- 623 امام صادق عليه السلام فرمود: زهد در دنیا تلف کردن مال و حرام ساختن حلال نیست بلکه زهد این است که اعتماد و اطمینان تو به آنچه که در دست توست بیشتر از اعتماد به آنچه که در دست خدای عزوجل است نباشد .

حدیث:

- 624 عن حفص بن غياث قال : سمعت موسى بن جعفر عليه السلام عند قبر و هو يقول : ان شيئا هذا آخره لحقيق ان يزهد في اوله و ان شيئا هذا اوله لحقيق ان يخاف من آخره.

ترجمه:

- 624 حفص بن غياث گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که در کنار قبری می فرمود: به راستی چیزی که (دنیايي که) آخرش این است سزاوار است که در آغازش نسبت به آن زهد پیشه شود و راستی چیزی که آغازش چنین است سزاوار است که از سرانجامش ترسیده شود .

حدیث:

- 625 عن فاطمه بنت الحسين عن ابيها عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ان صلاح اول هذه الامه بالزهد و اليقين و هلاك آخرها بالشح و الامل.

ترجمه:

- 625 فاطمه دختر امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا نیکی و شایستگی اول این امت به داشتن زهد و یقین است و هلاکت و نابودی آخر این امت به بخیل بودن و داشتن آرزو (آرزوی طولانی) است .

حدیث:

- 626 عن الحسن بن علي العسكري عليه السلام هن آبائه عليه السلام عن الصادق عليه السلام انه سئل عن الزاهد في الدنيا قال : الذي يترك حلالها مخافه حسابه و يترك حرامها مخافه عقابه.

ترجمه:

- 626 امام حسن عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که از امام صادق علیه السلام درباره زاهد در دنیا پرسیده شد که زاهد کیست ؟ فرمود: زاهد کسی است که در حلال دنیا را از ترس حساب آن و حرام دنیا را از ترس کیفر و عقاب آن ترک کند .

- 63 باب استحباب ترك ما زاد عن قدر الضرورة من الدنيا

- 63 باب استحباب ترك نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه ضرورت است

حدیث:

- 627 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما لی و للدنیا انما مثلی کراکب رفعت له شجره فی یوم صائف فقال تحتها قم راح و ترکها.

ترجمه:

- 627 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا با دنیا چه کار است ؟ همانا مثل من همانند سوارکاری است که در يك روز گرم برای او درختی بر پا شده باشد و او در زیر آن درخت در وسط روز به خواب رود سپس استراحتی کند (یا بادی بوزد) و آن درخت را ترك کند (و برود).

حدیث:

- 628 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : فی طلب الدنيا اضرار بالآخره و فی طلب الآخره اضرار بالدنيا فاضروا بالدنيا فانها احق بالاضرار.

ترجمه:

- 628 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در طلب کردن دنیا به آخرت زیان می رسد و در طلب کردن آخرت به دنیا زیان می رسد پس به دنیا زیان برسانید که دنیا سزاوار زیان است.

حدیث:

- 629 عن ابی عبدالله علیه السلام : ان فی کتاب علی علیه السلام انما مثل الدنيا كمثل الحیه ما الین مسها و فی جوفها السم الناقع یحذرھا الرجل العاقل و یرھق الیھا الصبی الجاهل.

ترجمه:

- 629 امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده است که : مثل دنیا همانند مار است که چقدر لمس و سودن آن نرم است در حالی که در درون آن زهر کشنده است ، مرد عاقل از چنین ماری حذر می کند و کودک نادان به سوی آن مایل می شود .

حدیث:

- 630 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیته النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی ان الدنيا سجن المومن وجنه الکافر یا علی اوحی الله الی الدنيا اخدمی من خدمنی و اتعبی من خدمک یا علی ان الدنيا لو عدلت عندالله جناح بعوضه لما سقى الکافر منها شربه من ماء یا علی ما احد من الاولین و الاخرین الا و هو یرتمنى یوم القیامه انه لم یعط الدنيا الا قوتا.

ترجمه:

- 630 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله

علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که : ای علی ! همانا که دنیا زندان مومن و بهشت کافر است ، ای علی ! خداوند به دنیا وحی فرستاد ککه : خدمتگزار کسی باش که در خدمت من است و به رنج و سختی بیفکن کسی را که در خدمت توست ، ای علی ! راستی که اگر ارزش دنیا در نزد خدا با بال پشه ای برابری می کرد هرگز به کافر جرعه ای از آب آن را نمی نوشاند، ای علی ! هیچکس از خلق اولین و آخرین نیست جز اینکه در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا تنها به اندازه خوراکی به او داده می شد .

حدیث:

- 631 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما قل و كفى خير مما كثر و الهی.

ترجمه:

- 631 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آنچه که اندك باشد و كفایت کند از آنچه که فراوان باشد و (آدمی را به خود) مشغول سازد بهتر است.

حدیث:

- 632 و باسناده عن اميرالمؤمنين عليه السلام في وصيته لمحمد بن الحنفية قال : و لا مال اذهب للفاقة من الرضا بالقوت و من اقتصر على بلغة الكفاف فقد انتظم الراحة و تبوا خفض الدعه ، الحرص داع الى التقحم في الذنوب.

ترجمه:

- 632 اميرالمؤمنين عليه السلام در وصيتش به محمد بن حنفیه فرمود: و هیچ مالی بهتر از خوشنود بودن به خوراك ، فقر را بر طرف نمی کند و کسی که به مقدار كفاف روزانه اكتفا کند راحتی و آسایشش را سامان بخشیده است و در فراخی و آسودگی زندگانی مقیم گشته است ، حرص (آدمی را) به سوی سرنگونی در گناهان فرا می خواند.

حدیث:

- 633 عن ابي الدرداء قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من اصبح معافى في جسده آمنا في سربه عنده قوت يومه فكانما خیرت له الدنيا يا ابن جعشم يكفیک منها ما سد جوعتك و واری عورتك فان یکن بیت یکنك فذاك و ان یکن دابه تركبها فبخ و الا فالخبر و ماء الجرہ و ما بعد ذلك حساب عليك او عذاب.

ترجمه:

- 633 ابو درداء گوید: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود :کسی که صبح کند در حالی که تندرست و سالم باشد و درباره مرکب سواری اش ایمن باشد و در نزد او خوراك روزانه اش موجود باشد گوئیا خیر دنیا به او بخشیده شده است ، ای پسر جعشم ! در این دنیا آنچه که گرسنگی تو را بر طرف سازد و عورت را بیوشاند برایت کافی است پس اگر خانه ای باشد که سایبانست شود نیکوست و اگر چهارپایی باشد که بر آن سوار شوی پس بسی نیکوتر و گرنه نانی و آب سبویی (بس است) و بیش از اینها یا موجب حساب بر توست یا باعث عذاب و

کیفر توست .

حدیث:

- 634 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : يا ابن آدم ما كسبت فوق قوتك فانت فيه خازن لغيرك.

ترجمه:

- 634 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم! آنچه که بیش از خوراک روزانه ات کسب کرده ای تو در آن نگاهبانی دهنده برای دیگران گشته ای .

حدیث:

- 635 و قال علیه السلام : كل مقتصر عليه كاف.

ترجمه:

- 635 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر مقداری که بتوان بر آن اکتفا نمود کافی است.

حدیث:

- 636 و قال علیه السلام : الزهد بين كلمتين من القرآن قال الله تعالى (لكيلا تاسوا على ما فاتكم و لاتفرحوا بما آتاكم) و من لم يأس على الماضي و لم يفرح بالآتى فقد استكمل الزهد بطرفيه.

ترجمه:

- 636 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زهد بین دو جمله از قرآن (تعریف شده) است آنجا که خداوند تعالی فرموده است) : تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شده است شادمان نگردید (149) (پس کسی که بر گذشته اندوه نخورد و به آینده شادمان نباشد هر دو جانب زهد را به صورت کامل دریافته است .

حدیث:

- 637 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال ابو جعفر علیه السلام : مثل الحریص على الدنيا مثل دودة القز كلما ازدادت على نفسها لفا كان ابعد لها من الخروج حتى تموت غما قال : و قال ابو عبدالله علیه السلام : اغنى الغنى من لم يكن للحرص اسيرا و قال : لاتشعروا قلوبكم الاشتغال بما قد فات فتشغلوا اذهانكم عن الاستعداد لما لم يات.

ترجمه:

- 637 امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود: مثل شخصی که بر دنیا حریص است همانند کرم ابریشم است که هر چه پيله را بیشتر به دور خود می پیچد خارج شدنش از دورن آن بعیدتر می شود تا اینکه از (شدت) اندوه می میرد - راوی گوید: - و امام صادق علیه السلام فرمود: بالاترین ثروت (حالت) کسی است که اسیر حرص نباشد. و فرمود: مشغول گشتن به آنچه که از دست رفته است را در دلهایتان وارد نسازید (به آنچه که فوت شده نپردازید) که در نتیجه ذهنهای خود را از آمادگی برای آنچه که نیامده است

از می دارید .

حدیث:

- 638 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ابعده ما یكون العبد من الله عزوجل اذا لم یهمه الا بطنه و فرجه.

ترجمه:

- 638 امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین حالتی که بنده از خدای عزوجل دارد آن هنگامی است که چیزی جز شکم و زیر شکمش برای او اهمیت نداشته باشد .

حدیث:

- 639 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من کثر اشتبا که فی الدنيا کان اشد لحسرتة عند فراقها.

ترجمه:

- 639 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که زیاد با دنیا گره خورده باشد حسرت و اندوهش هنگام جدایی از آن زیادتیر خواهد بود .

حدیث:

- 640 عن احمد بن ابی عبدالله البرقی عن ابيه رفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : حرم الحریص خصلتین و لزمته خصلتان حرم القناعه فافتقد الراحة و حرم الله الرضا فافتقد الیقین.

ترجمه:

- 640 احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: شخص حریص از دو خصلت محروم است و دو خصلت ملازم با اوست از قناعت محروم است پس در نتیجه ، راحتی و آرامش را گم کرده است و از خوشنود بودن (به داده الهی) محروم است پس در نتیجه ، یقین و باور را گم کرده است .

- 65 باب کراهه حب المال و الشرف

- 65 باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی

حدیث:

- 641 عن حماد بن بشیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما ذئبان ضاریان فی غنم قد غاب عنها رعاوها احدهما فی اولها و الاخر فی آخرها باضر فیها من حب المال و الشرف فی دین المسلم.

ترجمه:

- 641 حماد بن بشیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دو گرگ درنده در گله ای که چوپانی به همراه ندارد در حالی که يك گرگ در اول گله و دیگری در آخر گله باشد ضررشان به آن گله بیشتر نیست از ضرری که دوستی با دارایی و ارجمندی به دین مسلمانان می زند .

حدیث:

- 642 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الشیطان یدیر ابن آدم فی کل شیء فاذا اعیاه جثم له عند المال فاخذ برقبته.

ترجمه:

- 642 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیطان فرزند آدم را در هر چیزی کاملاً زیر نظر می گیرد پس هنگامی که وی شیطان را درمانده و عاجز کرد (و شیطان نتوانست او را فریب دهد) شیطان در برابر مال و دارایی سینه اش را برای او بر زمین می نهد و گردنش را می گیرد .

حدیث:

- 643 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الدینار و الدرهم اهلکا من کان قلبکم و هما مهلاککم.

ترجمه:

- 643 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : همانا دینار و درهم پیشینیان شما را به هلاکت رساند و همین دو نیز هلاک کننده شماست .

- 66 باب کراهه الضجر و الکسل

- 66 باب کراهت بی قراری نمودن و سستی کردن

حدیث:

- 644 عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام انه قال فی وصيته لبعض ولده : و ایاک و الکسل و الضجر فانهما یمنعانک حظک من الدنیا و الآخرة.

ترجمه:

- 644 امام موسی بن جعفر علیه السلام در وصیتش به یکی از فرزندان خود فرمود: از سستی کردن و بی قرای نمودن بر حذر باش زیرا این دو جلو بهره دنیوی و اخروی تو را می گیرند .

حدیث:

- 645 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلى الله عليه وآله لعلی علیه السلام قال : یا علی لاتمزح فیذهب بهاوک و لاتکذب فیذهب نورك و ایاک و خصلتین الضجر و الکسل فانک ان ضجرت لم تصبر علی حق و ان کسلت لم تود حقا یا علی من استولی علیه الضجر رحلت عنه الراحة.

ترجمه:

- 645 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرد که وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! شوخی مکن که خوبی و نیکویی تو را می برد و دروغ مگو که نور تو را از بین می برد و از دو خصلت بر حذر باش یکی نالیدن و بی

قراری نمودن و دیگری سستی زیرا اگر بی قراری کنی بر حق نمی توانی شکایا باشی و اگر سستی کنی حقی را نمی توانی به دست آوری ، ای علی ! کسی که بی تابی و بی قراری بر او مسلط شود راحتی و آسایش از وجود او کوچ می کند .

حدیث:

- 646 عن عمر بن علی عن ابیه علی بن ابی طالب علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : علامه الصابر فی ثلاث اولها ان لایکسل و الثانیه ان لایضجر و الثالثه ان لایشکو من ربه عزوجل لانه اذا کسل فقد ضیع الحقوق و اذا ضجر لم یود الشکر و اذا شکا من ربه عزوجل فقد عصاه.

ترجمه:

- 646 عمر بن علی از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کند که فرمود: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : نشانه شخص صابر و شکایا در سه چیز است : اول اینکه سستی نمی کند و دوم اینکه بی قراری نمی کند و سوم اینکه از پروردگار عزیز بزرگوارش شکایت نمی کند زیرا اگر سستی کند قطعا حقوقی را ضایع می کند و اگر بی قراری کند شکر و سپاس (پروردگارش) را به جای نیاورده است و اگر از پروردگارش شکایت کند او را نافرمانی کرده است.

حدیث:

- 647 عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث انه قال لبعض ولده : ایاک و المزاح فانه یذهب بنور ایمانک حظک من الدنیا و الاخره.

ترجمه:

- 647 امام موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از فرزنداناش فرمود: از شوخی کردن بپرهیزد که نور ایمان تو را از بین می برد و مروت و مردانگی تو را سبک می کند و از بی قراری و سستی حذر کن که این دو بهره دنیوی و اخروی تو را مانع می شوند.

- 67 باب کراهه الطمع

- 67 باب کراهت طمع ورزیدن

حدیث:

- 648 عن ابی عبدالله قال : ما اقبح بالمومن ان تكون له رغبه تذله.

ترجمه:

- 648 امام صادق علیه السلام فرمود: برای مومن چقدر زشت است که میل و رغبتی داشته باشد که او را به ذلت و خواری بکشاند.

حدیث:

- 649 عن ابی جعفر علیه السلام قال : بئس العبد عبد یكون له طمع یقوده و بئس العبد عبد

له رغبه تذله.

ترجمه:

- 649 امام باقر علیه السلام فرمود: بد بنده ای است که بنده ای که طمعکاری اش او را رهبری کند و بد بنده ای است آن بنده ای که دارای میل و رغبتی باشد که او را به خواری اندازد .

حدیث:

- 650 قال علی بن الحسین علیه السلام رایت الخیر کله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی ایدی الناس.

ترجمه:

- 650 امام سجاد علیه السلام فرمود: دانسته ام که تمامی خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آنچه که در دستان مردمان است جمع شده است .

حدیث:

- 651 عن سعدان عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت : الذی یثبت الایمان فی العبد قال : الورع و الذی یرجعه منه الطمع.

ترجمه:

- 651 سعدان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آن چیزی که ایمان را در درون بنده ثابت و پا بر جا می کند چیست ؟ حضرت فرمود: باز ایستادن از گناه ، و آن چیزی که ایمان را از دل او بیرون می کند طمع است .

حدیث:

- 652 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : اذا احببت ان تجمع خیر الدنیا و الاخره فاقطع طمعك مما فی ایدی الناس.

ترجمه:

- 652 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: اگر دوست داری که خیر دنیا و آخرت را برای خود گرد آوری پس طمع و چشم داشتنت را به آنچه که در دستان مردمان است قطع کن .

حدیث:

- 653 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : علمنی یا رسول الله شیئا فقال : علیک بالیاس مما فی ایدی الناس فانه الغنی الحاضر قال : زدنی یا رسول الله قال : ایاک و الطمع فانه الفقر الحاضر.

ترجمه:

- 653 امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من چیزی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد که از آنچه که در

دستان مردمان است مایوس باشی که این چنین روحیه ای ثروتی حاضر و آماده است . مرد دوباره عرض کرد: ای رسول خدا! بیش از این بفرما . فرمود: از طمع بر حذر باش که طمع ، فقری حاضر و آماده است.

حدیث:

- 654 عن الصادق جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام قال : سئل امير المؤمنين عليه السلام ما ثبات الايمان ؟ قال : الورع . فقيل : ما زواله ؟ قال : الطمع.

ترجمه:

- 654 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده شد که : چه چیزی مایه ثبات و پابرجایی ایمان است ؟ فرمود: باز ایستادن از گناه ، پرسیده شد: چه چیز باعث زوال ایمان است ؟ فرمود: طمع .

حدیث:

- 655 عن امير المؤمنين عليه السلام قال : اكثر مصارع العقول تحت بروق المطامع.

ترجمه:

- 655 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بیشترین جایی که عقلها به زمین می خورد در زیر درخشیدن طمعکاری ها است .

حدیث:

- 656 عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : جاء خالد الى رسول الله صلى الله عليه و آله فقال : يا رسول الله اوصني و اقله لعلني احفظ فقال : اوصيك بخمس بالياس مما في ايدي الناس فانه الغنى الحاضر و اياك و الطمع فانه الفقر الحاضر و صل صلاه مودع و اياك و ما تعتذر منه و احب لاختيك ما تحب لنفسك.

ترجمه:

- 656 امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدرانش روایت کند که : علی علیه السلام فرمود نن خالد به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما و کوتاه باشد شاید بتوانم آن را به خاطر بسپرم . حضرت فرمود: تو را به پنج چیز سفارش می کنم : یاس و ناامیدی نسبت به آنچه که در اختیار مردم است زیرا اینگونه یاس ثروتی حاضر و آماده است ، و از طمع بر حذر باش که آن فقری حاضر و آماده است ، و نماز چنان به جای آور که گوئیا در حال وداع هستی (و این آخرین نماز توست) ، و از چیزی که از به جای آوردنش باید عذرخواهی کنی بر حذر باش ، و برای برادر خود چیزی را که برای خود دوست می داری دوست بدار.

- 68 باب کراهه الخرق

- 68 باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری)

حدیث:

- 657 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من قسم له الخرق حجت عنه الايمان.

ترجمه:

- 657 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که درشتی کردن برایش مقدر و قسمت شده است ایمان از او باز داشته شده و پوشانده شده است.

حدیث:

- 658 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لو كان الخرق خلقا يرى ما كان فى شىء من خلق الله اقبح منه.

ترجمه:

- 658 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : اگر درشتی (ناسازگاری) به صورت یکی از آفریدگان دیده می شد هیچ چیز از آفریدگان خداوند زشت تر از او نبود .

- 69 باب تحریم اساءه الخلق

- 69 باب تحریم بد اخلاقى

حدیث:

- 659 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق ليفسد العمل كما يفسد الخل

العسل.

ترجمه:

- 659 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که بد اخلاقی عمل را تباه می کند همچنانکه سرکه عسل را فاسد می سازد .

حدیث:

- 660 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبى صلى الله عليه و آله : ابى الله لصاحب

الخلق السبى بالتوبه قيل : و كيف ذاك يا رسول الله ؟ قال : اذا تاب من ذنب وقع فى ذنب اعظم منه.

ترجمه:

- 660 امام صادق علیه السلام روایت کند که : پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند از توبه شخصی که دارای اخلاق بد است کراهت دارد. عرض شد که : ای رسول خدا! این چگونه است ؟ فرمود: (زیرا) هنگامی که از گناهی توبه می کند در گناهی بزرگتر از گناه گذشته واقع می شود .

حدیث:

- 661 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق ليفسد الايمان كما يفسد الخل

العسل.

ترجمه:

- 661 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است .

حدیث:

- 662 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من ساء خلقه عذب نفسه.

ترجمه:

- 662 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است .

حدیث:

- 663 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوحى الله عزوجل الى بعض انبيائه الخلق السیى یفسد العمل کما یفسد الخل العسل.

ترجمه:

- 663 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : اخلاق بد عمل را فاسد می کند همچنانکه سرکه باعث فاسد شدن عسل می گردد.

حدیث:

- 664 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلى علیه السلام قال : یا على لكل ذنب توبه الا سوء الخلق فان صاحبه كلما خرج من ذنب دخل فی ذنب.

ترجمه:

- 664 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! هر گناهی توبه ای دارد به جز بد اخلاقی زیرا کسی که دارای اخلاق بد است هر زمان که از گناهی بیرون می رود در گناهی دیگر وارد می شود .

حدیث:

- 665 عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : علیکم بحسن الخلق فان حسن الخلق فی الجنة لامحاله و ایاکم و سوء الخلق فان سوء الخلق فی النار لا محاله.

ترجمه:

- 665 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : بر شما باد به خوش اخلاقی زیرا اخلاق نیکو حتما جایگاهش در بهشت است و از بد اخلاقی بر حذر باشید زیرا اخلاق بد حتما جایگاهش در دوزخ است .

حدیث:

- 666 عن جعفر عن ابيه عليه السلام قال : قال على عليه السلام : ما من ذنب الا و له توبه و ما من تائب الا وقد تسلم له توبته ما خلا السيي الخلق لانه لا بتوب من ذنب الا وقع في غيره اشر منه.

ترجمه:

- 666 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روايت کرد که : على عليه السلام فرمود: هيچ گناهی نيست جز اينکه توبه اى دارد و هيچ توبه کننده اى نيست جز اينکه توبه اش براى او سالم و دست نخورده مى ماند مگر کسى که بد اخلاق است زيرا چنين کسى از هيچ گناهی توبه نمى کند جز اينکه در گناهی بدتر از آن وارد مى شود .

- 70 باب تحريم السفه و كون الانسان ممن يتقى شره

- 70 باب تحريم نادانى کردن و اينکه آدمى از كسانى باشد که از بدى او پرهيز مى شود

حديث:

- 667 عن ابى الحسن موسى عليه السلام فى رجلين يتسابان فقال : البادى منهما اظلم و وزره و وزير صاحبہ عليه ما لم يتعد المظلوم.

ترجمه:

- 667 امام موسى كاظم عليه السلام درباره دو مرد به يکديگر دشنام مى دادند فرمود: آنکه آغاز نموده ستمکارتر است و گناه خود و طرف مقابلش به گردن اوست البته در صورتى که آنکه مظلوم واقع شده از حد خود تجاوز نکند .

حديث:

- 668 ابى عبدالله عليه السلام قال : لاتسفوها فان ائمتكم ليسوا بسفهاء و قال ابو عبدالله عليه السلام : من كافا السفیه بالسفه فقد رضى بمثل ما اتى اليه حيث احتذى مثاله.

ترجمه:

- 668 امام صادق عليه السلام فرمود: خود را به نادانى و بى خردى نزديد (و بى خردى را پيشه نکنيد) زيرا پيشوايان شما نادان نبوده و نيستند. و فرمود: کسى که با شخص نادان به نادانى مقابله کند تحقيقا به شبيه همان عملى که با وى صورت گرفته است خوشنود گرديده است زيرا به شخص نادان اقتدا و از وى پيروى کرده است .

حديث:

- 669 قال اميرالمؤمنين عليه السلام : لا يكون السفه و الغره فى قلب العالم.

ترجمه:

- 699 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: نادانى و ناشى گرى در دل شخص دانشمند نيست .

حديث:

- 670 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان السفه خلق لئيم يستطيل على من دونه و

يخضع لمن فوقه.

ترجمه:

- 670 امام صادق عليه السلام فرمود: راستی که نادانی خصلت شخص فرومایه و پست است ، فرومایه بر زیر دست خود تکبر می ورزد و برای بالا دست خود فروتنی می کند .

حدیث:

- 671 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث ان النبی صلی الله علیه و آله قال : ان من شر عبادالله من تکره مجالسته لفحشه.

ترجمه:

- 671 امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر پلیدی اش همنشینی با او ناپسند شمرده می شود .

حدیث:

- 672 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان ابغض خلق الله عبد اتقى الناس لسانه.

ترجمه:

- 672 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا نفرت انگیزترین مخلوق خدا بنده ای است که مردم از (شر) زبان او پرهیز می کنند .

حدیث:

- 673 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : شر الناس يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء شرهم.

ترجمه:

- 673 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم در روز قیامت کسانی هستند که (این دنیا را) از ترس شرشان مورد اکرام و احترام واقع می شوند .

حدیث:

- 674 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : شر الناس عند الله يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء شرهم.

ترجمه:

- 674 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم در نزد خداوند در روز قیامت کسانی هستند که (در دنیا) برای پرهیز از شرشان مورد احترام واقع می شوند .

حدیث:

- 675 قال ابو عبدالله علیه السلام : من خاف الناس لسانه فهو فی النار.

ترجمه:

- 675 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که مردم از زبانش بترسند جایگاهش در آتش

است .

- 71 باب تحریم الفحش و وجوب حفظ الانسان

- 71 باب تحریم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان

حدیث:

- 676 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من علامات شرك الشيطان الذی لا یشک فیہ ان يكون فحاشا لا یبالی ما قال و لا ما قیل فیہ.

ترجمه:

- 676 امام صادق علیه السلام فرمود: از نشانه های شراکت نمودن شیطان که بی گمان این نشانه بیانگر شریک شدن شیطان در روحیه و اعمال شخص است این است که شخصی بد زبان باشد و باکی نداشته که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود .

حدیث:

- 677 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله یبغض الفاحش المتفحش.

ترجمه:

- 677 امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص بد زبان بیهوده گوی را دشمن می دارد .

حدیث:

- 678 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق.

ترجمه:

- 678 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا دشنام دادن و هرزه گویی و زبان درازی ناشی از نفاق و دو رویی است .

حدیث:

- 679 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله علیه و آله : ان الله یبغض الفاحش البذی ء السائل الملحف.

ترجمه:

- 679 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: راستی که خداوند شخص دشنام دهنده و هرزه گو و در خواست کننده سمج و لجوج را دشمن می دارد .

حدیث:

- 680 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله علیه و آله لعائشه : یا عایشه ان الفحش لو کان مثالا لکان مثال سوء.

ترجمه:

- 680 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود:

ای عایشه ! راستی که اگر بد زبانی در قالب و شکلی در آمده بود حتما صورتی بد و زشت داشت .

حدیث:

- 681 عن احمد بن محمد عن بعض رجاله قال : قال : من فحش علی اخیه المسلم نزع الله منه برکه رزقه و وکله الی نفسه و افسد علیه معیشته.

ترجمه:

- 681 احمد بن محمد از برخی از کسانی که از آنان حدیث نقل می کند، روایت کند که : معصوم علیه السلام فرمود: کسی که به برادر مسلمان خود دشنام دهد خداوند برکت روزی اش را از او می گیرد و او را به خود وا می گذارد و زندگی اش را بر او تباه می سازد .

حدیث:

- 682 عن سماعه قال : دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقال لی مبتدئا: یا سماعه ما هذا الذی کان بینک و بین جمالك ؟ ایاک ان تكون فحاشا او سخابا او لعانا. فقلت : و الله لقد کان ذلک انه ظلمنی فقال : ان کان ظلمک لقد اربیت علیه ان هذا لیس من فعالی و لا امر به شیعتی استغفر ربک و لا تعد قلت استغفر الله و لا اعود.

ترجمه:

- 682 سماعه گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم ، حضرت بدون اینکه من چیزی گفته باشم فرمود: ای سماعه ! بین تو و شتردارت چه گذشته است ؟ بر حذر باش از اینکه دشنام دهنده یا داد و فریاد کننده یا لعن کننده باشی . عرض کردم : سوگند به خدا که او به من ظلم کرد. حضرت فرمود: اگر او به تو ستم کرد تو که بیشتر به او ستم کردی (تو که در ستم کردن از او پیشی گرفتی) راستی که اینگونه رفتار نه با کردار من سازگار است و نه پیروان خود را به چنین رفتاری امر می کنم ، از پروردگارت طلب مغفرت کن و دیگر تکرار نکن . من گفتم : از خداوند طلب مغفرت می کنم و دیگر چنین عملی را تکرار نمی کنم .

حدیث:

- 683 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان من اشر عباد الله من تکره مجالسته لفحشه.

ترجمه:

- 683 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که از بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر بد زبانی اش همنشینی با او ناپسند شمرده می شود .

حدیث:

- 684 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله يحب الحی الحلیم الغنی المتعفف الا و ان الله یبغض الفاحش البذی ء السائل الملحف.

ترجمه:

- 684 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص صاحب شرم و بردبار و ثروتمند پاکدامن را دوست دارد، آگاه باشید که خداوند شخص دشنام دهنده هرزه گو و سائلی را که سماجت می کند دشمن می دارد .

حدیث:

- 685 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : ان الحياء و العفاف و العی اعنی عن اللسان لاعی القلب من الايمان و الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق.

ترجمه:

- 685 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که حیا و پاکدامنی و درمانده بودن از ایمان است البته مراد من درمانده بودن زبان است نه درمانده بودن قلب (یعنی زبان دراز نباشد)، و دشنام و هرزه گویی و زبان درازی از نفاق است .

حدیث:

- 686 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی افضل الجهاد من اصبح لایهم بظلم احد یا علی من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار یا علی شر الناس من اکرمه الناس اتقاء فحشه و شره یا علی شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنیا غیره.

ترجمه:

- 686 امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بالاترین جهاد (عمل) کسی است که مردم از زبانش در بیم و هراس باشند اهل دوزخ است . ای علی ! بدترین مردم کسی است که مردم او را از ترس بدزبانی و بدکاری اش اکرام و احترام کنند، ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگران بفروشد .

- 72 باب تحریم البداء و عدم المبالاه بالقول

- 72 باب تحریم هرزه گویی و بدون مبالات سخن گفتن

حدیث:

- 687 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا رایتم الرجل لایبالی ما قال و لا ما قیل له فهو شرك الشیطان.

ترجمه:

- 687 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هرگاه دیدید که مردی باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شریک شیطان است .

حدیث:

- 688 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الله حرم الجنة على كل فحاش بذىء قليل الحياء لا يبالي ما قال ولا ما قيل له فانك ان فتشت له لم تجده الا لغيره او شكر شيطان قيل : يا رسول الله وفي الناس شرك شيطان فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : اما تقرا قول الله عزوجل : وشاركهم في الاموال و الاولاد (الحديث).

ترجمه:

- 688 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : راستی که خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار کم حیا که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است به راستی که اگر درباره چنین کسی جستجو و کاوش کنی او را گمراه یا شریک شیطانی می یابی . عرض شد: ای رسول خدا! آیا در بین مردم شریک شیطانی وجود دارد؟ رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آری سخن خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: و با آنان در دارایی ها و فرزندان شان شراکت کن (150)

حدیث:

- 689 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : البذاء من الجفاء و الجفاء فی النار.

ترجمه:

- 689 امام صادق علیه السلام فرمود: زشت گفتاری ناشی از ستمکاری است و ستمکاری در آتش است .

حدیث:

- 690 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلى الله عليه وآله لعلى علیه السلام قال : يا على حرم الله الجنة على كل فاحش بذىء لا يبالي ما قال ولا ما قيل يا على طوبى لمن طال عمره و حسن عمله.

ترجمه:

- 690 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیه السلام روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است ، ای علی ! خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و کردارش نیکو باشد .

حدیث:

- 691 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الحياء من الايمان و الايمان فی الجنة و البذاء من الجفاء و الجفاء فی النار.

ترجمه:

- 691 امام صادق علیه السلام فرمود: حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است و زشت گفتاری از ستمکاری است و ستمکاری جایگاهش آتش است .

- 73 باب تحریم القذف حتی للمشرک مع عدم الاطلاع

- 73 باب تحریم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرک

حدیث:

- 692 عن عمرو بن نعمان الجعفی قال : کان لابی عبدالله علیه السلام صديق لا یکاد یفارقة - الى ان قال - فقال یوما لغلّامه : یا ابن الفاعله این کنت ؟ قال فرفع ابو عبدالله علیه السلام یده فصک بها جبهه نفسه ثم قال : سبحان الله تقذف امه قد کنت اری ان لك ورعا فاذا لیس لك ورع فقال : جعلت فداك ان امه سندیه مشرکه فقال : اما علمت ان لكل امه نکاحا؟ تنح عني فما رایته یمشی معه حتی فرق بینهما الموت.

ترجمه:

- 692 عمر بن نعمان جعفی گوید: امام صادق علیه السلام دوستی داشت که همواره در کنار حضرت بود و از ایشان جدایی نمی کرد روزی به غلام خود گفت : ای زنا زاده کجا بودی ؟ امام صادق علیه السلام دستش را بالا برد و محکم به پیشانی خود کوبید سپس فرمود: سبحان الله ! آیا به مادر او نسبت زنا می دهی ؟ من معتقد بودم که تو دارای ورع و پرهیزکاری هستی ولی اکنون پرهیزکاری در تو نیست . عرض کرد: فدایت گردم ، مادر این غلام اهل سند و مشرک بوده . حضرت فرمود: آیا نمی دانی که هر امتی برای خود نکاحی دارد؟ از من دور شو. - راوی گوید: - من دیگر آن مرد را همراه حضرت ندیدم تا اینکه مرگ بین او و حضرت جدایی افکند .

حدیث:

- 693 قال و فی روایه اخرى ان لكل امه نکاحا یحتجزون به عن الزنا.

ترجمه:

- 693 راوی گوید: در روایت دیگری آمده است که : همانا برای هر امتی نکاحی هست به وسیله آن از زنا محفوظ می شوند .

حدیث:

- 694 عن ابی حمزه ، عن ابی جعفر علیه السلام قال : قلت له : ان بعض اصحابنا یفترون و یقذفون من خالفهم فاق : الکف عنهم اجمل ثم قال : یا ابا حمزه و الله ان الناس کلهم اولاد بغایا ما خلا شیعتنا ثم قال : نحن اصحاب الخمس و قد حرمانه علی جمیع الناس ما خلا شیعتنا. (الحديث)

ترجمه:

- 694 ابی حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم که : برخی از اصحاب ما افترا می زنند و به مخالفین خود نسبت زنا می دهند (آیا این کار سزاوار است ؟) حضرت فرمود: نیکوتر

این است که از دادن نسبت بد به آنان دست بکشند - سپس فرمود: - ای ابا حمزه ! به خدا سوگند که این مردم همگی (در واقع) فرزندان فحشا هستند به جز شیعیان ما - (151) سپس فرمود: - ما اصحاب خمس هستیم و آن را بر همه مردم بجز شیعیانمان حرام کرده ایم .

حدیث:

- 695 عن ابی بکر الحضرمی ، عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سالتہ عن الرجل یفتري علی الرجل من جاهلیة العرب فقال : یضرب حدا قلت : یضرب حدا؟ قال : نعم ان ذلك یدخل علی رسول الله صلی الله علیه و آله .

ترجمه:

- 695 ابی بکر حضرمی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : مردی بر مردی از جاهلیت عرب افترا می زند (حکمش چیست ؟) حضرت فرمود: باید به آن افترا زننده حد زده شود. عرض کردم : آیا باید حد زده شود؟ فرمود: آری . به راستی که این کار او باعث عیب نمودن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله می شود .

- 74 باب تحریم البغی

- 74 باب تحریم تعدی و تجاوز

حدیث:

- 696 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ایها الناس ان البغی یقود اصحابه الی النار و ان اول من بغی علی الله عناق بنت آدم فاول قتیل قتله الله عناق و کان مجلسها جریبا فی جریب و کان لها عشرون اصبعاً فی کل اصبع ظفران مثل المنجلین فسلط الله علیها اسدا کالفیل و ذئبا کالبعیر و نسرا مثل البغل و قد قتل الله الجبابرة علی افضل احوالهم و آمن ما کانوا .

ترجمه:

- 696 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : ای مردم ! راستی که ستم ، یاران خود را به سوی آتش رهنمون می کند و همانا اولین کسی که ستم و تعدی بر خدا نمود عناق دختر آدم علیه السلام بود پس اولین کسی هم که خداوند او را به قتل رساند همین عناق بود، جایگاه نشستن او به اندازه جریب در يك جریب بود و دارای بیست انگشت بود و در هر انگشت دو ناخن همانند دو داس داشت پس خداوند بر او شیری همانند فیل و گرگی همانند شتر و کرکسی همانند قاطر مسلط ساخت و خداوند ستمکاران را با وجود بهترین حالاتی که داشتند و امن و امانی که در آن بودند به قتل رساند .

حدیث:

- 697 عن مسمع ابی سیار ان ابا عبدالله علیه السلام کتب الیه فی کتاب : انظر ان لا تکلمن بکلمه بغی ابدًا و ان اعجبک نفسک و عشیرتک .

ترجمه:

- 697 مسموع ابی سیار گوید که : امام صادق علیه السلام برای وی در نامه ای چنین نوشت :
توجه داشته باش که هرگز سخنی به ستم بر زبان نیاوری (دروغ نگویی) اگر چه مورد پسند خودت و خانواده ات باشد .

حدیث:

- 698 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : يقول ابليس لجنوده : القوا بينهم الحسد و البغی فانهما بعدلان عند الله الشرك.

ترجمه:

- 698 امام صادق علیه السلام فرمود: ابلیس به لشکر خود می گوید: در بین فرزندان آدم حسد و ستم را بیا فکنید زیرا این دو در نزد خداوند با شرك برابرند .

حدیث:

- 699 عن ابی عبدالله علیه السلام ان اعجل الشر عقوبه البغی.

ترجمه:

- 699 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که عقوبت و کیفر ستم از عقوبت هر بدی دیگر زودتر و با شتاب تر فرا می رسد .

حدیث:

- 700 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اسرع الخیر ثوابا البر و ان اسرع الشر عقوبه البغی و کفی بالمرء عیا ان یبصر من الناس ما یعمی عنه من نفسه او یغیر الناس بما لایستطیع ترکه او یوذی جلیسه بما لایعنیه.

ترجمه:

- 700 امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که ثواب نیکی کردن از هر خوبی دیگری زودتر فرا می رسد و کیفر ستمکاری از کیفر هر بدی دیگری زودتر دامنگیر آدمی می شود، و برای مرد همین عیب بس است که از مردم نقصی را ببیند که از دیدن آن نقص در وجود خود عاجز است یا اینکه مردم را بر چیزی سرزنش کند که خود توانایی ترك آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان بیهوده آزار دهد .

حدیث:

- 701 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان یبغی بعضکم علی بعض فانها لیست من خصال الصالحین فانه من بغی صیر الله بغیه علی نفسه و صارت نصره الله لمن بغی علیه و من نصره الله غلب و اصاب الظفر من الله.

ترجمه:

- 701 امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه برخی از شما بر برخی دیگر ستم روا دارد زیرا ستمکاری از خصلتهای شایستگان نیست ، همانا کسی که ستم کند خداوند ستمش را به خود او باز می گرداند و نصرت و یاری خداوند شامل

شخص ستمدیده می گردد و کسی که خداوند یاری اش کند حتما غلبه پیدا می کند و پیروزی اش از جانب خداوند فرا می رسد .

حدیث:

- 702 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلی عليه السلام قال : يا علی اربعه اسرع شیء عقوبه رجل احسنت اليه فكافاك بالاحسان اساءه و رجل لاتبغی علیه و هو یبغی عليك و رجل عاهدته علی امر فوفیت له و غدر بك و رجل و صل قرابته فقطعوه.

ترجمه:

- 702 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار کس است که کیفر کردارشان به سرعت فرا می رسد: کسی که به او نیکی کرده ای و نیکی تو را با بدی پاسخ گفته است ، و کسی که به او ستم نمی کنی و او بر تو ستم روا می دارد، و کسی که با او در کاری پیمان بسته ای و به عهد و پیمانت وفا کرده ای ولی او به تو خیانت کرده است ، و کسی که با خویشانش پیوند برقرار کرده است اما آنان با او رابطه شان را قطع نموده اند .

حدیث:

- 703 قال و من الفاظ رسول الله صلى الله عليه وآله : لو بغی جبل علی جبل لجعله الله دكا اعجل الشر عقوبه البغی و اسرع الخیر ثوابا البر.

ترجمه:

- 703 امام صادق علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرموده است : اگر کوهی بر کوهی ستم کند خداوند آن را ویران می سازد، کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد و ثواب نیکی کردن از ثواب هر خوبی دیگری زودتر به دست می آید .

حدیث:

- 704 عن ابی حمزه الثمالی قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول : ان اسرع الشر عقوبه البغی.

ترجمه:

- 704 ابی حمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا عقوبت ستم از عقوبت هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد.

حدیث:

- 705 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال النبي صلى الله عليه وآله و آله لو بغی جبل علی جبل لجعل الله الباغی منهما دكا.

ترجمه:

- 705 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدراننش : روایت نمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر گوهی بر کوهی ستم روا دارد خداوند آن کوه ستمکار را خرد و ویران می سازد .

حدیث:

- 706 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان اعجل الشر عقوبه البغی.

ترجمه:

- 706 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری با شتاب تر فرا می رسد.

حدیث:

- 707 و بهذا الاسناد قال : دعا رجل بعض بنی هاشم الى البراز فابی ان یبارزه فقال له علی علیه السلام : ما منعك ان تبارزه ؟ فقال : كان فارس العرب و خشیت ان یغلبنی فقال : انه بغی عليك و لو بارزته لقتلته و لو بغی جبل علی جبل لهلك الباغی.

ترجمه:

- 707 و به سند روایت گذشته فرمود: مردی یکی از بنی هاشم را در جنگ به مبارزه طلبید مرد هاشمی از مبارزه کردن با وی خودداری کرد، پس علی علیه السلام به مرد هاشمی فرمود: چه چیز تو را از مبارزه با او بازداشت ؟ مرد عرض کرد : او یکی از سوارکاران عرب است و ترسیدم که بر من پیروز شود، حضرت فرمود: او بر تو تعدی نموده بود و اگر با او به مبارزه می پرداختی هر آینه او را به قتل می رساندی ، و اگر کوهی بر کوهی تعدی کند، تعدی کننده به هلاکت می رسد .

- 75 باب کراهه الافتخار

- 75 باب کراهت به خود بالیدن و مباهات کردن

حدیث:

- 708 قال علی بن الحسین علیه السلام : عجا للمتکبر الفخور الذی کان بالامس نطفه ثم هو غدا جیفه.

ترجمه:

- 708 امام سجاد علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که تکبر می ورزد و به خود می نازد و مباهات می کند در حالی که این کس دیروز نطفه ای بود سپس فردا مرداری (گندیده) خواهد شد .

حدیث:

- 709 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : آفه الحسب

الافتخار و العجب.

ترجمه:

- 709 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : آفت شرافت و بزرگی ، به خود نازیدن و خود بزرگ بینی است.

حدیث:

- 710 و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : آفه الحسب الافتخار.

ترجمه:

- 710 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آفت گوهر مرد، مباحات و به خود نازیدن است .

حدیث:

- 711 اتی رسول الله صلى الله عليه و آله رجل فقال : يا رسول الله انا فلان بن فلان حتى عد تسعه فقال رسول الله صلى الله عليه و آله : اما انك عاشرهم في النار.

ترجمه:

- 711 مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من فلان بن فلان ... هستم و تا هفت پشت خود را شمرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باش که تو دهمین آنها هستی که در آتش خواهی بود .

حدیث:

- 712 قال ابو جعفر عليه السلام : عجا للمختال الفخور و انما خلق من نطفه ثم يعود جيفة و هو فيما بين ذلك لا يدري ما يصنع به.

ترجمه:

- 712 امام باقر علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که متکبر و فخر فروش است و (آیا نمی داند که) از نطفه ای آفریده شده سپس مرداری می شود و او در بین دو حالت نمی داند که چه بر سرش می آید .

حدیث:

- 713 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی آفه الحسب الافتخار ثم قال يا علی ان الله قد اذهب بالاسلام نخوة الجاهلية و تفاخرها بأبائها الا ان الناس من آدم و آدم من تراب و اکرمهم عند الله اتقاهم.

ترجمه:

- 713 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آفت بزرگی مرد، فخر فروشی است . ای علی ! راستی که خداوند به وسیله اسلام تکبر و جاهلیت و مباحات نمودن به پدرانیشان را از بین برد، به هوش باشید که مردم از حضرت آدم اند و آدم از خاک آفریده شده و گرامی

ترین مردم در نزد خدا پرهیزکارترین آنان است .

حدیث:

- 714 عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام قال : ثلاثة من عمل الجاهلیه الفخر بالانساب و الطعن بالاحساب و الاستسقاء بالانواء.

ترجمه:

- 714 امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز است که از کارهای زمان جاهلیت است : نازیدن به نسب ها (ی پدران) و طعنه زدن به نژادها و طلب باران نمودن از ستارگان (نسبت دادن باران به ستارگان)⁽¹⁵²⁾)

حدیث:

- 715 عن اسماعیل بن ذبیان یرفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : افتخر رجلاں عند امیرالمؤمنین علیه السلام فقال : اتفتخران باجساد بالیه و ارواح فی النار ان یکن لك عقل فان لك خلقا و ان یکن لك تقوی فان لك کرما و الا فالحمار خیر منك و لست بخیر من احد.

ترجمه:

- 715 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: دو مرد در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام به یکدیگر فخر فروشی می کردند، حضرت فرمود: آیا به جسدهای پوسیده و روحهایی که در آتش دوزخ اند فخر می کنید، اگر عقلی داری مروتی داری و اگر دارای تقوا هستی کرم و بزرگواری داری و گر نه پس الاغ از تو بهتر است و تو از هیچ کس بهتر نیستی.

حدیث:

- 716 عن الحسین بن المختار رفعه الی امیرالمؤمنین علیه السلام قال : من وضع شیئا للمفاخره حشره الله یوم القیامه اسود.

ترجمه:

- 716 از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: هر کس چیزی را برای مباهات و نازیدن قرار دهد خداوند او را در روز قیامت رو سیاه محشور خواهد کرد .

حدیث:

- 717 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ما لابن آدم و الفخر؟ اوله نطفه و آخره جیفه و لایرزق نفسه و لایدفع حتفه.

ترجمه:

- 717 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فرزند آدم کجا و فخر کردن کجا؟ آغازش نطفه ای است و سرانجامش مرداری خواهد بود و روزی اش به دست خودش نیست و مرگش را از خود نمی تواند دفع کند .

- 76 باب تحریم قسوه القلب

- 76 باب تحریم قساوت قلب

حدیث:

- 718 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لمتان لمة من الشیطان و لمة من الملك فلمه الملك الرقه و الفهم و لمة الشیطان السهو و القسوه.

ترجمه:

- 718 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : دو گونه نزدیک شدن هست : یکی نزدیک شدن شیطان و دیگری نزدیک شدن فرشته ، اما نزدیک شدن فرشته مایه دل نازکی و درک کردن است و نزدیک شدن شیطان باعث فراموشی و سنگدلی است .

حدیث:

- 719 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا خلق الله العبد فی اصل الخلق كافرا لم یمت حتى یحبب الیه الشر فیقرب منه فابتلاه بالكبر و الجبریه فقسا قلبه و ساء خلقه و غلط وجهه و ظهر فحشه و قل حیاوه و كشف الله ستره و ركب المحارم فلم ینزع عنها (الحديث).

ترجمه:

- 719 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند بنده ای را در اصل آفرینشش کافر بیافریند نمی میرد مگر اینکه او را دوستدار شر می گرداند و به شر نزدیک می شود پس او را به تکبر و سرکشی دچار می کند پس سنگدل می شود و اخلاقش بد و چهره اش زننده می گردد و زشتی او آشکار می شود و حیاش کم می گردد و خداوند پرده او را می درد و او مرتکب امور ناروا می شود و از آن امور دست بر نمی دارد .

حدیث:

- 720 عن علی بن عیسی رفعه قال : فیما ناجی الله به موسی : یا موسی ! لاتطول فی الدنيا املك فیفسو قلبك و القاسی القلب منی بعید.

ترجمه:

- 720 علی بن عیسی از امام معصوم علیه السلام روایت کند که : در ضمن رازگویی خداوند با موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! در دنیا آرزویت را طولانی و دراز مگردان که اگر چنین کنی سنگدل می شوی و سنگدل از من دور است .

حدیث:

- 721 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام یا علی : اربع خصال من الشقاء جمود العین و قساوه القلب و بعد الامل و حب البقاء.

ترجمه:

- 721 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار خصلت ناشی از شقاوت و تیره

روزی است : خشکی چشم (یعنی که چشم نگرید) و سنگدلی و آرزوی دور و دراز و دوستی بقا و جاودانگی (در دنیا).

حدیث:

- 722 قال امیرالمؤمنین علیه السلام ما جفت الدموع الا لقسوه القلوب و ما قست القلوب الا لكثرة الذنوب.

ترجمه:

- 722 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اشك چشمها خشك نمی شود مگر به خاطر سختی دلها و دلها سخت نمی شود مگر به خاطر زیادی گناهان .

حدیث:

- 723 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله قال : من الشقاء جمود العين و قسوه القلب و شدة الحرص فی طلب الدنيا و الاصرار علی الذنب.

ترجمه:

- 723 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : از (نشانه های) بدبختی و تیره روزی ، خشك شدن (اشك) چشم و سخت دلی و حرص زیاد در طلب دنیا و اصرار و پافشاری بر انجام گناه است.

- 77 باب تحریم الظلم

- 77 باب تحریم ظلم

حدیث:

- 724 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مظلّمه اشد من مظلّمه لایجد صاحبها علیها عوناً الا الله.

ترجمه:

- 724 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ ظلمی بدتر و سخت تر از آن ظلمی نیست که شخص نامظلوم یار و یآوری جز خدا برای دفع آن نیابد .

حدیث:

- 725 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اتقوا الظلم

فانه ظلمات يوم القيامة.

ترجمه:

- 725 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : از ظلم کردن بهره‌ییزد زیر ظلم ، تاریکی ها و ظلمت های روز قیامت را در پی دارد .

حدیث:

- 726 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من احد یظلم مظلومه الا اخذع الله بها فی نفسه و ماله فاما الظلم الذی بینه و بین الله فاذا تاب غفرله.

ترجمه:

- 726 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچکس نیست که ستمی به دیگران روا دارد جز اینکه خداوند او را به خاطر ستمش از نظر جانی یا مالی گرفتار می سازد و اما ستمی که بین بنده و خداست اگر بنده توبه کند خداوند بر او می بخشد .

حدیث:

- 727 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من ظلم مظلومه اخذ بها فی نفسه او فی ماله او فی ولده.

ترجمه:

- 727 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ستمی کند به سبب آن ستم ، در جانش یا مالش یا فرزندانش به گرفتاری می افتد .

حدیث:

- 728 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل ان ربك لبالمرصاد قال : قنطره علی الصراط لایجوزها عبد بمظلومه.

ترجمه:

- 728 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: همانا پروردگار تو در کمینگاه است (153) فرمود: پلی بر صراط وجود دارد که هر بنده ای که ستمی نموده است از آن نمی تواند گذر کند .

حدیث:

- 729 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما حضر علی بن الحسین علیه السلام الوفاة ضمنی الی صدره ثم قال یا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حنین حضرت الوفاة و بما ذکر ان اباه اوصاه به قال یا بنی ایاک و ظلم من لایجد علیک ناصرا الا الله.

ترجمه:

- 729 امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند، سپس فرمود: ای پسر دلندم ! تو را وصیت می کنم به وصیتی که پدرم ابا عبدالله الحسین علیه السلام در هنگام حضور وفاتش به من وصیت نمود و فرمود

که پدرش علی علیه السلام این وصیت را به او فرموده است : ای پسر عزیزم ! بر حذر باش از ظلم کردن به کسی که در برابر تو هیچ یار و یآوری جز خدا نمی یابد.

حدیث:

- 730 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من خاف القصاص کف عن ظلم الناس.

ترجمه:

- 730 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : کسی که از قصاص بترسد از ظلم کردن به مردم خودداری می کند .

حدیث:

- 731 عن ابو عبدالله علیه السلام : من اصبح لابنوی ظلم احد غفرالله له ما اذنب ذلك اليوم ما لم یسفك دما او یاکل مال یتیم حراما.

ترجمه:

- 731 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که صبح کند و ظلم کردن به هیچ کس را در نیت نداشته باشد خداوند گناهان آن روز او را می بخشد مادامی که خونی نریزد یا مال یتیمی را به حرام نخورد .

حدیث:

- 732 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : اما انه ما ظفر بخیر من ظفر بالظلم اما ان المظلوم یاخذ من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من مال المظلوم ثم قال : من یفعل الشر بالناس فلا ینکر الشر اذا فعل به . (الحدیث)

ترجمه:

- 732 امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: آگاه باشید : آنکس که با ستم به پیروزی ظاهری رسیده به خیر دست نیافته ، به هوش باشید که همانا آنچه که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ستمگر از دارایی ستمدیده بر می گیرد - سپس فرمود: - کسی که به مردم بدی می کند هرگاه به او بدی شد نباید آن بدی را ناپسند بشمرد. (زیرا این بدی نتیجه عمل اوست.)

حدیث:

- 733 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم فی الدنیا هو الظلمات فی الآخرة.

ترجمه:

- 733 امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم در دنیا همان ظلمتها و تاریکی های آخرت است .

حدیث:

- 734 عن علی بن سالم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان الله عزوجل یقول : و عزتی و جلالی لاجیب دعوه مظلوم دعانی فی مظلمه ظلمها و لاحد عنده مثل تلك المظلمه

ترجمه:

734 - علی بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا خدای عزوجل می فرماید: به عزت و بزرگی ام سوگند، دعای مظلومی را که مرا در ظلمی که به او شده است بخواند اجابت نمی کنم اگر او شبیه آن ظلم را در حق دیگری روا داشته باشد.

حدیث:

735 - عن زید بن علی بن الحسین عن آبائه علیه السلام قال : یاخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من دنیا المظلوم.

ترجمه:

735 - زید بن علی بن الحسین از پدران بزرگوارش : روایت کرد که : آنچه که مظلوم از دین ظالم می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ظالم از دنیای مظلوم می ستاند .

حدیث:

736 - عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : من ارتکب احدا بظلم بعث الله من ظلمه مثله او علی ولده او علی عقبه من بعده.

ترجمه:

736 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بر احدی ستمی کند خداوند کسی را بر می انگیزد که همانند همان ستم را بر او یا فرزندان او یا نسل بعد از او روا دارد.

حدیث:

737 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : اعظم الخطایا اقتطاع مال امری مسلم بغير حق.

ترجمه:

737 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بزرگترین گناهان گرفتن قسمتی از مال مسلمانی به ناحق است.

حدیث:

738 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل یبغض الغنی الظلوم.

ترجمه:

738 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل ثروتمند ستمگر را دشمن می دارد.

حدیث:

739 - عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یقول الله عزوجل اشتد غضبی علی من ظلم من لایجد ناصرا غیری.

ترجمه:

- 739 امیرالمومنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خدای عزوجل می فرماید: خشم و غضب من بر کسی بسیار شدید است که بر بنده ای ظلم می کند که یآوری جز من برای خود نمی یابد.

حدیث:

- 740 عن ابی عبدالله قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: انی لعنت سبعاً لعنهم الله و کل نبی مجاب قیل: و من هم یا رسول الله؟ قال: الزائد فی کتاب الله و المكذب بقدر الله و المخالف لسنة و المستحل من عترتی ما حرم الله و المسلط بالجبروت لیعز من اذل الله و یذل من اعز الله و المستأثر علی المسلمین بفیئهم منتحلاً له و المحرم ما احل الله عزوجل.

ترجمه:

- 740 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: به راستی که من هفت گروه را لعنت می فرستم که آنان را خداوند و هر پیامبری که دعایش را مورد اجابت است لعنت نموده اند. عرض شد: آنان چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ فرمود: آنکه بر کتاب خدا چیزی بیفزاید و آنکه قضا و قدر الهی را تکذیب کند و آنکه با سنت من مخالفت ورزد و آنکه درباره عترت من آنچه را که خداوند حرام ساخته برای خود حلال بشمرد (حق عترت مرا نادیده گیرد و به آنان ستم کند) و کسی که با سرکشی قدرت یافته تا کسانی را که خداوند آنان را خوار نموده به عزت برساند و کسانی را که خداوند آنان را عزیز دانسته به ذلت بکشانند و کسی که غنائم مسلمین را برای خود برگزیند و مالک آنها شده و آنها را به خود نسبت دهد و کسی که حلال خدای عزوجل را حرام سازد.

- 78 باب وجوب رد المظالم الی اهلها و اشتراط ذلك فی التوبه منها فان عجز الستغفر الله للمظلوم

- 78 باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند

حدیث:

- 741 عن ابی جعفر علیه السلام قال: الظلم ثلاثة ظلم یغفره الله و ظلم لا یغفر الله و ظلم لا یدعه الله فاما الظلم الذی لا یغفره فالشرك و اما الظلم الذی یغفره فظلم الرجل نفسه فیما بینة و بین الله و اما الظلم الذی لا یدعه فالمداینه بین العباد.

ترجمه:

- 741 امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه گونه است: ظلمی که خداوند آن را می بخشد و ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد و ظلمی که خداوند آن را رها نمی کند (و پیگیری می کند) اما ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد شرك است و اما ظلمی که آن را می بخشد ظلمی است که شخص بین خود و خدایش به خویشتن می کند و اما ظلمی که

خداوند آن را وا نمی گذارد و پی گیری میکند ظلمی است که بندگان در وام دادن و وام خواستن (و معاملات) به یکدیگر روا می دارند.

حدیث:

- 742 و رواه الصدوق مثله و زاد و قال علیه السلام : ما یاخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من دنیا المظلوم.

ترجمه:

- 742 روایت گذشته را مرحوم شیخ صدوق (ره) روایت فرموده با این تفاوت که در آن جمله زیر را اضافه دارد که حضرت فرمود: آنچه را که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر از چیزی است که ستمگر از دنیای ستمدیده می ستاند.

حدیث:

- 743 عن شیخ من النخع قال : قلت لابی جعفر علیه السلام : انی لم ازل والیا منذ زمن الحجاج الی یومی هذا فهل لی من توبه ؟ قال : فسکت ثم اعدت علیه فقال : لاحتی تودی الی کل ذی حق حقه.

ترجمه:

- 743 پیرمردی از نخع گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : من پیوسته از زمان حجاج تاکنون والی و کارگزار بوده ام آیا برای من نیز توبه ای هست ؟ (آیا توبه ام پذیرفته می شود؟) حضرت سکوت نمود و من دوباره پرسشم را تکرار کردم . حضرت فرمود: خیر مگر اینکه حق هر صاحب حقی را به او باز گردانی.

حدیث:

- 744 عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من اکل من مال اخیه ظلما و لم یرده الیه اکل جذوه من النار یوم القیامه.

ترجمه:

- 744 ابی بصیر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که با ظلم و ستم از مال برادر خود بخورد و آن را به او بازگرداند در روز قیامت پاره ای آتش را می خورد.

حدیث:

- 745 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من ظلم احدا و فاته فلیستغفر الله له فانه کفار له.

ترجمه:

- 745 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هر کس به کسی ستمی کند و او را از دست بدهد (دیگر به او دسترسی نداشته باشد) پس باید برای آن مظلوم از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کند و همین مطلب مغفرت کفار است ستمی که بر او نموده می گردد.

حدیث:

- 746 قال ابو جعفر عليه السلام قال : رسول الله صلى الله عليه و آله : من اقتطع مال مومن غصبا بغير حقه لم يزل الله معرضا عنه ماقتا لاعماله التي يعملها من البر و الخير لا يثبتها في حسناته حتى يتوب و يرد المال الذي اخذه الى صاحبه.

ترجمه:

- 746 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا فرموده است : کسی که با قسمتی از مال مومنی را به ناحق غصب کند و برای خود بگیرد پیوسته خداوند از او روی گردان است و اعمالی را که او انجام میدهد (حتی) اعمال نیک و خیر او را بد می داند و آنها را در حسنات و نیکی های او ثبت نمی کند تا زمانی که توبه کند و مالی را که به ناحق گرفته به صاحبش برگرداند.

- 79 باب اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الى الحق

- 79 باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به سوی حق

بازگرداند

حدیث:

- 747 عن ابی عبد الله عليه السلام قال : كان رجل في الزمن الاول طلب الدنيا من حلال فلم يقدر عليها و طلبها من حرام فلم يقدر عليها فاته الشيطان فقاله له : الا ادلك على شىء تكثر به دنياك و تكثر به تبعك ؟ فقال : بلى قال : تبتدع دينا و تدعو الناس اليه ففعل فاستجاب له الناس و اطاعوه فاصاب من الدنيا ثم انه فكر فقال : ما صنعت ابتدعت دينا و دعوت الناس اليه ما اری لی من توبه الا ان اتی من دعوته اليه فارده عنه فجعل یاتى اصحابه الذين اجابوه فيقول ان الذى دعوتكم اليه باطل و انما ابتدعته فجعلوا يقولون كذبت هو الحق و لكنك شككت فى دينك فرجعت عنه فلما رأى ذلك عمد الى سلسله فوتد لها و تدا ثم جعلها فى عنقه و قال : لا احلها حتى يتوب الله عزوجل على فاوحى الله عزوجل الى نبی من النبىء قل لفلان و عزتى لو دعوتنى حتى تنقطع اوصالك ما استجبت لك حتى ترد من مات على ما دعوته اليه فيرجع عنه.

ترجمه:

- 747 امام صادق عليه السلام فرمود: در زمانهای نخستین مردی بود که دنیا را از راه حلال طلب کرد و به آن نرسید و از راه حرام آن را جست اما باز هم به آن نرسید، پس شیطان به نزد او آمد و گفت : آیا تو را به چیزی رهنمون سازم که به سبب آن هم دنیایت زیاد شود و هم پیروانت ؟ مرد گفت : آری . شیطان گفت : دین تازه ای به وجود بیاور و مردم را به سوی آن فرا خوان . آن مرد چنین کرد و مردم نیز به وی پاسخ مثبت دادند و از او فرمانبرداری نمودند و او به دنیا رسید پس از چندی به فکر فرو رفت و با خود گفت : ای چه کاری بود که دین تو به وجود آورد و مردم را به سوی آن خواندم ؟! گمان نمی کنم توبه ام پذیرفته شود مگر اینکه

آنانی را که به این دین ساختگی دعوت کرده ام بیاورم و از این دین برگردانم ، پس اصحاب خود را که دعوت او را اجابت نموده بودند فرا خواند و به آنان گفت : دینی که شما را به سوی آن خواندم دین باطلی بود و آن را من خود به خود به وجود آوردم . آنان گفتند: تو دروغ می گویی ، این دین حق است ولی تو در دین خود به شك افتاده ای ، و از پیش وی بیرون رفتند. پس چون چنین دید به زنجیری پناه برد و بر آن میخی کوفت سپس آن را به گردن انداخت و گفت : این زنجیر را نمی گشایم مگر اینکه خدای عزوجل توبه ام را بپذیرد. خداوند عزوجل نیز به پیامبری از پیامبرانش وحی فرستاد که : به وی بگو: به عزتم سوگند اگر به قدری مرا بخوانی که مفصله‌های از هم جدا شوند دعایت را اجابت نمی کنم مگر اینکه آن کسانی را که به دعوت تو گمراه شدند و در گمراهی مردند برگردانی و از عقیده باطل خود باز گردند.

حدیث:

- 748 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله غافر كل ذنب الا من احدث دينا و من اغتصب اجيرا اجره او رجل باع حرا.

ترجمه:

- 748 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که خداوند همه گناهان را می بخشد به جز گناه کسی که دین جدیدی به وجود آورده و کسی که مزد کارگری را به زور و ستم برای خود گرفته است و کسی که آزاده ای را فروخته است (انسانی آزاد و غیر اسیر را به فروش رسانده است).

- 80 باب تحریم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه عذره

- 80 باب تحریم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او

حدیث:

- 749 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من عذر ظالما بظلمه سلط الله علیه من يظلمه فان دعالم يستجب له و لم ياجر الله على ظلامته.

ترجمه:

- 749 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که برای ظلم ظالمی بهانه آورد (او را در ظلم کردنش معذور دارد) خداوند کسی را بر او مسلط می سازد که به وی ظلم کند پس چنین کسی اگر دعا کند خداوند دعایش را بر آورده نمی سازد و بر ستمی که می بیند به او اجر و پاداشی نمی دهد.

حدیث:

- 750 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصيته لاصحابه قال : و اياكم ان تعينوا على مسلم مظلوم فيدعو عليكم فيستجاب له فيكم فان ابانا رسول الله صلى الله عليه و آله كان يقول : ان دعوه المسلم المظلوم مستجاب و لعين بعضكم بعضا فان ابانا رسول الله صلى الله عليه و آله كان يقول : ان معونه المسلم خير و اعظم اجرا من صيام شهر و اعتكافه في المسجد الحرام.

ترجمه:

- 750 امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه ستمکاری را بر علیه مسلمان مظلومی یاری کنید اگر چنین کنید آن مظلوم شما را نفرین می کند و دعایش درباره شما اجابت می شود، همانا پدر و ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: به راستی که دعای مسلمان مظلوم بر آورده می شود، و باید برخی از شما برخی دیگر را یاری کند زیرا پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: یاری کردن مسلمانی ، پاداشش بهتر و بزرگتر از يك ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام است .

حدیث:

- 751 عن جعفر به محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنياه غیره.

ترجمه:

- 751 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگری بفروشد .

حدیث:

- 752 عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : من اعان ظالما علی مظلوم لم یزل الله علیه ساخطا حتی ینزع عن معونته.

ترجمه:

- 752 عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که ظالمی را بر علیه مظلومی یاری کند پیوسته خداوند از او خشمگین است تا اینکه دست از یاری او بردارد .

حدیث:

- 753 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : للظالم من الرجال ثلاث علامات یظلم من فوقه بالمعصیه و من دونه بالغلبه و یتظاهر القوم الظلمه.

ترجمه:

- 753 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای مردمان ستمگر سه نشانه وجود دارد: با نافرمانی کردن بر مافوق خود ستم می کند و با غلبه و چیره شدن بر زیر دست خود ستم روا می دارد و ستمکاران را یاری و پشتیبانی می کند .

- 81 باب تحریم اتباع الهوی الذی یخالف الشرع

- 81 باب تحریم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است

حدیث:

- 754 عن ابی محمد الوابشی قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : احذروا اهواءکم كما تحذرون اعداءکم فلیس بشیء اعدی للرجال من اتباع اهوائهم و حصائد السننهم.

ترجمه:

- 754 ابی محمد و ابشی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانگونه که از دشمنانتان حذر می کنید از خواهشهای نفسانی خود حذر کنید زیرا هیچ چیزی برای مردمان دشمن تر از پیروی خواهشهای نفسانی و درو شده های زیانها نیست .

حدیث:

- 755 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : انما اخاف علیکم اثتین اتباع الهوی و طول الامل اما اتباع الهوی فانه یصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره.

ترجمه:

- 755 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من از دو چیز بر شما ترسانم : یکی پیروی از خواهشهای نفس و دیگری درازی آرزو، اما پیروی خواهشهای نفس ؛ زیرا آدمی را از راه حق باز می دارد و اما درازی آرزو؛ زیرا آخرت را فراموش انسان می سازد .

حدیث:

- 756 عن عبدالرحمن بن الحجاج قال : قال لی ابوالحسن علیه السلام : اتق المرتقی السهل اذا كان منحدره و عرا قال : و كان علیه السلام یقول : لاتدع النفس و هواها فان هواها فی رداها و ترك النفس و ما تهوی اذاها و كف النفس عما تهوی دواوها.

ترجمه:

- 756 عبدالرحمن بن حجاج گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: از اوج گرفتن و بالا رفتنی که آسان است بپرهیزد آنگاه که سراشیپی آن دشوار باشد - و فرمود: - نفس و خواهش نفس را به حال خود وامگذار زیرا خواسته نفس در هلاکت آن است و به حال خود گذاردن نفس یا آنچه که دوست دارد مایه آزار نفس است و باز داشتن نفس از پرداختن به آنچه که دوست می دارد دواي نفس است .

- 82 باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب

باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه مستحق کیفر است

حدیث:

- 757 عن ابی جعفر علیه السلام قال : و الله ما ینجو من الذنب الا من اقر به و قال ابوجعفر علیه السلام : کفی بالندم توبه.

ترجمه:

- 757 امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که رهایی و خلاصی از (عقوبت) گناه

برای کسی حاصل نمی شود مگر کسی که (در پیشگاه خداوند) به آن اقرار و اعتراف کند - و فرمود: - پشیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند .

حدیث:

- 758 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا و الله ما اراد الله من الناس الا خصلتين ان یقروا له بالنعم فیزیدهم و بالذنوب فیغفرها لهم.

ترجمه:

- 758 امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که خداوند از مردمان جز دو خصلت را نخواست است : یکی اینکه به نعمتهایی که به آنان بخشیده است اعتراف کنند تا او نیز بر نعمتهایشان بیفزاید و دیگر اینکه به گناهان خویش (در پیشگاه او) اقرار و اعتراف کنند تا او نیز از گناهانشان در گذرد .

حدیث:

- 759 عن معاویه بن عمار قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : انه و الله ما خرج عبد من ذنب باصرار و ما خرج عبد من ذنب الا باقرار.

ترجمه:

- 759 معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا سوگند به خدا که هیچ بنده ای با اصرار و پافشاری بر گناه از گناه بیرون نرفته است و هیچ بنده ای جز با اقرار و اعتراف بر گناهش از گناه خارج نگشته است .

حدیث:

- 760 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اذنب ذنبا فعلم ان الله مطلع علیه ان شاء عذبه و ان شاء غفرله غفرله و ان لم یستغفر.

ترجمه:

- 760 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مرتکب گناهی شده باشد پس از آن بداند که خداوند بر گناه او واقف است اگر بخواهد می تواند او را کیفر دهد و اگر بخواهد می تواند او را ببخشد، چنین کسی اگر چه طلب مغفرت هم نکند خداوند از گناهش در می گذرد .

حدیث:

- 761 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله یحب العبد ان یطلب الیه فی الجرم العظیم و یبغض العبد ان یتخف بالجرم الیسیر.

ترجمه:

- 761 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بنده ای را که پس از ارتکاب گناهی بزرگ دست خواهش بخشایش به سوی او دراز کند دوست می دارد و بنده ای را که انجام گناهی کوچک را سبک می شمارد دشمن می دارد .

حدیث:

- 762 عن الصادق جعفر به محمد عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله عن جبرئيل عليه السلام قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا صغيرا كان او كبيرا و هو لا يعلم ان لى ان اعذبه او اعفو عنه لا غفرت له ذلك الذنب ابدا و من اذنب ذنبا صغيرا كان او كبيرا و هو يعلم ان لى ان اعذبه او اعفو عنه عفوت عنه.

ترجمه:

- 762 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام و ايشان از پدران خود؛ و آنان از رسول خدا صلى الله عليه و آله و ايشان از جبرئيل عليه السلام روايت فرمود که : خدای عزوجل فرموده است : کسی که مرتکب گناهی خواه کوچک یا بزرگ گردد در حالی که نداند که می توانم او را عذاب کنم یا ببخشایم هرگز آن گناه را بر او نمی بخشم و کسی که گناهی کوچک یا بزرگ مرتکب شود و بداند که عذاب نمودن یا چشم پوشی از او در دست من است از گناهش در می گذرم و او را می بخشایم .

حدیث:

- 763 عن ابی جعفر الباقر عليه السلام انه قال : لقد غفر الله لرجل من اهل البادية بكلمتين دعا بهما قال : اللهم ان تعذبني فاهل ذلك انا و ان تغفرلي فاهل ذلك انت فغفر الله له.

ترجمه:

- 763 امام باقر عليه السلام فرمود: همانا خداوند مردی صحرانشین را به خاطر دو جمله که در دعایش به خداوند عرض کرد، آمرزید آن دو جمله این بود: خداوندا اگر مرا عذاب کنی من سزاوار عذابم و اگر بر من ببخشایی تو اهل بخششی (خداوند نیز بر او بخشید .

حدیث:

- 764 عن ابی عبدالله عليه السلام يرفعه الى النبی صلى الله عليه و آله قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا فعلم ان لى ان اعذبه و ان لى ان اعفو عنه عفوت عنه.

ترجمه:

- 764 امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر صلى الله عليه و آله فرموده است : خداوند عزوجل فرمود: کسی که مرتکب گناهی شود پس بداند که عذاب کردن و عفو کردنش تنها به دست من است ، او را مشمول عفو خود قرار می دهم .

- 83 باب وجوب الندم على الذنوب

- 83 باب وجوب پشیمانی بر گناهان

حدیث:

- 765 قال ابو عبدالله عليه السلام من سرته حسنة و ساءته سيئة فهو مومن.

ترجمه:

- 765 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که نیکوکاری اش او را شادمان کند و بدی اش وی را بدحال گرداند چنین کسی مومن است .

حدیث:

- 766 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الرجل لیذنب الذنب فیدخله الله به الجنة قلت ، یدخله الله بالذنب الجنة ؟ قال : نعم ، انه یذنب فلا یزال خائفا ماقتا لنفسه فیرحمه الله فیدخله الجنة.

ترجمه:

- 766 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد که) مردی مرتکب گناهی می شود پس خداوند او را به سبب گناهش وارد بهشت می کند - راوی گوید: - عرض کردم: خداوند او را به سبب گناه وارد بهشت می کند؟! فرمود: آری ، او کسی است که گناه می کند ولی پیوسته از گناهش ترسان است و از خود (به خاطر گناهکاری اش) نفرت دارد، پس خداوند به او رحم می آورد و او را وارد بهشت می سازد .

حدیث:

- 767 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الندم علی الشر یدعو الی ترکہ.

ترجمه:

- 767 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است : همانا پشیمانی از بدی ، آدمی را به سوی ترك بدی فرا می خواند .

حدیث:

- 768 عن ابان بن تغلب قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما من عبد اذنب ذنبا فندم علیه الاغفر الله له قبل ان یستغفر و ما من عبد انعم الله علیه نعمه فعرف انها من عند الله الا غفر الله له قبل ان یحمده.

ترجمه:

- 768 ابان بن تغلب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود پس از آن پشیمان گردد جز اینکه خداوند او را می بخشد پیش از اینکه طلب آمرزش کند و هیچ بنده ای نیست که خداوند نعمتی به او ببخشد پس بشناسد که این نعمت از جانب خداست جز اینکه خداوند پیش از اینکه او شکر خدای را به جا آورد او را مشمول آمرزش خویش قرار می دهد .

حدیث:

- 769 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : الندامة توبه.

ترجمه:

- 769 امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: پشیمانی توبه است .

حدیث:

- 770 عن ابی جعفر علیه السلام قال : کفی بالندم توبه.

ترجمه:

- 770 امام باقر علیه السلام فرمود: پشیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند .

حدیث:

- 771 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال علی بن الحسین علیه السلام : اربع من کن فیه کمل ایمانه و محصت عنه ذنوبه من وفى الله بما جعل علی نفسه للناس و صدق لسانه مع الناس و استحیا من کل قبیح عند الله و عند الناس و یحسن خلقه مع اهله.

ترجمه:

- 771 امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام فرموده است : چهار چیز است که در هر کسی باشد ایمانش کامل و گناهانش پاک و آمرزیده می گردد: کسی که به خاطر خدا به آنچه که (به آن عهد و پیمانی که) برای مردم بر خود قرار داده است وفا کند، و زیانش با مردم راست بگوید، و از هر زشتی در نزد خدا و مردم شرم کند، و با اهل و خانواده خود خوش اخلاق باشد .

حدیث:

- 772 عن الحسین بن سلیمان الزاهدی قال : سمعت ابا جعفر الطائی الواعظ یقول سمعت و هب بن منبه یقول : قرأت فی زبور داود اسطرا منها ما حفظت و منها ما نسیت فمما حفظت قوله : یا داود اسمع منی ما اقول و الحق اقول من اتانی و هو مستحی من المعاصی التی عصانی بها غفرتها له و انسيتها حافظیه . (الحدیث)

ترجمه:

- 772 حسین بن سلیمان زاهدی گوید: از ابا جعفر طایبی واعظ شنیدم که می گفت : از وهب بن منبه شنیدم که می گفت : در زبور حضرت داود علیه السلام چند سطر خواندم که برخی از آنها را حفظ نموده و برخی را فراموش کرده ام ، از جمله از آنچه حفظ کرده ام گفتار خدای تعالی است که فرمود: ای داود! آنچه می گویم از من بشنو و حق را می گویم : هر کسی به نزد من آید در حالی که از گناهانی که به وسیله آنها نافرمانی ام نموده شرمگین باشد آن گناهان را بر او می بخشایم و آن گناهان را از خاطر دو فرشته نگهبان او فراموش می سازم .

- 84 باب وجوب ستر الذنوب و تحریم التظاهر بها

- 84 باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحریم آشکارا گناه کردن

حدیث:

- 773 عن العباس مولى الرضا علیه السلام قال : سمعته یقول : المستتر بالحسنة يعدل سبعین حسنة و المذیع بالسيئة مخذول و المستتر بالسيئة مغفور له.

ترجمه:

- 773 عباس بنده امام رضا علیه السلام گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که پوشاننده نیکی خود باشد آن نیکی با هفتاد نیکی برابری می کند و آن کس که آشکارا بدی می کند به خود واگذارده شده است و آن کس که پوشاننده بدی است مورد غفران و بخشش الهی است .

حدیث:

- 774 عن فضیل بن عثمان المزادی قال : سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اربع من كن فيه لم يهلك على الله بعدهن الا هالك يهم العبد بالحسنه فيعملها فان هو لم يعملها كتب الله له حسنه بحسن نيته و ان هو عملها كتب الله له عشرةا و يهم السيئه ان يعملها فان لم يعملها لم يكتب عليه شىء و ان هو عملها اجل سبع ساعات و قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات و هو صاحب الشمال لا تعجل عسى ان يتبعها بحسنه تمحوها فان الله قال استغفر الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب و الشهاده العزيز الحكيم الغفور الرحيم ذا الجلال و الاكرام و اتوب اليه لم يكتب عليه شىء و ان مضت سبع ساعات و لم يتبعها بحسنه و استغفار قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات اكتب على الشقى المحروم.

ترجمه:

- 774 فضیل بن عثمان مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : (در مواجهه با عمل (چهار حالت وجود دارد که پس از رفتار به آن چهار حالت تنها کسی که تیره روز و شقاوتمند است به فرمان خدای تعالی به هلاکت می رسد: بنده ای قصد می کند که کار خیری انجام دهد پس آن را انجام می دهد پس اگر آن را انجام نداد خداوند به خاطر نیت نیکویش برای او يك نیکی ثبت می کند و اگر آن را انجام داد برایش ده نیکی می نویسد و بنده ای قصد می کند که بدی کند پس اگر بدی را به جا نیاورد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر آن بدی را انجام داد تا هفت ساعت مهلت داده می شود و فرشته ای که نیکی ها را می نگارد به فرشته دیگر که نگارنده بدیها و همان فرشته سمت چپ است می گوید: شتاب مکن امید است که این بنده در پی بدی اش نیکی ای انجام دهد و با نیکوکاری اش بدی را محو و نابود کند زیرا خدای عزوجل می فرماید : (همانا نیکی ها بدیها را از بین می برد ⁽¹⁵⁴⁾) (یا شاید استغفار کند زیرا اگر بگوید) : استغفر الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب و الشهاده العزيز الحكيم الغفور الرحيم ذا الجلال و الاكرام و اتوب اليه (بر علیه او چیزی نوشته نمی شود، و اگر هفت ساعت بگذرد و در پی بدی اش نه کار نیکی انجام دهد و نه استغفار کند فرشته ای که نگارنده نیکی هاست به نویسنده بدیها می گوید: بر علیه این تیره روز محروم از رحمت بنویس .

حدیث:

- 775 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : من عمل سيئه اجل فيها سبع ساعات من النهار

فان قال : استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه ثلاث مرات لم تكتب عليه.

ترجمه:

- 775 امام صادق عليه السلام فرمود: كسى كه كار بدى انجام دهد هفت ساعت از روز به او مهلت داده مى شود پس اگر سه مرتبه بگويد) : استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه (آن بدى بر او نوشته نمى شود .

حديث:

- 776 عن احمد بن محمد بن خالد عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال عليه السلام : لكل شىء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه:

- 776 احمد بن محمد بن خالد از عده اى از شيعيان روايت كند و آنان اين حديث را به معصوم عليه السلام رسانده اند، گفته اند: معصوم عليه السلام فرمود: براى هر چيزى (دردى) دوايى هست و دواى گناهان استغفار نمودن است .

حديث:

- 777 عن زراره قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العبد اذا اذنب ذنبا اجل من عدوه الى الليل فان استغفر الله لم تكتب عليه.

ترجمه:

- 777 زراره گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه فرمود : به راستى كه هرگاه بنده مرتكب گناهى شود از صبحگاهان تا شامگاه به او فرصت داده مى شود پس از خداوند طلب مغفرت نمود چيزى بر عليه او نوشته نمى شود .

حديث:

- 778 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : العبد المومن اذا اذنب اجله الله سبع ساعات فان استغفر الله لم تكتب عليه شىء و ان مضت الساعات و لم يستغفر كتب سيئه . (الحديث)

ترجمه:

- 778 امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه بنده مومن مرتكب گناهى گردد خداوند به او هفت ساعت مهلت مى دهد پس اگر از خداوند طلب بخشش نمود چيزى بر عليه او نوشته نمى شود و اگر هفت ساعت گذشت و او استغفار نكرد يك گناه بر او نوشته مى شود .

حديث:

- 779 عن حفص قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما من مومن يذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فان هو تاب لم يكتب عليه شىء و ان هو لم يفعل كتب عليه سيئه فاتاه عباد البصرى فقال له : بلغنا انك قلت : ما من عبد يذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فقال : ليس هكذا قلت و لكنى قلت : ما من مومن و كذلك كان قولى.

ترجمه:

- 779 حفص گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مومنی نیست که مرتکب گناهی شود جز اینکه خداوند هفت ساعت از روز را به او فرصت می دهد پس اگر توبه کرد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر توبه نکرد يك گناه برایش نوشته می شود، پس از این عباد بصری به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به ما خبر رسیده است که شما فرموده اید: هیچ بنده ای نیست که ... حضرت فرمود: خیر من چنین نگفته ام بلکه گفته ام: هیچ مومنی نیست که .

حدیث:

- 780 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال: لما نزلت هذه الاية (و الذين اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم) (صعد ابليس جبلا بمكة يقال له ثور فصرخ باعلى صوته بعفاريته فاجتمعوا اليه فقال: نزلت هذه الاية فمن لها؟ فقام عفريت من الشياطين فقال: انا لها بكذا وكذا فقال: لست لها ثم قام آخر فقال مثل ذلك فقال: لست لها فقال الواسواس الخناش: انا لها قال: بماذا؟ قال: اعدهم و امنهم حتى يواقعوا الخطيئه فاذا واقعوا الخطيئه انسيتهم الاستغفار فقال: انت لها فو كله بها الى يوم القيامة.

ترجمه:

- 780 امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که این آیه نازل شد که می فرماید: آن کسانی که هرگاه کار زشتی انجام می دهند یا هرگاه به خود ستمی می کنند خدای را به یاد می آورند و از او طلب بخشش گناهانشان را می نمایند (155) (ابلیس به بالای کوه ثور واقع در مکه رفت و با بلندترین صدایش شیطانهایش را فریاد زد پس همگی گرد آمدند، پس گفت: چه کسی برای این آیه چاره ای می اندیشد؟ پس هر يك از شیاطین برخاسته و سخنی گفتند و ابلیس راه حل آنها را نپذیرفت تا اینکه وسوسه گر خناس برخاسته و گفت: من چاره ساز این آیه ام. گفت: به وسیله چه چیزی؟ گفت: به مردمان وعده می دهم و در دل آنان آرزو می افکنم (آرزومندشان می کنم) تا در گناه بیافتند پس هنگامی که در گناه افتادند استغفار را از یادشان می برم پس ابلیس رای او را پسندید و تا روز قیامت کار این آیه را به او سپرد.

حدیث:

- 781 عن ابي جعفر محمد بن عبي الباقر عليه السلام قال: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن خيار العباد فقال: الذين اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شكروا و اذا ابتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.

ترجمه:

- 781 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بهترین بندگان پرسیده شد، حضرت فرمود: بهترین بندگان کسانی هستند که هنگامی که نیکی می کنند شادمان می شوند و هنگامی که بدی می کنند استغفار می کنند و هنگامی که به آنان عطا می شود شکر آن را به جای می آورند و هنگامی که گرفتار می شوند صبر پیشه می

کنند و هنگامی که خشمگین می شوند می بخشایند .

حدیث:

- 782 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مومن یقترب فی یوم و لیلہ اربعین کبیره فیقول و هو نادم : (استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یتوب علی) الا غفرها الله له . ثم قال : و لآخر فیمن یقارف کل یوم و لیلہ اربعین کبیره.

ترجمه:

- 782 امام صادق علیه السلام : هیچ مومنی نیست که شبانه روز مرتکب چهل گناه کبیره شود و پس از آن با حالت پشیمانی بگوید : استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم بدیع السموات و الارض ذاالجلال و الاکرام و اساله ان یتوب علی (جز اینکه خداوند بر او می بخشاید - سپس فرمود: - در کسی که هر شبانه روزی مرتکب چهل گناه کبیره شود خیری نیست .

حدیث:

- 783 قال ابو عبدالله علیه السلام : اذا اراد الله عزوجل بعبد خیرا فاذهب ذنبا اتبعه بنقمه و یذکره الاستغفار و اذا اراد الله عزوجل بعبد شرا فاذهب ذنبا اتبعه بنعمه فینسیه الاستغفار و یتمادی به و هو قول الله عزوجل) سنستدرجهم من حیث لا یعلمون (بالنعم عند المعاصی.

ترجمه:

- 783 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خداوند عزوجل خیره بنده گنه کاری را بخواهد پس از گناهانش از او انتقام می کشد بد بخواهد پس از گناهایش به او نعمتی می بخشد و استغفار را فراموش وی سازد و این حالت را طولانی می کند و معنای گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید) : اندک اندک آنان را از جایی که نمی دانند به شقاوت می رسانیم (156) یعنی به وسیله نعمتهایی که در هنگام گناهانشان به آنان می دهیم.

حدیث:

- 784 عن جعفر علیه السلام عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه:

- 784 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرماید که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هر دردی دوايي دارد و دواي گناهان استغفار کردن است .

حدیث:

- 785 عن عبدالله بن محمد الجعفی عن ابی جعفر علیه السلام قال سمعته یقول : کان رسول الله صلی الله علیه و آله و الاستغفار لكم حصین حصین من العذاب فمضى اکبر

الحصنين و بقى الاستغفار فاكثروا منه فانه ممحاه للذنوب قال الله عزوجل : (و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون.)

ترجمه:

- 785 عبدالله بن محمد جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و استغفار برای شما به منزله دو قلعه و حصار محکم در برابر عذاب الهی بودند، بزرگترین این دو حصار (رسول خدا صلی الله علیه و آله) درگذشت و استغفار باقی مانده است پس زیاد استغفار کنید زیرا استغفار پاک کننده گناهان است، خدای عزوجل فرموده است: ای پیامبر تا زمانی که تو در میان آنان هستی خداوند ایشان را عذاب نخواهد کرد و تا زمانی که آنان از خداوند طلب مغفرت می کنند خداوند عذاب کننده آنان نخواهد بود (157)

حدیث:

- 786 عن اسماعيل بن سهل قال : كتبت الى ابي جعفر الثاني عليه السلام علمني شيئا اذا انا قلت كنت معكم في الدنيا و الاخرة فقال : فكتب بخطه اعرفه : اكثر من تلاوة انا انزلناه و رطب شفئك بالاستغفار.

ترجمه:

- 786 اسماعیل بن سهل گوید: به خدمت امام جواد علیه السلام نوشتم که: به من چیزی بیاموز که هرگاه آن را بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم. حضرت با خط شریف خود که آن را می شناختم نوشت: (سوره مبارکه) انا انزلناه (را زیاد تلاوت کن و دو لب خود را با گفتن استغفار تر کن) (نیروی تازه بخش).

حدیث:

- 787 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : طوبى لمن وجد فى صحيفه عمله يوم القيامة تحت كل ذنب استغفر الله.

ترجمه:

- 787 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خوشا به حال کسی که در روز قیامت در نامه عملش زیر هر گناهی (استغفر الله) بیاید.

حدیث:

- 788 عن الشعبي قال : سمعت على بن ابي طالب عليه السلام يقول : العجب ممن يقنط و معه الممحاه قيل و ما الممحاه ؟ قال الاستغفار.

ترجمه:

- 788 شعبی گوید از امام علی علیه السلام شنیدم که فرمود: شگفت آور است کسی که در حالی که (پاک کننده) همراه او هست باز هم ناامید می شود. پرسیده شد: پاک کننده

چیست ؟ فرمود: استغفار .

حدیث:

- 789 عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جدّه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : صاحب اليمين امير على صاحب الشمال فاذا عمل العبد سيئه قال صاحب اليمين لصاحب الشمال : لاتعجل و انظره سبع ساعات فان مضت سبع ساعات و لم يستغفر قال : اكتب فما اقل حياء هذا العبد.

ترجمه:

- 789 امام صادق عليه السلام از پدر و جد بزرگوارش روایت فرموده که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : فرشته سمت راست بر فرشته سمت چپ امیر است پس هرگاه بنده ای گناهی کند فرشته سمت راست به سمت چپی گوید: شتاب مکن و او را هفت ساعت مهلت ده . پس اگر هفت ساعت بگذرد و او استغفار نکند به فرشته سمت چپ گوید: بنویس ، چقدر بنده کم حیایی است !

حدیث:

- 790 عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : تعطروا بالاستغفار لاتفضحنکم روائح الذنوب.

ترجمه:

- 790 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : به وسیله استغفار خود را خوش بو کنید، مبادا بوی بد گناهان شما را رسوا کند .

حدیث:

- 791 عن ابی عبدالله عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اربع من کن فیہ کان فی نور الله الاعظم من کان عصمه امره شهادة ان لا اله الا الله و انی رسول الله صلى الله عليه وآله و من اذا اصابته مصیبه قال : انا لله و انا الیه راجعون و من اذا اصاب خیرا قال : الحمد لله رب العالمین و من اذا اصاب خطیئه قال : استغفر الله و اتوب الیه.

ترجمه:

- 791 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : چهار چیز هست که هر کس آنها را دارا باشد او در نور پر عظمت الهی قرار دارد: کسی که حافظ و نگهدار کار او شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت من باشد، و کسی که هرگاه مصیبتی به او برسد بگوید: انا لله و انا الیه راجعون (و کسی که هرگاه خیری به او برسد بگوید): الحمد لله رب العالمین (، و کسی که هرگاه مرتکب خطا و گناهی شود بگوید): استغفر الله و اتوب الیه .

- 86 باب وجوب التوبه من جميع الذنوب و العزم على ترك العود ابدا

- 86 باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد

حدیث:

- 792 عن معاوية بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اذا تاب العبد توبه نصوحا احبه الله فستر عليه في الدنيا و الاخره قلت و كيف يستر عليه ؟ قال : ينسى ملكيه ما كتب عليه من الذنوب و يوحى الى جوارحه اکتمی علیه ذنوبه و یوحى الى بقاع الارض اکتمی ما كان يعمل عليك من الذنوب فيلقى الله حين يلقاه و ليس شیء یشهد علیه بشیء من الذنوب.

ترجمه:

- 792 معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه بنده توبه ای خالص و پاک کند خداوند او را دوست می دارد و در دنیا و آخرت (گناهان وی را) بر او می پوشاند، - راوی گوید: - عرض کردم: چگونه بر او می پوشاند؟ فرمود: گناهانی را که دو فرشته بر علیه او نوشته اند فراموششان می سازد و به اعضای بدنش وحی می فرستد که گناهان او را پوشیده کنید و به مکانهایی از زمین که در آنجا مرتکب گناه شده است وحی می کند که گناهانی را که بر روی تو انجام داده است پنهان دارید، پس او زمانی که خدای را ملاقات می کند شاهدهی بر علیه او نیست که بر گناهانش گواهی دهد .

حدیث:

- 793 عن محمد بن مسلم عن احدهما عليه السلام في قول الله عزوجل (فمن جاءه موعظه من ربه فانتهى فله ما سلف) قال : الموعظه التوبه.

ترجمه:

- 793 محمد بن مسلم از امام صادق یا امام باقر علیه السلام روایت نمود که حضرت درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: پس کسی که او را موعظه ای از جانب پروردگارش آمد و او باز ایستاد پس آنچه که گذشته است برای اوست ، به نفع اوست (158) فرمود: مراد از موعظه ، توبه است .

حدیث:

- 794 عن ابي بصير قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : (يا ايها الذين آمنوا توبوا الى الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذي لا يعود فيه ابدا قلت : و اينالم يعد فقال : يا ابا محمد ان الله يحب من عباده المغتن التواب.

ترجمه:

- 794 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مراد در آیه چیست که می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص (159) فرمود: مراد آن گناهی است که شخص هرگز به آن بازگشت نمی کند و تا ابد مرتکب آن

نمی شود، عرض کردم : کداميك از ماست که به انجام گناه باز نگردد؟ فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگان آن بنده ای را که آزموده شده و بسیار توبه کننده است را دوست دارد .

حدیث:

- 795 عن ابی الصباح الكنانی قال : سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : یتوب العبد من الذنب ثم لا یعود فیه . قال محمد بن الفضیل : سألت عنها ابا الحسن علیه السلام فقال : یتوب من الذنب ثم لا یعود فیه و احب العباد الی الله المفتنون التوابون.

ترجمه:

- 795 ابی الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند پرسیدم که می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص (160) فرمود: توبه خالص این است که بنده از گناه خویش توبه کند سپس دیگر آن گناه را مرتکب نشود. محمد بن فضیل گوید: از امام رضا علیه السلام همین پرسش را نمودم حضرت فرمود: بنده از گناه توبه کند سپس دیگر به آن گناه باز نگردد و دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خداوند بندگان هستند که بسیار آزموده شده و توبه کننده اند .

حدیث:

- 796 عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا رفعه قال : ان الله اعطى التائبین ثلاث خصال لو اعطى خصله منها جميع اهل السماوات و الارض لنجوا بها قوله عزوجل : (ان الله يحب التوابین و يحب المتطهرین) فمن احبه الله لم یعذبه و قوله (فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم) و ذکر الایات و قوله) الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاولئک یدل الله سیئاتهم حسنات (الایه.

ترجمه:

- 796 ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب ما روایت کند که امام معصوم علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند به توبه کنندگان سه خصلت عطا کرده است که اگر یکی از آنها را به همه اهل آسمانها و زمین عطا کند به وسیله آن نجات می یابند: یکی گفتار خدای عزوجل : (همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد (161) پس کسی که خداوند دوستش می دارد به عذاب الهی گرفتار نمی شود، و دیگری گفتار خداوند: پس ببخش بر کسانی که توبه می کردند و راه تو را پیروی نمودند و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار (162) و آیات بعد از این آیه ، و دیگری گفتار خداوند: مگر آن کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کردار شایسته نمود پس آنان کسانی هستند که خداوند بدیهایشان را به نیکی بدل می کند (163) .

حدیث:

- 797 عن ابی عبیده قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول : ان الله تبارک و تعالی اشد

فرحا بتوبه عبده من رجل اضل راحلته و زاده فی ليله ظلما فوجده ها فالله اشد فرحا بتوبه عبده من ذلك الرجل براحلته حين وجدها.

ترجمه:

- 797ابی عبیده گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا شادمانی خداوند تبارک و تعالی به سبب توبه بنده اش بسیار بیشتر از شادمانی کسی است که مرکب و توشه خود را در شبی تاریک گم کرده و سپس آن را یافته است پس خداوند به خاطر توبه بنده اش شادمانی اش از شادمانی چنین کسی در هنگام یافتن مرکب خود بیشتر است .

حدیث:

- 798عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل یفرح بتوبه عبده المومن اذا تاب کما یفرح احدکم بضالته اذا وجدها.

ترجمه:

- 798امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل به خاطر توبه بنده مومنش شادمان می شود همانند شادمانی یکی از شما زماین که گمشده خود را می یابد .

حدیث:

- 799عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعته یقول : التائب من الذنب کمن لا ذنب له و المقیم علی الذنب و هو مستغفر منه کالمستهزی.

ترجمه:

- 799جابر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود :آن کس که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناهی ندارد و آن کس که استغفار می کند ولی بر گناه خویش را پا برجاست مانند کسی که مسخره کننده است (خویش را به مسخره و ریشخند گرفته است).

حدیث:

- 800عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : اوحی الله الی داود النبی علیه السلام یا داود! ان عبدی المومن اذا اذنب ذنبا ثم رجع و تاب من ذلك الذنب و استحیا منی عند ذکره غفرت له و انسیته الحفظه و ابدلته الحسنه و لا ابالی و انا ارحم الراحمین.

ترجمه:

- 800ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند به داود پیامبر علیه السلام وحی فرستاد که : ای داود! همانا بنده مومن من هرگاه مرتکب گناهی شود سپس باز گردد و از آن گناه توبه کند و هر وقت به یاد آن گناه می افتد از من شرم کند، او را می بخشایم و فرشتگان نگاهبان او را به فراموشی می اندازم و آن گناهش را به حسنه و نیکی بدل می کند و (از این کار) باکی ندارم و من مهربان ترین مهربانانم .

حدیث:

- 801 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من تاب تاب الله علیه و امرت جوارحه ان تستر علیه و بقاع الارض ان تکتتم علیه و نسیت الحفظه ما کانت کتبت علیه.

ترجمه:

- 801 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد و به اعضای بدنش دستور داده می شود که بر گناه او پرده ای بکشید و به جای جای زمین فرمان داده می شود که بر گناه او سرپوش بگذارید و فرشتگان نگاهبان او آنچه را که بر علیه او نوشته اند فراموش می کنند .

حدیث:

- 802 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله علیه و آله : ان لله فضولا من رزقه ینحله من شاء من خلقه و الله باسط یده عند کل فجر لمذنب لیل هل یتوب فیغفرله ؟ و یبسط یده عند مغیب الشمس لمذنب النهار هل یتوب فیغفرله ؟

ترجمه:

- 802 امام صادق علیه السلام از پدران خویش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که برای خداوند از روزی اش (که به مردمان می بخشد) زیادتى و فزونى وجود دارد که آن زیادتى را به هر کس از مخلوقش که بخواهد عطا می کند و خداوند هر سپیده دم دست خود را برای کسی که در شبانگاه مرتکب گناهی شده می گشاید (که ببیند) آیا توبه کرده است تا او را ببخشاید؟ و هنگام غروب آفتاب نیز برای کسی که در روز گناهی انجام داده است دست خود را می گشاید (که ببیند) آیا توبه نموده است تا او را ببخشاید؟

حدیث:

- 803 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ثم تاب علیهم) قال : هـی الاقاله.

ترجمه:

- 803 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند که می فرماید : سپس توبه آنان را پذیرفت⁽¹⁶⁴⁾ (فرمود: این توبه (از جانب خداوند به معنای) پذیرفتن توبه است .

حدیث:

- 804 عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله علیه و آله : مثل المومن عند الله تعالى کمثل ملک مقرب و ان المومن عند الله لاعظم من ذلك و لیس شیء احب الی الله تعالى من مومن تائب و مومنه تائبه.

ترجمه:

- 804 امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله

آله فرموده است : مثل مومن در نزد خداوند تعالی همانند فرشته مقرب است و مومن در پیشگاه خداوند از فرشته مقرب نیز بزرگتر و برتر است و هیچ چیز در نزد خداوند تعالی از مرد و زن با ایمانی که توبه کننده باشند محبوبتر نیست .

حدیث:

- 805 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : التائب من الذنب كمن لا ذنب له.

ترجمه:

- 805 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : آن کس که از گناه توبه کند همانند کسی است که گناهی نکرده است .

حدیث:

- 806 قال ابو عبدالله عليه السلام : لا خير في الذنبا الا لرجلين رجل يزداد في كل يوم احسانا و رجل يتدارك ذنبه بالتوبه و انى له بالتوبه ؟ و الله لو سجد حتى ينقطع عنقه ما قبل الله منه الا بولايتنا اهل البيت.

ترجمه:

- 806 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ خیری در دنیا نیست مگر برای دو مرد: یکی مردی که هر روز بر نیکوکاری اش بیفزاید و دیگری مردی که گناه خویش را با توبه نمودن جبران کند، و او کجا و توبه کجا؟ به خدا سوگند اگر به قدری سجده کند که گردنش قطع شود خداوند از او نمی پذیرد مگر به سبب ولایت ما اهل بیت .

حدیث:

- 807 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اعترفوا بنعم الله ربكم و توبوا الى الله من جميع ذنوبكم فان الله يحب الشاكرين من عباده.

ترجمه:

- 807 امام رضا علیه السلام از پدرانش علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به نعمتهای خداوند که پروردگار شماست اعتراف و اقرار کنید و از همه گناهانتان به درگاه خداوند توبه آورید زیرا خداوند بندگان شکر گزار خود را دوست می دارد .

- 87 باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها

- 87 باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن

حدیث:

- 808 عن محمد بن احمد بن هلال قال : سالت ابا الحسن الاخير عليه السلام عن التوبه النصح ما هي ؟ فكتب عليه السلام : ان يكون الباطن كالظاهر و افضل من ذلك.

ترجمه:

- 808 محمد بن احمد بن هلال گوید: از امام هادی علیه السلام پرسیدم که : توبه نصوح (خالص) چیست ؟ حضرت در پاسخ من نوشت : اینکه باطن و دورن(در مقام توبه) همانند ظاهر باشد و بلکه باطن از ظاهر برتر باشد .

حدیث:

- 809 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : التوبه النصوح ان یکون باطن الرجل کظاهره و افضل.

ترجمه:

- 809 امام صادق علیه السلام فرمود: توبه پاک و خالص آن است که باطن مرد (در مقام توبه) همانند ظاهرش و برتر از ظاهرش باشد.

حدیث:

- 810 قال الصدوق : و قد روی ان التوبه النصوح هو ان یتوب الرجل من ذنب و ینوی ان لا یعود

الیه ابدا.

ترجمه:

- 810 شیخ صدوق) ره (گوید: روایت شده است که : توبه خالص آن است که مرد از گناهی توبه کند و قصد کند که دیگر هرگز به سوی آن گناه باز نگردد .

حدیث:

- 811 عن امیرالمؤمنین علیه السلام : ان قائلا قال بحضرتہ : استغفرالله فقال : ثکلتک امک اندری ما الاستغفار؟ الاستغفار درجه العلیین و هو اسم واقع علی سته معان اولها الندم علی ما مضی و الثانی العزم علی ترک العود الیه ابدا و الثالث ان تودی الی المخلوقین حقوقهم حتی تلقی الله عزوجل املس لیس علیک تبعه و الرابع ات تعمد الی کل فریضه علیک ضیعها فتودی حقها و الخامس ان تعمد الی اللحم الذی نبت علی السحت فتذیبه بالاحزان حتی یلصق الجلد بالعظم و ینشا بینهما لحم جدید و السادس ان تذیق الجسم الم الطاعه کما اذقته حلاوه المعصیه فعند ذلك تقول : استغفر الله.

ترجمه:

- 811 از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که کسی در حضور ایشان گفت : استغفر الله . حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشیند آیا می دانی استغفار چیست ؟ استغفار مرتبه برتران است و آن اسمی است که بر شش معنا ثابت گردیده است: اول : پشیمانی بر آنچه که گذشته است

دوم : عزم و قصد جزمی نمودن بر اینکه هرگز به سوی گناه باز نگردد سوم : اینکه حقوق مردم را (که در اثر گناه تو ضایع گردیده است) به آنان باز گردانی تا اینکه خداوند عزوجل را (با رویی) تابناک دیدار کنی و بر گردن تو گناهی نباشد.

چهارم : اینکه به سوی هر امر واجبی که بر گردن تو بوده و آن را ضایع ساخته ای مصمم شوی و حق آن را به جا آوری

پنجم : اینکه تصمیم جدی بگیری که آن گوشتی را که بر اساس حرام بر بدن تو روییده است با حزن و اندوه بگذاری تا آنجا که پوست به استخوان بچسبد و بین آن دو، گوشتی جدید بروید.

ششم : اینکه بر بدن خود سختی طاعت و بندگی را بچشانی همانگونه که شیرینی معصیت را به او چشانده بودی ، پس در این هنگام است که می توانی بگویی : استغفر الله (مرتبه برتر استغفار پس از طی این مراحل است).

حدیث:

- 812 عن کمیل بن زیاد انه قال لاميرالمومنين عليه السلام : العبد يصيب الذنب فيستغفر الله فقال : يا ابن زياد التوبه قلت : ليس قال : لا قلت : كيف ؟ قال : ان العبد اذا اصاب ذنبا قال : استغفر الله بالتحريك قلت : و ما التحريك ؟ قال : الشفتان و اللسان يريدا ان تتبع ذلك بالحقيقه قلت : و ما الحقيقه ؟ قال : تصديق القلب و اضرار ان لا يعود الى الذنب الذي استغفر منه قلت ، فاذا فعلت ذلك فانا من المستغفرين ؟ قال : لا لانك لم تبلغ الى الاصل بعد قلت : فاصل الاستغفار ما هو؟ قال : الرجوع الى التوبه عن الذنب الذي استغفرت منه و هي اول درجه العابدين و ترك الذنب و الاستغفار اسم واقع لسته معان ثم ذكر الحديث نحوه.

ترجمه:

- 812 کمیل بن زیاد گوید به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم : بنده مرتکب گناه می شود پس استغفار نموده و از خداوند طلب بخشایش می کند .حضرت فرمود: ای ابن زیاد! آیا مراد تو، توبه است ؟ عرض کردم : آیا همین استغفار توبه نیست ؟ حضرت فرمود: خیر، عرض کردم : چگونه ؟ فرمود: همانا بنده هرگاه مرتکب گناهی بشود با تحريك بگوید: استغفر الله. عرض کردم ، تحريك چیست ؟ فرمود: یعنی دو لب و زبان حقیقتا اراده پیروی از استغفار را داشته باشند. عرض کردم : حقیقتا یعنی چه ؟ فرمود: یعنی قلب استغفار را تصدیق کند و در نهان خود بازنگشتن به آن گناهی را که از آن استغفار نموده است را داشته باشد .عرض کردم : آیا اگر من چنین که فرمودید کنم از مستغفرین خواهم بود؟ فرمود: خیر، زیرا هنوز به اصل و ریشه استغفار نرسیده ای . عرض کردم : اصل استغفار چیست ؟ فرمود :یکی مراجعه کردن به سوی توبه نمودن از گناهی که از آن استغفار نموده ای و این اولین درجه و رتبه (عبادت کنندگان) است ، و دیگری ترك نمودن گناه ، و استغفار اسمی است که برای شش معنا ثابت گردیده است سپس حضرت حدیث گذشته را فرمود .

- 88 باب استحباب صوم الاربعاء و الخميس و الجمعة للتوبه و استحباب الغسل و الصلاه لها

- 88 باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل

و نماز برای توبه

حدیث:

- 813 عن ابی عبدالله عليه السلام : فی قول الله عزوجل) : توبوا الى الله توبه نصوحا) قال :

هو صوم يوم الاربعاء و الخميس و الجمعة.

ترجمه:

- 813 امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند عزوجل می فرماید: به سوی خداوند توبه آورید (باز گردید) توبه ای (بازگشتنی) خالص⁽¹⁶⁵⁾

حدیث:

- 814 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ما اهمنی ذنب امهلت بعده حتی اصلی رکعتین.

ترجمه:

- 814 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گناهی که پس از آن ، مهلت به جا آوردن دو رکعت نماز به من داده شود مرا اندوهگین و بی آرام نمی سازد.

حدیث:

- 815 و قال علیه السلام : ما من عبد اذنب ذنبا فقام فتطهر و صلی رکعتین و استغفر الله الا غفر له و كان حقا على الله ان يقبله لانه سبحانه قال) : و من يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفورا رحیما.

ترجمه:

- 815 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود پس برخیزد و طهارت گیرد و دو رکعت نماز به جای آورد و از خداوند طلب مغفرت کند جز اینکه مغفرت الهی شامل حالش می شود و بر خداوند سزاوار است که استغفار او را بپذیرد زیرا خدای سبحان فرموده است) : و هر کس کار بدی به جای آورد یا به خویشتن ستم کند سپس از خداوند طلب مغفرت کند خداوند را آمرزنده و مهربان می یابد⁽¹⁶⁶⁾

- 89 باب جواز تجديد التوبة و صحتها مع الاتيان بشرائطها و ان تكرر نقضها

- 89 باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر

چه شکستن آن توبه تکرار گردد

حدیث:

- 816 عن ابي جعفر عليه السلام قال : يا محمد بن مسلم ذنوب المومن اذا تاب منها مغفوره له فليعمل المومن لما يستأنف بعد التوبة و المغفرة اما و الله انها ليست الا لاهل الايمان قلت : فان عاد بعد التوبة و الاستغفار من الذنوب و عاد فى التوبة قال يا محمد بن مسلم اترى العبد المومن يندم على ذنبه و يستغفر منه و يتوب ثم لا يقبل الله توبته ؟ قلت : فانه فعل ذلك مرارا يذنب ثم يتوب و يستغفر فقال : كلما عاد المومن بالاستغفار و التوبة عاد الله عليه بالمغفرة و ان الله غفور رحيم يقبل التوبة و يعفو عن السيئات فإياك ان تقنط المومنين من رحمه الله.

ترجمه:

- 816 امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد بن مسلم ! گناهان مومن

هرگاه از آنها توبه کند آمرزیده می شود، پس مومن باید برای آنچه که بعد از توبه و مغفرت آغاز می کند عمل کند. هان ، به خدا سوگند که توبه جز برای اهل ایمان نیست . محمد بن مسلم گوید: عرض کردم : پس اگر بعد از توبه و استغفار از گناهان ، دوباره به گناه باز گردد و دوباره توبه کند چگونه است ؟ فرمود : ای محمد بن مسلم ! آیا تو می پنداری بنده مومنی که بر گناهش پشیمان می گردد و از آن استغفار و توبه می کند خداوند توبه اش را نمی پذیرد؟ عرض کردم : آخر او این کار را بارها انجام داده است گناه می کند سپس توبه و استغفار می کند. حضرت فرمود: تا زمانی که مومن با استغفار و توبه به سوی خداوند باز می گردد خداوند نیز با مغفرتش به سوی او می آید و راستی که خداوند آمرزنده مهربان است ، توبه را می پذیرد و از گناهان در می گذرد پس بر حذر باش از اینکه مومنین را از رحمت خداوند مایوس کنی .

حدیث:

- 817 قال ابو عبدالله عليه السلام : ان الله يحب العبد المفتن التواب و من لا يكون ذلك منه كان افضل.

ترجمه:

- 817 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند بنده ای که بوسیله گناه آزموده و آزمایش شده سپس توبه نموده است را دوست می دارد و بنده ای که اصلاً به گرد گناه نگشته از بنده ای که گناه کرده و توبه نموده برتر است .

حدیث:

- 818 قال ابو عبدالله عليه السلام : ما من مومن الا وله ذنب يهجره زمانا ثم يلم به و ذلك قول الله عزوجل (الا اللمم) و سألته عن قول الله عزوجل : (الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللمم) قال : الفواحش الزنا و السرقة و اللمم الرجل يلم بالذنب فيستغفر الله منه.

ترجمه:

- 818 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست جز اینکه برای وی گناهی است که مدتی از آن گناه بریده و از آن دوری نموده سپس آن را دوباره انجام می دهد و این همان است که در گفتار خدای عزوجل از آن به (لمم) (گناه کوچک نسبت به گناه بزرگ) تعبیر شده است . روای گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه پرسیدم که می فرماید: آنان که از گناهان بزرگ و زشتی ها دوری می کنند مگر از لمم گناهان کوچکی که پیش می آید ⁽¹⁶⁷⁾ (حضرت فرمود: مراد از فواحش و زشتی ها، زنا نمودن و دزدی است و لمم آن است که کسی مرتکب گناهی (که در مسیر او قرار گرفته) شود پس از آن از خداوند طلب بخشایش کند .

حدیث:

- 819 عن ابي بصير، عن ابي عبدالله عليه السلام : في قوله تعالى (توبوا الى الله توبه

نصوحا) قال : هو الذنب الذى لا يعود فيه ابدا قلت : و اينا لم يتب و يعد؟ فقال : يا ابا محمد ان الله يحب من عباده المفتن التواب.

ترجمه:

- 819 ابو بصير گوید: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید) : به سوی خداوند توبه کنید توبه ای خالصانه ⁽¹⁶⁸⁾ (فرمود: توبه نصوح و خالصانه آن است که شخص هرگز دوباره به گناهی که مرتکب شده است باز نگردد. عرض کردم : کدامیک از ما توبه نمی کند و (به گناه) باز نمی گردد؟ حضرت فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگان آن کسی که به گناه دچار شده و توبه نموده است را دوست می دارد .

حدیث:

- 820 الحسن بن محمد الدیلمی فی (الارشاد) قال کان رسول الله صلى الله عليه و آله يستغفر الله فى كل يوم سبعين مره يقول استغفر الله ربى و اتوب اليه و كذلك اهل بيته عليه السلام و صالح اصحابه يقول الله تعالى (و استغفوا ربكم ثم توبوا اليه) قال : و قال رجل : يا رسول الله انى اذنب فما اقول اذا تبت ؟ قال : استغفر الله فقال : انى اتوب ثم اعود فقال : كلما اذنبت استغفر الله فقال : اذن تكثر ذنوبى فقال : عفو الله اكثر فلا تزال تتوب حتى يكون الشيطان هو المدحور.

ترجمه:

- 820 حسن بن محمد دیلمی در کتاب (الارشاد) گوید: رسول خدا - در هر روز هفتاد مرتبه به درگاه خداوند استغفار می نمود و می گفت) : استغفر الله ربى و اتوب اليه (همچنین اهل بیت او علیه السلام و اصحاب شایسته اش چنین سیره ای داشتند، خداوند تعالی می فرماید) : از پروردگارتان طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه آورید - ⁽¹⁶⁹⁾ (راوی گوید: - مردی به رسول خدا صلى الله عليه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! من مرتکب گناه می شوم هنگامی که توبه می کنم چه بگویم ؟ حضرت فرمود: به درگاه خداوند استغفار کن . عرض کرد: توبه می کنم و سپس دوباره به گناه باز می گردم) در این حال چه بگویم ؟) فرمود: هر زمان مرتکب گناه شدی از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کن . عرض کرد: بنابراین گناهان من زیاد می شود. حضرت فرمود: عفو و بخشایش خداوند زیادتیر و بیشتر است پس پیوسته توبه می کنی تا اینکه شیطان تار و مار و رانده می گردد .

- 90 باب استحباب تذكر الذنب و الاستغفار منه كلما ذكره

- 90 باب استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به یاد آورد

حدیث:

- 821 عن ابی عبدالله فى حدیث قال : ان المومن لیذكر ذنبه بعد عشرين سنه حتى يستغفر ربه فیغفر له و ان الكافر لینساه من ساعته.

ترجمه:

- 821 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که شخص مومن گناه خود را پس از بیست سال به یاد می آورد تا به درگاه پروردگارش استغفار کند پس پروردگار او را مشمول غفران خود قرار می دهد ولی شخص کافر گنااهش در همان دم که مرتکب آن می شود فراموشش می گردد .

حدیث:

- 822 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان المومن لیذنب الذنب فی ذکر بعد عشرين سنه فیستغفر منه فیغفرله و انما یذکره لیغفر له و ان الکافر لیذنب الذنب فینساه من ساعته.

ترجمه:

- 822 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مومن گناهی می کند پس بعد از بیست سال آن را به یاد می آورد و از آن استغفار می کند و مورد آمرزش و بخشایش قرار می گیرد و این یاد آوری اش برای این است که مشمول غفران واقع شود و کافر در همان ساعتی که گناه می کند آن را به فراموشی می سپارد .

حدیث:

- 823 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الله اذا اراد بعبد خيرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه و یذکره الاستغفار. (الحديث .)

ترجمه:

- 823 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی هرگاه که خداوند خیر بنده ای را اراده کند و آن بنده مرتکب گناهی گردد پیرو آن گناه خداوند او را عقوبتی می کند و انتقامی از او می کشد و استغفار را به یاد او می آورد .

حدیث:

- 824 قال ابو عبدالله علیه السلام عن الاستدراج فقال : هو العبد یذنب الذنب فیملی له و یجدد له عندها النعم فیلهیه عن الاستغفار فهو مستدرج من حیث لایعلم.

ترجمه:

- 824 از امام صادق علیه السلام درباره) استدراج ⁽¹⁷⁰⁾ (پرسیده شد (که چیست ؟) حضرت فرمود: استدراج آن است که بنده گناهی کند پس به او مهلت داده شود و همزمان با ارتکاب گناه به او نعمت های جدیدی عطا شود و از استغفار باز ماند و سرگرم شود چنین کسی از جایی که نمی داند اندک اندک به شقاوت نزدیک گشته است .

- 91 باب استحباب انتهاز فرص الخیر و المبادره به عند الامکان

- 91 باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر

استفاده شود

حدیث:

- 825 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه

و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی بادر باربع قبل اربع : شبابك قبل هرمك و صحتك قبل سقمك و غناك قبل فقرک و حیاتك قبل موتك.

ترجمه:

- 825 امام صادق علیه السلام از پدرانش : روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - آمده است : ای علی ! پیش از چهار چیز به چهار چیز مبادرت کن : جوانیت را پیش از پیر شدن دریاب و سلامتت را پیش از بیماریت غنیمت شمر و از ثروتمندیت قبل از اینکه فقیر شوی استفاده خیر کن و پیش از مردنت زندگی ات را غنیمت دان .

حدیث:

- 826 عن موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام في قول الله عزوجل و لاتنس نصيبك من الدنيا قال : لاتنس صحتك و قوتك و فراغك و شبابك و نشاطك ان تطلب بها الاخره.

ترجمه:

- 826 موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : علی علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید : و نصیب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن ⁽¹⁷¹⁾ فرمود: فراموش مکن که از سلامتی و توانایی و بیکاری و جوانی و نشاطی که داری برای طلب آخرت بهره ببری .

حدیث:

- 827 عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : قرنت الهيبه لاخيه و الحياء بالحرمان و الفرصه تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الخير.

ترجمه:

- 827 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترس با نامرادی و به مقصود نرسیدن مقرون است و حیا با محرومیت همراه است و فرصت مانند ابر گذرنده می گذرد پس فرصتهای نیکو را غنیمت شمرید .

حدیث:

- 828 و قال عليه السلام : اضاعه الفرصه غصه.

ترجمه:

- 828 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر باد دادن و تلف کردن فرصت (موجب) غصه و اندوه است .

حدیث:

- 829 و قال عليه السلام : من الخرق المعاجله قبل الامكان و الاناه بعد الفرصه .

ترجمه:

829-امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شتاب کردن (در کاری) (پیش از (به دست آوردن) توانایی، و بردباری (سستی کردن) بعد از (به دست آوردن) فرصت (این هر دو) از نادانی است.

92-باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و ليله من غير ذنب و وجوبه مع الذنب
92-باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد
حدیث:

830-عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان رسول الله صلی الله علیه و آله : یتوب الی الله عزوجل فی کل یوم سبعین مره قلت : اکان یقول : استغفر الله و اتوب الیه ؟ قال لا و لکن کان یقول : اتوب الی الله قلت : ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یتوب و لایعود و نحن نتوب و نعود، فقال : الله المستعان.
ترجمه:

830-امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا - چنین بود که در هر روز به درگاه خدای عزوجل هفتاد مرتبه توبه می نمود - راوی گوید: عرض کردم : آیا رسول خدا می گفت : (استغفر الله و اتوب الیه) ؟ فرمود: خیر، بلکه می گفت: : اتوب الی الله (عرض کردم : همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله توبه می نمود و بازگشت نمی کرد (همواره در حال تکامل و تعالی بود) ولی ما توبه می کنیم و (دوباره به حالت گذشته) باز می گردیم . حضرت فرمود: خداوند یاری کننده است (و در این راه باید از او یاری جست).
حدیث:

831-و عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال : لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.
ترجمه:

831-عده ای از اصحاب ما این سخن را به معصوم علیه السلام نسبت داده اند که فرمود: برای هر دردی دواپی است و دواي گناهان استغفار کردن است .
حدیث:

832-قال ابو عبدالله علیه السلام : من قال : استغفر الله مائه مره فی یوم غفر الله له سبعمائنه ذنب و لاخیر فی عبد یذنب فی یوم سبعمائنه ذنب.
ترجمه:

832-امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که در هر روز صد مرتبه (استغفر الله) بگوید خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد و بنده ای که در روز مرتکب هفتصد گناه شود خیری در او نیست .
حدیث:

833-عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان

یتوب الی الله کل یوم سبعین مره من غیر ذنب.

ترجمه:

- 833 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر روز بدون اینکه گناهی داشته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می آورد .

حدیث:

- 834 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یتوب الی الله و یتستغفره فی کل یوم و ليله مائه مره من غیر ذنب ان الله یحص اولیاء بالمصائب لیوثرهم علیها من غیر ذنب.

ترجمه:

- 834 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که هر شبانه روز بدون اینکه گناهی داشته باشد به سوی خداوند توبه و استغفار می کرد؛ به راستی که خداوند مصائب و سختی ها را به اولیاء و دوستان خویش اختصاص دهد بدون اینکه گناهی نموده باشند تا به آنها به خاطر شکیبایی نمودشان بر دشواری ها پاداش دهد .

حدیث:

- 835 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : رسول الله صلی الله علیه و آله کان یتوب الی الله فی کل یوم سبعین مره من غیر ذنب.

ترجمه:

- 835 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله را سیره چنین بود که هر روز بدون اینکه گناهی از آن حضرت صورت گرفته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می نمود .

حدیث:

- 836 قال ابو جعفر علیه السلام : انه کان یقال : من احب عباد الله الی الله المحسن التواب.

ترجمه:

- 836 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از محبوبترین بندگان خدا در نزد خداوند کسی است که نیکوکار و بسیار توبه کننده باشد.

حدیث:

- 837 و عن ابراهیم بن ابی البلاد قال : قال لی ابوالحسن علیه السلام : انی استغفر الله فی کل یوم خمسہ الاف مره ثم قال لی : خمسہ الاف کثیر.

ترجمه:

- 837 ابراهیم بن ابی البلاد گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: همانا من در هر روز پنج هزار مرتبه از خداوند طلب مغفرت می کنم - سپس به من فرمودند: پنج هزار زیاد است

93 باب صحه التوبه فى آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعايه و كذا الاسلام
93 باب صحيح بودن توبه در پايان عمر اگر چه هنگامى باشد كه جان به گلو رسیده باشد
پيش از اينكه مرگ را به چشم ببيند و همچنين است اسلام آوردن

حديث:

838 عن ابى عبدالله عليه السلام او عن ابى جعفر عليه السلام فى حديث : ان الله عزوجل
قال لادم عليه السلام : جعلت لك ان من عمل من ذريتك سيئه ثم استغفر غفرت له قال : يا
رب زدنى قال : جعلت لهم التوبه او بسطت لهم التوبه حتى تبلغ النفس هذه قال : يا رب
حسبى.

ترجمه:

838 از امام صادق عليه السلام يا از امام باقر عليه السلام در حديثى آمده است : همانا
خداوند عزوجل به حضرت آدم عليه السلام فرمود: اين مزيت را براى تو قرار دادم كه هر كس از
فرزندانت مرتكب گناهى شود سپس استغفار كند او را مى بخشايم . حضرت آدم عليه
السلام عرض كرد: اى پروردگار من مرا بيش از اين ده . خداوند فرمود: براى فرزندان توبه را
قرار دادم يا براى آنان باب توبه را گشودم و گستراندم تا آن هنگام كه جان به گلویشان رسد.
حضرت عرض كرد: اى پروردگار من مرا بس است .

حديث:

839 عن ابى جعفر عليه السلام قال : اذا بلغت النفس هذه و اهوى بیده الى حلقه لم يكن
للعالم توبه و كانت للجاهل توبه.

ترجمه:

839 امام باقر عليه السلام فرمود: آنگاه كه جان به اينجا برسد - و دست مباركش را به
سوى حلق خود كشيد - توبه شخص عالم پذيرفته نيست ولى توبه جاهل پذيرفته مى شود.

حديث:

840 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من تاب قبل
موته بسنه قبل الله توبته ثم قال : ان السنه لكثير من تاب قبل موته بشهر قبل الله توبته ثم
قال : ان الشهر لكثير ثم قال : من تاب قبل موته بجمعه قبل الله توبته ثم قال : و ان الجمعه
لكثير من تاب قبل موته بيوم قبل الله توبته ثم قال : ان يوما لكثير من تاب قبل ان يعاين قبل الله
توبته.

ترجمه:

840 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: كسى كه يك
سال به مرگش مانده توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود: يك سال زياد
است ؛ هر كس يك ماه به مردنش مانده توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس

فرمود: يك ماه زياد است ؛ كسى كه يك جمعه به مرگش مانده توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود: يك جمعه زياد است ؛ كسى كه يك روز پيش از مردنش توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود: به راستى كه يك روز هم زياد است ؛ كسى كه پيش از آنكه مرگ را به چشم خود ببيند توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد .

حديث:

- 841 عن معاوية بن وهب فى حديث ان رجلا شيخا كان من المخالفين عرض عليه ابن اخيه الولاية عند موته فاقربها و شهق و مات قال : فدخلنا على ابي عبدالله عليه السلام فعرض على بن السرى هذا الكلام على ابي عبدالله عليه السلام فقال : هو رجل من اهل الجنة قال له على بن السرى : انه لم يعرف شيئا من هذا غير ساعته تلك قال : فتريدون منه ماذا؟ قد و الله دخل الجنة.

ترجمه:

- 841 معاوية بن وهب در حديثى روايت كند كه : بر پيرمردى از مخالفين در هنگام مرگش توسط پسر برادرش ولايت ائمه عليه السلام عرض شد و آن پيرمرد به ولايت معصومين عليه السلام اقرار نموده و نعره اى بر كشيد و جان داد - راوى گويد: - پس از آن ما بر امام صادق عليه السلام وارد شديم و على بن سرى اين قضيه را به حضرت عرضه داشت . حضرت فرمود: آن پيرمرد مردى از اهل بهشت است . على بن سرى عرض كرد: او كه چيزى از ولايت شما را جز همان ساعت مردنش در نيافته بود (چگونه او از اهل بهشت است ؟) حضرت فرمود: شما از او چه مى خواهيد؟ به خدا سوگند كه او وارد بهشت شد .

حديث:

- 842 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : لما اعطى الله ابليس ما اعطاه من القوه قال آدم : يا رب سلط ابليس على ولدى و اجرته منهم مجرى الدم فى العروق و اعطيته ما اعطيته فما لى و لولدى ؟ قال : لك و لولدك السئيه بواحدة و الحسنه بعشر امثالها قال : يا رب زدنى قال : التوبه مبسوطه الى ان تبلغ النفس الحلقوم قال : يا رب زدنى قال : اغفر و لا ابالى قال : حسبى.

ترجمه:

- 842 امام صادق عليه السلام فرمود: زمانى كه خداوند به ابليس آن قدرت را (قدرت اغواگرى و فريب مردم را) بخشيد حضرت آدم عليه السلام عرض كرد: اى پروردگار من ! ابليس را بر فرزندان من مسلط نمودى و همانند خون كه در رگها جريان دارد او را با آنان همراه ساختى و به او آن نيروى آنچنانى را بخشيدى پس براى من و فرزندانم چه گذارده اى ؟ خداوند فرمود: براى تو و فرزندانم مقرر ساخته ام كه يك گناهانتان يك عقوبت داشته باشد ولى يك نيكي شما ده برابر پاداش داده شود. عرض كرد: اى پروردگار من ! مرا بيش از اين ده . فرمود: (باب توبه) توبه را براى شما تا زمانى كه جان به گلويتان برسد گسترانده و گشوده ام . عرض كرد: اى

پروردگار! مرا بیش از این ده . فرمود: می بخشم و مرا باکی نیست . عرض کرد: مرا بس است .

حدیث:

- 843 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من تاب قبل موته بسنة تاب الله عليه ثم قال : و ان شهرا لكثير من تاب قبل موته بساعة تاب الله عليه ثم قال : و ان ساعة لكثير من تاب و قد بلغت نفسه هاهنا و اشار بيده الى حلقه تاب الله عليه.

ترجمه:

- 843 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : کسی که يك سال پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: همانا يك سال زیاد است ؛ کسی که يك ماه به مرگش مانده توبه کند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك ماه هم زیاد است ؛ کسی که يك روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك روز هم زیاد است ؛ کسی که ساعتی پیش از مرگش توبه کند توبه اش پذیرفته می گردد، سپس فرمود: يك ساعت هم زیاد است ؛ کسی که توبه کند در حالی که جاننش به اینجا رسیده باشد و با دست مبارکش به گلویش اشاره فرمود: خداوند توبه اش را می پذیرد .

حدیث:

- 844 و سئل الصادق عليه السلام عن قول الله عزوجل (و ليست التوبة للذين يعلمون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال انى تبت الان) قال عليه السلام : ذاك اذا عاين امر الاخره.

ترجمه:

- 844 از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : برای آن کسانی که گناهان را مرتکب می شوند تا آنجا که هنگامی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد می گوید: اکنون توبه نمودم ، توبه ای در کار نیست - توبه آنان پذیرفته نیست (172) -. پرسیده شد. حضرت فرمود: این پذیرفته نشدن توبه مربوط به آن هنگامی است که شخص امر آخرت را به چشم خود می بیند .

حدیث:

- 845 عن ابي جعفر عليه السلام في حديث ان رسول الله صلى الله عليه و آله دعا رجلا من اليهود و هو في السياق الى الاقرار بالشهادتين فاقربهما و مات فامر الصحابة ان يغسلوه و يكفنوه ثم صلى عليه و قال : الحمد لله الذي انجى بى الويم نسمة من النار.

ترجمه:

- 845 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله مردی از یهود

را که در حال جان کندن و احتضار بود به سوی اقرار به شهادتین (وحدانیت خدا و رسالت پیامبر) فرا خواند او نیز اقرار نمود و از دنیا رفت پس رسول خدا صلی الله علیه و آله صحابه اش را دستور داد او را غسل داده و کفن کنند سپس خود بر او نماز خوانده و فرمود: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که امروز به وسیله من موجودی را از آتش دوزخ رهایی بخشید .

حدیث:

- 846 عن ابراهيم بن محمد الهمداني قال قلت لابي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام : لای عله اغرق الله عزوجل فرعون و قد آمن به و اقر بتوحیده ؟ قال : لانه آمن عند رويه الباس و الايمان عند رويه الباس غير مقبول و ذلك حكم الله تعالى ذكره في السلف و الخلف قال الله تعالى : (فلما راوا باسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين فلم يك ينفعهم ايمانهم لما راوا باسنا) و قال عزوجل : (يوم ياتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن آمنت من قبل او كسبت في ايمانها خيرا) (الحديث)

ترجمه:

- 846 ابراهيم بن محمد همدانی گوید: به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: به چه علتی خداوند عزوجل فرعون را در دریا غرق کرد در حالی که او به خداوند ایمان آورد و به یگانگی او اقرار نمود؟ حضرت فرمود: زیرا او در هنگام دیدن عذاب الهی ایمان آورد و ایمان آوردن در وقت دیدن عذاب، پذیرفته نمی شود و این حکم خداوندی است که ذکر او در میان گذشتگان و آیندگان بلند مرتبه است. خدای تعالی می فرماید: پس آنگاه که عذاب ما را دیدند گفتند: ما به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به آنچه پیش از این شرک می ورزیدیم کافر گشتیم، پس ایمان آنان به حالشان سودمند نبود چرا که آنان عذاب ما را به چشم دیدند (173) و خدای عزوجل می فرماید: روزی که بعضی از نشانه های پروردگارت می آید در آن روز ایمان کسی که پیش از آن ایمان نداشته یا در ایمان خود خیری را کسب نکرده، به او سودی نمی بخشد (174).

حدیث:

- 847 عن محمد بن ابي عمير قال : قلت لابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام : اخبرني عن قول الله عزوجل لموسى عليه السلام (اذهب الى فرعون انه طغى) فقال عليه السلام اما قوله (فقولا له قولا لينا) الى ان قال : و قد علم الله ان فرعون لا يتذكر و لا يخشى الا عند رويه الباس الا تسمع الله يقول : (حتى اذا دركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل و انا من المسلمين) فلم يقبل الله ايمانه و قال : (آلان و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين).

ترجمه:

- 847 محمد بن ابی عمیر گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: مرا

درباره گفتار خدای عزوجل آگاه ساز که خطاب به موسی علیه السلام می فرماید: ای موسی و ای هارون! بریود به سوی فرعون که او طغیان و سرکشی نموده است⁽¹⁷⁵⁾) (چرا با اینکه خداوند در آیه بعد توصیه می فرماید که با فرعون به نرمی سخن گوید اما سرانجام وی را در دریا غرق می سازد؟) حضرت پس از بیان و تفسیر آیه بعد فرمود: زیرا خداوند دانست که فرعون پند نمی پذیرد و خدا ترس نمی گردد مگر زمانی که عذاب الهی را به چشم خود ببیند آیا نشنیده ای که خداوند فرموده است: تا هنگامی که غرقه شدن او را فرا گرفت گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند نیست و من تسلیم اویم⁽¹⁷⁶⁾) (پس خداوند ایمانش را نپذیرفت و فرمود): آیا اکنون ایمان می آوری در حالی که پیش از این عصیانگر و از فساد کنندگان بودی⁽¹⁷⁷⁾)

حدیث:

- 848 عن رسول الله صلى الله عليه و آله في حديث قال: اني نزلت رب في امتي فقال لي ان باب التوبة مفتوح حتى ينفخ في الصور ثم اقبل علينا رسول الله صلى الله عليه و آله فقال: انه من تاب قبل موته بسنة تاب الله عليه ثم قال: و ان السنة لكثير من تاب قبل موته بشهر تاب الله عليه ثم قال: و شهر كثير من تاب قبل موته بجمعه تاب الله عليه ثم قال: و جمعه كثير من تاب قبل ان يموت بيوم تاب الله عليه ثم قال: و يوم كثير من تاب قبل ان يموت بساعة تاب الله عليه ثم قال: و ساعة كثيرة من تاب و قد بلغت نفسه هذه و اوما بيده الى حلقه تاب الله عليه.

ترجمه:

- 848 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: من درباره امت خود با پروردگارم رویا رو شدم، پروردگار به من فرمود: همانا باب توبه تا زمانی که در صور دمیده شود باز گذاشته می شود - سپس بعد از سخن رسول خدا صلى الله عليه و آله بر ما رو آورد و فرمود: به راستی که کسی که يك سال پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك سال زیاد است، کسی که يك ماه قبل از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود، يك ماه هم زیاد است، هر کسی که يك جمعه از مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: جمعه هم زیاد است، کسی که يك روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك روز هم زیاد است، کسی که ساعتی به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: ساعت هم زیاد است، کسی که توبه کند در حالی جان به گلویش رسیده باشد خداوند توبه اش را قبول می کند.

- 94 باب استحباب الاستغفار في السحر

- 94 باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر

حدیث:

- 849 عن موسى بن جعفر عليه السلام عن ابيه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : ان الله عزوجل اذا اراد ان يصيب اهل الارض بعذاب قال : لو لا الذين يتحابون بجلالى و يعمرن مساجدى و يستغفرون بالاسحار لانزلت عذابى.

ترجمه:

- 849 امام موسى بن جعفر عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از علی علیه السلام روایت فرمود که : به راستی که هرگاه خداوند عزوجل اراده می کند که به اهل زمین عذابی برساند می گوید: اگر آن کسانی که به خاطر جلالت و بزرگی من یکدیگر را دوست دارند و مساجد مرا آباد می کنند و در سحرگاهان به استغفار می پردازند نبودند عذاب خود را بر زمینیان فرو فرستادیم .

حدیث:

- 850 عن جعفر بن محمد عليه السلام قال : قال ابي عليه السلام قال امير المؤمنين عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله جل جلاله اذا راي اهل قرية قد اسرفوا فى المعاصى و فيها ثلاثه نفر من المومنين ناداهم جل جلاله يا اهل معصيتى لو لا من فيكم من المومنين المتحابين بجلالى العامرين بصلاتهم ارضى و مساجدى و المستغفرين بالاسحار خوفا منى لانزلت بكم عذابى ثم لا ابالى.

ترجمه:

- 850 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از علی علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند جل جلاله هرگاه ببیند که اهل قریه ای در انجام گناهان زیاده روی می کنند در حالی که در آن قریه سه نفر از مومنین وجود دارند به آن اهل زمین قریه خطاب می کند که : ای اهل نافرمانی من ! اگر در بین شما مومنین نبودند همان مومنینی که به خاطر جلال و بزرگی من یکدیگر را دوست دارند و به وسیله نمازشان زمین من و مساجد مرا آباد می کنند و از خوف من سحرگاهان به استغفار می پردازند، عذاب خود را بر شما نازل می ساختم سپس باکی ندارم (که چه می شود).

حدیث:

- 851 و عن عبدالله بن جعفر عن ابيه مثله و زاد قال : و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ساءته سيئته و سرته حسنته فهو مومن.

ترجمه:

- 851 روایتی دیگر شبیه به روایت گذشته از عبدالله بن جعفر روایت شده است با این اضافه که فرموده است : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : کسی که زشتکاری اش او را بد حال کند و نیکو کاری اش او را شادمان سازد چنین کسی مومن است .

- 95 باب انه يجب على الانسان ان يتلافى فى يومه ما فرط فى امسه و لايؤخر ذلك الى غده
- 95 باب اینکه بر انسان واجب است که در روز آنچه را که در روز گذشته درباره آن کوتاهی

کرده است تلافی کند و این کار را به فردا موکول نکند

حدیث:

- 852 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : انما الذهر ثلاثه ایام انت فیما بینهن ماضی امس بما فیہ فلا یرجع ابدا فان کنت عملت فیہ خیرا لم تحزن لذهابه و فرحت بما استقبلته منه و ان کنت فرطت فیہ فحسرتک شدیدہ لذهابه و تفريطک فیہ و انت من غد فی غره لاتدری لعلک لاتبلغه و ان بلغته لعل حظک فیہ التفريط مثل حظک فی المس الی ان قال : و انما هو یومک الذی اصبحت فیہ و قد ینبغی لک ان عقلت و فکرت فیما فرطت فی الامس الماضی مما فاتک فیہ من حسنات ان لاتکون اکتسبتها و من سيئات ان لاتکون اقصرت عنها الی ان قال : فاعمل عمل رجل لیس یامل من الايام الا یومه الذی اصبح فیہ و لیلته فاعمل او دع و الله المعین علی ذلك.

ترجمه:

- 852 امام علی بن حسین زین العابدین علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود: همانا روزگار سه روز است که تو (ای انسان خواه ناخواه) در میان این سه روز خواهی بود، دیروز با هر آنچه در آن بود گذشت پس هرگز باز نمی گردد، پس اگر تو کار خیری در آن انجام داده ای از رفتنش اندوهگین نیستی و از روی آوردن آن روز بر خودت شادمانی، و اگر در آن روز (در انجا وظایف خود) کوتاهی کرده ای به خاطر رفتن آن روز کوتاهی خودت حسرت زیادی خواهی داشت، و تو از فردای خودت در امیدی بیهوده به سر میبری، نمی دانی شاید به فردا نرسی و اگر هم بررسی شاید همانند دیروزت بهره ای در آن جز تفريط و کوتاهی کردن (در انجام وظایف) نداشته باشی - تا آنجا که فرمود: همانا امروزت را دریاب همین روزی که در آن صبح کرده ای و حقیقتا بر تو سزاوار است که اندیشه کنی و در کوتاهی های دیروز گذشته ات تفکر کنی که چه نیکی هایی از دست تو رفت و آنها را برای خود کسب نکردی و از چه بدیهایی باز نایستادی - تا آنجا که فرمود: - پس عمل کن یا (از بدیها) باز ایست و خداوند در این راه یاور توست.

حدیث:

- 853 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان النهار اذا جاء قال : یا ابن آدم اعمل فی یومک هذا خیرا اشهد لك به عند ربك یوم القیامه فانی لم آتیک فیما ماضی و لا آتیک فیما بقی فاذا جاء اللیل قال مثل ذلك.

ترجمه:

- 853 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز فرا می رسد (خطاب به انسان) می گوید: ای فرزند آدم! تو در این روزت کار خیر کن تا من در روز قیامت نزد پروردگارت به نفع تو گواهی دهم زیرا من در گذشته بر تو نیامده ام و در باقی مانده عمرت نیز دیگر نخواهم آمد. و هنگامی که شب فرا می رسد شب نیز همین سخنان را می گوید.

حدیث:

- 854 عن حفص بن غیاث قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان قدرت ان لاتعرف فافعل و ما عليك ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت محمودا عند الله ثم قال : قال ابي علي بن ابي طالب.

ترجمه:

- 854 حفص بن غیاث گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: اگر بتوانی (به گونه ای رفتار کنی) که شناخته نشوی این کار را انجام ده و اگر در نزد خداوند نیکنام باشی بر تو عیبی نیست که در نزد مردم از تو به خوبی یاد نشود - سپس فرمود: پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خیری در زندگانی نیست مگر برای دو نفر: یکی کسی که در هر روز خیری را (بر خیرهای خود) بیفزاید و دیگری کسی که به وسیله توبه مرگ خود را اصلاح کند .

حدیث:

- 855 عن ابي عبدالله عليه السلام انه قال : المغبون من غبن عمره ساعه بعد ساعه.

ترجمه:

- 855 امام صادق علیه السلام فرمود: فریب خورده (حقیقی) کسی است که درباره ساعت به ساعت عمرش فریب خورده باشد .

حدیث:

- 856 عن ابي عبدالله عليه السلام انه قال : من استوى يوماه فهو مغبون و من كان آخر يوميه خیرهما فهو مغبوط و من كان آخر يوميه شرهما فهو ملعون و من لم ير الزیاده فی نفسه فهو الى النقصان و من كان الى النقصان فالموت خیر له من الحياه.

ترجمه:

- 856 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دو روزش با هم مساوی باشد (و در روز دوم پیشرفت معنوی ننموده باشد) چنین کسی فریب خورده است و کسی که پایان دو روزش (برای او) بهترین ساعات و حالات آن دو روز باشد سعادت مند است و کسی که پایان دو روزش بدترین حالات آن دو روز باشد ملعون است (و از رحمت الهی دور است) و کسی که در نفس خود (نسبت به گذشته) زیادتی مشاهده نکند چنین کسی به سوی کمبود و نقصان پیش می رود و کسی که همواره در حال نقصان است مرگ برایش از زندگانی بهتر است .

- 96 باب وجوب محاسبه النفس كل يوم و ملاحظتها و حمد الله على الحسنات و تدارك السيئات

- 96 باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکی ها و جبران نمودن بدیها

حدیث:

- 857 عن ابی الحسن الماضی علیه السلام قال : لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزاد الله و ان عمل سیئا استغفر الله منه و تاب الیه.

ترجمه:

- 857 امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: کسی که در هر روز از نفس خود حساب نکشد از ما نیست (کسی که محاسبه نفس می کند) اگر عمل نیکی به جای آورده است از خداوند طلب زیادتی آن را کند و اگر کردار بدی از او سر زده است از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آورد .

حدیث:

- 858 قال ابو عبدالله علیه السلام : اذا اراد احدکم ان لایسال الله شیئا الا اعطاه فلییاس من الناس کلهم و لایکون له رجاء الا من عند الله جل ذکره فاذا علم الله جل و عز ذلك من قلبه لم یسال الله شیئا الا اعطاه فحاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا علیها فان للقیامه خمسین موقفا کل موقف مقداره الف سنه - ثم تلا قوله تعالی - (فی یوم کان مقداره الف سنه مما تعدون).

ترجمه:

- 858 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی از شما اراده کرد که از خداوند چیزی را درخواست نکند مگر اینکه خداوند آن چیز را به او عطا کند پس باید از تمامی مردم نومید گردد و امید او جز به خداوند جل ذکره نباشد پس هرگاه خداوند بزرگ و عزتمند دانست که او از ته قلبش چنین اراده ای را نموده هیچ چیزی را آن بنده از خدا نمی خواهد مگر اینکه خداوند به وی عطا می کند پس شما بیش از اینکه مورد حسابرسی واقع شوید از نفسهایتان حساب بکشید زیرا قیامت پنجاه توقفگاه دارد که مقدار هر کی از آنها هزار سال است - سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود) - : در روزی که مقدار آن برابر با هزار سال از سالهایی است که شما در این دنیا می شمارید (178)

حدیث:

- 859 عن ابی حمزه الثمالی قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : ابن آدم انک لاتزال بخیر ما کان لك واعظ من نفسك و ما کانت المحاسبه من همک و ما کان الخوف لك شعارا و الحزن لك دثارا ابن آدم انک میت و مبعوث و موقوف بین یدی الله فاعد جوابا.

ترجمه:

- 859 ابو حمزه ثمالی گوید: امام سجاد علیه السلام می فرمود: ای فرزند آدم! راستی که تو پیوسته در خیر و خوبی خواهی بود تا زمانی که:
- 1 واعظ و پند دهنده ای از درون خود داشته باشی
- 2 سعی و کوشش در محاسبه نفس خود کنی
- 3 خوف و ترسی از خداوند را زیر پوش خود قرار دهی
- 4 حزن و اندوه را روپوش خود کنی.

ای فرزند آدم ! تو خواهی مرد و برانگیخته خواهی شد و در پیشگاه خداوند خواهی ایستاد پس جوابی را (برای خداوند) آماه ساز .

حدیث:

- 860 عن ابی ذر فی حدیث قال : قلت : یا رسول الله فما کانت صف ابراهیم ؟ قال : کانت امثالا کلها. ایها الملك المبتلى المغرور انی لم ابعثک لتجمع الدنيا بعضها علی بعض و لكن بعثتک لترد عنی دعوه المظلوم فانی لاردها و ان کانت من کافر. و علی العاقل ما لم یکن مغلوبا ان تكون له ساعات ساعه یناجی فیها ربه و ساعه یحاسب فیها نفسه و ساعه یتفکر فیها صنع الله الیه و ساعه یخلو فیها بحظ نفسه من الخلال فان هذه الساعه عون لتلك الساعات و استجمام للقلوب و تفریغ لها. (الحدیث)

ترجمه:

- 860 ابوذر روایت کند که : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ای رسول خدا! صف ابراهیم چه بود؟ فرمود: همه آن مثللهایی بود (از جمله :) ای پادشاهی که گرفتار گشته و فریب خورده ای من تو را برای اینکه دنیا را بخش بخش گرد آوری کنی برنیانگیختم بلکه تو را بر انگیختم تا دعای ستمدیده را از من بازگردانی (ستمدیده ای نباشد تا از درگاه من فریاد رسی خواهد) زیرا من دعای ستمدیده را اگر چه کافر باشد باز نمی گردانم (دعایش را اجابت می کنم). (مثلی دیگر اینکه :) بر شخص خردمندی که مغلوب و مقهور نگشته است (و سرگرم دنیاطلبی نشده) سزاوار است که ساعات خود را تقسیم کند: ساعتی را به مناجات با پروردگارش بگذراند و در ساعتی از نفس خود حساب کشد و در ساعتی به نیکیوی هایی که خداوند با او نموده است اندیشه کند و ساعتی را به بهره بردن نفسش از حلال خلوت کند زیرا این ساعت یاری گر بقیه ساعات است و دلها را نیرویی تازه می بخشد و جدیت در کار را در پی دارد (دلها را فارغ و آسوده می سازد).

حدیث:

- 861 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لذكر الله بالغدو و الاصال خیر من حطم السیوف فی سبیل الله عزوجل یعنی من ذکر الله بالغدو و تذکرا کان منه فی لیلہ من سوء عمله و استغفر الله و تاب الیه انتشر و قد حطت سیئاته و غفرت ذنوبه و من ذکر الله بالاصال و هی العشیات و راجع نفسه فیما کان منه یومه ذلك من سرفه علی نفسه و اضاعته لامر ربه فذكر الله و استغفر الله تعالی و اناب راح الی اهله و قد غفرت له ذنوبه.

ترجمه:

- 861 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا یاد کردن خداوند در صبحگاهان و شامگاهان از شکستن شمشیرها در راه خدای عزوجل بهتر است یعنی کسی که خداوند را در هنگام بامداد یاد کند و کردار بد شبانگاهانش را به یاد آورد و از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آرد آن روز در حالتی بر روز زمین سیر می کند که بدی هایش پاک شده و

گناهانش بخشیده گردیده است و کسی که شبانگاه خدای را یاد کند و درباره غفلتی که از نفس خویش در طول روز داشته و ضایع نمودن فرمان پروردگارش به نفس خود مراجعه کند پس خدای را به یاد آورد و از او طلب مغفرت کند و به سوی خدا باز گردد آن شب در حالتی به سوی خانواده اش می رود که گناهانش بخشیده شده است .

حدیث:

- 862 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر و من خاف امن و من اعتبر ابصر و من ابصر فهم و من فهم علم.

ترجمه:

- 862 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که از نفس خود مواظبت کند و از او حساب کشد سود می برد و کسی که از او غافل شود زیان می بیند و کسی که (از نفس خود) بیمناک باشد در سلامت و امان قرار می گیرد و کسی که عبرت گیرد بینا شود و کسی که بینا باشد هوشیار و زیرک است و کسی که زیرکی دارد آگاهی می یابد .

حدیث:

- 863 عن ابی ذر فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله انه قال : یا ابا ذر حاسب نفسك قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابك غذا و زن نفسك قبل ان توزن و تجهز للعرض الاکبر يوم تعرض لاتخفی علی الله خافیه - الی ان قال : - یا ابا ذر لایکون الرجل من المتقین حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشریک شریکه فیعلم من این مطعمه و من این مشربه و من این ملبسه امن حلال او من حرام ؟ یا ابا ذر من لم یبال من این اکتسب المال لم یبال الله من این ادخله النار.

ترجمه:

- 863 پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیتش به ابوذر فرمود : ای ابوذر! از نفس خود حساب بکش پیش از اینکه از تو حساب کشیده شود زیرا حساب رسی امروزت بسی آسانتر از حسابی است که فردا از تو کشند و به نفس خود رسیدگی کن پیش از آنکه در ترازوی سنجش نهاده شوی و برای آن روز بزرگی که کردارها نمایان می شود خود را مهیا و آماده ساز همان روزی که اعمال هویدا می شود و هیچ چیز بر خداوند پوشیده نیست ، ای ابوذر! کسی از گروه پرهیزکاران شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد حسابرسی و دقتی شدید، شدیدتر از حسابی که شریکی از شریک خود می کشد، پس باید بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشاکش از کجاست ؟ آیا از حلال است یا از حرام ؟ ای ابوذر! کسی که باکی ندارد که از کجا و چه راهی مال به دست می آورد خداوند نیز درباره او باکی ندارد که وی را از چه راهی وارد آتش سازد .

حدیث:

- 864 الحسن بن علی العسکری علیه السلام فی تفسیره عن آبائه علیه السلام عن علی

عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله قال : اکیس الکیسین من حاسب نفسه و عمل لما بعد الموت فقال رجل : یا امیرالمؤمنین کیف یحاسب نفسه ؟ قال : اذا اصبح ثم امسى رجع الى نفسه و قال : یا نفسی ان هذا یوم مضی علیک لایعود الیک ابدا و الله یشالک عنه بما افنیته فما الذی عملت فیه اذکرت الله امر حمدته اقضیت حوائج مومن فیه انفست عنه کربه احفظتیه بظهر الغیب فی اهلہ و ولده احفظتیه بعد الموت فی مخلفیه اکففت عن غیبہ اخ مومن اعنت مسلما ما الذی صنعت فیه ؟ فیذکر ما کان منه فان ذکر انه جرى منه خیر حمدالله و کبره علی توفیقہ و ان ذکر معصیه او تقصیرا استغفر الله و عزم علی ترک معاودتہ.

ترجمہ:

- 864 امام حسن عسکری علیہ السلام در تفسیر خود از پدران بزرگوارش علیہ السلام و آنان از علی علیہ السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیہ و آلہ روایت فرمود کہ : زیرک ترین زیرکان کسی است کہ نفس خود را بہ پای حساب کشد و برای بعد از مرگ خویش کار کند، مردی عرض کرد: ای امیرالمؤمنین ! چگونه از نفس خود حساب کشد؟ فرمود: ہرگاہ صبح می کند سپس وارد شب می شود بہ نفس خود مراجعہ کند و بگوید: ای نفس من ! این روزی بود کہ بر تو گذشت و دیگر ہرگز باز نمی گردد و خداوند از تو دربارہ این روز می پرسد کہ چگونه آن را گذراندی و چہ کاری در آن انجام دادی ؟ آیا خداوند را یاد کردی یا ستایش نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوہش را برطرف نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوہش را برطرف نمودی ؟ آیا در نبود مومنی در میان خانوادہ و فرزندانش او را محافظت کردی ؟ آیا بعد از مرگ مومنی در میان بازماندگانش (حق) او را محفوظ داشتی ؟ آیا از غیبت نمودن برادر دینی ات دست برداشتی کہ مسلمانی را یاری کردہ باشی ؟ در این روز چہ کردی ؟ پس ہر آنچه از خود می داند بہ یاد آورد پس اگر بہ یاد آورد کہ خیری از او صادر شدہ خداوند را سپاس گوید و او را بر توفیقی کہ بہ وی بخشیدہ تعظیم کند و اگر بہ یاد آورد کہ گناہی یا کوتاہی کردنی از او سر زدہ از خداوند طلب مغفرت کند و تصمیم بگیرد کہ دیگر بہ آن گناہ باز نگردد .

حدیث:

- 865 علی بن موسی بن طاوس فی کتاب محاسبہ النفس قال : روینا فی الحدیث النبوی المشہور: حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الاکبر.

ترجمہ:

- 865 علی بن موسی بن طاوس در کتاب محاسبہ النفس (گوید: در حدیث نبوی مشہور برای ما نقل شدہ است کہ فرمود: از نفسہایتان حساب بکشید پیش از آنکہ شما را بہ پای حساب بکشند و آنها را با دقت بسنجید پیش از اینکہ با دقت بازرسی شوید و برای روز بزرگ قیامت خود را مہیا سازید .

حدیث:

- 866 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا يكون العبد مومنا حتى يحاسب نفسه اشد من محاسبه الشريك شريكه و السيد عبده . (الحديث)

ترجمه:

- 866 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بنده ای مومن (حقیقی) شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد آن هم حساب کشیدنی که به مراتب سخت تر و دقیقتر از حسابی باشد که شريك از شريك خود و آقا از بنده خود می کشد .

حدیث:

- 867 و عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليه السلام قال : ما من يوم يأتى على ابن آدم الا قال له ذلك اليوم : يا ابن آدم انا يوم جديد و انا عليك شهيد فافعل فى خيرا و اعمل فى خيرا اشهد لك يوم القيامة فانك لن ترانى بعدها ابدا.

ترجمه:

- 867 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی اش : روایت فرمود: هیچ روزی بر فرزند آدم نمی آید جز اینکه خطاب به آدمی می گوید: ای فرزند آدم ! من روز جدیدی هستم و من بر تو گواه و شاهد پس در من کردار نیکو انجام ده تا من در روز قیامت به نفع تو گواهی دهم زیرا تو پس از این هرگز مرا نخواهی دید .

حدیث:

- 868 عن الصادق عن ابيه عليه السلام قال : الليل اذا اقبل نادى مناد بصوت يسمعه الخلائق الا الثقلين يا ابن آدم انى خلق جديد انى على ما فى شهيد فخذ منى فانى لو طلعت الشمس لم ارجع الى الدنيا و لم تزد فى من حسنه و لم تستعتب فى من سيئه و كذلك يقول النهار اذا ادبر الليل.

ترجمه:

- 868 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام روایت فرمود ن هرگاه شب روی می آورد ندا دهنده ای با صدایی که همه مخلوقات به جز جن و انس آن را می شنوند ندا در می دهد که : ای فرزند آدم ! من مخلوق جدیدی هستم ، به راستی که من بر آنچه در من انجام می شود گواهم پس (فرصتهایم را) از من بستان زیرا اگر خورشید طلوع کند دیگر من به سوی دنیا باز نمی گردم و تو نمی دانی در من بر نیکی ات نیکی ای بیافزایی و نمی توانی از بدی ای باز گردی (پس مرا غنیمت شمار) و همچنین هرگاه شب پشت می کند و روز می آید روز نیز این سخنان را می گوید .

حدیث:

- 869 عن على بن الحسين عليه السلام قال : ان الملك الحافظ على العبد يكتب فى صحيفه اعماله فاملوا فى اولها خيرا و فى آخرها خيرا يغفر لكم ما بين ذلك.

ترجمه:

- 869 امام سجاد علیه السلام فرمود: به راستی که فرشته ای که نگاهبان بنده است در نامه اعمال او (کارهایش را) می نویسد پس شما در اول و آخر آن نامه ، نیکی را بر او دیکته کنید (که بنویسد) تا آنچه که در بین اول و آخر است بر شما بخشیده شود .

- 97 باب وجوب زیاده التحفظ عند زیاده العمر خصوصا ابنا، الاربعین فصاعدا
- 97 باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصا کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند
حدیث:

- 870 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان العبد لفی فسحة من امره ما بینه و بین اربعین سنة فاذا بلغ اربعین سنة اوحى الله عزوجل الى ملكیه قد عمرت عبدي هذا عمرا فغلظا و شددوا و تحفظا و اکتبا علیه قلیل عمله و کثیره و صغیره و کبیره.
ترجمه:

- 870 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که بنده (از آغاز تکلیف) تا چهل سالگی در فراخی و وسعت است (و جبران لغزشها و خطاهایش آسانتر است) پس زمانی که به چهل سالگی رسید خداوند عزوجل به دو فرشته نگاهبان او وحی می فرستد که به این بنده امر چنین عمری دادم پس از این بر او سخت بگیرد و با دقت او را زیر نظر داشته باشید و عمل کم و زیاد و کوچک و بزرگ وی را بنویسد .
حدیث:

- 871 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اذا اتت علی الرجل اربعون سنة قیل له خذ حذرک فانک غیر معذور و لیس ابن الاربعین احق بالحذر من ابن العشرين فان الذی یطلبها واحد و لیس براقده فاعمل لما امامک من الهول و دع عنک فضول القول.
ترجمه:

- 871 امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه مرد به چهل سالگی برسد به او گفته می شود که احتیاط پیشه کن که دیگر عذری نخواهی داشت و شخص چهل ساله از شخص بیست ساله به احتیاط کردن سزاوارتر نیست زیرا آن خدایی که از هر دو طالب عمل است یکی است و خواب نیست پس برای آن هراسی که در قیامت در پیش روی توست کار کن و سخن زیادی را واگذار .
حدیث:

- 872 قال ابو عبدالله علیه السلام : خذ لنفسک خذ منها فی الصبح قبل السقم و فی القوه قبل الضعف و فی الحیاة قبل الممات.
ترجمه:

- 872 امام صادق علیه السلام فرمود: برای نفس خودت (توشه) بگیر، در زمان سلامتی پیش از بیماری و در زمان توانایی پیش از ناتوانی و در زندگانی پیش از مردن.

حدیث:

- 873 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : العمر الذی اعذر الله فيه الى ابن آدم ستون سنة.

ترجمه:

- 873 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آن مدت عمری که خداوند برای فرزندان آدم جای عذر و بهانه را باقی گذارده است شصت سال است.

حدیث:

- 874 محمد بن علی بن الحسین قال : سئل الصادق عن قول الله عزوجل : (اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر) فقال : توبخ لابن ثمانية عشر سنة.

ترجمه:

- 874 محمد بن علی بن حسین گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: آیا به شما آن مقدار عمر ندادیم که در آن پند می گیرد کسی که پندپذیر است؟ ⁽¹⁷⁹⁾ حضرت فرمود: این آیه در بردارنده سرزنش و توبیخ کسی است که به هجده سالگی رسیده است.

حدیث:

- 875 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : ثلاث من لم تكن فيه فلا يرجى خيره ابدا من لم يخش الله في الغيب و لم يرع في الشيب و لم يستح من العيب.

ترجمه:

- 875 امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه در او نباشد درباره او هرگز امید خیر و خوبی برده نمی شود: کسی که در نهان از خدا نترسد و در پیری ورع و پارسایی نداشته باشد و از عیب و نقص شرمگین نباشد.

حدیث:

- 876 قال ابو عبدالله علیه السلام : اذا بلغ العبد ثلاثا و ثلاثين سنة فقد بلغ اشدّه و اذا بلغ اربعين سنة فقد بلغ منتهاه فاذا طعن في واحد و اربعين فهو في النقصان و ينبغي لصاحب الخمسين ان يكون كمن كان في النزع.

ترجمه:

- 876 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بنده به سی و پنج سالگی رسید به دوران قوت و توانایی خود رسیده است و آنگاه که به چهل سالگی برسد (گوئیا) به انتهای عمر خود رسیده است پس هنگامی که وارد چهل و یک سالگی شود چنین کسی در (سراشیبی) نقصان است و کسی که عمرش به پنجاه رسیده سزاوار است همانند کسی باشد که در حال نزع و جان کندن است.

- 98 باب وجوب عمل الحسنه بعد السینه

- 98 باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه

حدیث:

- 877 قال ابو عبدالله عليه السلام في حديث : من احب ان يعلم ما له عند الله فلينظر ما لله عنده و من خلا بعمل فلينظر فيه فان كان حسنا جميلا فليمض عليه و ان كان سيئا فبيحا فليجتنبه فان الله اولى بالوفاء و الزيادة و من عمل سيئه في السر فليعمل حسنه في السر و من عمل سيئه في العلانيه فليعمل حسنه في العلانيه.

ترجمه:

- 877 امام صادق عليه السلام در ضمن حدیثی فرمود: هر کس دوست دارد که بداند چه (منزلی) در نزد خدا دارد پس باید بنگرد که خداوند چه منزلتی در نزد او دارد و کسی که با عمل خود خلوت کرد (در پنهانی عملی انجام داد) پس در آن نظر کند اگر آن عمل نیکو و زیبا بود به آن ادامه دهد و اگر بد و زشت بود از آن اجتناب و دوری کند زیرا خداوند از هر کس دیگری سزاوارتر است به اینکه (به وعده ای که درباره نیکوکاران داده) وفا کند و به آنان زیادتی بخشد، و کسی که در پنهانی عمل بدی انجام دهد باید عمل نیکی نیز در پنهانی انجام دهد و کسی که عمل زشتی آشکارا به جای آورد باید کار نیکی نیز آشکارا انجام دهد.

حدیث:

- 878 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : كان علي بن الحسين عليه السلام يقول : و يل لمن غلبت أحاده اعشاره فقلت له و كيف هذا؟ قال : اما سمعت الله عزوجل يقول (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئه فلا يجزي الا مثلها) فالحسنة الواحدة اذا عملها كتبت له عشرا و السيئه الواحدة اذا عملها كتبت له واحدة فنعود بالله ممن يرتكب في يوم واحد عشر سيئات و لا يكون له حسنة واحدة فتغلب حسناته سيئاته.

ترجمه:

- 878 امام صادق عليه السلام فرمود: امام سجاد عليه السلام می فرمود: وای بر کسی که یکی یکی های او بر ده تایی های او غالب شود - راوی گوید - :عرض کردم : این چگونه باشد؟ فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند عزوجل می فرماید: کسی که کار نیکی انجام دهد پاداش او ده برابر آن است و کسی که مرتکب کار بدی شود تنها به همان اندازه جزایش را خواهد دید ⁽¹⁸⁰⁾ (پس هرگاه يك نیکی انجام دهد برای او ده نیکی نوشته می شود و هرگاه يك بدی به جای آورد برایش يك بدی ثبت می شود پس به خدا پناه می بریم از کسی که در يك روز مرتکب ده گناه می شود ولی يك کار نیک انجام نمی دهد تا در نتیجه بدیهایش بر نیکی هایش غالب می شود.

حدیث:

- 879 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان الله عزوجل اوحى الى عيسى عليه السلام ما اكرمت خليفه بمثل ديني و لانا نعمت عليها بمثل رحمتي اغسل بالماء منك ما ظهر و داو بالحسنات ما بطن فانك الى راجع شمر فكل ما هو آت قريب و اسمعني منك صوتا حزينا.

ترجمه:

- 879 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به عیسی علیه السلام وحی فرستاد که : هیچ مردمی را به چیزی همانند دین خود گرامی نداشته ام و بر هیچ مردمی به چیزی همانند رحمت خود نعمت نبخشیده ام ، به وسیله آب ظاهر خود را بشوی (و پاکیزه کن) و به كمك نیکوکاری ها (بیماری های) درون خود را درمان کن زیرا تو با شتاب به سوی من باز می گردی ، پس آینده نزدیک است ، و از خودت صدایی غمناک به من بشنوان (راز و نیازی با صوتی حزین با من داشته باش تا از تو چنین صدایی بشنوم).

حدیث:

- 880 عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال سمعته يقول : ما احسن الحسنات بعد السيئات و ما اقبح السيئات بعد الحسنات.

ترجمه:

- 880 محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: چه نیکوست نیکی ها بعد از بدیها و چه زشت است بدیها پس از نیکی ها.

حدیث:

- 881 عن ابی ذر قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اتق الله حيثما كنت و خالق الناس بخلق حسن و اذا عملت سيئة فاعمل حسنة تمحوها.

ترجمه :

- 881 ابوذر گوید: رسول خدا صل الله علیه و آله فرمود: در هر جا و هر حالی از خدا بترس و با مردمان با اخلاق نیکو معاشرت کن و هرگاه مرتکب گناهی شدی پس از آن کار نیکی انجام ده تا آن گناه را از بین ببرد.

- 99 باب صحه التوبه من المرتد

- 99 باب صحيح بودن توبه شخص مرتد

حدیث:

- 882 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كان مومنا فعمل خيرا في ايمانه ثم اصابته فتنه فكفر ثم تاب بعد كفره كتب له و حسب له كل شيء كان عمله في ايمانه و لا يبطله الكفر اذا تاب بعد كفره.

ترجمه:

- 882 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که با ایمان باشد و در زمان ایمانش کار خیری انجام دهد سپس فتنه ای به او برسد و کافر شود پس از آن از کفر خویش توبه کند و مومن گردد آن عمل خیر و هر کاری که در وقت ایمانش انجام داده برای او نوشته شده و حساب می گردد و هرگاه پس از کفر توبه کند کفر او کار خیر او را) که در زمان مومن بودنش به جای آورده (باطل نمی کند.

- 100 باب وجوب الاستغفار بصلاح الاعمال عنالاهل و المال

- 100 باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال

بپردازد

حدیث:

- 883 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان ابن آدم اذا كان فى آخر يوم من ايام الدنيا و اول يوم من ايام الاخره مثل له ماله و ولده و عمله فیلتفت الى ماله فيقول : و الله اين كنت عليك حريصا شحيا فما لى عندك ؟ فيقول : خذ منى كفنك قال : فیلتفت الى ولده فيقول : و الله انى كنت لكم محبا و انى كنت عليكم محاميا فما ذا عندكم ؟ فيقولون : نوديك الى حفرتك نواريك فيها قال : فیلتفت الى عمله فيقول : و الله انى كنت فيك لزاهدا و ان كنت لثقيلا فيقول : انا قرينك فى قبرك و يوم نشرك حتى اعرض انا و انت على ربك.

ترجمه:

- 883 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که فرزند آدم آنگاه که در آخرین روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت قرار می گیرد مال و فرزندان و عملش در مقابل او به نمایش گذاشته می شود پس به سوی مال و دارایی خود رو می کند و می گوید: سوگند به خدا که من بر تو حریص و بخیل بودم پس چه چیزی برای من در نزد توست ؟ مال خطاب به او می گوید: از من تنها کفن خود را بگیر، پس به فرزندان خود رو می کند و می گوید: به خدا سوگند که دوستدار شما بودم و همواره حمایت و پشتیبانی شما را می نمودم پس حال چه چیزی در نزد شما برای من هست ؟ فرزندان گویند: (پس از مرگت) تو را به (کنار) قبرت می رسانیم و در آن پوشیده و پنهان می سازیم ، پس رو به سوی عملش می کند و می گوید: به خدا سوگند که من به تو اعتنایی نداشتm اگر چه تو سنگین (و ارزشمند) بودی ، عمل خطاب به او گوید: من در قبرت با تو همدم خواهم بود و تا روز برانگیخته شدن با تو همراهم تا اینکه من و تو بر پروردگارت عرض شویم.

حدیث:

- 884 عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال على علیه السلام : ان للمرء المسلم ثلاثة اخلاء فخليل يقول له : انا معك حيا و ميتا و هو عمله و خليل يقول له : انا معك حتى تموت و هو ماله فاذا مات صار للوارث و خليل يقول له : انا معك الى باب قبرك ثم اخليك و هو ولده.

ترجمه:

- 884 امام صادق علیه السلام از پدرانش که درود و سلام بر آنان باد روایت فرمود که : على علیه السلام فرمود: همانا شخص مسلمان سه دوست دارد یکی دوستی که به وی می گوید: من در زندگی و مرگ با تو هستم ، و آن دوست عمل اوست . و دیگری دوستی که به

وی می گوید: من تا زمان مرگ با تو هستم ، و آن مال و دارایی اوست که زمانی که مرد به وارث منتقل می شود. و سوم دوستی که به وی می گوید: من تا در قبرت با تو هستم سپس تو را تنها می گذارم ، و او فرزند وی است.

- 101 باب وجوب الحذر من عرض العمل على الله و رسوله و الائمه عليه السلام

- 101 باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه عليه السلام

حدیث:

- 885 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : تعرض الاعمال على رسول الله صلى الله عليه و آله اعمال العباد كل صباح ابرارها و فجارها فاحذروها و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملکم و رسوله و المومنون) و سکت.

ترجمه:

- 885 امام صادق عليه السلام فرمود: اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه نابکاران در هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله عليه و آله عرضه می شود پس ، از اعمال خود بیمناک باشید و گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش عمل شما را می بیند ⁽¹⁸¹⁾ (همین است ، و حضرت با خواندن این آیه تا اینجا سکوت فرمود.

حدیث:

- 886 عن الوشاء قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : ان الاعمال تعرض على رسول الله صلى الله عليه و آله ابرارها و فجارها.

ترجمه:

- 886 وشاء گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که فرمود :همانا اعمال بر رسول خدا صل الله عليه و آله عرضه می شود چه اعمال نیکوکاران و چه اعمال نابکاران.

حدیث:

- 887 عن يعقوب بن شعيب قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل (اعملوا فسيرى الله عملکم و رسوله و المومنون) قال : هم الائمه عليه السلام.

ترجمه:

- 887 يعقوب بن شعيب گوید: از امام صادق عليه السلام درباره این آیه که می فرماید) :عمل کنید به زودی خداوند و رسولش و مومنان عمل شما را خواهند دید ⁽¹⁸²⁾ (پرسیدم که مراد از مومنان کیانند؟ فرمود: آنان ائمه عليه السلام هستند.

حدیث:

- 888 عن سماعه عن ابی عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : ما لكم تسوءون رسول الله صلى الله عليه و آله ؟ فقال له رجل : كيف نسووه ؟ فقال : اما تعلمون ان اعمالکم تعرض عليه فاذا رای فيها معصيه ساءه ذلك فلا تسوءوا رسول الله صلى الله عليه و آله و سروه.

ترجمه:

- 888 سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: شما را چه شده است که رسول خدا صل الله علیه و آله را اندوهگین می سازید؟ مردی به حضرت عرض کرد: چگونه رسول الله را اندوهگین می کنیم؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانید که اعمال شما بر او عرضه می شود؟ پس هرگاه در اعمال شما گناهی مشاهده کند اندوهگینش می سازد، پس رسول خدا صل الله علیه و آله را غمگین نسازید و او را (با اعمال خوب خود) خوشحال بگردانید.

حدیث:

- 889 عن عبدالله بن ابان الزیات و کان مکینا عند الرضا علیه السلام قال : قلت للرضا علیه السلام : ادع الله لی و لاهل بیتی فقال : او لست افعل ؟ ان اعمالکم لتعرض علی فی کل یوم و لیلہ قال : فاستعظمت ذلك فقال لی : اما تقرا کتاب الله عزوجل (و قل اعملوا فیسیری الله عملکم و رسوله و المومنون) قال هو و الله علی بن ابی طالب علیه السلام.

ترجمه:

- 889 عبدالله بن ابان روغن فروش که در نزد امام رضا علیه السلام صاحب مقام و منزلتی بود گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خدای را برای من و خانواده ام بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: آیا چنین کاری نمی کنم؟! همانا اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود. عبدالله گوید: این سخن امام را بزرگ شمردم (و در نزد من امری عظیم جلوه کرد) پس حضرت فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: و بگو عمل کنید که زود باشد که خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را ببینند⁽¹⁸³⁾ (به خدا سوگند که مراد از مومنان در این آیه علی بن ابی طالب علیه السلام و (ائمہ طاهرین) هستند.

حدیث:

- 890 عن ابی جعفر علیه السلام انه ذکر هذه الایه فیسیری الله عملکم و رسوله و المومنون قال : هو و الله علی بن ابن ابی طالب علیه السلام.

ترجمه:

- 890 امام باقر علیه السلام این آیه را ذکر نمود و فرمود: سوگند به خدا که مراد از (مومنون) علی بن ابی طالب علیه السلام (و امامان پس از ایشان) است.

حدیث:

- 891 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : حیاتی خیر لکم و مماتی خیر لکم الی ان قال و اما مفارقتی ایاکم فان اعمالکم تعرض علی کل یوم فما کان من حسن استزدت الله لکم و ما کان من قبیح استغفرت الله لکم . (الحديث)

ترجمه:

- 891 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صل الله علیه و آله فرموده است: زندگانی و

مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است - تا آنجا که فرمود: - اما اینکه جدایی من از شما برایتان مایه خیر است زیرا اعمال شما هر روز بر من عرضه می شود پس آن اعمالتان که نیکوست از خداوند برای شما طلب زیادتى آنها را می نمایم و برای آن اعمالی از شما که زشت است از خداوند طلب آمرزش می کنم.

حدیث:

- 892 و روی ان اعمال العباد تعرض على رسول الله صلى الله عليه و آله و على الائمة عليه السلام كل يوم ابرارها و فجارها فاحذروا و ذلك قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون).

ترجمه:

- 892 و روایت شده است که : اعمال بندگان در هر روز بر رسول خدا صل الله عليه و آله و ائمه عليه السلام عرضه می شود اعمال نیکو کاران و ناپکاران ، پس بترسید و این روایت معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید) : و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را خواهند دید⁽¹⁸⁴⁾.

حدیث:

- 893 عن ابی بصیر قال قلت لابی عبدالله عليه السلام : ان ابا الخطاب كان يقول : ان رسول الله صلى الله عليه و آله تعرض عليه اعمال امته كل خميس فقال ابو عبدالله عليه السلام : ليس هكذا و لكن رسول الله صلى الله عليه و آله تعرض عليه اعمال امته كل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون) و سكت قال ابوبصير: انما عنى الائمة عليه السلام.

ترجمه:

- 893 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : همانا ابا الخطاب می گوید که : بر رسول خدا صل الله عليه و آله اعمال امتش در هر روز پنج شنبه عرضه می شود، امام صادق علیه السلام فرمود: چنین نیست بلکه اعمال امت پیامبر اکرم صل الله عليه و آله چه نیکوکاران و چه بدکاران در هر صبحگاه بر ایشان عرضه می گردد و معنای گفتار خدای عزوجل نیز همین است که می فرماید) : و بگو عمل کنید که زود باشد عمل شما را خدا و رسول او و مومنان ببینند⁽¹⁸⁵⁾ (و حضرت صادق علیه السلام سکوت فرمود. ابوبصیر گوید: همانا از مومنون) ائمه علیه السلام را قصد کرده است .

حدیث:

- 894 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : حياتى خير لكم و مماتى خير لكم اما حياتى فتحدثونى و احداثكم و اما موتى فتعرض على اعمالكم عشية الاثنين و الخميس فما كان من عمل صالح حمدت الله عليه و ما كان من عمل سىي استغفرت الله لكم.

ترجمه:

- 894 رسول خدا صل الله عليه و آله فرمود: زندگی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است ، اما خیر زندگی ام برای شما این است که با من سخن می گوئید و من نیز با شما سخن می گویم (و دینتان را از من می آموزید) و اما خیری که در مرگ من برای شماست این است که اعمال شما غروب دوشنبه و پنج شنبه بر من عرضه می شود پس بر عمل شایسته شما خدای را سپاس می گویم و از عمل ناشایست شما برایتان از خداوند طلب مغفرت می نمایم.

حدیث:

- 895 و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ضمن لی ما بین لحييه و ما بین رجلیه ضمانت له الجنة.

ترجمه:

- 895 رسول خدا صل الله عليه و آله فرمود: هر کس برای من ضمانت ما بین دو فك خود (یعنی دهان) خود و ما بین دو پای خود (یعنی فرج خود) را کند من نیز ضامن بهشت او خواهم بود .

حدیث:

- 896 و عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علي بن الحسين عليه السلام قال : ان اعمال هذه الامه ما من صباح الا و تعرض على الله تعالى.

ترجمه:

- 896 امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : امام سجاد عليه السلام فرمود: به راستی که هیچ صبحی نیست جز اینکه اعمال این امت بر خداوند تعالی عرضه می شود.

حدیث:

- 897 عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله و هو فی نفر من الصحابه : ان مقامی بین اظهرکم خیر لکم و ان مفارقتی ایاکم خیر لکم الی ان قال : اما مقامی بین اظهرکم خیر لکم فان الله يقول (و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون) یعنی يعذبهم بالسيف و اما مفارقتی ایاکم خیر لکم فان اعمالکم تعرض علی کل اثنين و خمیس فما كان من حسن حمدت الله عليه و ما كان من سیی استغفرت لکم.

ترجمه:

- 897 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صل الله عليه و آله در حالی که در میان چند تن از اصحابش بود فرمود: به راستی که اقامت من در بین شما برایتان مایه خیر است و جدا شدن من نیز از شما خیر شما را در بر دارد. اما (اینکه گفتم) اقامتم در بین شما مایه خیر شماست ، زیرا خداوند می فرماید : خداوند آنان را تا زمانی که تو در بین آنان هستی عذاب

نمی کند و خداوند تا زمانی که آنان استغفار می کنند آنان را به عذاب نمی رساند (186) یعنی آنها را با شمشیر (جنگ و خونریزی) عذاب می کند (نه اینکه مانند اقوام گذشته بر آنان عذاب بفرستد) و اما (اینکه گفتم) جدایی من از شما موجب خیر برای شماست، زیرا عملهای شما هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود پس هر عملی از عملهای شما نیکو باشد خدای را بر آن سپاس می گویم و هر عملی بد باشد برای شما درباره آن از خداوند طلب مغفرت می کنم.

حدیث:

- 898 عن ابن اذینه قال : كنت عند ابي عبدالله عليه السلام فقلت له : قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون) قال : ايانا عنى.

ترجمه:

- 898 ابن اذینه گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که به ایشان عرض کردم: (مراد از مومنون در) گفتار خدای عزوجل (چیست؟) که می فرماید: و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند (187) حضرت فرمود: مراد از مومنون ماییم و خداوند ما را قصد کرده است.

حدیث:

- 899 عن داود بن كثير الرقي قال : كنت جالسا عند ابي عبدالله عليه السلام اذ قال مبتدئا من قبل نفسه : يا داود لقد عرضت على اعمالكم يوم الخميس فرايت فيما عرض على من عملك صلتك لابن عمك فلان فسرني ذلك انى علمت ان صلتك له اسرع لفناء عمره و قطع اجله قال داود: و كان لى ابن عم معاندا ناصبيا خبيثا بلغنى عنه و عن عياله سوء حال فصكت له نفقه قبل خروجى الى مكة فلما صرت فى المدينة اخبرنى ابو عبدالله عليه السلام بذلك.

ترجمه:

- 899 داود بن كثير رقی گوید: در نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که ناگهان ایشان بدون مقدمه و از جانب خود آغاز سخن نمود و فرمود: ای داود! در روز پنجشنبه عملهای شما بر من عرضه می شود و من در بین اعمال تو که بر من عرضه شد دیدم که صله و رابطه با پسر عمویت را به جا آوردی و این کار تو مرا خوشحال کرد و من دانستم که این عمل تو عمر او را زودتر و سریعتر فانی می سازد و مرگش را فرا می رساند. داود گوید: من پسر عمویی داشتم که با اهل بیت علیه السلام دشمنی داشت و فرد خبیثی بود و به من خبر رسیده بود که او و خانواده اش در وضعیت بدی به سر می برند و من پیش از بیرون آمدن به سوی مکه هزینه ای برای زندگی آنان قرار دادم و زمانی که به مدینه بازگشتم امام صادق علیه السلام مرا از عمل خودم خبردار ساخت.

حدیث:

- 900 على بن موسى بن طاووس فى رساله محاسبه النفس قال : رایت و رویت فى عده

روایات متفقات ان یوم الاثنین و یوم الخمیس تعرض فیهما الاعمال علی الله و علی رسوله و علی الائمه علیه السلام.

ترجمه:

- 900 ابن طاوس در رساله محاسبه النفس (گوید: در عده ای از روایات موافق با هم دیده ام و برایم روایت شده است که در روز دوشنبه و پنج شنبه اعمال مردمان بر خداوند و رسولش و ائمه علیه السلام عرضه می شود .

حدیث:

- 901 عن احمد بن عمر عن ابی الحسن علیه السلام قال : سئل عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیرى الله عملکم و رسوله و المومنون) قال : ان اعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا.

ترجمه:

- 901 احمد بن عمر روایت کدن که از حضرت رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند⁽¹⁸⁸⁾ حضرت فرمود: به راستی که اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه بدکاران هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود پس بترسید و بر حذر باشید.

حدیث:

- 902 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اعمال العباد تعرض علی نبیکم کل عشیة خمیس فلیستحی احدکم ان یعرض علی نبیه العمل القبیح.

ترجمه:

- 902 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که اعمال بندگان هر شامگاه پنج شنبه بر پیامبر شما عرضه می شود پس هر کس از شما از اینکه بر پیامبرش عمل زشتی از او عرضه شود باید شرم داشته باشد.

حدیث:

- 903 عن حفص بن البختری و غیر واحد قال : تعرض الاعمال یوم الخمیس علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الائمه علیه السلام.

ترجمه:

- 903 از حفص بن بختری و عده ای دیگر از راویان روایت است که : اعمال در روز پنج شنبه بر رسول خدا صل الله علیه و آله و ائمه علیه السلام عرضه می شود.

حدیث:

- 904 عن برید العجلی قال : کنت عند ابی عبدالله علیه السلام فسالته عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیرى الله عملکم و رسوله و المومنون) قال : ایانا عنی.

ترجمه:

- 904 برید عجلای گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که از ایشان درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید: عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را می بینند ⁽¹⁸⁹⁾ (حضرت فرمود: خداوند در این آیه از) مومنون (ما را اراده کرده است.

حدیث:

- 905 عن ابی عبدالله علیه السلام قال فی قوله تعالی اعملوا فیسری الله عملکم و رسولہ و المومنون قال : هم الائمہ علیہ السلام.

ترجمه:

- 905 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: عمل کنید که زود باشد خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را ببینند ⁽¹⁹⁰⁾ (فرمود: مراد از) مومنون (ائمه علیہ السلام می باشند.

حدیث:

- 906 عن برید العجلی قال : قلت لابی جعفر علیہ السلام اعملوا فیسری الله عملکم و رسولہ و المومنون) فقال : ما من مومن یموت و لا کافر فیوضع فی قبره حتی یعرض عملہ علی رسول الله صلی الله علیہ و آله و علی علی و هلم جرا الی آخر من فرض الله طاعته علی العباد.

ترجمه:

- 906 برید عجلای گوید: برای امام باقر علیه السلام این آیه را خواندم که: عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش و مومنین عمل شما را می بینند ⁽¹⁹¹⁾ (حضرت فرمود: هیچ مومن و کافری نیست که بمیرد و در قبرش نهاده شود مگر اینکه عملش بر رسول خدا صل الله علیه و آله و بر علی علیه السلام و همینطور تا آخر بر همه آنانی که خداوند طاعت آنان را بر بندگان واجب ساخته است عرضه می شود.

حدیث:

- 907 عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیہ السلام : یقول الله عزوجل (و قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسولہ و المومنون) ما المومنون ؟ قال : من عسی ان یکون الا صاحبک ؟

ترجمه:

- 907 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند ⁽¹⁹²⁾ (مراد از مومنان چه کسانی است؟ حضرت فرمود: چه کسی جز همین همدم تو امید آن می رود که مقصود از) مومنون (باشد؟ (یعنی مراد از مومنون ما اهل بیت پیامبر هستیم).

حدیث:

- 908 عن عبدالله بن ابان قال : قلت للرضا عليه السلام : ادع الله لي و لمواليك فقال : و الله اني لاعرض اعمالهم على الله في كل خميس.

ترجمه:

- 908 عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم : خداوند را برای من و دوستانانت بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: به خا سوگند که من اعمال شما را در هر پنج شنبه به پیشگاه خداوند عرضه می کنم .

حدیث:

- 909 عن عبدالله بن ابان قال : قلت للرضا عليه السلام ان قوما من مواليك سالوني ان تدعوا الله لهم فقال و الله اني لاعرض اعمالهم على الله في كل يوم.
(ثم كتاب الجهاد بقلم مولفه محمد الحر)

ترجمه:

- 909 عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم : همانا گروهی از دوستان شما از من درخواست نموده اند که (به شما عرض کنم) برای آنان در درگاه خداوند دعا کنی ، حضرت فرمود: به خدا سوگند که من در هر روز اعمال آنها را بر خداوند عرضه می کنم.